

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی

از دیدگاه امام خمینی (س)

تبیان
آثار موضوعی
دفتر سی و ششم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	مقدمه.....
۱.....	بخش اول: تحول در نظام اجتماعی.....
۳.....	فصل اول: زمینه‌ها و علل تغییر و تحول.....
۴۵.....	فصل دوم: راهها و روشهای تغییر.....
۸۵.....	فصل سوم: شروط لازم در روند انقلاب و تحولات.....
۱۰۹.....	فصل چهارم: اهداف.....
۱۳۹.....	فصل پنجم: عوامل تأثیرگذار (کارگزاران تغییر).....
۱۶۵.....	فصل ششم: عوامل تأثیرپذیر (تغییرکننده‌ها).....
۱۹۵.....	بخش دوم: انقلاب اسلامی ایران.....
۱۹۷.....	فصل اول: ویژگی و ماهیت انقلاب.....
۲۲۷.....	فصل دوم: عوامل پیروزی.....
۲۴۱.....	فصل سوم: آثار و نتایج انقلاب.....
۲۶۵.....	فصل چهارم: آفتهای انقلاب.....

۲۸۵	فهارس
۲۸۷	فهرست تفصیلی
۳۱۱	فهرست مآخذ
۳۴۱	فهرست منابع

مقدمه

حرکتهای بزرگ تاریخی بیش از هر چیز مدیون شخصیت‌های برجسته‌ای است که با نفوذ خود بر افکار و اندیشه‌های ملتها تحولات عمیقی را در جامعه بشری ایجاد کرده‌اند. آنان همچون انبیای عظام و اولیای الهی علاوه بر پایه‌گذاری تحولات و نهضت‌های فرهنگی شخصاً برای تغییر وضع موجود و جایگزینی نظام مطلوب وارد میدان شده و ماندگارترین تحولات اجتماعی را آفریده‌اند. پدیده انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی (س) نیز از همین منظر قابل شناسایی است، چه این انقلاب با رهبری منحصر به فرد خود توانست مبدأ تحولات بنیادین در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت ایران و سرآغاز بسیاری از جنبشها و حرکتهای تحول‌زا در جوامع اسلامی شود.

مجموعه حاضر با نگاهی جدید به نظریه‌های انقلاب که با بسیاری از نظریات اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی جهان تفاوت دارد، به بررسی ویژگیهای نگرش امام (س) در خصوص انقلاب و تغییر و تحول اجتماعی پرداخته است تا از این رهگذر چراغی فراروی دانش‌پژوهان اندیشه‌های جامعه‌شناختی آن حضرت قرار دهد.

از آنجا که تحول اجتماعی مجموعه‌ای از تغییرها در عملکردهای یک جامعه محسوب می‌شود - که جز از منظری رفیع قابل مشاهده نیست - دگرگونی جوامع بطور عمده با مفهوم تغییر اجتماعی، که لزوماً یک پدیده جمعی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تغییر اجتماعی، شرایط و شکل زندگی یا زمینه فکری و روحی بخش وسیعی از

ب □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

یک جامعه را دگرگون می‌سازد؛ به طوری که می‌توان بین چند مقطع زمانی، مجموعه تغییرات یا نتایج آنها را مشخص نمود. بر همین اساس کوهن^(۱) در کتاب خود دگرگونیهای حاصل شده از فرآیند انقلاب را در تغییر ترکیب طبقاتی نخبگان، نهادهای سیاسی و دگرگون شدن وظایف و ساختار اجتماعی آنها دانسته است.

از مجموعه آرا و سیره عملی امام خمینی (س) در خصوص فرآیند انقلاب و دگرگونیهای آن چنین استنباط می‌شود که ایشان ضمن توجه به موارد مزبور به عنصر دگرگونی ارزشها بسیار اهمیت می‌دهند و برای آن جایگاهی ویژه قائلند. اما نظر به اینکه نقطه کانونی هر انقلاب تغییر نظام سیاسی و نخبگان حاکم است، ابتدا به موضع امام در این زمینه می‌پردازیم.

امام (س) با حکومت و نظام سیاسی زمان خود به عنوان غاصب قدرت مخالف بود و خواستار بازگشت قدرت به نخبگان مؤمن و معتقد جامعه اسلامی از طریق تغییر نظام سیاسی گردید. وی با اعلام این که سلطنت خلاف اسلام است، فصلی تازه در تاریخ سیاسی اسلام گشود و بر اساس اصل «اعتقاد به توحید» ضمن نفی اطاعت و تسلیم در برابر غیرخدا، اصل آزادی بشر را نیز به دیگران آموخت.

از منظر امام (س) نوع نظام سیاسی و نخبگان حاکم از عوامل مهم و اصلی اصلاح و افساد یک جامعه است که با توجه به قدرت و توانمندی اسلام و حکومت اسلامی در به سعادت رسانیدن جوامع انسانی، اداره امور و مقدرات آن، تحقق عدالت اجتماعی و نفی مظاهر ظلم و فساد، همه مسلمانان را به کسب قدرت سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی دعوت می‌کند.

در اندیشه امام، براندازی رژیم موجود و تأسیس رژیم مطلوب از اهداف اولیه انقلاب به حساب می‌آید؛ اما خود در مراحل بعدی و سیله‌ای برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه در جهت اصلاح امور فردی و اجتماعی، بازیافتن استقلال روحی و آزادی در جامعه و ایجاد جامعه‌ای سالم، مستقل و عادل که به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر دیانت اسلام می‌باشد.

۱. کوهن، آلوین استانفورد؛ تئوریهای انقلاب؛ ترجمه علیرضا طیب؛ تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹.

مقدمه □ ج

در اندیشه امام(س)، ریشه‌کن نمودن معیارهای غیرالهی و ایجاد تحولی بنیادین در جهت حاکمیت ارزشهای الهی فقط با یک حرکت فرهنگی اصیل و فراگیر امکانپذیر است. انقلاب اسلامی ایران با رهبری منحصر به فرد و با پشتوانه محکم دینی و اعتقادی و آرمانهای اسلامی خود به صحنه آمد و بر مبنای مفاهیم و روشهایی تازه و متفاوت از حوزه تمدن غرب عمل کرد و با ایجاد دگرگونی و تغییر اساسی در افکار و عقاید و ارزشهای انسانی منشأ تغییرات و تحولات دامنهدار در داخل و خارج کشور شد. بر این اساس می‌توان یکی از مهمترین شاخصهای شناخت نهضت امام خمینی را حرکت معنوی جامعه به سوی آرمانهای متعالی اسلام دانست.

حضرت امام(س) تدبیر، اراده و خواست خداوند متعال را شرط اصلی و کلیدی هر تغییر و تحولی می‌دانست و وجود شرایط و زمینه‌های اجتماعی مناسب و فعالان انسانی و... را اسباب و موجبات زمینی و مادی تحقق و خواست و اراده خدا محسوب می‌کرد. وابستگی به اجانب و بیگانگان، مخالفت با اسلام، ظلم، فساد، شکاف عمیق بین دستگاه حاکمیت و توده مردم و ایجاد ذهنیت و باور عمومی نسبت به وضع موجود و مطلوب از جمله این شرایط و زمینه‌هایی است که حضرت امام به نحوی در بیانات و آثار خود به آنها اشاره نموده است.

نکته قابل توجهی که از مجموعه آرا و سیره عملی حضرت امام(س) دریافت می‌شود، این است که ایشان علاوه بر تغییر رژیم سیاسی به تغییرات بنیادین ساختارها، نهادها و ارزشها در فرآیند انقلاب معتقد بوده است؛ اما ضمن اتخاذ موضع مثبت در قبال تغییرات اجتماعی، شیوه اعمال آن را بر حسب زمان و شرایط، تغییر داده است.

از دیدگاه امام(س) شیوه‌ها و روشهای تغییر (انقلاب)، شیوه‌های مسالمت‌آمیزی همچون افشاگری، تبلیغات، تظاهرات و اعتصابات است که معمولاً در جوامع دموکراتیک نیز به لحاظ ثبات و استقرار نهادهای جامعه مدنی و تبعیت قدرت سیاسی از اراده مردم، صورت می‌گیرد؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایشان حرکتهای مسلحانه و کاربرد زور و خشونت را عنصر اجتناب‌ناپذیر در فرآیند انقلاب نمی‌داند؛ اما در صورت ضرورت کاربرد آن را نیز نفی نمی‌کند، به طوری که به نحوی شایسته در آغاز انقلاب با

د □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

نفوذ معنوی خود، ارتش و نیروهای مسلح را به پیوستن به مردم انقلابی دعوت کردند که مؤثر نیز واقع شد.

امام با درک صحیح از روح و جوهر دین ضمن اشاره به یکی از وظایف دینی چنین می‌فرماید:

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوسها و شهوت‌ها نموده‌اند چه باید کرد.^(۱)

به طور کلی از مجموعه فرموده‌ها و سیره عملی حضرت امام(س) در زمینه تغییرات و تحولات اجتماعی چنین استنباط می‌شود که ایشان بیش از هر چیز به آگاهی و بیداری مردم مسلمان اهمیت می‌داد. افشاگری نسبت به مفاسد و مظالم، وابستگی به بیگانگان، مخالفت رژیم با اسلام و همچنین ترسیم موضع اسلام و ترویج نظریه حکومت اسلامی از جمله کارهای فرهنگی - سیاسی می‌باشد که بیش از هر اقدامی بدان توجه داشت. ایشان از توده مردم؛ یعنی قشرهای متوسط به پایین، قشرهای مؤمن به آرمانها، اعتقادات و شعارهای انقلاب، به عنوان یکی از مهمترین عاملان فعال در انقلاب یاد می‌کند؛ اما این نکته را نیز خاطر نشان می‌سازد که آگاهی، بیداری و ایجاد ذهنیت و باور عمومی باید توسط قشر آگاه جامعه، روحانی و دانشگاهی، نخبگان مذهبی و سیاسی انجام گیرد. بر همین اساس جنبش اجتماعی در ایران به طور عمده به رهبری علمای دینی بر ضد اعطای امتیازهای متعدد به بیگانگان و همچنین علیه برخی مظاهر نوین خلاف یا ضد دین، صورت گرفت که هر یک بطور غیرمستقیم به صورت زمینه‌های تاریخی و الهام‌بخش بر پیدایش انقلاب اسلامی تأثیر گذاشتند. مردم ایران که خواهان حقانیت، مشروعیت و آزاداندیشی بودند با تغییر محیط اجتماعی خود که به نصرت خدا و امدادهای غیبی و وحدت بین نخبگان حوزه و دانشگاه صورت گرفت خود را از

ارزشهای منحط و فرهنگهای وارداتی و مصرفی نجات دادند.

ویژگیهای این مجموعه

۱. در تنظیم این مجموعه کوشیده شده است عبارتها با توجه به پیام صریح و اصلیشان در ذیل نزدیکترین عنوان آورده و تا حد امکان از تکرار در ذیل دیگر عنوانها خودداری شود؛ بنابراین برای دسترسی به کلیه دیدگاههای امام درباره یک موضوع نمیتوان تنها به موارد مذکور زیر همان عنوان اکتفا نمود، لذا مراجعه به دیگر عناوین مجموعه اجتنابناپذیر است.

۲. از آنجا که ترتیب و تفکیک موضوعهای این مجموعه توسط حضرت امام(س) صورت نگرفته است؛ جمعآوری و تنظیم آنها به صورت فعلی ناچار کاستیهایی اجتنابناپذیر دارد.

۳. در تنظیم قطعات منتخب داخل هر یک از فصول، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها ملاک بوده است، نه توالی منطقی مطالب در این خصوص، قطعات منتخب از وصیتنامه بر اساس تاریخ قرائت آن تنظیم یافته است.

۴. تاریخ صدور پیامها و سخنرانیهای حضرت امام که از صحیفه امام و دیگر آثار ایشان اخذ گردیده است، در ذیل هر قطعه ذکر و مشخصات کامل مآخذ بر اساس شماره مسلسل در انتهای کتاب آورده شده است که راهنمایی مناسب نیز برای محققان و مخاطبان می باشد.

در پایان لازم است از تلاشهای بی شائبه کلیه افرادی که ما را در تنظیم و تدوین این مجموعه یاری داده اند سپاسگزاری نماییم.

گروه اجتماعی

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(س)

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ* يك واقعتی است، و دستوری. واقعت به این معنا که تغییراتی که در یک ملتی، یک قومی، حاصل بشود، این منشأ یک تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسمی می شود. و دستور است به اینکه تغییراتی که شما می دهید تغییراتی باشد که آن تغییرات دنبالش یک تغییراتی به نفع شما باشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۱۲۸

بخش اول

تحول در نظام اجتماعی

(نظام شاهنشاهی)

- فصل اول: زمینه‌ها و علل تغییر و تحول
- فصل دوم: راهها و روشهای تغییر
- فصل سوم: شروط لازم در روند انقلاب و تحولات
- فصل چهارم: اهداف
- فصل پنجم: عوامل تأثیرگذار (کارگزاران تغییر)
- فصل ششم: عوامل تأثیرپذیر (تغییرکننده‌ها)

فصل اول

زمینه‌ها و علل تغییر و تحول

الف) آسیبهای موجود در جامعه

اکنون یک چشم مسلمین بر دنیای خود، و چشم دیگرشان بر دین خود گریان است. و حکومت چند ماهه شما با کارهایی که می‌کنید اقتصاد، زراعت، صنعت، فرهنگ، و دیانت مملکت را به خطر انداخته، و مملکت از هر جهت در سُرف سقوط است. (۱)

۴۲/۱/۱۳

* * *

ما متأسفیم، خیلی متأسفیم از وضع ایران، از وضع این مملکت خراب، از وضع این هیأت دولت، از وضع این وضعیتها، از همه اینها متأسفیم. (۲)

۴۲/۳/۱۳

* * *

غافل از آن نکته اتکایی که همه مسلمین داشتند. افسوس! افسوس! که این نکته - نقطه - اتکا را از مسلمین گرفتند و دارند می‌گیرند، و نمی‌دانم به کجا خواهد منتهی شد. همین نژادبازی که

به خطر افتادن دین
و دنیا

تأسف از وضع
خراب مملکت

تفرقه و
تبعیض نژادی

اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید، و مابین سیاه و مابین سفید، مابین ترک و مابین عجم، ما بین عرب و مابین غیر عرب هیچ فرقی نگذاشت، و فقط میزان را تقوا، میزان را از خدا ترسیدن، تقوای واقعی، تقوای سیاسی، تقوای مادی، تقوای معنوی، میزان را اینطور قرار داد **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ**.^(۱) (۳)

۴۳/۶/۱۸

* * *

قانونی^(۲) در مجلس بردند؛ در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین؛ و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین [تا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی امریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند! اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز امریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود امریکا! آنجا در امریکا اربابها تکلیف را معین کنند!

دولت سابق^(۳) این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر^(۴) این تصویبنامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند، و باز نفسشان در نیامد.

پیامدهای سوء
تصویب لایحه
ننگین
کاپیتولاسیون

۱. حجرات / ۱۳.

۲. منظور، لایحه کاپیتولاسیون است.

۳. دولت اسدالله علم.

۴. دولت حسنعلی منصور.

تحول در نظام اجتماعی □ ۵

در این چند روز، این تصویبنامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلای آنجا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند لکن مطلب را گذراندند؛ با کمال وقاحت گذراندند! دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد! (۴)

۴۳/۸/۴

* * *

اگر دولت اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم امریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ‌بازیهای شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند. دوری دولت اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت‌بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانه استعمار چپ و راست قرار داده است. (۵)

۵۱/۵/۱۷

* * *

پنجه‌های خبیث استعمار تا اعماق کشورهای اسلامی فرو رفته و با تمام قوا و وسایل ممکنه به توسط ایادی خود کوشش دارد تفرقه در بین مسلمین و سران ممالک اسلامی ایجاد کند و با وسایل گوناگون آنها را از تمسک به اسلام و قرآن باز دارد؛ تا بادل راحت به اهداف غیر انسانی خود - که بهره‌برداری از طبقه محروم است -

دوری از تعالیم
نورانی و
رهایی‌بخش قرآن
کریم

بسیج استعمار در
ایجاد تفرقه

برسد. عصری که استعمار با گماشتن اذنان خود در گوشه و کنار ممالک اسلامی به اسمهای مختلف و عناوین فریبنده - و احیاناً به اسم اسلام - فرهنگ قرآن را عقب زده و راه را هر چه بیشتر برای بهره‌برداری خود باز می‌کند. (۶)

۵۱/۷/۱۹

* * *

ما پیش از هر کار لازم است تکلیف خود را با روحانی نماها - که امروز از خطرناکترین دشمن [ها] برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شوند و به دست آنها نقشه‌های شوم دشمنان دیرینه اسلام و دست‌نشانندگان استعمار پیاده و اجرا می‌گردد - روشن سازیم و دست آنان را از حوزه‌های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم. (۷)

خطر روحانی نماها

۵۱/۱۲/۲۴

* * *

شما وقتی که اوضاع مملکت خودمان را ملاحظه می‌کنید، اینها یک جوری درست کرده‌اند که الآن شکاف مابین دولت و ملت جوری است که اگر یک وقت ان شاء الله ساقط بشود این دولت، همه چراغان خواهند کرد. (۸)

شکاف بین دولت و ملت

۵۶/۷/۶

* * *

تحول در نظام اجتماعی □ ۷

فرهنگ ما یک فرهنگ استعماری است، فرهنگ ما در دست
صُلحا نیست، صالح اداره اش نمی‌کند. (۹)

اواخر دی ۵۶

* * *

چه بروی چه نروی تو^(۱) دیگر رفتنی هستی بیچاره. و خودت این
کار را کردی، ما این کار را نکردیم، ملت این کار را نکرده. تو این
کار [را کردی]، اساس را تو درست کردی. اگر یک حکومت
صحیح بود، یک قدرت صحیح بود، و یک مُجری قدرت صحیح
بود و دلسوز ملت بود، اسلامی بود، ممکن بود این مسائل پیش
بیاید؟ ممکن بود تظاهری بر خلافش بشود؟ امکان نداشت یک
همچو چیزی. پس اینکه می‌بینید که همه یکدل و یکجهت تظاهر
بر ضد تو می‌کنند، بدان که زیر سر خودت است این مسائل، تو این
کارها را کردی. (۱۰)

۵۷/۲/۲۳

* * *

و این فسادی که در ایران پیدا شده است که همه فسادها زیر سر
رژیم شاهنشاهی بود در تاریخ، از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا
شده است تا حالا که ما مشاهده می‌کنیم، هر چه مفسده بوده
است، رژیم شاهنشاهی این مفاسد را ایجاد کرده. (۱۱)

۵۷/۷/۱۷

* * *

فرهنگ استعماری

عملکرد سوء شاه

مفاسد رژیم
شاهنشاهی

فرهنگ ما هم که برایش خطر قائل بودند، فرهنگ ما را هم در تحت قبضه گرفتند. یک فرهنگ استعماری درست کردند، نه یک فرهنگ استقلالی. الآن هم یک فرهنگ مستقلی که برنامه‌اش را خود عقّالی قوم ریخته باشند، نیست. (۱۲)

وابستگی فرهنگی

۵۷/۷/۲۳

* * *

الآن انسان می‌بیند که در خارج از ایران و گاهی هم در داخل بعضی افراد پیدا می‌شوند که اینها همان انحرافات است که آنها دستی^(۱) درست کرده‌اند، نه اینکه یک مکتبی باشد، این مکاتبی که عرضه داشته‌اند به جوانهای ما، نه اینکه یک مکتبی باشد، مکتبی علمی یا یک مکتب سیاسی باشد به آن معنایی که مکتب حقیقی سیاسی، بلکه یک مکتبهای درست کردنی، یک مکتبهایی که درست کردند و دامن به آن زدند؛ برای اینکه مردم را منحرف کنند از اسلام. (۱۳)

انحراف مردم از
اسلام توسط
مکتبهای ساختگی

۵۷/۷/۳۰

* * *

قدرتهای بزرگ برای اینکه ایران را نگذارند با هم [متحد] بشوند، یک حزب درست کرده اسمش را این گذاشته، یک حزب درست کرده اسمش را آن گذاشته؛ این حزب با آن دشمن است، آن حزب با این دشمن است. احزاب در بطن این جامعه درست کرده‌اند، جبهه‌های مختلف درست کرده‌اند، و این احزاب و جبهه‌های مختلف هم، اینطور نیست که آن کار خودش را بکند و راه خودش

احزاب و
اختلافات

تحول در نظام اجتماعی □ ۹

را برود به آن کار نداشته باشد؛ آن هم کار خودش را بکند به این کار [نداشته باشد]؛ نخیر، با هم مختلفند، با هم مخالفند. یک راه استفاده غرب از ما و استفاده امریکا و شوروی از مخازن و ممالک ماها همین معناست که در بطن خود یک جامعه که باید برای خودش یک حسابی داشته باشد و یک پیشرفتی بکند، در همان بطن جامعه از طریقهای مختلف، اختلافات درست می‌کنند. اختلاف مسلکهای مختلف عرض می‌کنم که جنگ تُرک و فارس، جنگ گُرد و مثلاً غیرگُرد، جنگ مثلاً فرض بفرمایید بلوچ و غیربلوچ، از این مسائل درست می‌کنند، می‌تراشند. یک مملکتی که باید همه آن با هم مجتمع بشود هر کدام را به یک راهی می‌برند؛ یعنی نقشه‌ها می‌برد اینها را به این راههای مختلف، و به واسطه همین اختلافاتی که در بطن خود جامعه است نمی‌گذارند این جامعه رو به ترقی خودش برود. (۱۴)

۵۷/۸/۹

* * *

اصلاً از اول نقشه این بوده است. از زمان رضا شاه این نقشه‌ها بود که باید این ملت را عقب نگه داشت؛ باید این ملت را از دیانتش منفصل کرد. اینها می‌دانستند که این چیزی که اعتراض است و آن چیزی که محرک مردم و جامعه می‌تواند باشد قرآن کریم است و آنهایی که از قرآن متابعت می‌کنند. از زمان رضا شاه این مطلب پیش آمد که اسلام را و خدمتگزاران به اسلام را - هر دو را کوبید. (۱۵)

۵۷/۸/۱۷

* * *

نقشه
عقب نگه داشتن
ملت و جدایی از
دین

این رژیم و این حکومت حکومتی است که می‌خواهد که این جوانهای ما را فاسد کند؛ و این [که] مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادند برای این است که جوانها را از دانشگاهها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد. (۱۶)

۵۷/۸/۲۴

* * *

انقلاب ایران، در اثر مفاسدی است که در هیأت حاکمه وجود دارد. و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می‌دهد. و خرابیهایی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می‌گیرد. (۱۷)

۵۷/۸/۲۴

* * *

و البته الآن مشکلات ما خیلی زیاد است... مملکت ما را غارت کردند. همه آثار تمدن را اینها واژگونه در این مملکت پیاده کردند، با اسم «تمدن بزرگ» فرهنگ ما را عقب زدند، و به اسم «پیشرفت» کشاورزی ما را بکلی از بین بردند، و به اسم «آزادی» آزادیهای تمام مطبوعات ما و محال تبلیغاتی ما را مختنق کردند. و یک مملکت آشفته‌ای الآن به ارث به ما رسیده است که همه جای آن خراب است و باید از سر، از نو ساخت. (۱۸)

۵۷/۱۱/۲۸

* * *

ملت ما از همه آزادیها محروم بود. کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد - یک قیام اسلامی بزرگ. (۱۹)

۵۷/۱۲/۵

* * *

این پدر و پسر^(۱) خیانتها کرده‌اند که روی تاریخ را سیاه کرده است. این پدر و پسر جنایتهایی در ایران کرده‌اند که ما نمی‌توانیم عذر او، صد یک او را بیان کنیم. اینها ملت ما را به اسارت کشاندند؛ اینها خزاین ما را به یغما برده‌اند؛ اینها نیروی انسانی ما را از بین بردند. از همه مهمتر نیروی انسانی است. کوشش کردند که جوانهای ما را عقب نگه دارند، دانشگاههای ما را عقب نگه دارند، مدارس علمیه ما را نگذارند مشغول به کار خودشان باشند. (۲۰)

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

در زمان طاغوت، مردم شهربانی را، ارتش را، ژاندارمری را، دولت را، تا برسد به خود آن آدم، ضد خودشان می‌دیدند. اگر هم فرض کنیم یک شهربانی یا یک رئیس شهربانی بود که این موافق با ملت بود، نمی‌توانست عملی بکند که مردم از او احساس کنند که این موافق است، ولهذا خوب و بدش در نظر همه مردم بد بود؛ و آن پایگاهی که باید از آن اول تا آن آخر داشته باشد، در ملت آن پایگاه را از دست داد. وقتی بنا شد که پایگاه ملت از دست رفت، و نتوانستند هم جوری بکنند که دوباره اعاده‌اش بکنند، این است که

محرومیت از
آزادی و استقلال

خیانت و جنایت
در رژیم پهلوی

فقدان پایگاه ملی
عامل سقوط رژیم
شاه

۱. رضاشاه و محمدرضا پهلوی.

فرو می‌ریزد.

این الان برای شما و ما و همه قشرهای دولت و ملت، و خصوصاً قشرهایی که قوای انتظامی هستند، این باید یک سرمشق و یک الگو باشد که ببینیم که یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد، این قدرت نمی‌تواند بایستد سرپای خودش. (۲۱)

۵۸/۳/۶

* * *

اقتصاد ما را بکلی به هم زد،^(۱) و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد. اینکه مردم قیام کردند، برای اینکه همه چیزشان به باد رفت، و خسته شدند مردم. از این جهت، قیام کردند و این نهضت را بپا داشتند و این دستها را بریدند و قطع کردند از کشورشان. (۲۲)

۵۸/۴/۸

* * *

وقتی بنا شد که یک کشوری اینطور حالش شد که ملت علی‌حده شدند و دولت با همه بساطش هم علی‌حده، این دولت پشتیبان ندارد. ملت باید پشتیبان دولتها باشد. دولتی که پشتیبان ندارد شکست خواهد خورد. همه دولتهایی که در خارج شکست می‌خورند - و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلاً به هم خورد - برای همین بود که تفاهم مابین ملت و رژیم نبود. اگر ملت با رژیم تفاهم داشتند، این مسائل پیش نمی‌آمد. (۲۳)

۵۸/۴/۲۸

* * *

خستگی مردم از
وابستگی

عدم تفاهم بین
ملت و رژیم

۱. منظور، رژیم پهلوی است.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۳

همه چیز که خراب کردند، دانشگاهها و مراکز تحصیل بود. اینها از باب اینکه می‌ترسیدند که در دانشگاه، اشخاص صحیح تربیت بشود و مقابلشان بایستد، نمی‌گذاشتند که دانشگاهها آنطوری که باید مشغول کار بشوند. تحت نظر خودشان اداره می‌شد، و تحت نظر خودشان تعلیمات به آن قدری که مفید به خودشان بود فعالیتها هم به همان حد بود. و روی این اصل، نیروی انسانی ما را نگذاشتند که ترقی بکنند و رشد بکنند. و حالا که مجالی اگر بگذارند پیدا بشود، باید از سر شروع کنند. (۲۴)

۵۸/۸/۶

* * *

وابستگی به شرق و غرب توسط غربزدگان و شرقزدگان و به اصطلاح روشنفکران که از دانشگاهها برخاسته‌اند ولی چارچوب فکریشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است، به فرهنگ، دین و کشورمان صدمه‌های بیشمار زده‌اند. (۲۵)

۶۱/۷/۱

* * *

جوانهای ما را فاسد کرد، مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوانهای ما را به فساد کشاند. خود آنها عامل فروش هروئین و تریاک و مواد مخدره بودند، و تمام جوانهای ما را به فساد کشاندند.

کاری کردند که ملت ما به جان آمد. ملت ما توانش از بین رفت، و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند. (۲۶)

۶۲/۱۱/۱۸

عدم رشد و ترقی
نیروی انسانی در
مراکز تحصیل

ضررهای بیشمار
روشنفکران غریزه
و شرقزده

به جان آمدن ملت
از فساد

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطهٔ بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بروحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبههٔ کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایهٔ مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. (۲۷)

۶۷/۴/۲۹

* * *

ب) ظلم و اختناق

تا حالا دیدید شما^(۱) که با زجر، با کتک، با حبس، با شکنجه، با تبعید، با اهانت، با همهٔ این امور، بُردی نکردید؛ دیدید که ملت عصبانی می‌شود؛ نمی‌شود یک ملت را تا آخر زیر چکمه نگه داشت؛ این را دیدید؛ بیایید یک قدری تغییر بدهید. (۲۸)

۴۳/۱/۲۶

* * *

شما ای سربازان غیور ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - که به سربازخانه‌ها کشیده شده‌اید! با کمال شجاعت تعلیمات نظامی را تحکیم کنید؛ باشد که چون حضرت موسی (ع) که در آغوش فرعون بزرگ شد و اساس ظلم و جور او را در هم پیچید، شما هم

فرار از اسارت و

رهایی از بردگی

اختناق موجب

عصبانیت ملت

قطع ریشه‌های

فساد و ظلم

۱. منظور، محمدرضا شاه پهلوی است.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۵

روز مناسبی تحت دستور مقام صالحی بتوانید این دستهای خبیث را قطع، و این ریشه‌های فساد و ظلم را از بیخ و بن برآورید. (۲۹)
۵۱/۶/۲۰

* * *

طبیعی ساختمان بشری است که هرچه ستمکاری و ظلم و بی‌عدالتی در جامعه و ملتی اوج گیرد، به همان نسبت قوه مقاومت در ملت رشد می‌کند. شاهد زنده، اوضاع اخیر ایران است.

شاه با تمام دستگاه عریض پلیسی دست و پا می‌زند که ملت را سرکوب کند... تظاهرات بی‌سابقه مدارس دینی و دانشگاههای سراسر ایران - به حساب اعتراف شاه - برای بزرگداشت ۱۵ خرداد، که شاه را دچار هیجان و سرگیجه نمود، بروز رشد ملت و عکس‌العمل فشار و اختناق است. نزدیک شدن مدارس قدیم و دانشگاهها و پیوستن جبهه‌های قدیم و جدید و نیز پیوستن اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا و امریکا واکنش اوج بی‌فرهنگی و بی‌عدالتی دستگاه است. (۳۰)

۵۴/۶/۳۰

* * *

کشتار بی‌رحمانه قم، ایران را به هیجان در آورد و تبریز عزیز را به قیام همگانی مردانه در قبال ظلم و بیدادگری کشاند، و کشتار دسته‌جمعی تبریز، ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانه انفجار است. (۳۱)

۵۷/۱/۴

* * *

رابطه بی‌عدالتی و
رشد قوه مقاومت
در ملت

قیام همگانی در
قبال ظلم و
بیدادگری

سؤال: [به نظر شما علت شعله‌ور شدن قیامهای ایران چیست؟ چرا

این طغیانها در حال حاضر رخ داده است؟]

جواب: فشار و قهری که شاه و پدرش اعمال کرده‌اند، بدبختیهایی که ملت ما دچارش شده است، مردمی که از آزادی‌اشان، استقلالشان، پیشرفتشان و زندگی خوبشان محروم شده‌اند، وعده‌هایی دروغی که در پانزده سال اخیر مغزشان را پر کرده است، روی هم رفته منشأ تظاهرات مذکور است. خرابی وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و وسعت دامنه قهر و فشار، به درجه تحمل‌ناپذیری رسیده است. آخرین قیامها مقدمه انفجار عظیمی است که نتایجش غیر قابل محاسبه است. (۳۲)

شورش و قهر و
فشار مقدمه انفجار
عظیم

۵۷/۲/۴

* * *

آنکه اساس این انقلابات است، آنکه اساس این انفجارهاست خود این آقا است،^(۱) خود این آدم است. اساس خود این است. آنکه خیانت می‌کند، باید اگر آمدند گفتند خیانت و داد و قال بلند شد [که] خیانت می‌کنند، نگویند محرک دارند. تو محرکی؛ به خیانتت تحریک کردی مردم را، تو به این مردم خیانت کردی. مردم هم در مقابلش ایستادند و حرف می‌زنند؛ حرف است، الآن بیچاره‌ها چه بکنند. تو همه حیثیت این مملکت اسلامی را از دست دادی و بردی، و الآن هم مشغول فعالیتی برای بیشتر از دست دادن و بردن. مردم دیگر به تنگ آمده‌اند؛ مردم از جان خودشان هم به تنگ آمده‌اند. (۳۳)

به تنگ آمدن مردم
از خیانت

۵۷/۲/۲۳

۱. منظور، محمدرضا شاه پهلوی است.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۷

مردم از اختناق و خیانت‌های پنجاه ساله به‌جان آمده و برای مطالبه حقوق اولیه خود، قیام نموده‌اند. ما آنان را در این امر حیاتی مشروع، چه زمانی که در ایران بودیم و چه در خارج ایران، تشویق می‌کنیم و اکنون راه حلی برای سرنگونی رژیم فاسد جز نهضت و مطالبه حق با داد مظلومیت نداریم و اگر مقتضی شود به راه دیگری دست می‌زنیم. (۳۴)

۵۷/۸/۱۱

* * *

مردم از اختناق و کشتارها ناراضی و تظاهرات رو به ازدیاد است. پیش بینی می‌شود که اگر خیلی دامنه پیدا کند، انقلاب بالاتری پیش آید. اگر شاه به عقل آید و زودتر خودش کنار رود، آرامش نسبی تحقق پیدا خواهد کرد. (۳۵)

۵۷/۸/۱۴

* * *

فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه، استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچالهای زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند. (۳۶)

۵۷/۸/۲۵

* * *

به جان آمدن مردم
از اختناق و قیام
برای مطالبه حقوق
اولیه

ناراضایتی مردم از
اختناق

اختناق و فشار
بیش از حد شاه

حکومتها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد، و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. (۳۷)

اختناق موجب
انفجار

۵۸/۳/۲۱

* * *

بحمدالله از زیر بار ظلم و اختناق بیرون آمدید؛ تا اینجا همه با هم بودید و از زیر اختناق بیرون آمدید؛ از اینجا به بعد هم باید با قدرت شما، با قوه شما، این نهضت به آخر برسد. (۳۸)

رهایی از ظلم و
اختناق با وحدت

۵۸/۴/۴

* * *

این ظلمهایی که شما در محل خودتان ادراک کردید و معاینه کردید ظلمهای اینها را، همه ماها اینها را دیدیم منتها ما با یک وضعی، شما با یک وضع دیگری، و اقشار دیگر ملت ما هر کدام به یک وضعی، این ظلمها و این اختناقها و اینها را دیده‌اند. و یکی از [عواملی] که موجب پیروزی شماها شد همین زیادی ظلم و زیادی اختناق؛ که این اختناق وقتی زیاد شد، انفجار از آن پیدا می‌شود. دنبال یک اختناق طولانی هی عقده‌ها زیاد می‌شود؛ و منتظرند که یک صدایی درآید، ... فریاد درآید، دیگران دنبالش بروند. اینکه در این پیروزی همه ایران با هم مجتمع شدند و همه با هم همصدا شدند و گفتند «ما این رژیم را نمی‌خواهیم» و «اسلام را می‌خواهیم» برای این بود که اینها از رژیم هرچه دیده بودند بد دیده بودند؛ هرچه دیده بودند ظلم دیده بودند. (۳۹)

زیادی ظلم و
اختناق موجب
انفجار و پیروزی

۵۸/۴/۱۳

ما چیزی نمی‌خواهیم، ما حرفی نداریم، الا اینکه یک ملتی که در طول تاریخ در شکنجه و اختناق بوده است، و در این سنوات اخیر، آخر مرتبه شکنجه و اختناق و جنایتکاری و چپاولگری خارجیه و داخلیه بر این ملت سایه افکنده است، ما می‌خواهیم اینها نباشند. ما می‌خواهیم مردم ما آزاد باشند. تحت فشار و تحت سلطه دیگران و داخل و خارج نباشند. (۴۰)

۵۸/۱۰/۱۶

* * *

این ملتهای مستضعف هستند که باید در مقابل ظالمان و جنایتکاران قیام کنند و با اتکا به خدای تعالی از هیچ قدرتی نهراسند و دست ستمکاران را قطع نمایند. (۴۱)

۶۳/۱۲/۱۸

* * *

مردم گرسنه و محروم کوشش می‌کنند که خود را از ظلم حکام غارتگر نجات بدهند، تا زندگی بهتری پیدا کنند، و این کوشش ادامه دارد؛ لکن اقلیتهای حاکم و دستگاههای حکومتی جائر مانع آنهاست. ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین(ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: وَ كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا، وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا^(۱). (دشمن ستمگر، و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید). (۴۲)

* * *

آزادی مردم از
اختناق

قیام مستضعفان در
مقابل ظالمان

یاری مظلوم،
دشمنی با ظالم

ج) نارضایتی گروههای اجتماعی و افکار عمومی

با این سرنیزه‌ها نمی‌شود آرام کرد ملت را. با سرکوبی نمی‌شود راضی کرد مردم را. آنها دنبال این هستند که راضی کنند مردم را؛ آرام کنند مردم را. مگر امکان دارد که به زور راضی بکنند کسی را؟ یا با سرنیزه آرام کنند؟ با سرنیزه موقتاً می‌توانند سرکوبی کنند که - مثلاً موقتاً - صدایی درنیاید لکن فایده ندارد.

خوب بر فرض اینکه صداها در نیاید، اعتصابات را چه می‌کنند؟ الآن ایران به شکل تعطیل درآمده؛ یعنی در همه چیز الآن اعتصاب هست. با سرنیزه می‌توانند که مردم را، همه را سرکار ببرند و همه چرخها را راه بیندازند؟! اینها دیگر شکست خورده‌اند. این دولت نظامی از اول معلوم بود شکست خورده است لکن حالا هم فهمیدند که شکست خورده است. حالا دارند با تفنگ و مسلسل و اینها می‌خواهند مردم را آرام کنند؛ اعتصابات را مثلاً بشکنند. این امکان ندارد....

نارضایتی از اداره
مملکت

... شما یک عده ناراضی، یک مملکتِ ناراضی درست کرده‌اید! اگر کسی بتواند یک مملکت را اداره کند که اینقدر ناراضی پیدا نمی‌کند. شما نمی‌توانید اداره کنید! وقتی نتوانستید، همه ناراضی. تاجر بروی ناراضی؛ کاسب بروی ناراضی؛ اداری بروی ناراضی؛ ارتش بروی ناراضی....

شما همه موظفید که مطالب ایران را بگویید برای مردم. بگویید برای این اروپاییها، برای این امریکاییها. مطالب را به آنها بگویید، حالی‌شان کنید که مملکت ایران وضعش این است. یک مملکت ناراضی الآن پیدا شده؛ و این مملکت ناراضی با دست امریکا و شوروی و با نوکری محمدرضاخان پیدا شده

* * *

چیزهایی که موجب نارضایتی مردم بود انجام می‌داد. (۱) مثل قضیه کشف حجاب. کشف حجاب شما نمی‌دانید آن وقت چه مصیبتی برای مردم بود. نمی‌دانید چه کرد و مأمورها چه کردند با مردم و با زنها، که اسباب نارضایتی عموم مردم بود، منتها قدرت زیاد شده بود، مردم هم هدایت نمی‌شدند با یک مثلاً قدرتهایی از این جهت نمی‌توانستند کاری بکنند، لکن عقده‌ها زیاد بود. بعد هم شروع کرد به اسم اینکه می‌خواهد قدرت مرکزی را درست کند، عشایر ... البته در عشایر یک اشخص غیر باب هم بود، لکن اینها یک پشتوانه‌ای برای ملت بودند؛ تمام اینها را از بین برد. و آنطور فشار آورد به مردم و نارضایتی ایجاد کرد که وقتی که آن سه قدرت خارجی در جنگ عمومی اینها حمله کردند به ایران، امریکا و انگلستان و روسیه، اینها همه با هم حمله کردند، در جایی که مخالفت با آلمان می‌خواستند بکنند حمله کردند به ایران، در عین حالی که همه چیز ایران در خطر بود و مردم برای همه چیزشان نگران بودند، لکن وقتی گفتند که رضاخان را اینها برده‌اند مردم شادی می‌کردند! اینطور رفتار کرد. رفتار غیر عقلایی، رفتاری که برای خاطر انگلستان آن وقت انگلستان این را آورد روی کار.

رفتار خلاف مسیر
ملت موجب
نارضایتی

بعد از او نوبت به پسرش رسید که دیگر بیشتر شما همه، همه را یادتان است؛ بعضی‌اش را هم که همه می‌دانید. این هم کارهایی کرد که به حسب صورت فریبنده بود، لکن کم‌کم هرچه پرده بالا

رفت، دیدند که برخلاف مسیر ملت است. ملت با او مخالف شد، منتها در طول این سی و چند سالی که بود، [پیوسته] عقده‌ها روی هم آمد؛ عقده‌های مردم روی هم آمد؛ و [دائماً] نارضایتیها زیاد شد....

... اگر ملت یکوقتی نارضایتی پیدا کرد، اگر امروز صحبت نکنند، چند روز دیگر صدایشان درمی‌آید؛ چند وقت دیگر صدایشان درمی‌آید. آن روزی که ملت صدایش در بیاید، دیگر نمی‌تواند یک قدرتی با آن مقابله بکند. از این جهت، باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که آنچه ملت را راضی می‌کند این است که ببینند که شهربانی برای آنهاست؛ نه شهربانی ضد آنهاست....

... این یک مطلبی است که الآن ما از این تاریخ موجودی که بر ما گذشت باید عبرت بگیریم؛ و بدانیم که اگر پایگاه داشت این مرد بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد؛ هرگز مخالفت با او نمی‌شد؛ لکن مع الأسف همه قدرتش را روی هم گذاشت بر ضد مردم. (۴۴)

۵۸/۳/۶

* * *

همه اقشار ملت ناراضی شدند. منتها جرأت صدا نداشتند تا یک وقتی که کم‌کم صدا بلند شد؛ از مراکز صداها بلند شد. آن عقده‌ها یکدفعه با هم مجتمع شد و انفجار حاصل شد. (۴۵)

۵۸/۴/۱۳

* * *

منجر شدن
نارضایتیها و
عقده‌ها به انفجار

اجتماعی که در یک امر کردند، برای اینکه ناراضی همه بودند. این نکرده بود، یک قشری را راضی نگه دارد. فقط آن رده‌های بالای ارتش و قوای انتظامی، باقی را دیگر به هیچ نمی‌گرفتند، نه ادارات و نه ارتش. آن رده‌های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه، هیچ یک را به حساب نمی‌آوردند اینها. چیزی نمی‌دانستند اینها را. و بزرگتر خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی‌دانستند. ملت همه با هم شدند برای اینکه همه ناراضی بودند. وقتی صدا درآمد که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، مخالفت کسی با آنها نکرد، سرتاسر ایران - ابتدا را می‌گوییم - سرتاسر ایران، یکصدا بیرون می‌آمد که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم. (۴۶)

هیچ انگاشتن ملت
موجب شکست
رژیم

۵۸/۱۰/۷

* * *

د) بیداری و حضور آگاهانه مردم

بر دانشمندانی که در این اجتماع^(۱) شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمان توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند. (۴۷)

نقش حج در
بیداری ملل
اسلامی

بهمن ۱۳۴۹

۱. منظور، اجتماع عظیم در حج.

ولی با همه مصیبتها، بیداری ملت مایه امید است. مخالفت دانشگاههای سرتاسر ایران - به حساب اعتراف شاه - و مخالفت علمای اعلام و طبقه محصلین و طبقات مختلف ملت با همه فشارها و قلدریها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است. شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خائنانه، نمونه بیداری و پیروزی است. (۴۸)

۵۴/۴/۲۰

* * *

نقطه روشنی که در این آخر عمر برای من امیدبخش است، همین آگاهی و بیداری نسل جوان و نهضت روشنفکران است که با سرعت در حال رشد است؛ و با خواست خداوند تعالی به نتیجه قطعی که قطع ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی است خواهد رسید. شما جوانان پاکدل موظف هستید، با هر وسیله ممکنه، ملت را هرچه بیشتر آگاه کنید و از نیرنگهای گوناگون دستگاه پرده بردارید و اسلام عدالت‌پرور را به دنیا معرفی کنید. (۴۹)

۵۴/۷/۲

* * *

من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و با این روحیه قوی و شجاعت بی‌مانند نوید پیروزی می‌دهم؛ پیروزی توأم با سربلندی و افتخار؛ پیروزی توأم با استقلال و آزادی؛ پیروزی توأم با قطع ایادی اجانب و چپاولگران؛ پیروزی با برجیده شدن بساط ستمگران و انقراض دودمان سیاهروی پهلوی. ملتی که با هوشمندی و پیوستگی همه طبقات از روحانی تا دانشگاهی، از

مخالفت هوشیارانه
ملت طلیعه آزادی

امید بخش بودن
آگاهی و بیداری

نوید پیروزی با
بیداری و هوشیاری
ملت

تحول در نظام اجتماعی □ ۲۵

منبری تا بازاری، از دانشجوی داخلی تا خارجی، از کارگر تا دهقان، به پا خاسته و تب و تاب اسلام عدالت‌پرور دارد پیروز است. ملتی که با دادن بهترین جوانان برومند خود با سرافرازی به مخالفت و تنفر از دستگاه جبار ادامه می‌دهد پیروز است. ملتی که حتی بانوان محترمه‌اش با تظاهرات محجوبانه بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می‌کنند، پیروز است. (۵۰)

۵۶/۱۱/۲

* * *

شما ای ملت محترم ایران، که تصمیم گرفته‌اید خود را از شر رژیم شاه خلاص گردانید و در فرماندمی^(۱) که در سه و چهارم شوال در برابر ناظران سراسر جهان انجام دادید به دنیا نشان دادید که رژیم شاه جایی برای خود در ایران ندارد - چنانچه در روزنامه‌های خارجی هم منعکس گردید. مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی‌تواند با شما که بیدارید و به پا خاسته‌اید روبه‌رو شود. (۵۱)

۵۷/۶/۱۸

* * *

ملت ما قیام کرد و شجاعت خودش را و بیداری خودش را در تاریخ ثبت کرد ملت. ملت اثبات کرد که نه نیرنگهای شاهانه و نه چماقهای شاهانه نمی‌تواند جلوی این را بگیرد. (۵۲)

۵۷/۸/۱۷

* * *

ناتوانی قدرتها در برابر بیداری ملت

عدم توانایی چماقهای شاهانه در برابر بیداری ملت

۱. منظور، تظاهرات مردم در ۱۷ شهریور ۵۷.

در عصر ما، ملت ما یافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب، مخصوصاً با امریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است؛ و فهمیدند جنایات فوق العاده‌ای که مرتکب می‌شود به واسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرتها دارد. از این جهت ملت ما بپاخاست و سایر ممالک، از جمله ممالک اسلامی نیز به این حقیقت تلخ توجه پیدا کردند و با مطالعه تاریخشان درک کردند که تمام گرفتاریهایی که ملتها پیدا کردند از دست این ابرقدرتهاست؛ ناچار از آن ابرقدرتها رویگردان شده‌اند. (۵۳)

توجه ممالک
اسلامی به حقیقت
تلخ!

۵۷/۱۰/۱۹

* * *

ما باید یکوقت هم زنده بشویم، بیدار بشویم، ملتفت بشویم، آزادی را بگیریم. حق را باید گرفت با سرنیزه، با مسلسل باید حق را گرفت از اینها؛ خودشان که نمی‌دهند. بایستید در مقابل اینها. شما دیدید که این ملت، همین پابره‌ها، ایستادند در مقابل توپ، تانک، -نمی‌دانم- مسلسل؛ ایستادند و پیش بردند کارشان را. (۵۴)

گرفتن حق با
بیداری و ایستادگی

۵۷/۱۱/۱۷

* * *

حضرت موسی مردم را آگاه کرد و بیدار کرد، و با آن بیداری به فرعون حمله کرد و آن کارهایی که کرد. خود پیغمبر ما؛... هم شبانی کرده است هم از همین توده مردم، از همین توده طبقه سه بوده است. و از اول که قیام کرده بر ضد قلدرها، بر ضد دیکتاتورها -که در آن زمان در جزیره العرب عبارت از قریش بودند و یک

آگاهی و بیداری
مقدمه مبارزه و قیام

تحول در نظام اجتماعی □ ۲۷

طوایف دیگر - بر ضد آنها قیام کرده؛ نه اینکه آنها این را آوردند
روی کار تا مردم را اغفال کنند! این مردم را آگاه کرده و رفته سراغ
آنها. (۵۵)

۵۷/۱۱/۳۰

* * *

ما بسیار بسیار آشفته‌گیها داریم. ما باید همه با هم به این آشفته‌گیها
خاتمه دهیم، به این خیانتها خاتمه دهیم. با هوشیاری و بیداری
نهضت خود را از دست ندهید. اگر خدای نخواستہ این نهضت
رو به سردی برود، آمادگی برگشتِ همان مصایب را داشته باشید.
اگر بخواهید ایران را نجات بدهید، اسلام را نجات بدهید، قرآن
کریم را نجات بدهید، باید این نهضت را نگه دارید. در مواقع
مقتضی تظاهر کنید، اجتماعات کنید. (۵۶)

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

شما ای مردم ایران، ای ملت بزرگ ایران، ای عزیزان قم، ای ملت
عزیز قم! آگاه باشید، بیدار باشید، هوشیار باشید! توطئه‌ها را
خنثی کنید. (۵۷)

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

در این نهضت آن چیزی که خیلی برای من مطرح است، تحولی
است که پیدا شد در ملت ما. در عرض یکی دو سال، یک تحولات
روحی، یک تحولات فکری پیدا شد که این تحولات روحی و

حضور ملت

موجب تداوم

نهضت

آگاهی و هوشیاری

موجب خنثی شدن

توطئه‌ها

تحولات روحی و

فکری مایه

امیدواری نهضت

فکری مایه امیدواری است. و ان شاء الله با همین تحول باقی باشید؛ و با همین تحول به پیش بروید؛ و با همین تحول، ایران را بسازید و جمهوری اسلامی را با محتوای آن - که پیاده شدن تمام احکام اسلام است. (۵۸)

۵۸/۶/۱۶

* * *

مسئله‌ای است که باید بشود. مسئله اینطور شده است که دیگر مستضعفین در مقابل مستکبرین قیام کرده‌اند، بیدار شده‌اند. بیداری اول قدم است، اول قدم یقظه^(۱) است. در سیر عرفانی هم یقظه اول قدم است. در این سیر، این هم سیر الهی و عرفانی است، بیداری اول قدم است و کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلم، ملت‌های مستضعف در سرتاسر جهان، اینها بیدار شده‌اند، و سیاه‌های امریکایی کتک این بیداری را می‌خورند، و ان شاء الله پیروز خواهند شد. (۵۹)

بیداری مستضعفین
موجب پیروزی

۵۹/۳/۱۴

* * *

ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود... اگر ما بیدار بشویم که ما هم موجودی هستیم مثل سایر موجودات و ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسانها و نژاد ما هم نژادی هست مثل سایر نژادها، اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان وسایل زندگی را فراهم کنیم، خودمان برای

بیداری و اراده
مقدمه قیام

خودمان کار بکنیم، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم، یاد بگیریم لکن بعد از یاد گرفتن خودمان کار بکنیم، نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یکی گلیمی هم که می‌خواهیم، یک پتویی هم که می‌خواهیم از آنجا بیاورند، یک تفنگی هم که می‌خواهیم از آنجا بیاورند، اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم که خودمان و سایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان.

باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد... اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هر چه فریاد بزنیم فایده ندارد. شعارها فایده ندارد. آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه. البته در یک انقلابی و در یک نهضتی اولش شعارهاست که این نهضت را به پیش می‌برد. و اگر آن شعارها نباشد، انقلاب نمی‌تواند پیش ببرد، لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد باید عمل کرد.

... اگر ملت ما در این طول مدت این بیست، سی سال، از بیست سال به این طرف باز همان بودند که از پاسبان می‌ترسیدند، اگر یک وقتی می‌خواستند به کلانتری بروند خوفشان بود که بروند، از اسم شاه کذا می‌ترسیدند، اگر اینها همانها بودند، نمی‌توانستند قیام کنند و این واقعه را، این واقعه اعجاز‌آمیز را به وجود بیاورند. اول بیدار شدند. با نطق ناطقین، نویسندگان، بیدار شدند. یعنی نویسندگان متعهد. بعد که بیدار شدند اراده کردند. خواستند. دنبال اراده و خواست قیام حاصل شد. و دیدید که چیزی که ملت خواست متحقق می‌شود. ملت ما خواست که نظام جائر سلطنتی نباشد و به جای او یک نظام انسانی - اسلامی باشد. این را

خواست و این شد.

... باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود. (۶۰)

۵۹/۱۰/۲۹

* * *

تاکنون هر چه برکات به این جمهوری اسلامی رسیده است و هر چه پیروزی نایل این ملت مظلوم - که در طول تاریخ مظلوم بود - عاید شده است، از حضور ملت و همه قشرهاست [که] در صحنه‌اند و از اینکه جمهوری اسلامی را از خود می‌دانند، چنانچه از خودشان است. اسلام اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگزار به همه است و مال همه است.

حضور در صحنه

رمز پیروزی

من عرض می‌کنم که هم علما این مطلب را همیشه به مردم گوشزد کنند و هم مبلغین گوشزد کنند که این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوه قضائیه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به اینکه در صحنه باشند و مردم دنبال این باشند که مشکلاتی که برای دولت یا برای مجلس یا برای ارتش پیش می‌آید، ننشینند و نگاه کنند و ناظر باشند؛ در صحنه باشند و فعالیت کنند. (۶۱)

۶۱/۹/۱۱

* * *

همین مردم کوچه و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به واسطه تعلیمات اسلامی که علمای اسلام به آنها داده بودند و دادند بیدار شدند، و هجمه کردند بر یک همچو قدرتی و او را شکستند و او را بیرون کردند. شما هم می‌توانید. ننشینید که برای شما حکومت‌هایتان کار کنند، آنها برای خودشان کار می‌کنند. شما اسلام را باید تقویت بکنید. شما باید در کشورهای خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه خودتان، که برای همین مقصد نماز جمعه پیا شده است، در ادعیه خودتان، در زیارات خودتان، در هر چه رفت و آمد دارید مصالح اسلامی را طرح بکنید، مصالح اجتماعی مردم را طرح بکنید. مسائل خصوصی نگوئید، مسائل اجتماعی را بگوئید... علمای ایران نشستند تا اینکه اول اجتماع پیدا کنند، بعد قیام کنند. علمای اسلام اول دعوت کردند مردم را و در هر فرصتی نترسیدند و در منبر و پایین و مسجد مردم را دعوت کردند تا قدرت پیدا کردند...

... این روحانیون بودند که مردم را بسیج کردند و مردم متحول شدند، و امروز از آن بچه کوچولویی که تازه زبان باز کرده است تا آن پیرمردی که چند جوان از دستش رفته، یکصدا بر ضد قدرتهای بزرگ صحبت می‌کنند و قیام کردند. (۶۲)

۶۳/۲/۲۳

* * *

ه) ایمان، قدرت معنوی و مشیت الهی

پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت، در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند، از

نقش تعلیمات
اجتماعی اسلام در
بیداری و ایجاد
تحول

نقش قدرت ایمان
در گسترش اسلام

همین فقیرهای بیچاره بودند، لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرتها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند، توحید را در جامعه رشد دادند، و در یک زمان کمی، مسلمینی که در جنگ وقتی که می رفتند چند نفرشان یک شتر داشتند، در یک جنگ - مثلاً - مهمی شاید ده تا اسب داشتند، نداشتند چیزی، ده تا شمشیر داشتند، چند نفرشان یک شتر داشتند، مع ذلک چون قوت ایمان داشتند دو تا امپراتوری را در یک ظرف کمی، یک امپراتوری روم را که آن وقت مهم بود، یکی هم ایران که مهم بودند - این دو تا امپراتوری آن وقت در دنیا مقدم بر همه بودند - آنها را شکستند و غلبه بر آنها کردند و اسلام را بردند تا روم و تا - عرض بکنم که - اروپا هم رساندند. عمده همان روح ایمان است که بر انسان باید چه باشد. (۶۳)

۵۷/۸/۲۸

* * *

این غیر از تحول الهی، غیر از حکم الهی نیست. ایمان است. اگر ایمان نبود نمی شد؛ ایمان می خواهد. ایمان به خدا این کار را کرد؛ ایمان به مبادی اسلامی این کار را انجام داد. همه با هم، همه با هم گفتند که ما اسلام را می خواهیم. این ایمان بود. قدرت ایمان غلبه کرد بر این قدرتها و الا ما که چیزی نداشتیم. (۶۴)

۵۷/۱۲/۱۶

* * *

این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را - سرتاسر - از بچه دبستانی تا

غلبه قدرت ایمان
بر دیگر قدرتها

قدرت معنوی ملت
عامل پیروزی

تحول در نظام اجتماعی □ ۳۳

پیرمرد بیمارستانی، با هم هم صدا و با هم هم مقصد کرد. این هیچ جبهه‌ای نمی‌تواند این کار را بکند؛ هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند؛ هیچ ملتی نمی‌تواند اینطور بسیج بشود. قدرت ایمان، قوهٔ اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت. (۶۵)

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

ایمان را تحصیل کنید، و ایمان را نگه دارید. یک جلوهٔ ایمان این سد بزرگ را شکست و دست اجانب را، قدرتهای بزرگ را، کوتاه کرد. ایمان بود که در صدر اسلام دو امپراتوری بزرگ را کوبید در هم؛ و الا قدرت مادی نبود در کار. در جنگ روم طلیعهٔ جنگجویان روم شصت هزار بودند، و تمام جمعیت مسلمین سی هزار نفر بودند، و پشت سر آن طلیعه هفتصد هزار نفر رومی بودند. یکی از سرداران اسلام گفت سی نفر با من بیاید تا من شب بروم و با این شصت هزار جمعیت جنگ کنم؛ بعد از اینکه اصرار کردند به او - به حسب تاریخ - شصت نفر رفتند. شصت نفر مسلم با شصت هزار نفر جنگجوی رومی که تا دندان مسلح بودند، رفتند و شکست دادند آنها را! و هفتصد هزار نفر جمعیت رومی دنبال آن شکست خورد و رفت. ایمان بود. قدرت ایمان بود که این کار را کرد. و شما دیدید که قدرت ایمان هم در ایران همین کار را کرد. (۶۶)

۵۸/۳/۲۵

* * *

نقش قدرت ایمان
در شکست دو
امپراتوری بزرگ

این یک مطلب الهی بود. نمی شود این را پای کسی حساب کرد کی این کار را کرده. این را ما پای خدا حساب می کنیم. خدا این کار را کرد. اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد، به طوری که ارتش هم متصل شد، ژاندارمری هم متصل شد، همه متصل شدند به هم، و همه یکصدا یک مطلب خواستند، و آن مطلب اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم ما این رژیم را نمی خواهیم.

این یک تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند. این تحول الهی بود. یعنی «مقلب القلوب» این کار را کرد. قلبها را از آن وحشت بیرون آورد. از آن وحشتی که از این رژیمها همه داشتند. از آن وحشت بیرون آورد؛ و به جای آن تصمیم امر شجاعت نشانند، به طوری که زنها، بچه ها مردها [به خیابانها ریختند] کسی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید؛ مقابل توپ و تانک بیاید. این تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت این تحول را ایجاد فرمود. و مادامی که ما این تحول را حفظ نکنیم و نهضت را به همان طور که تا حالا آمده است حفظش نکنیم، برای ما پیروزی هست. (۶۷)

۵۸/۳/۲۷

* * *

این تحول یک تحول الهی بود و یک دست غیبی مردم را اینطور متحول کرد، و تا این نحو تحول نبود این پیروزی نبود. ملتی که دست خالی بود، هیچ نداشت - حالا چهار تا تفنگ پیدا شده است، کی، آن وقت این حرفها بود - دست خالی، آنها هم مسلح و همه تانک و توپ و مسلسل دار و اینها هیچ نداشتند جز اینکه یک فریاد «لا اله الا الله» و

اراده مقلّب القلوب
در ایجاد تحول
روحی

غلبه معنویت بر
مادیت

تحول در نظام اجتماعی □ ۳۵

«الله اکبر» و یک مشت پُر و یک ایمان قلبی قوی. این ایمان بود که این مردم را به این پیروزی رساند که همه حسابها فاسد از کار درآمد. حساب اینکه دست خالی نمی شود غلبه کرد بر این سلاحهای مدرن، این حسابها خلاف درآمد. چون آنها حساب معنویات را نمی کردند؛ حساب مادیات را می کردند. معنویت غلبه کرد بر مادیات، خدا غلبه کرد بر شیطان و غلبه دارد بر شیطان. (۶۸)

۵۸/۴/۱۳

* * *

این دست غیب است که این تحولات را در کشور ما ایجاد کرده است. اگر شما گمان کنید که تمام بشر و تمام قوای انسانی جمع بشوند و بتوانند یک قلب را تحویل و تحول بدهند، هرگز نخواهد شد. این خداست که در یک شب، کأنه قلبهای این ملت را متحول کرد و تمام این ملت را در مقابل آن قدرتهای بسیار عظیم شیطانی به ایستادگی واداشت و دست همه قدرتها را از کشور شما کوتاه کرد. و این قدرت الهی است که به جنگزده های ما، به عزیزان ما که آواره شده اند از محل خودشان، قدرت عنایت کرده است که در مقابل نارساییها و در مقابل زحمتهای و کمبودها ایستادگی کنند، بلکه خودشان کمک کار باشند و این قدرت الهی است که شما جوانها را وادار می کند که در بنیاد مستضعفین به خدمت مستضعفین باشید.

این ملت را خدای تبارک و تعالی با دست عنایت خودش و با قدرت کامله خودش قدرتمند کرد و متحول کرد به انسانهای الهی؛ انسانهایی که برای خدا قیام کردند و برای خدا ادامه می دهند. (۶۹)

۶۰/۹/۳

* * *

عنايات غيبی حق
تعالی عامل
قدرتمندی و تحول

من قاصرم از اینکه راجع به تحولاتی که حاصل شده برای جوانهای ما، حاصل شده است برای ملت ما، بتوانم بگویم که چه جور حاصل شده است، چه تحول بزرگی است، این چه روحی است که اینها پیدا کرده‌اند، چطور شده است که یکدفعه این جهش پیدا شد. سالها زحمت می‌خواهد تا به آستانه این امر برسد، چه شد که اینها این طور سریع راه را طی کردند؟ این جز اینکه انسان بگوید یک عنایت خاصی است از خدای تبارک و تعالی که خدا این عنایت را به اینها کرده است. آنها فداکاری می‌کنند و او عنایت می‌کند. و من امیدوارم که ان شاء الله این تحول برای همه و همه حاصل بشود. (۷۰)

۶۴/۱/۲۹

عنایت خاص
خداوند به جوانان

* * *

در یک همچو عصری که دنیا پر است از اشرار و دنیا پر است از ستمکاران، در ایران یک همچو تحولی پیدا شد به عنایت خدای تبارک و تعالی. یک همچو عنایتی از جانب خدای تبارک و تعالی شد که این ملت را متحولش کرد از آن وضعی که سابق داشت به این وضعی که حالا دارد. (۷۱)

تحول در ملت
ایران به عنایت
خداوند

۶۴/۲/۴

* * *

و) عمل به تکلیف در پر تو مکتب و ایدئولوژی

اینجانب، حسب وظیفه شرعیه، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیستهاست،

سکوت مرگبار
مسلمین

تحول در نظام اجتماعی □ ۳۷

که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند. و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی‌کند. و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول و در این عالم محکوم به زوال است. (۷۲)

آذر/۴۱

* * *

همهٔ مسلمانها تکلیفشان این است که هم عمل بکنند هم علم پیدا بکنند؛ هم عمل داشته باشند هم معارضه با ظلم و با اجحاف به اندازهٔ قدرتشان بکنند. و اگر این تکلیف را همهٔ مردم عمل می‌کردند امکان نداشت که یک دولتی بتواند در بین ملت خودش تعدی بکند، یا یک دولت دیگری بتواند به دولت دیگر تعدی بکند.

همهٔ اینها برای این است که پشتوانهٔ این اشخاصی که حکومتها به دستشان هست ملت نیست. ملت راهش علی‌حده است، اینها راهشان علی‌حده. اینها یکجوری نکرده‌اند با مردم که ملت همراهشان باشد، اینها یک کاری کرده‌اند که ملتها مخالفشان هست. (۷۳)

۵۶/۷/۶

* * *

عمل به تکلیف در
مسلمانان مانع
تعدی دولتها

اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی، در مقابل هواداران قرآن و اسلام و مخالفان سرسخت رژیم طاغوتی ابوسفیانی، صفبندی نموده و می‌خواهند شعارهای اسلامی و حسینی را، که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن، به جای سلطه شیطان، و حکومت قانون عدل در مقابل قانون جنگل است، با مسلسل و توپ و تانکها که از خون دل ملت محروم تهیه شده است، جواب دهند. غافل از آنکه ملتی که با بیداری و هوشیاری بپاخاسته و نهضت اصیلش را وظیفه شرعی الهی تشخیص داده است، به این سلاحهای زنگ زده، با تمسخر می‌نگرد.

نهضت اصیل ملت
ایران یک وظیفه
شرعی و الهی

این ملت، شیعه بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود، و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود، و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام - علیه السلام - با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید، و پرچم اسلام را در پهنه کشور و بلکه کشورها به اهتزاز درمی‌آورد. (۷۴)

۵۷/۹/۱۱

* * *

اینکه حضرت ابی عبدالله - علیه السلام - نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این [بود] که گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم از این، نهی از منکر کنم. اگر یک حاکم ظالمی بر مردم مسلط شد، علمای ملت، دانشمندان ملت باید استنکار کنند، باید نهی از منکر کنند. در عین حالی که می‌دانست، یعنی به حسب قواعد هم معلوم بود، به حسب قواعد هم یک عده

تکلیف استنکار در
قیام و نهضت

کمی که آن وقتی که همراهانشان همه با هم بودند می‌گویند چهارهزار نفر بودند لکن شب آنها رفتند، یک عدد بسیار کم هفتاد - هشتاد نفری، هفتاد و دو نفری ماند، در عین حال او تکلیف می‌دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع؛ تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده‌ای که همراه خودش بود. چون دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است تکلیف خودش را - تکلیف الهی خودش را - تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار بکند؛ هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حَسَب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی‌تواند با آن عده‌ای که آنها دارند، مقابله کند لکن تکلیف بود. این یک سرمشقی است از برای شما و ما که اگر عددمان هم کم بود باید باز استنکار کنیم برای اینکه یک کسی آمده است و سلطنت اسلامی ایران را گرفته است. (۷۵)

۵۷/۹/۱۱

* * *

سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسانهاست و بنابراین بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرتهای استبدادی و

سعادت انسان در
گرو اطاعت از
قوانین الهی

استعماری آغاز می شود. (۷۶)

۵۷/۱۰/۱۸

* * *

امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه با آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب - سلام الله علیه - برای ما تعیین فرموده اند عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی به آن بدهیم، و الفاظ را معانی حقیقی. شاید این وصفی که برای حضرت صاحب - سلام الله علیه - ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می فرماید: **قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَأَحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى**^(۱) دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم، قیام واحد؛ که بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد؛ و قیام «الله» باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید که من فقط یک موعظه دارم به شما: **قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَأَحِدَةٍ**. به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما، و آن موعظه این است که قیام کنید، و قیام «الله» باشد؛ «قیام الله» کنید. البته آن حضرت قیام الله می فرمایند؛ و آن لیلی که و آن خلوصی که برای ایشان هست، برای دیگران نیست لکن شیعه های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند «الله»، برای خدا...

عمل به تکلیف
شرعی در برابر
تحریف

... امیرالمؤمنین می دید که دین خدا در خطر است، معاویه دارد وارونه می کند دین خدا را، برای خدا قیام کرد. سیدالشهدا هم همین طور برای خدا قیام کرد. هر وقت دیدید - این یک مطلبی است که برای یک وقت نیست؛ موعظه خدا همیشگی است - هر

وقت دیدید که بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی - اسلامی - الهی خواستند که قیام کنند، خواستند وارونه کنند مسائل اسلام را، به اسم اسلام اسلام را بکوبند، اینجا الله باید قیام کرد. و نترسید از اینکه شاید نتوانیم، شاید شکست بخوریم؛ شکست تویش نیست.

من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش ها می گفتند که نمی شود دیگر! وقتی که نمی شود باید چه کرد؟ باید یک قدری [...] گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم. برای اینکه آن را ما نمی دانیم، قدرتش را هم الآن نداریم اما تکلیف داریم. ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده ایم هم رسیده ایم به مقصد. اگر پیش نبردیم، به تکلیف شرعی مان عمل کرده ایم. نتوانستیم، حضرت امیر هم نتوانست؛ تکلیف را عمل کرد ولی در مقابلش ایستادند؛ اصحاب خودش ایستادند در مقابلش، نتوانست. این چیزی نیست. خوب، ما به اندازه قدرتمان می توانیم کار بکنیم. وقتی که ما دیدیم که - یا شما دیدید که - یک رژیمی اسلام را دارد وارونه می کند، به اسم عدالت اسلامی دارد ظلم را ترویج می کند، می خواهد اسلام را اینجوری معرفی کند؛ یکوقت می ایستد می گوید من کاری به اسلام ندارم، این سبکتر است تکلیف برای انسان. یکوقت یک کسی قرآن طبع می کند و زیارت سیدالشهدا، حضرت رضا - سلام الله علیه - می رود و در ملاء عام نماز می خواند و حرفهایش هم این است که «عدالت اسلامی را ما می خواهیم جاری کنیم، ما می خواهیم اسلام را» و آن وقت اسلام را که فریاد می زند «ما اسلام را می خواهیم درست کنیم»، وارونه درست

می‌کنند؛ اینجاست که تکلیف مشکل است. اینجاست که اسلام در خطر است؛ که انعکاسش در خارج و گاهی هم در داخل، اگر اینها موفق می‌شدند در داخل هم گاهی انعکاس این بود که «خوب، همین است دیگر، رژیم اسلامی همین است».(۷۷)

۵۸/۳/۸

* * *

اساساً این انقلاب و این نهضت، بر اساس اسلام است؛ یعنی، ما هیچ‌ت‌ز دیگری، هیچ‌امر دیگری را غیر از اسلام نمی‌پذیریم. و این قوای انتظامی، اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند. افرادی که آن دید اسلامی را ندارند - یعنی نپذیرفتند اسلام را - این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته‌اند اسلام را لکن در عمل، عمل اسلامی ندارند، سرخود کارهایی که خودشان می‌خواهند می‌کنند، اینها هم باید هدایت بشوند و چنانچه مایوس شدند سران از اینکه هدایت تأثیر بکنند، تصفیه بشوند. بالاخره آن که مردم را برانگیخت اسلام بود؛ هیچ قدرت دیگری قادر به این نبود که یک ملت ۳۵ میلیونی را به یک راه ببرد، هیچ قدرتی قابل نبود، نمی‌توانست و لهذا ما در طول تاریخ که دیدیم، آنهایی هم که خودمان یادمان است مثل قضیه نفت، چون اسلامی نبود، ملی تنها بود، به اسلام کاری نداشتند، از این جهت نتوانستند کاری انجام بدهند، آن کارهای نصفه کاره‌ای هم که انجام دادند، بعدش از دستشان گرفته شد و رفت کنار. اگر اسلام در کار باشد و مکتب اسلام در کار باشد در این قشر نظامی و غیر نظامی، ما پیروز خواهیم شد و اگر این مکتب را ما فراموش بکنیم و هر کس

مکتب اسلام،
محور پیروزی

بخواهد دنبال کار خودش باشد و فکر خودش باشد، این آسیب‌پذیر خواهد بود؛ و لهذا بر همه ما، بر همه رؤسای ارتش، رؤسای پاسداران، رؤسای ژاندارمری، رؤسای شهربانی و همه روشنفکران و همه نویسندگان لازم است که ما همه را به یک وجهه سوق بدهیم؛ این ملت را ما به سوی اسلام و به سوی الله سوق بدهیم. اگر یک همچو کاری انجام بگیرد که اسلامی بشود همه دستگاهها، پیروزی ما داریم، هیچ اشکال نیست که ما پیروز خواهیم شد. (۷۸)

۵۹/۴/۲۸

* * *

اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های در بند این ابرقدرتها و انگلهای آنان چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت‌بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم در بند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. (۷۹)

۶۲/۳/۲۸

* * *

تکلیف انسانی در
مبارزه با ستمگران
و برپایی حکومت
مستضعفان

فصل دوم

راهها و روشهای تغییر

الف: افشاگری و بیداری توده‌ها با تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر

خود اظهار مخالفت و بیان تعالیم و احکام خدا، که مخالف بدعت و ظلم و گناه می‌باشد، مفید است، چون سبب می‌شود عامه مردم به فساد اجتماعی و مظالم حکام خائن و فاسق یا بی دین پی برده به مبارزه برخیزند و از همکاری با ستمکاران خودداری نمایند و به عدم اطاعت در برابر قدرتهای حاکمه فاسد و خائن دست بزنند. اظهار مخالفت علمای دینی در چنین مواردی یک «نهی از منکر» از طرف رهبری دینی جامعه است که موجی از «نهی از منکر» و یک نهضت مخالفت و «نهی از منکر» را به دنبال می‌آورد، نهضتی را به دنبال می‌آورد که همه مردم دیندار و غیرتمند در آن شرکت دارند، نهضتی که اگر حکام ستمکار و منحرف به آن تسلیم نشوند و به صراط مستقیم رویه اسلامی تبعیت از احکام الهی باز نیابند و بخواهند با قدرت اسلحه آن را ساکت کنند در حقیقت به تجاوز مسلحانه دست زده و «فئه باغیه» خواهند بود و بر مسلمانان است که به جهاد مسلحانه با «فئه باغیه» یعنی حکام تجاوزکار بپردازند تا سیاست جامعه و رویه حکومت کنندگان مطابق با اصول و احکام اسلام باشد. (۸۰)

اظهار مخالفت با بدعت، ظلم و گناه

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. اولین فعالیت ما را در این راه تبلیغات تشکیل می‌دهد. بایستی از راه تبلیغات پیش بیایم. در همه عالم و همیشه همین‌طور بوده است. چند نفر با هم می‌نشستند، فکر می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند، و به دنبال آن تبلیغات می‌کردند؛ کم‌کم بر نفرات همفکر اضافه می‌شد؛ سرانجام به صورت نیرویی در یک حکومت بزرگ نفوذ کرده یا با آن جنگیده، آن را ساقط می‌کردند. محمد علی میرزایی^(۱) را از بین می‌بردند، و حکومت مشروطه تشکیل می‌دادند. همیشه از اول، قشون و قدرتی در کار نبوده است؛ و فقط از راه تبلیغات پیش می‌رفته‌اند. قلدریها و زورگوییها را محکوم می‌کردند؛ ملت را آگاه می‌ساختند، و به مردم می‌فهماندند که این قلدریها غلط است. کم‌کم دامنه تبلیغات توسعه می‌یافت، و همه گروههای جامعه را فرا می‌گرفت؛ مردم بیدار و فعال می‌شدند، و به نتیجه می‌رسیدند.

نقش تبلیغات و تعلیمات در ایجاد جریان اجتماعی

شما الآن نه کشوری دارید و نه لشکری؛ ولی تبلیغات برای شما امکان دارد. و دشمن نتوانسته همه وسایل تبلیغاتی را از دست شما بگیرد. البته مسائل عبادی را باید یاد بدهید. اما مهم مسائل سیاسی اسلام است؛ مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است. اینها محور کار بوده و باید باشد. وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم؛ تبلیغ کنیم؛ تعلیمات بدهیم؛ همفکر بسازیم؛ یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم؛ تا یک جریان اجتماعی پدید آید، و کم‌کم توده‌های آگاه وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند.

۱. منظور، محمدعلی شاه قاجار است.

تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. وظیفه فقهاست که عقاید و احکام و نظامات اسلام را تبلیغ کنند و به مردم تعلیم دهند تا زمینه برای اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام در جامعه فراهم شود. (۸۱)

* * *

شما این افسردگی را از خود دور کنید؛ برنامه و روش تبلیغات خودتان را تکمیل نمایید، و در معرفی اسلام جدیت به خرج دهید؛ و تصمیم به تشکیل حکومت اسلامی بگیرید؛ و در این راه پیشقدم شوید؛ و دست به دست مردم مبارز و آزادیخواه بدهید؛ حکومت اسلامی قطعاً برقرار خواهد شد. به خودتان اعتماد داشته باشید. شما که این قدرت و جرأت و تدبیر را دارید که برای آزادی و استقلال ملت مبارزه می‌کنید، شما که توانسته‌اید مردم را بیدار و به مبارزه وادار کنید، و دستگاه استعمار و استبداد را به لرزه درآورید، روز به روز بیشتر تجربه می‌آموزید؛ و تدبیر و لیاقت شما در کارهای اجتماعی بیشتر می‌شود. وقتی موفق شدید دستگاه حاکم جائر را سرنگون کنید، یقیناً از عهده اداره حکومت و رهبری توده‌های مردم برخوردار خواهید آمد. (۸۲)

جدّیت در معرفی
اسلام

* * *

من به شما - ای ملت مسلمان - کراراً اعلام خطر کردم و می‌کنم! روحانیت و اسلام در معرض خطر است. سکوت در مقابل دستگاه فاسد جبار برای ملت اسلام ننگ است. با منطق قوی

مبارزه با مفسد با
منطق قوی اسلامی

اسلامی، مفسد را بیان کنید، قانون شکنیها را برملا کنید، اعتراض کنید، اعلامیه منتشر کنید، صدای خود را به ملل اسلامی برسانید. عالم را از اعمال غیرانسانی اینان آگاه کنید. (۸۳)

۴۲/۲/۱۲

* * *

ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش‌بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می‌دانیم؛ گناه بزرگ می‌دانیم؛ استقبال از مرگ سیاه می‌دانیم. پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی‌دانست؛ و ما نیز جایز نمی‌دانیم. وظیفه ما ارشاد ملت است، ارشاد دولتهاست، ارشاد جمیع دستگاههاست. ما از این وظیفه به خواست خدای تعالی خودداری نمی‌کنیم. در این زمان، سکوت در مقابل ستمکاری، اعانت به ستمکاران است. (۸۴)

ارشاد یک وظیفه
است و سکوت
استقبال از مرگ
سیاه

۴۳/۳/۱۵

* * *

از جناب ایشان^(۱) تقاضا کردم که به وطن خود مراجعت فرمایند. و از اهالی محترم تقاضا می‌کنم از زحمات ایشان تقدیر نمایند؛ و با حفظ آرامش اجازه ندهند بر خلاف شرع و قانون، مأمورین رفتار ناشایسته خود را تعقیب نمایند. شما اهالی محترم تحت نظر علمای اعلام و حجج اسلام و خطبای عظام، اجتماعات خود را

اهمیت دادن به
مراسم و شعائر
مذهبی

۱. آقای محمدجواد حجّتی کرمانی.

خصوصاً در روز جمعه، هر چه بیشتر فشرده‌تر کنید. و به مراسم و شعائر مذهبی اهمیت دهید. و در مقابل زورگوییها و قانون شکنیها ساکت ننشینید و با کمال آرامش خلافاکاریهای دستگاه جبار را به ملت ایران و ملل مسلمین گوشزد کنید. و از خدای تعالی به وسیله ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - استمداد نمایید. تا دولتهای جبار نتوانند بر خلاف اسلام و قوانین قرآن قدمی بردارند. (۸۵)

۴۳/۷/۲۱

* * *

اسلام برای همه چیز، برای همه زندگیاها، برنامه دارد. این را کی باید معرفی کند جز علمای اسلام؟ علمای اسلام - کثرالله امثالهم - با همه زحمتهایی که می‌کشند، با همه رنجهایی که می‌برند لکن مسئولیتشان زیادتر از این معانی است. خدای تبارک و تعالی به آنها عزت داده است، به آنها عظمت داده است، دیگران را تبع آنها قرار داده است، ملت را تابع آنها قرار داده است؛ اینها همه مسئولیت می‌آورد؛ همان طوری که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - مسئولیت داشت و قیام کرد بر مسئولیت خودش؛ قیام کرد به مسئولیت خودش. باید قیام کرد به مسئولیت؛ باید اسلام را آنطوری که هست، نه آنطوری که حالا در دست مثلاً چهار تا فرض کنید مقدس مآب فقط کتاب مفاتیح است، و عرض می‌کنم که باید آنطوری که هست احکام اسلام را معرفی کرد. گفت به دنیا که ما یک همچو کالای بزرگی داریم، یک همچو قوانین مترقی داریم. (۸۶)

معرفی قوانین
مترقی اسلام

۴۴/۸/۲۳

* * *

از اولی که بساط انبیا بوده است تا زمان رسول اکرم، تا بعدها زمان ائمه - علیهم السلام - مرتب مقابله کردند. تو حبس هم [که] بودند مقابله کردند. موسی بن جعفر تو حبس هم مقابله می کرد. حضرت ابی عبدالله با آن تقیۀ کذایی و کذایی، آن «روایت مقبوله» را می فرماید و مقابله می کند با آنها. مقابله می کند با کلام، با تبلیغ؛ تبلیغ بر ضدشان می کند، مردم را سوق می دهد به خلاف آنها. (۸۷) ۵۰/۴/۱

«تبلیغ» سیره انبیا و ائمه در مقابله و مبارزه

* * *

بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایۀ امید مسلمین هستید - لازم می باشد که ملتها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمانسوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مذهب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده تر سازید؛ هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه های دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنج دیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. به وحشیگریها، آدمکشیها، قانون شکنیها و دیگر جنایاتی که پیوسته در ایران جریان دارد اعتراض نمایید. باشد که به یاری خداوند، موجبات استقلال و آزادی ملت اسلام و دفع ظلم دستگاههای جبار و نوکران استعمار فراهم آید، و خطراتی که امروز متوجه اسلام و مسلمین

برملا نمودن نقشه های شوم استعمارگران

می‌باشد برطرف گردد. (۸۸)

۵۱/۵/۱۷

* * *

الآن وضع جوری شده است که با این وضعی که الآن ایران پیدا کرده است دیگر پیشرفت همراهش است؛ ضروری است همراهش. لکن ما موظفیم اینجا که کمک کنیم؛ یعنی من می‌توانم صحبت کنم، همین جور با یک زبان کوتاهی صحبت بکنم؛ شما هم می‌توانید برای برادرهای دیگرتان صحبت کنید، بگویید، چه کنید، منتشر کنید، هر چه می‌توانید. من نمی‌دانم وضع اینجا چه جور است؛ ولی هر چه می‌توانید کمک کنید به این رفقای خودتان، به این برادرهای خودتان که قیام کرده‌اند و دارند خون می‌دهند. آنها بچه و کوچک و بزرگ را دارند می‌دهند؛ ما باید قلم و قدم و صحبت و اینها بکنیم که ان شاء الله همه دست به دست هم بدهیم و این سد را بشکنیم؛ این سدی که جلوی سد محمدرضا شاه است، عقبش سد کارتر. اینها شکسته شود؛ وقتی شکسته بشود، آن وقت سعادت است. بعد از شکستن، آن طرفش سعادت همه شماها و ملت شماست و من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه شما را می‌خواهم. (۸۹)

شکستن سد
[محمدرضا شاه] با
قلم و بیان

۵۷/۷/۲۹

* * *

و ما وظیفه داریم. مایی که الآن اینجا، شمایی که اینجا نشستید، و منی که اینجا نشستم، ما وظیفه داریم که با آنها هم‌صدا باشیم؛ یعنی هر مقداری که از دست ما بر می‌آید باید کمک بکنیم. کمک

تکلیف گویندگان و
نویسندگان در
همراهی با قیام

به غیر نیست، کمک به خودتان است؛ آنها برای شما قیام کردند. مردم ایران الآن برای شما دارند خون می دهند؛ برای شما بچه هایشان، جوان هایشان از بین می رود؛ دختر هایشان، پسر هایشان از بین می رود. ما باید به آنها کمک کنیم. ما خیال نکنیم که اینجا نشستیم تکلیف نداریم. همه مان تکلیف وجدانی داریم، تکلیف شرعی داریم، تکلیف عقلی داریم که با این جمعیت مظلومی که قیام کردند و می خواهند حق خودشان را - آن حق خودشان که حق ما هم هست - بگیرند، ما هم با آنها همراهی کنیم، ما هم دنبال آنها باشیم. می توانیم مقاله بنویسیم، می توانیم در روزنامه چیز بنویسیم. هر قدر می توانیم در این دانشگاههایی که می رویم به مردم بگوییم؛ به مردم اینجاها بگوییم مسائل آنجا را. مسائل را منتشر کنید. آقا، هر کدام شما در یک نقطه ای که هستید مسائل ایران را منتشر کنید، بگویید؛ با آه دل بگویید. روزنامه هایشان هم گاهی می نویسند اما از خود شما باید گفته بشود، نوشته بشود. باید این وضع آشفته ایران به همه عالم معلوم بشود. (۹۰)

۵۷/۷/۲۱

* * *

در هر صورت این را من به همه آقایانی که ملاقات کردم عرض کردم که ماها همه مکلف هستیم؛ یعنی من طلبه که اینجا نشسته ام، آن آقا که آنجا نشسته است، شماها در هر جا هستید و در هر صورتی که هستید، تکلیف الآن دارید؛ یعنی تکلیف دارید که با این قیامی که ملت ایران الآن کرده است، با این اشتراک داشته باشید. شما در اروپا هستید نمی توانید که دیگر [اینجا] میدانی نیست که در جنگ بروید، [ایران] میدان است و [مردم] مبارزه

ارزش و تأثیر
تبلیغات در طرح
خواسته ها و
رسیدن به آن

می‌روند و کتک می‌خورند و - عرض می‌کنم که - کشته می‌دهند و خون می‌دهند؛ اینجا این جور نیست؛ شما می‌توانید با تبلیغاتتان، شما هر یکی‌تان با ده نفر، بیست نفر از همین اروپاییها آشنایی دارید، رفاقت دارید، به آنها بگویید مطلب را. اینها تبلیغ کرده‌اند بر ضد ایران، بر ضد اسلام. شما مطلب را بگویید که آقا دعوی ما بر سر این حرفها نیست که به ما آزادی داده‌اند [و ما آن را] نمی‌خواهیم؛ که همه حرف مردم ایران این است که ما آزادی می‌خواهیم و نداریم. به ما خیانت کرده‌اند. اموال ما را دارند می‌دهند به امریکا؛ نفت ما را دارند می‌دهند به امریکا. چنان هم نفت را می‌دهند که بعد از سی سال دیگر، به گفته شاه ما نفت نداریم؛ نداریم آقا! کی این «نداری» را برای ما آورده؟ ایشان. ما نفتمان از بین می‌رود؛ کی از بین برده؟! برای اینکه بی‌اندازه دارد می‌فرستد؛ از اندازه احتیاجات مملکت زیادتر دارد می‌فرستد، نه هیچ چیز به دست مملکت می‌آید، [نه نفتی باقی می‌ماند]؛ مردم این خیانتها را [می‌بینند و] می‌گویند: ما نمی‌خواهیم این خائن‌ها را. می‌گویند: اینها خیانتکارند، این خائن‌ها را نمی‌خواهیم. داد مردم این است. شما مردم که اینجا هستید، من طلبه‌ای که اینجا نشسته‌ام، شما آقای که آنجا نشسته‌ای، آن دانشگاهی و دانشکده‌ای، آن دبیرستانی، آن همه زن و مرد، این کار از شما بر می‌آید که هر کدام در هر جا که هستید، با آن عده‌ای که تماس دارید، مسائل ایران را طرح کنید. اگر چند هزار جمعیت اینجا که ایرانی هستند هر کدام به بیست نفر، به ده نفر که بتواند؛ به مردم بگویند مطلبشان را، یک موجی در اینجا پیدا می‌شود که خدمت است. لازم نیست که ما راه بیفتیم برویم ایران. از من هی می‌پرسند بعضیها که ما برویم آنجا؟ نخیر، این کاری [که] شما می‌توانید اینجا

بکنید، این هم خودش یک نقشی است که شما در این مملکت که هستید، در فرانسه هستید، در آلمان هستید، در هر جا، امریکا، هر جا، هر کدامتان در آن مدرسه‌ای که می‌روید، در آن مؤسسه‌ای که می‌روید، وقتی ده نفر را می‌بینید بایستید حرفتان را بزنید به ایشان؛ بایستید، زبان آنها را که می‌دانید، صحبت که می‌توانید بکنید، بایستید صحبت کنید با ایشان؛ بگویید که ایران الآن وضعیتش چه جور است؛ گرفتاری مردم چیست؛ گرفتاری مردم زیر سر آقای کارتر و امثال اینهاست؛ زیر سر شوروی... او گاز ما را دارد می‌برد، و او نفت را می‌برد؛ غارت دارند می‌کنند. اینها را به مردم بگویید. اگر چنانچه تبلیغات تأثیر دارد، شما بعد از این مدت،... شاید یک مدت کوتاهی بتوانید که مطلبتان را به این توده‌های مردم که تبلیغات آنها ممکن است آنها را مُعَوَج و منحرف کرده باشد، به این توده‌های مردم مطلبتان را حالی کنید. یک جمعیت زیادی می‌توانند [مطلبتان را بشنوند و پشتیبان شما شوند]؛ اینها یک جمعیت زیادی [هستند] که [وقتی] پشتیبان شما شدند، [کمکتان می‌کنند]؛ آنها هم انسانند.

وقتی که یک ملت مظلوم... ایشان که زراعت ما را به هم زد، نفتمان هم که دارد می‌رود، ما بعد از چند سال دیگر [که] نه زراعت داریم، نه نفت داریم، این ملت چطور زندگی بکند؟ فریاد ملت ما این است که این خائن باید برود و مرگ بر این سلطنت! و ان شاء الله می‌رود. وقتی ملت یک چیزی را خواست، ان شاء الله انجام می‌گیرد. شما می‌توانید تبلیغ بکنید، و یک ارزشی دارد این کار شما و مسئولید پیش خدا. خیال نکنید که ما حالا اینجا هستیم و الحمدلله راحت... شما این تبلیغتان را بکنید و تبلیغات تأثیر دارد؛ کم کم یک موجی در اروپا پیدا می‌شود [برای] کمک [به] ایرانی‌ها،

تحول در نظام اجتماعی □ ۵۵

و رؤسایشان ممکن است یکوقتی مجبور بشوند که آنها هم دست بردارند از ما. (۹۱)

۵۷/۷/۳۰

* * *

خطابه بخوانید برای مردم این مملکتها، صحبت کنید برایشان، مطالب ایران را به آنها بگویید، حالی شان کنید که در ایران چه می‌گذرد و ما چه مصیبت‌هایی داریم و ایرانی‌ها گرفتار چه مصیبت‌هایی هستند، بلکه ان شاء الله ملت‌های دیگر هم بیدار بشوند...
... هر کدامتان یک مبلغ، یک خطابه خوان باشید برای مردم. می‌روید توی مدرسه‌تان، آنجا چند نفر را پیدا می‌کنید صحبت کنید، بگویید که مسئله این است، مملکت ما اینطور است، مردم این را می‌خواهند، این آدم این کار را کرده. (۹۲)

خطابه، راه بیداری
ملت‌ها

۵۷/۸/۲

* * *

وقتی بنا شد شما [که] پنج هزار نفر آدم هستید هر کدام به ده نفر بگویید، یک عده زیادی می‌شود و این موجی پیدا می‌شود در اروپا هم، یا در امریکا؛ و این مفید است برای ملت ایران و این یک خدمتی است به ملت ایران، و این ادای دینی است از شما برای ملت ایران. این یک مطلبی است که همه شما را من دعوت به آن می‌کنم که شما همه‌تان دعوت کنید مردم را و بخواهید از این قشرها به اینکه با ملت ایران همراهی بکنند؛ ملت امریکا با ملت ایران همراهی بکند؛ بفهمد که دولت امریکا نسبت به ایران چه صورتی دارد؛ چه صورت بدی دارد. کم کم مردم، ملت امریکا را

دعوت به همراهی
در نهضت

اینطور به نظرشان می‌آید، لکن ملتش اینطور نیست. همین طور هر جایی که هست، شما هر جا هستید، مسائل خودتان را بگویید و هشدار بدهید به ملت‌هایی که شما در آن زندگی می‌کنید که این کارهایی که دولت‌های شما دارند می‌کنند و با ایران اینطور رفتار می‌کنند، با ملت ایران اینطور رفتار می‌کنند، این برای ملت شما، برای همه چیز شما مضر است. و شما کمک کنید به ایرانی‌ها در این نهضتی که دارند. (۹۳)

۵۷/۸/۲

* * *

اگر چنانچه یک سلطانی جائز بر مردم حکومت می‌خواهد بکند بایستید در مقابلش، و به هر چه، به هر جا می‌خواهد منتهی بشود، باید برویم سراغش و نهی از منکرش و امر به معروفش کنیم و بکشیم او را پایین از این تخت باطل. پس ما مبالاتی نداریم در اینکه کشته می‌دهیم، کشته بدهیم؛ البته باید هم بدهیم. (۹۴)

امر به معروف و
نهی از منکر در
مقابل سلطان جائز

۵۷/۸/۳

* * *

نویسندگان امین ما که سالیان دراز در انزوا به سر می‌برند و حکومت اختناق و ترور، مجال بیان را از آنان سلب کرده بود، اکنون که مختصر آزادی خود را به بهای خونهای پاک فرزندان رشید اسلام به دست آورده‌اند، از آرمان الهی آنان غفلت نورزند و به کار مهم و اساسی افشاگری و روشن کردن نقطه اصلی جنایات اخیر که شخص شاه است بپردازند، و جرایمی که زیر پرده است و مردم نمی‌دانند، با کمال خلوص بیان کنند، و با این خدمت

افشاگری رسالت
نویسندگان

ارجمند، دین خود را به اسلام و ملت ادا کنند. (۹۵)

۵۷/۸/۴

* * *

شماها آقایان، با هر یک از این اقشاری که در اینجا هستند، در اروپا هستید با اروپاییها؛ در امریکا هستید با امریکاییها؛ هر جا هستید با اهالی آنجا که رفقا دارید، آشنا دارید، هر وقت می‌نشینید، طرح کنید مسائل ایران را و تبلیغات کنید. هر یک از شما تبلیغ بکند این مسائل را و این خلافتکاریهای سلسله پهلوی را و خلافتکاریهای این شاه، که از همه سلاطینی که تا حالا آمده‌اند هم خیانتکارتر و هم جنایتکارتر، یا خیر، جنایاتش مثل آنها به اضافه خیانتهای زیاد [است به گوش همه برسانید]؛ این آدم الان دارد ایران را به یک وضع بدی درمی‌آورد و دارد خراب می‌کند، می‌خواهد برود، خرابش می‌خواهد بکند - شما تبلیغات بکنید، به این رفقای امریکایی‌تان، اروپایی‌تان اینها [را] بگویید. در مدارس که می‌روید بگویید با رفقای‌تان که در آنجا هستند. ان شاء الله بلکه در بین اینها هم یک موجی پیدا بشود و کمک بکنند به ایران، حکومت‌هایشان کمک بکند؛ آنهایی که، عرض می‌کنم که انصاف دارند، کمک بکنند به ایران، تا بلکه شرّ این آدم کنده بشود که ان شاء الله کنده می‌شود و ایران مال خودتان بشود؛ و شرّ خارجیها هم کنده بشود و ایران دست خودتان بیاید و خودتان اداره‌اش بکنید. (۹۶)

۵۷/۸/۶

* * *

تکلیف این است که اینجا هر قدر می‌توانید تبلیغات کنید. بگویید

نقش تبلیغات برون

مرزی در ایجاد

موج

مسائل را به کسانی که اطلاع ندارند. تبلیغات آنها اسباب این شده است که ماها را یک آدمهای ارتجاعی معرفی کنند؛ آخوند را ارتجاعی معرفی کنند. این آخوند می‌گوید آقا! ما حقمان را می‌خواهیم، ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، این ارتجاع است؟ مال ما را بردن ارتجاع نیست، تمدن است؟! مالمان را می‌خواهیم ندهیم، مرتجع هستیم؟! ما را در قید و بند می‌خواهید نگه دارید و اسیر - تا آخر نگه دارید شما مرتجع نیستید، اما ما که می‌گوییم آزاد می‌خواهیم باشیم ما مرتجع هستیم؟! اگر ما دست برداریم از آن تز خودمان، از آن مقصد خودمان، تا آخر زیر بار این ظلم و این ستم - تا آخر باید باشیم.

هر کس، هر فرد، الآن تکلیف دارد، تکلیف الهی دارد، تکلیف انصافی دارد، تکلیف وجدانی دارد که با این ایرانی‌هایی که الآن ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند، با این ایرانی‌ها کمک بکند. هر قدر می‌تواند کمک بکند. اینها دارند جانشان را می‌دهند، دارند جوانهایشان را می‌دهند در راه ما و در راه اسلام، در راه ملت دارند می‌دهند اینها، ما هم از ملت هستیم، باید ما هم کمک بکنیم؛ هر که هر قدر می‌تواند. می‌توانید مصاحبه مطبوعاتی کنید، مصاحبه کنید مطالبتان را بگویید؛ می‌توانید به این رفقای که در دانشگاهها و در جاهای دیگر دارید صحبت کنید، بایستید هر چند نفر را می‌بینید صحبت کنید: ایران این است و وضعش؛ با ایران این کار را دارند می‌کنند؛ با اینها اینقدر ظلم کرده‌اند؛ ما چه می‌خواهیم؛ این دادو قالها برای چیست. (۹۷)

مصاحبه مطبوعاتی

جهت افشای

حقایق

همه‌تان مکلفید به اینکه این تبلیغاتی که در خارج شده و دارد می‌شود و بعضی از این روزنامه‌های خارجی از اینها ارتزاق می‌کنند و بر ضد ملت ایران و بر وفق آقای محمدرضاخان چیز می‌نویسند، روشنگری کنید شماها در مقابل آنها. شما هم روشنگری کنید. شما هم به هر کس می‌رسید بگویید مسائل را که ایران وضعیت اینطوری است. صدای ایران، نه از باب اینکه خیلی آزادی دادند صدایشان بلند است که ما آزادی می‌خواهیم! از باب این [است] که آزادی ندارند. (۹۸)

روشنگری و مقابله
تبلیغاتی

۵۷/۹/۴

* * *

و این مطلب را باز هم تکرار می‌کنم که ماها همه‌مان مکلفیم به اینکه در خارج اینجا که هستیم، در خارج ایران که هستیم، به ایرانی‌ها کمک کنیم. به ملت ایران که همه چیزش را الآن در طبق اخلاص گذاشته و دارد برای نفع همه ماها، همه ملت دارد، قیام کرده است و همه چیز را دارد می‌دهد، ما هم آنقدری که قدرت داریم به آنها کمک کنیم. و الآن ما در اینجا این قدرت را داریم که با مصاحباتمان با مطبوعات اگر می‌توانیم، چیزی در مطبوعات بدهیم بنویسند. با مردم وقتی که صحبت می‌کنید حرفهایتان را بزنید و روشن کنید که این مردم ایران اینطور نیست که به قول آقای کسارتر «اراذل پست» باشند و بخواهند یک آدم شریفی را از مملکت بیرون بکنند؛ خیر اینها یک مردمی هستند که حقوقشان را می‌خواهند. حق اول بشری که عبارت از آزادی و استقلال است می‌خواهند؛ و می‌خواهند یک کسی که تعدی به این حق کرده است از ایران بیرون برود، و کسانی هم که تعدی به این حق کردند،

ایجاد موج و تکرار
در مطالبه حق

به حق آنها کردند، دستشان را قطع بکنند. و این را به کسانی که با آنها روابط دارید این مطلب را گوشزد کنید، مکرر کنید تا اینکه یک موجی هم در خارج پیدا بشود و ان شاء الله زودتر به نتیجه، به نتیجه می‌رسید. من میل دارم زود برسید ان شاء الله [ان شاء الله حضار]. خداوند همه شما را توفیق عنایت کند. (۹۹)

۵۷/۹/۵

* * *

ما روحانیون، مردم را هدایت کردیم و تمام جرایم رژیم را افشا کردیم و روشنگری روحانیون، بحمدالله مفید واقع شد و مردم روشن شدند، و یک تحول فکری برای جامعه ایران به وجود آمد، به طوری که همه با هم یکصدا به دنبال یک راه و مقصد در حرکتند، و آن نابودی این دودمان و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی است و این هدف در سراسر ایران حکمفرماست. (۱۰۰)

افشاگری موجب
تحول فکری و
اشتراک در هدف

۵۷/۹/۱۶

* * *

مصاحبه مطبوعاتی کنید و جرم و جرایمی که این آدم کرده است این جرایم را افشا کنید؛ می‌توانید که اجتماع کنید در یک جایی و بگویید یکی برود مطالب را بگوید، برود بگوید. با این رفقای که در خارج از کشور شما دارید از فرق دیگر، از اهل مثلاً اینجا یا سایر ممالک که آشنا هستید با آنها، هر جا اتفاق افتاد، بایستید و مطالبتان را بگویید تا مردم بدانند که یک دسته اشخاص شلوغکار نیستند [که] می‌خواهند، دارند این کار را می‌کنند. آنها که قیام

افشای خیانت‌های
رژیم

کرده‌اند بر ضد این، نه اینکه یک مردمی هستند که می‌خواهند شلوغکاری بکنند این کارها را می‌کنند، این مردمی هستند که حق می‌گویند؛ حق خودشان را طلب می‌کنند. آزادی حق مردم است؛ استقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب استقلال بکنند در مملکت. مردم شریفی‌اند که قیام کرده‌اند و خون خودشان را دارند می‌دهند در مقابل اینکه احکام اسلام را و این ثروت خودشان را، یعنی ثروت ملتشان را نگذارند هدر برود؛ احکام اسلام را نگذارند از بین برود و زیر پا برود. باید به مردم، به اهالی اینجا، شما حالی کنید این مطلب را. هرکس به هر زبانی، به هر جوری که می‌تواند، بگوید به اینها که این مردم ایران که قیام کرده‌اند بر ضد این مرد و این حکومت، برای اینکه این حکومت این مرد پنجاه سال است خودش و پدرش به ما خیانت کرده؛ خودش و پدرش پنجاه سال است جنایت کرده؛ قتل عام کرده‌اند. خوب پدرش مسجد گوهرشاد را قتل عام کرد. خودش دیگر هرجا بگردید! وَلِدٌ صِدْقٌ! بگویید به مردم که مسئله این است؛ نه مسئله این است که یک دسته‌ای هستند و اراذل و اوباش هستند و چند نفر معدود - اخیراً هم آن مردک می‌گوید که یک عده «معدودی» مردم را ناراحت کرده‌اند - و حالا مردم همه شاه را می‌خواهند! من نمی‌دانم آخر اینها چه جور فکر می‌کنند؛ برای کی می‌گویند اینها را.

بگویید به مردم اینجا که مردم ایران که قیام کرده‌اند برای یک مطلب واضحی است که همه بشر قبولش دارد که آزاد باید باشد؛ نباید هی در حبسش کنند، نباید جلوی بگیری که حرف زن! بیخ گلویش را فشار بدهند که نباید یک کلمه حرف بزنی! قلمش را بشکنند که نباید بنویسی! قلمها را اینها شکستند؛ قدمها را

شکستند در این پنجاه سال. حبسها پر بود از اشخاصی که آزادی می‌خواستند در این پنجاه سال. حالا قیام کرده‌اند و حقوق واضح ملی خودشان را، آنکه از حقوق بشر است و از اولین حقوق بشر است: آزادی، استقلال، حکومت عدل، این را می‌خواهند مردم. این تبلیغاتی که، از قراری که می‌گویند در هر سال صد میلیون دلار ایشان خرج تبلیغات خودش می‌کند که بگویند چشم و ابرویش کذا و - نمی‌دانم - قد و قامتش چه! و مخالفینشان را به هرچه می‌خواهند نسبت بدهند اینها - اینها را شما فَشَلْ کنید. بگویند به اشخاصی که با آنها ملاقات می‌کنید که مسئله این نیست. این آدم مال ملت را برمی‌دارد بر ضد ملت خرج می‌کند؛ اموال ملت را به ضد مصالح ملت دارد خرج می‌کند. (۱۰۱)

۵۷/۹/۱۸

* * *

ما همیشه [خواهانیم] که ملت سعادت‌مند باشد و با آرامش زندگی خودش را بگذرانند. و این انقلاباتی که تا حالا پیش آورده‌اند، این انقلاباتی که برای ما مصیبت بار آورد و برای آنها نکبت، ما هرگز میل نداشتیم که بشود؛ لکن بی‌عقلی کردند و شد. اگر نصیحت‌های اولی ما را پذیرفته بودند، مطلب به اینجا نمی‌رسید. حالا هم ما باز نصیحت می‌کنیم آنهایی را که غاصب هستند. نصیحت می‌کنیم دولت غیر قانونی را، نصیحت می‌کنیم ارتش را، به اینکه اگر شما مایلید که این مملکت آرام بشود و ثابت باشد، دست بردارید. آن کسی که غیرقانونی است برود سراغ کارش برود سراغ کسب و کارش! ارتش هم برگردد به دامن ملت؛ ملت او را می‌پذیرد. اگر به این نصیحت عمل نکنند، مسائل حل است؛ آرامش در مملکت

نصیحت‌پذیری
عامل آرامش

تحول در نظام اجتماعی □ ۶۳

پیدا خواهد شد و اوضاع فرهنگی و اقتصادی و سایر چیزها - با تدریج البته - یک وضع خاصی، یک وضع صحیحی پیدا می‌کند. (۱۰۲)

۵۷/۱۱/۱۶

* * *

ما به پیروی از انبیای عظام - سلام الله علیهم - از صفر شروع کردیم. انبیا - علیهم السلام - برای دعوت و قیام بر ضد طاغوت از صفر شروع می‌کردند، و دعوت‌های بزرگ آنها از واحد واحد شروع می‌شد تا گروه گروه جمع می‌شدند. آن روزی که ما دعوت بر ضد طاغوت را شروع کردیم صفر بودیم. گروه‌های مسلمین و اقشار ملت ما در اختناق عظیم بودند و جرأت نفس کشیدن نداشتند. ما از صفر شروع کردیم و به دعوت اسلامی مردم را خواندیم، و این قطره واحد قطره‌ها شد و قطره‌ها سیل و سیل دریا. این دریای بزرگ با قدرت ایمان، تمام قدرتهایی که بر ضد اسلام و بر ضد انقلاب بودند در هم شکست. (۱۰۳)

۵۸/۲/۲۰

* * *

امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام، که همه چیز را می‌خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می‌خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند. به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح، و جلوگیری کنید از کارهای فاسد. اینطور نیست که شما فقط یک مأموریتی دارید، و آن این است که خودتان

تدریجی بودن
دعوت و قیام بر
ضد طاغوت

اصلاح همه چیز با
دو اصل امر به
معروف و نهی از
منکر

یک کارهای خوبی بکنید، از کار بد احتراز کنید. مأموریت زیادتر از این است، خودتان و همه را، هم خودتان، هم همه را. و هیچ فرقی هم بین قشرها در این امر نیست که همه باید اطاعت خدا بکنند و همه باید حفظ این پاسداری را بکنند. (۱۰۴)

۵۸/۷/۲

* * *

کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید؛ و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل «امر به معروف و نهی از منکر» برای همین است که جامعه را اصلاح کند. (۱۰۵)

اصلاح جامعه

۵۸/۷/۲۰

* * *

باید کاری کرد که ملتها هر جا هستند، ملتها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندا بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاههای همه بلاد اسلامی بخواهند مشکله اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند. (۱۰۶)

لزوم بیداری و احساس تکلیف

۵۹/۵/۱۸

* * *

اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های در بند این ابرقدرتها و انگلهای آنان

بسیج ملت‌های مظلوم

چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت‌بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانه شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم دربند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند و یا بیرون راندند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند و انتظار نکشند که ستمکاران آنان را از بند نجات دهند. (۱۰۷)

۶۲/۳/۲۸

* * *

آنهایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست. انبیای عظام، تا آن جا که توانستند جدیت کردند که ظلم را از این بشر ظالم بزدایند، به موعظه، به نصیحت، به امر به معروف، به نهی از منکر، به **أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ**،^(۱) «**أَخِرَ الدَّوَاءِ الْكُفَى**»؛ بعد از آنکه موعظه نشد، نصیحت نشد، آخر دوا این است که داغش کنند. شمشیر،

مراحل مختلف
مبارزه با ظلم

آخر دواست. (۱۰۸)

۶۳/۴/۱۰

* * *

ملت ایران همین طور نخوابید شب و صبح پا شود، بیدار شده باشد. ملت ایران علمایش سال‌های طولانی زحمت کشیدند، در همان اختناق‌ها زحمت کشیدند، در همان کتک خوردن‌ها زحمت کشیدند، در همان حبس‌ها که رفتند زحمت کشیدند. زحمت کشیدند، به مردم گفتند، جنایات را گفتند، هر جا رفتند گفتند، مردم هم دلشان آگاه شد و وقتی آگاه شد، البته خوب را می‌خواهند مردم. فطرت این است که وقتی خیری را دید، بخواهد. شما خیر و شر را به مردم بگویید، تا مردم به فطرت خودشان از شر گریزان بشوند و به خیر توجه کنند. این طور نباشد که تشریف آوردید و صحبت کردید و احسنت هم شنیدید و درش را ببینید و بروید در بلادتان بخواهید. نه! این درست نمی‌شود، این بدتر می‌کند مطلب را، برای این که، دشمن‌های شما می‌فهمند که خبری نیست، حرف است، عملی نیست، صحبت است، قطعنامه است نه عمل. دنبال قطعنامه عمل می‌خواهد، همان طور که در ایران بود. در ایران عمل کردند؛ جوان‌های ما کشته دادند، فداکاری کردند و الآن دارند می‌کنند. شما بروید ببینید این سنگرها را، ببینید مساجد است این سنگرها. این سنگرها مراکز عرفان است، مراکز توحید است و در این مراکز که شب آن طور مشغول هستند، روز هم آن طور فداکاری می‌کنند. این، برای این است که روی این جمعیت، مدت‌های زیاد چندین سال - بیست سال تقریباً - کار شده است؛ علمای بلاد کار کرده‌اند، فضلا کار کرده‌اند، اینها را

ایجاد زمینه گرایش
به خیر و گریز از
شر

بیدار کرده‌اند، متحول کردند. اگر نبودند اینها؛ این جوان‌هایی که از دست ما گرفته بودند، از دست اسلام گرفته بودند و در مراکز فحشا برده بودند آنها را؛ اگر نبود این نهضتی که در ایران شد؛ این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی که در ایران شد، خدا می‌داند که آنها بنا داشتند چه بکنند....

... برادران، وقتی که می‌روید بیرون، مسائل را بگویید. ننشینید دیگر در خانه تا این که آنها برایش هجوم کنند، شما هجمه کنید آنها عقب می‌نشینند. شما ننشینید در خانه و هی ترس این که مبادا چه بشود. خوب! همین چیزی بود که در ایران بود و قدرت ایران از اکثر این بلادی که هستند زیادتر بود، لکن ایران علمایش رویش کار کردند، مردم را بیدار کردند، به مردم مصلحت را گفتند، اسلام را گفتند به مردم، مردم هم اسلام را به ذات می‌خواهند، مسلمانند. شما اسلام را به مردم بگویید شما احکام اسلام را، نروید سراغ احکام فقط نماز و روزه، آنها را هم باید بگویید، اما احکام اسلام که منحصر در این نیست. شما سوره برائت را برای مردم چرا نمی‌خوانید؟ شما آیات قتال را چرا نمی‌خوانید؟ هی آیات رحمت را می‌خوانید! آن قتال هم رحمت است برای این که می‌خواهد آدم درست کند... تا کی باید خواب باشیم؟ ما تا کی ساده‌اندیش باشیم؟ شما آقایان چرا ساده‌اندیشی می‌کنید؟ در بلاد خودتان که می‌روید، بگویید به مردم، بگویید به دنیا، که با دنیا دارند چه می‌کنند این قدرتمندها، اینها با ضعف دارند چه می‌کنند. اینها، اتیوپی که آن همه بیچاره‌ها دارند رنج می‌برند، می‌میرند از گرسنگی، گندم‌هایشان را می‌ریزند تو دریا، خرج سلاح‌هایی می‌کنند که همه عالم را از بین ببرند. اینها انساندوست‌اند! اینها با این صورت انساندوستی می‌خواهند همه ما را پایمال کنند، اینها با

این مجامع حقوق بشر می‌خواهند حقوق بشر را از بین ببرند. (۱۰۹)

۶۳/۱۱/۱۴

* * *

اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن‌بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی - اسلامی به دادِ کشورها و ملت‌های تحت ستم نرسند، کشور‌هایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه‌حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند. (۱۱۰)

۶۴/۵/۲۵

* * *

آقایانی که از خارج آمده‌اند باید ملاحظه کنند این معنا را که باید ملت‌هایشان را تربیت کنند و متحول کنند، نروند سراغ آن کسانی که قدرتمند هستند و با آنها صحبت کنند، زبان ملت را متوجه بشوند، با ملت صحبت کنند. اگر بخواهند که از زیر بارگران این جرم‌ها و این جنایتها بیرون بیایند، باید ملتها را بیدار کنند، این طور نباشد که دهه فجری تشریف بیاورید، همه ما اینجا با هم بنشینیم صحبت بکنیم، چه بکنیم و وقتی رفتیم تمام بشود، اگر این طور باشد تا قیامت هم ما نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم. ما دلخوش نباید باشیم به این که وضع حاضر چی هست. ما باید نگران وضع آتیه باشیم... شما آقایان بروید ملت‌هایتان را الهی کنید، ملت‌هایتان را بیدار کنید، بیدار کنید که دنیا دست یک دسته اقلیت ظالم، و میلیاردها انسان مظلوم در تحت

لزوم قیام همه
جانبه

ضرورت بیداری
ملتها در برابر
اقلیت ظالم

یک سلطه‌های کوچک ظالم، کوچک نسبت به ملت‌ها. (۱۱۱)

۶۴/۱۱/۲۲

* * *

ب) کنشهای تاریخی و رفتار جمعی

۱. تظاهرات

سؤال: [برنامه سیاسی شما چیست؟ آیا شما مبارزه مسلحانه یا ترور شاه را متد قابل قبولی می‌دانید؟]

جواب: برنامه ما این است که با ادامه همین تظاهراتی که در ایران جریان دارد، ان شاء الله مسائل حل شود. و اگر چنانچه دیدیم قابل حل نیست مبارزه مسلحانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. (۱۱۲)

حل مسائل با
تظاهرات

۵۷/۸/۱۴

* * *

سؤال: [در گذشته تصریح فرمودید، وقتی که تظاهرات کنونی در ایران به اسقاط شاه منجر نگردد، شما مردم را به جنبش مردمی مسلحانه فرا خواهید خواند. اعتقاد دارید که چه وقت زمان اعلان جنبش مسلحانه فرا خواهد رسید؟]

جواب: ما هنوز امیدواریم که مبارزات ملت ایران با شیوه‌ای که فعلاً تعقیب می‌شود به سرنگونی رژیم شاه بینجامد. (۱۱۳)

سرنگونی رژیم
بدون جنبش
مسلحانه

۵۷/۸/۱۵

* * *

سؤال: [به فرض اینکه خیزش ایرانیان گسترش نیابد و اینکه شاه واقعاً اقدام به آزادی کند و در طی یک فراندم ایرانیان رأی به ماندن حکومت سلطنتی یا مشروطه سلطنتی بدهند، چه خواهید کرد؟]

جواب: انقلاب ایران یک نهضت اسلامی است که ادامه دارد و با رفتن یا ماندن شاه نیز ادامه دارد. اگر شاه لجاجت کند و کنار نرود، نهضت همچنان ادامه خواهد داشت. اصولاً حکومت مشروطه سلطنتی، مورد تنفر شدید مردم است. از طرفی شاه محال است به مردم ستمدیده ایران آزادی دهد. آیا تظاهرات و اعتصابات سراسر ایران فراندمی علیه شاه نیست؟ (۱۱۴)

۵۷/۸/۱۶

* * *

سؤال: [شما درباره تظاهرات دیروز و راهپیمایی تهران چه فکر می‌کنید، نتیجه آنها از نظر شما چگونه است؟]

جواب: تظاهرات دیروز در سطح بسیار وسیعی انجام گرفت و نتیجتاً اعلام شد که شاه را نمی‌خواهند. اگر چه ملت شجاع این را قبلاً بارها اعلام کرده بودند و شاه اصلاً هیچ جهت قانونی دیگر ندارد و تمام ملت برای چندمین بار در سراسر ایران اعلام کردند که ما شاه را نمی‌خواهیم.

- [شما احساسات نسبت به تظاهرات دیروز چه بوده است، آیا شما راضی بوده‌اید؟]

- کاملاً راضی هستیم. عقیده‌ام بر این است که موفق بوده است. با کمال نظم و آرامش اعلام کرده‌اند که ما شاه را نمی‌خواهیم. یعنی شعارها اسلامی بوده است و ضد شاه و جز مسلمانان هیچ کس در

تظاهرات یک
فراندم علیه شاه

نظم و آرامش در
تظاهرات همراه با
شعارهای اسلامی

تحول در نظام اجتماعی □ ۷۱

این تظاهرات شرکت نداشته است. (۱۱۵)

۵۷/۹/۲۰

* * *

۲. اعتصابات

اکنون که عمال از خدا بیخبر شاه در مجلس گرد هم جمع شده و با صحنه سازیهای مبتذل و اغفال کننده می خواهند مجرم اصلی را تبرئه و گناه بزرگ و خیانت عظیم را به دیگران که آلت فعلی بیش نیستند، نسبت داده و خود را مقرب الخاقان قرار دهند، اکنون که تمام خیانتکاران خارج و داخل پشتیبانی از جنایات شاه می کنند، اکنون که از چهره های کریمه آزادیخواهی و طرفداری از حقوق بشر پرده برداشته شده، ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده در عزا بنشینند و رسماً روز پنجشنبه یازدهم شوال را روز عزا قرار دهند. (۱۱۶)

اعتصاب در برابر
صحنه سازیهای
مبتذل و اغفال کننده

۵۷/۶/۲۳

* * *

شما دانشجویان موظف هستید که از قیام حق طلبانه و مردانه قشرهای کارگر و کارمندان محروم و مسلمان ایران که به اعتصاب کشیده شده است پشتیبانی کنید. اینان مسلمانان محرومی هستند که از حق کشتی رژیم شاه به تنگ آمده اند و برای احقاق حق و همگامی و همدردی با سایر برادران خود بپاخاسته اند. و همه می دانید تا رژیم فعلی سرکار است، عدالت اجتماعی و رسیدگی به حال زحمتکشان محروم، امری است که جامعه عمل به خود نمی پوشد. به آنان از من بگویید که گول دستگاه فریبکار را

لزوم پشتکاری در
اعتصاب برای
رسیدن به حقوق
حقه

نخورید و دست از اعتصابات نکشید و نهضت اسلامی خود را ادامه دهید، تا با خواست خدا دست غارتگران حقوق شما و سایر ملت را قطع و به برکت حکومت اسلامی به عدالت حقیقی و برخوردارگی از نعمتهای الهی نایل شوید؛ و به آنان تذکر دهید: در اعتصابات خود پشتکار به خرج دهید و شعارهای اسلامی خود را هر چه بیشتر گسترش دهید، و اتکال به خدای تعالی نموده و مطمئن باشید پیروزمندانه به حقوق حقه خود می‌رسید. (۱۱۷)

۵۷/۷/۱۶

* * *

همه ایرانی‌ها الآن صدایشان درآمده، الآن سرتاسر ایران اعتصاب است. اگر این حکومت نظامی و نظام را بردارند، مردم این دستگاه را به قدر یک ساعت می‌پیچندش به هم و بیرونش می‌اندازند، برای اینکه بد دیدند از اینها. (۱۱۸)

اعتصاب سراسری

۵۷/۷/۲۱

* * *

نهضت با شیوه‌های گوناگون؛ مخصوصاً اعتصابات در همه ادارات و دستگاههای دولتی باید ادامه داشته باشد. دولت نظامی ایران غاصب و مخالف قانون است و بر ملت است که از آن اطاعت نکنند، و به سرپیچی و کارشکنی تا حد فلج نمودن دستگاههای دولتی پیش رود. من از جمیع کارمندان محترم دولت و سایر مؤسسات که با اعتصابات خود پشتیبانی از برادران و خواهران خود کرده‌اند تشکر می‌کنم. این یک وظیفه اسلامی است و لازم الاجراست. (۱۱۹)

نهضت به شیوه
اعتصاب

۵۷/۸/۱۶

ادارات دولتی یکی پس از دیگری اعتصاب می‌کنند و فریاد می‌زنند که نمی‌خواهیم سر این کارها برویم که نفعش به دیگران برسد؛ ما کارها را رها می‌کنیم. دانشگاه ما الآن تعطیل است، دانشگاه‌های ما تعطیل است، مدارس علمی ما الآن همه تعطیل است، همه بساط الآن معطل است. تمام قشرهای ایران، هر جا بروی، دست روی هر کدام بگذاری، تعطیل است الآن. این تعطیلات، آنها روی چه مقصد تعطیل کردند و اینها روی چه مقصد می‌شکنند آن تعطیلات را؟ مردم که تعطیلات را و اعتصابات را می‌کنند، روی چه مقصد اعتصاب می‌کنند؟ باید دید که چه می‌گویند؛ خواسته‌هایشان چیست. خواسته‌هایشان یکی این است که ما نمی‌خواهیم این سلسله را. این یکی از خواسته‌هاست که حتی در [شرکت] نفت همین یکی از خواسته‌هایشان بود که ما شاه نمی‌خواهیم؛ این شاهی که به ما اینقدر دارد خیانت می‌کند. و ما وجدانی مان است که داریم چقدر نفت خارج می‌کنیم به ممالک دیگر. (۱۲۰)

مقصد و انگیزه
اعتصاب

۵۷/۸/۲۹

* * *

این آقایان فرهنگ‌ها و آقایان اعتصابیون و دیگران سهم بزرگی در این نهضت دارند، و این نهضت را این اعتصابات خیلی ثمربخش کرد، لکن ما حالا قدم اول را برداشته‌ایم. مثل اینکه یک مملکتی جنگزده باشد و اجانب در آن باشد، کوشش کنید اجانب را بیرون کنید. این قدم اول است. (۱۲۱)

ثمربخش بودن
اعتصابات

۵۷/۱۱/۲۰

* * *

اخیراً شکایاتی از کارگران شریف می‌رسد مبنی بر رسیدگی به وضع آنان. هیچ‌کس نقش اعتصابات کارگران و کارمندان کارخانجات بزرگ و کوچک را در پیشبرد هدف ملت ایران که هدم استبداد و استعمار خانمانسوز و برقراری حکومت عدل اسلامی است نباید فراموش کند.

نقش اعتصابات در
پیشبرد هدف

شما^(۱) باید هرچه سریعتر به وضع زندگی و کار آنان رسیدگی کنید. کارگران مبارز باید بدانند که با حوصله و صبر انقلابی مشکلات آنان برطرف خواهد شد. (۱۲۲)

۵۷/۱۲/۲۶

* * *

۳. مخالفت و اعتراض دسته جمعی

آقا به هوش بیایید؛ نجف را بیدار کنید. اعتراض کنید. اگر صدتا تلگراف از نجف برود که با کمال ادب، آقای کذا و کذا - «اعلی کذا» - با کمال ادب برود که آقا این گرسنه‌ها را سیر کنید؛ این مقدار خرجی که برای این امور می‌خواهی بکنی خرج این ملت بیچاره گرسنه بکن؛ خرج این ورشکسته‌های بیچاره بکن که بعضی‌شان فرار کردند از ایران؛ در همین جا هستند، در نمی‌دانم جاهای دیگر هم بعضی. اگر یکصدتا تلگراف از اینجا، از علمای اینجا، از فضلالی اینجا، از طلاب اینجا برود، احتمال تأثیر دارد لکن کو که یک همچو چیزی بشود؟ اگر اعتراض نکنند که چرا اعتراض می‌کنید خیلی ما متشکر هستیم! ما تکلیف نداریم واقعا؟ (۱۲۳)

تکلیف در اعتراض

۵۰/۴/۱

* * *

۱. مرحوم داریوش فروهر، وزیر کار در دولت موقت.

از اول تاریخ بشر تا حالا، دولتهای جائز را مقابلشان انبیا ایستاده بودند و علما ایستاده بودند. آنها عقلشان نمی رسید؟! خدای تبارک و تعالی که موسی را می فرستد که این شاهنشاه را از بین ببر، خدای تبارک و تعالی مثل من و شما نمی دانست قضیه را که نباید با شاه مخالفت کرد؟! در روایت است، [از] «طبری» نقل می کنند یا از «ابن اثیر» روایت است که «مَلِكُ الْمُلُوكِ» پیغمبر فرموده است که منفورترین کلمات است پیش من؛ یعنی شاهنشاه. این جزو کلمات منفور است که به کسی از بشر نسبت داده بشود. این مال خداست. از اولی که بساط انبیا بوده است تا زمان رسول اکرم، تا بعدها زمان ائمه - علیهم السلام - مرتب مقابله کردند. تو حبس هم [که] بودند مقابله کردند. موسی بن جعفر تو حبس هم مقابله می کرد. حضرت ابی عبدالله با آن تقیۀ کذایی و کذایی، آن «روایت مقبوله» را می فرماید و مقابله می کند با آنها. مقابله می کند با کلام، با تبلیغ؛ تبلیغ بر ضدشان می کند، مردم را سوق می دهد به خلاف آنها. معاویه یک سلطان بود در آنوقت؛ حضرت امام حسن بر خلافت قیام کرد در صورتی که آن وقت همه هم با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطانش حساب می کردند. حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می توانست. وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را. آنقدری که حضرت امام حسن معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. مقابله همیشه بوده است. بعدها هم علمای بزرگ همیشه، همیشه علمای بزرگ مخالفت می کردند؛ با قدرتها همیشه علمای بزرگ مخالفت می کردند برای اینکه می دیدند که این مخالفین، این قلدرها، بودجه مملکت را خرج عیاشیهای فرنگشان و کذا می کنند؛ قرض می کنند به عهده این

ایستادگی و مقابله
انبیا و علما در برابر
جنایتکاران

ملت و می‌روند به عیاشی. چند کرور قرض کرد آن شخص و [به اروپا] رفت دو مرتبه، سه مرتبه. مگر تمام می‌شود شهوات انسان. علما [که] با آنها مخالفت می‌کردند آن وقت هم قدرت داشتند. ملت یک ملت زنده‌ای بود که همراهی می‌کرد با اینها؛ کار از پیششان می‌رفت. ما هم اگر زنده باشیم کار از پیشمان می‌رود؛ اشتباه نکنید. منتها ما هر کدامان یک حکمی داریم. اگر صد میلیون آدم صد میلیون رأی داشته باشد، این نمی‌تواند کار بکند. - **يُدَاللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ** اجتماع می‌خواهد؛ متفرقه‌ها کار از شان نمی‌آید. اگر امروز علمای ایران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، سایر ارجاء مملکت، اگر چنانچه اعتراض کنند به این مطلب و به این کثافتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این جنایتکاریهایی که اینها دارند می‌کنند، این عیاشیهایی که اینها می‌خواهند راه بیندازند و مملکت را به باد فنا بدهند. (۱۲۴)

۵۰/۴/۱

* * *

اینها باید اعتراض بشود؛ باید گفته بشود. اگر ملت‌ها همه با هم، ملت همه با هم، مطلبی را اعتراض کنند و احکام اسلام را بایستند و بگویند، امکان ندارد که همچو قضایایی واقع بشود. (۱۲۵)

اعتراض همگانی

۵۶/۷/۶

* * *

سؤال: [نظامیان در تظاهرات دیروز دخالتی نکردند و شاه عقب‌نشینی می‌کند و عقب‌نشینی خود را پذیرفته است. شاه حاضر است کریم سنجابی را بپذیرد. شنیده شده است آیت‌الله،

سازش‌ناپذیری
ملت و تجلیل از
نغمه ضد شاهی

سنجایی را پذیرفته‌اند آیا حالا که شاه حاضر به سازش شده است شما حاضر هستید؟ آیا مخالفین حاضرند نوعی با شاه کنار بیایند؟]

جواب: تظاهرات تهران برای آقای طالقانی و تظاهرات قم برای آقای منتظری تظاهراتی بود که مردم علیه شاه کردند و از آنان به عنوان مخالفین شاه تجلیل کردند. در ایران از هر نغمه‌ی ضد شاهی تجلیل به عمل می‌آید. شاه با این دست و پا زدنها و طلبیدنهای این و آن، کاری از پیش نمی‌برد. این تلاشها دیگر دیر شده است و برای او مفید نیست، او باید برود. ما سازش را از هرکس و به هر شکلی باشد نخواهیم پذیرفت. چون ملت نخواهد پذیرفت. در مذاکرات خود با این اشخاص مطالب خود را قاطعانه بیان کرده‌ایم. هرکس قبول کند با ماست و الا از ما جداست. (۱۲۶)

۵۷/۸/۱۱

* * *

۴. تولی و تبری

بر شما جوانان روشنفکر و بر تمام طبقات ملت است که:

۱ - سرلوحه‌ی هدفان اسلام و احکام عدالت‌پرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالتخواه، رسیدن به این هدف محال است. تولی و تبری دو اصل اساسی اسلام است: باید با حکومت عدل موافق و به حاکم عادل دل ببندید؛ و از رژیم غیراسلام و غیراسلامی که در رأس آن رژیم منحط پهلوی است تبری کنید؛ و با کمال صراحت مخالفت خود را اظهار و در سرنگون کردن آن کوشا باشید و در غیر این صورت روی استقلال و آزادی را نمی‌بینید.

تولی و تبری دو
اصل اساسی اسلام

۲- باید قشرهای غیراسلامی را که عقیده و عملشان برخلاف اسلام است و دارای گرایش به مکتبهای دیگرند، هر نوع از آن باشد، به مکتب مترقی عدالتپرو اسلام دعوت کنید و در صورت نپذیرفتن، از آنها هر نوع که باشد و هر شخصیت که هست تبراً یا لااقل احتراز کنید. و باید جوانان ما بدانند تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد، محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد. و باید بدانند که تبلیغات دامنه‌دار کمونیسم بین‌المللی همانند تبلیغات پرسروصدای امپریالیسم جهانی جز برای اغفال و استعمار توده‌های مستضعف نیست. باید این بوقهای استثماری شکسته شود. (۱۲۷)

۵۶/۱۱/۲۴

* * *

در ایران از اول محرم مردم شروع کردند به - ضمن عزاداریهایی که کردند - اظهار انزجار از حکومت شاه؛ و در تاسوعا و عاشورا با کمال آرامش مردم پیاده‌روی کردند و سلطنت محمدرضا شاه را نفی کردند. (۱۲۸)

اظهار انزجار
نسبت به حکومت
سلطنتی

۵۷/۹/۲۵

* * *

ما که اعلام کردیم که دولت ایران غیر رسمی است و مخالف با قوانین است، هم مخالف با قانون شرع است و هم مخالف با قانون اساسی است، بنابراین کلیه چیزهایی که مربوط به دولت و برای اعانت دولت است، باید مردم از آن اجتناب کنند. (۱۲۹)

لزوم اجتناب مردم
از اعانت به دولت
غیرقانونی

۵۷/۱۰/۱

* * *

۱- کارمندان وزارتخانه‌ها، وزرای فاسد غیرقانونی را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند؛ و در صورت قدرت به وزارتخانه‌ها راه ندهند که این امر تکلیف شرعی آنان و خدمت به کشور و ملت است؛ و اطاعت از آنان مخالفت با ملت و اسلام است.

۲- ملت از دادن مالیات - مطلقاً - و از دادن پول آب و برق و تلفن خودداری کنند و از آنچه اعانت به دولت است احتراز کنند که اعانت به دولت غاصب، حرام و موجب غضب خداوند است.

۳- علمای اعلام بلاد و خطبای محترم و طلاب غیور، قضات و وکلای محترم دادگستری، اساتید محترم دانشگاه و دانشگاهیان، بازاریان، اصناف، کارگران، کشاورزان، سیاسیون محترم و سایر اقشار ملت، مخلوع بودن شاه و غیرقانونی بودن مجلسین و دولت را اعلام فرمایند؛ که اگر سستی کنند ممکن است توطئه بر ضد کشور و ملت به نتیجه برسد که همگی مسئول آن خواهیم بود؛ و باید همه بدانیم که در این روز حساس همه مسئول خدای بزرگیم. (۱۳۰)

اعانت به دولت
غاصب موجب
غضب الهی

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین براثت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملت‌های اسلامی و دولتهای کشورهای اسلامی، با اینهمه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند، و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ‌نشینان نترسند و تحت‌تأثیر تبلیغات دروغین رسانه‌های طرفدار

براثت ملل اسلامی
از متجاوزین به
حقوق مظلومان

و جیره‌خوار ابرجنایتکاران واقع نشوند، و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمتهایی که به آنها داده است بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمکهای خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت، که ما قدر آن را نمی‌دانیم، تسلیم خواهند شد. (۱۳۱)

۶۴/۵/۲۵

* * *

ج) قیام مسلحانه (جهاد فی سبیل الله)

نهیضت ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و بیدار و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند، و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه‌پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. (۱۳۲)

۵۶/۱۱/۲

* * *

سؤال: [در مراحل اولیه، مبارزه علیه رژیم شاه، صورت نسبتاً مسالمت‌آمیز اعتصاب و تظاهرات داشته است... و علیه ارتش و پلیس نه اسلحه و نه سنگربندی وجود داشته است. آیا شما فکر

نهیضت ۱۵ خرداد
به پیروی از نهضت
مقدس حسینی

امکان مبارزه به
شیوه مسلحانه

می‌کنید هنوز زمان آن است و آیا طور دیگری نمی‌شود عمل کرد و مثلاً به مبارزه مسلحانه رو آورد؟]

جواب: حتی پس از روز جمعه در تهران که آنهمه کشتار به جای گذاشت، ما همان شکل مبارزه را حفظ کردیم. همان طور که دنیا می‌داند، پیام ما به وسیله سرکوبی که با آن برخورد کرد درهم شکسته نشده است و این قیام با همان روش ادامه دارد. ولی از من پرسیده‌اند، آیا وقت تغییر روش و روی آوردن به مبارزه مسلحانه برای جواب دادن به کاربرد ارتش توسط دیکتاتوری نرسیده است؟ من گفته‌ام نه. مع‌ذلک امروز من در این باره از خود سؤال می‌کنم که نمی‌توان تا بینهایت، سینه‌های عربان را جلوی لوله تفنگ قرار داد. تاکنون من رهنمودهای خود را که مبنی بر مسالمت‌آمیز بودن عمل‌مان بود را تغییر نداده‌ام، ولی شاید مجبور شوم این کار را بکنم. (۱۳۳)

۵۷/۷/۲۲

* * *

ما نمی‌دانیم واقعاً چه بکنیم با این وضع فعلی ایران؛ البته وضع امیدبخش است، وضع امیدبخش است؛ اینطور نیست که حالا ما نگران باشیم که وضع چرا این جور است؛ اما خوب، می‌بینید چه می‌کند؛ چه دیوانگی راه انداختند. لکن همه این مسائل ارزش دارد که یک ملتی را نجات دهد. نباید ما نگران باشیم از اینکه فدایی می‌دهیم؛ این سیره انبیا بوده است که این کارها را می‌کرده‌اند. انبیا، اولیا، در مقابل ظلمه، در مقابل اشخاصی که ظلم به مردم می‌کردند، قیام می‌کردند و کشته می‌شدند و کشتار می‌کردند و جوانهایشان را می‌دادند و اصحابشان را می‌دادند و

نجات ملت با خون
و قیام

مسئله‌ای نیست که ما حالا یک نگرانی داشته باشیم که مبادا خون راه بیفتد! باید خون راه بیفتد؛ باید یک ملتی که می‌خواهد خودش را نجات بدهد از زیر بار این همه جنایات و این همه خسارات که بر او وارد شده است، همین طور مجانی نمی‌شود که انسان به دست بیاورد. (۱۳۴)

۵۷/۸/۳

* * *

سؤال: [آیا شما تصور می‌کنید که خطر یک قیام ملی و شورش همگانی در ایران وجود داشته باشد؟]

جواب: اگر همان طور که ملت خواستار است شاه و دودمانش بروند و حامیان خارجی او دست از حمایتش بردارند مشکل ساده‌تر خواهد شد، در غیر این صورت امکان قیام مسلحانه ملی وجود دارد. (۱۳۵)

امکان قیام
مسلحانه ملی

۵۷/۸/۱۱

* * *

ما امیدواریم که شاه با همین نهضتی که به طرز فراگیر تمام ایران را گرفته است و کارمندان و کارکنان دستگاههای دولتی یکی پس از دیگری اعتصاب می‌کنند و در حال تعطیل و فلج کردن دستگاههای دولتی هستند، نتواند دیگر باقی بماند و به حیات خود ادامه دهد؛ لکن اگر چنانچه احتیاج به قیام مسلحانه بیفتد، ممکن است ما در این امر تجدید نظر کنیم. و اسلام در صورت لزوم، برای حفظ کیان اسلام و مصالح ملت، قیام مسلحانه را در موقع خودش و مقتضیات خودش اجازه می‌دهد و خونریزی برای

جواز قیام مسلحانه

تحول در نظام اجتماعی □ ۸۳

حفظ قوانین اسلام و برای حفظ مصالح ملت، راه اسلام است. و اما طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی و استقلال کشور، و عدل و تعدیل تمام دستگاههای دولتی است. و این در وقتی که عمل شود، دنیا خواهد دید که چیست. (۱۳۶)

۵۷/۸/۱۶

* * *

سؤال: [آیا اگر همه مخالفین شاه با هم - متحداً - علیه شاه فشار بیاورند، آیا امکانپذیر نیست که اوضاع ایران بدون دست زدن به جهاد مسلحانه حل شود؟ اگر نیست، چه گروه از مردم - اعم از کارگران، سربازان، محصلین، کشاورزان و ... - را می‌توان در این جهاد مسلحانه به حساب آورد؟]

مشارکت اقشار در

قیام مسلحانه

جواب: ما امیدواریم که مسائل ایران بدون قیام مسلحانه، با همین نهضتی که اکنون تمام اقشار ایران را فرا گرفته است و با همین فشارهایی که ملت بر شاه وارد می‌کند، حل شود اگر چنانچه حل نشد و احتیاجی به قیام مسلحانه پیدا شد، تمام اقشار ملت در آن شرکت خواهند کرد و یک طبقه معینی در آن انحصار نخواهد داشت. (۱۳۷)

۵۷/۸/۱۷

* * *

ما امیدواریم که با مبارزاتمان به همین صورتی که هست شاه را شکست دهیم. ولی اگر شاه به جنایات خود ادامه دهد، جنگ مسلحانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. (۱۳۸)

امکان جنگ

مسلحانه در

صورت ادامه

۵۷/۱۰/۷

جنایات

* * *

آدم گاهی درست نمی‌شود مرض گاهی صحیح نمی‌شود، اِلَّا بِالْكَفْرِ؛^(۱) باید ببرند، داغ کنند تا درست بشود جامعه. باید آنهایی که فاسد هستند، از آن بیرون ریخته بشوند... شما روی قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که مسلمند و معتقدند و ایمان به خدا دارند، به برادری رفتار می‌کند. با اشخاصی که بر خلاف این هستند آنها را می‌گوید بکشید، بزنید، حبس کنید؛ أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ^(۲)... امیرالمؤمنین، اگر بنا بود که خیر، هی مسامحه کند شمشیر نمی‌کشید هفتصد نفر را یکدفعه بکشد، تا آخر آن اشخاصی که قیام کرده بودند به ضدش، تا آخر، ضد اسلام بود دیگر. (۱۳۹)

عدم مسامحه
نسبت به کفار

۶۳/۱۱/۱۴

* * *

۱. منظور داغ کردن است.

۲. فتح / ۲۹.

فصل سوم

شروط لازم در روند انقلاب و تحولات

الف) تهذیب نفس و کوشش برای خدا

شما پیروزید ان شاءالله؛ اما به شرط اینکه عوامل مختلف در کار نباشد؛ به شرط اینکه هواهای نفسانی [که] این برای خودش بکشد و آن برای خودش بکشد، این نباشد در کار. همه با هم برادریم. (۱۴۰)

۵۷/۲/۲۳

پرهیز از هواهای
نفسانی شرط
پیروزی

* * *

همه باید با هم باشیم آقا امروز؛ زیر یک بیرق و آن بیرق **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** است. این یک پیامی است که من الان می‌دهم و ان شاءالله می‌رسد به ایران و به سایر ممالکی که بچه‌های ما در آنجا هستند، که آقا دست بردارید از این خودپرستی و از این خودخواهی. ... **إِنَّمَا أَعْطَٰكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ**؛^(۱) قیامت‌ان برای خدا باشد. اگر قیام برای خدا نباشد کاری از او نمی‌آید. قیامت‌ان برای خدا باشد نه برای هواهای نفسانی که هر کسی بکشد طرف خودش. همه با هم مجتمع بشوید. برای خدا همه با هم مجتمع بشوید و این تشتت و اختلاف و اینها: که من از حزب که‌ام، من از حزب کذا، من از جبهه

دست برداشتن از
خودپرستی و
خودخواهی

کذا، من از جبهه کذا هستم، اینها را دست از آن بردارید. (۱۴۱)

۵۷/۱۰/۳

* * *

أَعْظِكُمْ بِوَأَجْدَةِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ^(۱) - برای خدا قیام کنید نه برای شهوات
نفسانیه؛ اگر انسان برای شهوات نفسانیه قیام بکند و برای خدا
نباشد، این به جایی نمی‌رسد کارش؛ این بالاخره فَسَلَّ می‌شود؛
چیزی که برای خدا نیست دوام نمی‌تواند داشته باشد. (۱۴۲)

قیام برای خدا نه
شهوات نفسانیه

۵۷/۱۱/۱

* * *

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که یک موعظه من فقط دارم، فقط
یک موعظه: آن این است که قیام کنید، نهضت کنید برای خدا. قیام
وقتی برای خدا باشد [شکوفا می‌شود] من احساس کردم که این
قیامی که ملت ایران کرد قیام برای خدا بود. برای اینکه شکوفا شد
در آنها یک حالات نفسانی [دیده نمی‌شد] یک انسانیت در بین
مردم شکوفایی پیدا کرد. و این نیست جز اینکه یک نحو ایمان
بود، یک نحو خداپرستی بود، «خدا نمونه‌ای» بود. (۱۴۳)

شکوفایی انسانیت
در قیام برای خدا

۵۷/۱۱/۲۸

* * *

ما قیاممان، شما قیامتان برای خدا باید باشد. وقتی دین خدا را
انسان در خطر دید برای خدا باید قیام کند. وقتی احکام اسلام را
در خطر دید برای خدا باید قیام کند. توانست، عمل کرده به وظیفه

تقیه در فروع است
نه در اصول

و پیش هم برده؛ نتوانست، عمل به وظیفه کرده. گاهی وقتها تقیّه حرام است. آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی‌تواند تقیّه بکند. آن وقت باید هرچه بشود برود. تقیّه در فروع است، در اصول نیست. تقیّه برای حفظ دین است. جایی که دین در خطر بود جای تقیّه نیست، جای سکوت نیست. (۱۴۴)

۵۸/۳/۸

* * *

انقلابی که همه داشتیم می‌رفتیم جلو؛ نه من به فکر این بودم که حالا بعد از اینکه شب شد چه باید کرد؛ نه شما در فکر این بودید که حقوقتان کم است، زیاد است؛ اینها اصلاً مطرح نبود؛ چون مطرح نبود و همه هم الهی بودید، این سد را شکستید؛ سدی که ممتنع می‌دانستند دنیا که همچو چیزی بشود؛ شما با دست خالی و با اراده الهی این سد را شکستید. (۱۴۵)

۵۸/۳/۲۰

* * *

اگر شما برای خدا نهضت کردید، برای خدا قیام کردید، برای رفع ظلم قیام کردید و برای اجرای احکام خدای تبارک و تعالی نهضت کردید، خدای تبارک و تعالی هم با شماست. شما ملاحظه کردید که از اول نهضت تا کنون چه علایم غیبی پیدا شده است و چه تأییدات الهی در این نهضت پیدا شده است و این دلیل بر این است که نهضت شما لله بوده است. (۱۴۶)

۵۹/۵/۲۸

* * *

مطرح نبودن
مادیات

علائم غیبی و
تأییدات الهی دلیل
لله بودن نهضت

آنی که برای ماها فایده دارد این است که ما بخواهیم همین اسلامی بودن را الهی اش کنیم، بخواهیم الهی باشد این کار ما، برای خدا کار بکنیم، این برای خودتان فایده دارد، موفق بشوید فایده دارد، موفق هم نشوید فایده دارد. و اگر این انگیزه شد مسلماً دنبال این هستید که کار خوب باشد وقتی انگیزه الهی شد، دیگر نمی شود اینکه انسان انگیزه اش الهی باشد و دنبال این باشد که خودش یک راهی باز کند، حالا چی باشد، هر چی شد، شد. این قهراً خواهد این طور شد که وقتی که انگیزه برای خدا شد، دنبال این است که این کار را انجام بدهد، به طوری که خدایسند باشد، از این جهت، در این کار موفق است. اگر موفق نشد در انجام و نتوانست انجام بدهد، خوب، قصور قدرتش است، قدرت نداشته بیشتر از این؛ اما پیش خدا این ارزشش با آن کسی که قدرت داشته مثل هم می ماند. (۱۴۷)

الهی بودن انگیزه

۶۴/۹/۱۹

* * *

ب) وحدت کلمه و نظم و انسجام در بسیج نیروها، منابع و امکانات

باید جوانان غیور اسلامی ما بدانند که تا دست اتحاد به هم ندهند و هدف خود را اسلام که تنها مکتب نجات بخش بشر است و یگانه کفیل آزادی و استقلال ملتهای مستضعف است، قرار ندهند، امید پیروزی را نباید داشته باشند... **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا!**^(۱) این است دستور محکم نجات بخش قرآن کریم

حبل الله محور
نجات بشر

تحول در نظام اجتماعی □ ۸۹

که باید نصب عین خود قرار دهیم و از تفرقه و تشتت، که جز شکست در مقابل طاغوت نتیجه‌ای ندارد، پرهیز نموده از خداوند تعالی نجات ملت را بخواهیم. (۱۴۸)

۵۶/۱۱/۱۵

* * *

همه باهم هم صدا بشوید؛ همه با مسلمانها هم صدا. اگر این صدای توحید را با هم بلند کنید، این تمام می‌شود کارش. اختلاف نیندازید هر کسی از یک گوشه‌ای بگیرد. امروز اختلاف، انتحار مسلمین است. باید همه باهم باشید. (۱۴۹)

اختلال انتحار
مسلمین

۵۷/۸/۴

* * *

این چندین هزار جمعیت اگر چنانچه با یک مقصد راه بروند؛ یعنی شما در فرانسه هستید، یک دسته دیگر در آلمان هستند، یک دسته دیگر امریکا هستند، اینها همه با یک مقصد حرکت بکنند، کارهایشان منسجم باشد، یک نظام داشته باشد، و اینها با هم یک نقشه را بخواهند پیاده بکنند، خیلی کار از آنها می‌آید. (۱۵۰)

انسجام در هدف

۵۷/۸/۹

* * *

نهضت عظیم کنونی ملت ما، علیه شاه و نظام سلطنتی است. بنابراین، در جهت سرنگونی این رژیم مبارزه می‌شود. رهنمود ما بر ایجاد وحدت کلمه در میان همه اقشار جامعه است. روشهای مبارزه را مردم خود یافته‌اند و می‌یابند. رهنمودهای اصلی از

وحدت کلمه

جاناب ما، به موقع خود به عمل می‌آید. (۱۵۱)

۵۷/۸/۱۰

* * *

۱- بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است، برای حفظ نظم، با آن دسته از قوای انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته‌اند با تمام نیرو همکاری کنند و با کمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند.

۲- به تظاهرات و شعارهای پرشور علیه رژیم سلطنتی و دولت غاصب ادامه دهند؛ و اگر منحرفین و مخالفین اسلام بخوانند اخلاقی به وجود آورند و نظم را به هم زنند، از آنان جداً جلوگیری کنند. باید ملت بداند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسیر ملت است به دست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق می‌یابد. من از جمیع اشخاصی که انحرافی داشته‌اند و یا گرایش به بعضی از مکتبهای انحرافی داشته‌اند تقاضا دارم که به آغوش اسلام، که ضامن سعادت آنان است، برگردند که ما آنان را برادرانه می‌پذیریم. در این موقع حساس که کشور جنگزده ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق احتیاج دارد باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز شود. (۱۵۲)

۵۷/۱۰/۲۷

* * *

وحدت کلمه، لله بودن، این پیروزی را به شما داده تا حالا. این وحدت کلمه را حفظش کنید. این حزب بازی را کنار بگذارید، این جبهه بازی را کنار بگذارید، این آخوند و دانشگاهی را کنار بگذارید؛ خدا می‌داند ضرر به شما می‌زند، ضربه می‌زند به

حفظ نظم

تفرقه موجب شکست

شماها هر کدام. در خارج آدم می آید می بیند که جبهه های مختلف است. آن به آن می گوید و به او می گوید، او چه می کند او چه می کند. کنار بگذارید آقا. اگر چنانچه مسلمانید مسلمانی اقتضای این می کند که کنار بگذارید؛ اگر ملی هستید ملی بودن اقتضای این کار را می کند؛ اگر عاقلید عقل اقتضای این را می کند. اینها را دیگران درست کردند به اعتقاد من. دیگران درست کردند که ما را متفرق از هم بکنند. کنار بگذارید این مسائل را، با هم بشوید: **يَدَالِلُهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ**.^(۱) همه با هم بشوید. تا اینجا آوردید تا آخر ببرید. آخر یعنی آن وقتی که دست اجانب از مملکت شما کوتاه بشود؛ مملکت بشود مال خودتان، خودتان اداره اش بکنید، خودتان هر چه دارید دلتان خواست بفروشید. نفت را خواستید بفروشید، خواستید بفروشید. البته می خواهیم بفروشیم اما نه آن فروشی که این مرد کرد که هم نفت را داد هم پایگاه درست کرد. به جای نفت پایگاه برای آنها درست کرد. اینطور البته نمی شود؛ ادامه ندارد این. اتفاق کلمه داشته باشید که اگر این پایگاه اتفاق کلمه را از شما گرفتند بدانید که شکست می خورید. اگر این جمعیت های توی ایران که همه داد می کنند آزادی، همه داد می کنند خدا، اگر این تفرقه در آن پیدا شد و یک قشری در آن پیدا شد که یک شعار دیگری غیر الهی داد و لله نبود، بدانید که شکست شان می دهند. (۱۵۳)

۵۷/۱۱/۱

* * *

همان طوری که برای برانداختن این نسل [دودمان پهلوی] از این زمین همه شرکت کردید و اگر همه نبودید نمی شد، برای ساختن

ایران، که الآن کار بسیار مشکلی است، همه باید کمک بکنید. همه باید با هم دست به هم بدهید و با هم کار بکنید. و هیچ اینطور نیست که من بگویم که من مقدم، تو مقدم. این حرفها نیست در کار. با هم صف واحد: **بُنیان مَرصُوص**. همه با هم باشیم تا بتوانیم کار را به انجام برسانیم. (۱۵۴)

صف واحد و بنیان
مرصوص

۵۷/۱۲/۷

* * *

ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم؛ باز باید همه اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم. (۱۵۵)

تداوم مبارزه با
وحدت کلمه

۵۷/۱۱/۲۳

* * *

درود بر ملتی که در انقلابش چنان حفظ نظم کرد که چشمهای دنیا را خیره کرد. انقلاباتی که در دنیا واقع شده است به قدری شدید است و به قدری خونریزی در آن شده است که نمی‌توان نادیده گرفت. در این انقلاب مذهبی شما، در این انقلاب اسلامی - انسانی شما بحمدالله ضایعات بسیار کم بود؛ برای اینکه حفظ ایمان شما را وادار کرده بود با ظلم مخالفت کنید. شیطان از این عمل شما دور بود. نظر خدای تبارک و تعالی با شما بود، نظر امام زمان - سلام الله علیه - با شما بود. من از شما ملت عظیم تشکر می‌کنم که در مواقعی که گرفتاری اسلام زیاد بود و در خطر واقع

حفظ نظم و نهضت
و آبادانی کشور

تحول در نظام اجتماعی □ ۹۳

بود، از برای اسلام و مسلمین قیام کردید، نهضت کردید، زحمت کشیدید، خون دادید، جوان دادید، و شرّ ظلم را از سر خودتان کوتاه کردید، دستگاه ظلم ۲۵۰۰ ساله را منهدم کردید؛ قوای بزرگ عالم، که طرفداری و پشتیبانی می‌کردند از این رژیم فاسد، عقب‌نشانید؛ نتوانستند کاری بکنند. تا اینجا که آمدید، جوانمردانه و شجاعانه، تمام قشرها در این مطلب سهیم بودند. و الآن قدم ثانی است که شما باید بردارید و آن قدم سازندگی است. قدمی است که در این قدم باید همه با هم شرکت نمایند و ایران خراب را آباد کنند. باید دست به دست هم بدهید. (۱۵۶)

۵۷/۱۱/۲۶

* * *

ما از الآن باید مستقل باشیم: نه طرف راست نه طرف چپ؛ بلکه همه تحت لوای اسلام مستقل. اگر بخواهید مملکتان مستقل بشود، اگر بخواهید آزادی برای شما پیدا بشود، افکار متشت را الآن کنار بگذارید و با هم، هم صدا با هم، این بار را به منزل برسانید. (۱۵۷)

۵۷/۱۱/۲۹

* * *

ما الآن باز پیروزی مطلق برایمان حاصل نشده است. ما نصف راه را رفتیم. الآن مملکت ما باز آشوب است. آشفته است. مفسدین در اطراف مملکت شلوغ‌کاری می‌کنند. باید به همت شما جوانها، هر کدام در هر جا که هستید، مرزهای این مملکت را حفظ کنید؛ دست خرابکارها را کوتاه کنید. شما بودید که پیروزی را تا اینجا

کنار گذاشتن افکار

متشت

همکاری متقابل

دولت و ملت

رساندید و شما باید باشید که پیروزی را به آخر برسانید. دولت ما تنها نمی‌تواند این کار را انجام بدهد؛ روحانیون ما تنها نمی‌توانند این کار را انجام بدهند. باید همه با هم باشند؛ دولت با ملت، ملت با دولت. (۱۵۸)

۵۸/۱/۷

* * *

من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همان طوری که ملت ما با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی پیروز شد و خودش را از بند این خاندان و اشخاصی که آنها را - این خاندان را - ترویج می‌کردند و تأیید می‌کردند نجات داد، برادران فلسطینی ما را هم خداوند تعالی نجات بدهد. لکن عمده، وحدت کلمه آنهاست و عمده، اتکال به خدای تبارک و تعالی. (۱۵۹)

پیروزی با وحدت
کلمه

۵۸/۱/۱۳

* * *

لکن با همت همه، با همت ملت و با همبستگی ملت. شما دیدید که [با] این همبستگی که داشتید و این وحدت کلمه که داشتید و همه‌تان با هم جمهوری اسلامی را می‌خواستید، بر قدرتهای شیطانی غلبه کردید؛ و از این به بعد هم اگر حفظ کنید این قدرت را، اگر حفظ کنید این وحدت کلمه را، خداوند با شماست. اگر حفظ کنید این وحدت کلمه و اتکال به خدا را، هم در مجلس مؤسسان پیروز خواهید شد و هم در مجلس شورا پیروز خواهید شد. (۱۶۰)

همبستگی ملت

۵۸/۱/۱۶

* * *

با رفتن «طاغوت» باید مملکتِ «الله» پیدا بشود، مملکت الهی پیدا بشود. و آن هم با همت همه است. [نه] روحانیون می‌توانند تنها کار را انجام بدهند و نه دولت می‌تواند تنهایی انجام بدهد و نه قشری از اقشار ملت. همان طوری که همه پیش بردید، با هم مسئله را پیش بردید، با هم پیروزی را تا این حدود ایجاد کردید، نایل شدید به پیروزی، باز هم با هم باید این قافله را به منزل برسانید. اگر با هم نباشید، اگر این قوا همه با هم مجتمع نشوند، نمی‌توانند کار انجام بدهند. (۱۶۱)

همت اقشار و
اجتماع قوا

۵۸/۳/۸

* * *

ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم. و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده، برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا ان شاء الله در آینده نزدیک هرکس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر، لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند، و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپاخیزد و از قرطاسبازی و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران ایمانی، برای رفع این نقیصه درد آور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بُن برکنید. تعلیم و تعلم، عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند، و در منازل

بسیج عمومی

شخصی، اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سربلایی نکنند. (۱۶۲)

۵۸/۱۰/۷

* * *

اسلام هم این جور نبوده. هیچ، هیچ رژیم‌ی در عالم اینطور نیست که هرج و مرج باشد. جامعه توحیدی، جامعه توحیدی به آنطور که من عرض کردم یک امر مطلوبی است که همان طوری که در بدن انسان یک جامعه توحیدی است، اگر یک ملتی اینطور شد، خودش را نگه می‌دارد. شما دیدید که یک حدودی ملت ما با هم منسجم شدند و غلبه کردند بر همه چیز. اگر همه قوای انتظامیه و همه قشرهای ملت از روحانی تا دانشگاهی تا بازاری تا کارگر تا زارع، همه اینها اگر چنانچه منسجم بشوند به هم، - با عین - در عین حالی که مراتب محفوظ است بین خودشان، لکن منسجم باشند با هم، مجتمع باشند با هم، یک بدن، حال یک بدن پیدا کنند، همان طوری که بدن انسان جامعه توحیدی است، جامعه هم یک بدن بشود، اگر اینطور بشود، آسیب دیگر بر نمی‌دارد این. این معنای جامعه توحیدی، به این معنا صحیح است. این معنای صحیح جامعه توحیدی است. اگر در یک کلامی، برای آدمی که ملتفت بوده است مسائل را، یک کلمه جامعه توحیدی واقع شده است مقصود این است. (۱۶۳)

۵۸/۱۰/۷

* * *

ما یک صحبت با داخله داریم، با ملت خودمان داریم و همین صحبتهاست که عرض کردم که اساس پیشرفت شما ملت عزیز،

معنای صحیح
جامعه توحیدی

تعهد به اسلام و وحدت کلمه است. تعهد به اسلام بدون اینکه با هم اجتماع نکنید در مسائل، بی‌فایده است. اجتماع در مسائل، بدون تعهد به اسلام، مضر است. این دو مطلب باید همیشه نصب‌العین باشد که تعهد به اسلام و وحدت کلمه و اینکه کشور را همه از خودتان بدانید، دولت را از خودتان بدانید، مجلس را از خودتان بدانید، ادارات را از خودتان بدانید، ارتش را و سپاه پاسداران را و بسیج را و قوای نظامی و انتظامی را از خودتان بدانید و همه با هم به یک جهت حرکت کنید و آن جهت تعالی افکار و جهت تعالی همه جهات کشور. کشور را اگر بخواهید از دست ابرقدرتها تا آخر نجات بدهید، باید تعهد خودتان را به اسلام هر روز محکم‌تر کنید و کوشش خودتان را برای وحدت همه قشرها فعال‌تر کنید. (۱۶۴)

تعهد به اسلام و
وحدت کلمه

۶۰/۱۰/۷

* * *

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است، و اجتماع در مهم امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه فاضله است. و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری؛ و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی‌آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزاء آن باشد؛ و تمام کوششها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و

مودت و اخوت

یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند. چنانچه از مراجعه به تواریخ، خصوصاً تاریخ جنگهای اسلام و فتوحات عظیمه آن، مطلب خوب روشن می شود، که در اوایل طلوع این قانون الهی، چون شمه ای از این اتحاد و وحدت در بین مسلمین بوده و مساعی آنها مشفوع به تخلیص نیات نوعاً بوده، در مدت کمی چه فتوحات بزرگی کردند، و در اندک زمانی به سلطنتهای بزرگ آن زمان، که عمده آن ایران و روم بوده، غلبه کردند و با عده کم بر لشکرهای گران و جمعیتهای بی پایان غالب شدند. و پیغمبر اسلام عقد اخوت بین مسلمین در صدر اول اجرا فرمود و به نصّ **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**^(۱) اخوت بین تمام مؤمنین برقرار شد. (۱۶۵)

* * *

ج) استقامت و تداوم مبارزه

... ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند، که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه دین خدا یک چنان مصایبی را تحمل کرده اند. شما امروز چه می گوئید؟ از چه می ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای

فداکاری و تحمل
مصایب و
ناملازمات

پیروی از حضرت امیر - علیه السلام - و امام حسین - علیه السلام - را دارند، در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت آمیز دستگاه حاکمه، خود را بیازند. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت چنگیزی خود را به خوبی نشان داد. دستگاه جبار با دست زدن به این فاجعه، شکست و نابودی خود را حتمی ساخت. ما پیروز شدیم؛ ما از خدا می‌خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند.

بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد، برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم... (۱۶۶)

۴۲/۱/۲

* * *

ملت ایران را باید ما از آن تشکر کنیم. ملت بیداری است، ملت هوشیار و مقاومی است در مقابل ظلم. در عین حالی که این همه ظلم می‌بیند، این همه کشته می‌دهد، در عین حال، مقاومت می‌کند، ایستادگی می‌کند. و این ایستادگی به نتیجه خواهد رسید. هیچ اشکالی نیست که بعد از اینکه ملتها بیدار شدند و بعد از آنکه حتی زنها قیام کردند بر ضد دولت و بر ضد این جباران، یک همچو ملتی پیروز می‌شوند ان شاء الله. (۱۶۷)

نتیجه بخش بودن
مقاومت و
ایستادگی

اواخر دی ۵۶

* * *

ما از این جنایات پی در پی و کشتار وحشیانه ناراحت و در عین حال امید داریم. ناراحتی برای آنکه جوانان رشید روحانی و دانشگاهی و بازاری و سایر طبقات را که امید برای آتیه کشور هستند از دست داده‌ایم و می‌دهیم؛ و امیدواریم؛ چون می‌بینیم این جنایات شاهانه و این کشتار وحشیانه نتوانست و نمی‌تواند نهضت این ملت بیدار بپاخاسته را به سستی گرایاند؛ هر چه جنایت و قتل افزایش یافت ملت در اراده آهنین خود قویتر و مستحکم‌تر شد. (۱۶۸)

اراده آهنین ملت

۵۷/۱/۴

* * *

این ملتی که ایستاده الآن در مقابل ظلم و در مقابل قلدریها، و آنها با توپ و تانک و او با مشت، دارد مقاومت می‌کند و نمی‌رود کنار، این ملت شکست نمی‌خورد. (۱۶۹)

شکست‌ناپذیری
ملت

۵۷/۷/۱۹

* * *

تاریخ سراغ ندارد این جور نهضتی که الآن در ایران است. تاریخ ایران تا حالا سراغ ندارد این جور نهضتی که تمام ایران - تمام - بایستند. بچه اینقدری بگوید که مرگ بر شاه، پیرمردش هم بگوید مرگ بر شاه؛ همچو نهضتی ما نداشته‌ایم در ایران. این نهضت را نگذارید بخوابد تا اینها از بین بروند، تا این هیأت حاکمه بروند [و] یک هیأت حاکمه صحیح سرکار بیاید. (۱۷۰)

ادامه نهضت تا
روی کارآمدن
هیأت حاکمه
صحیح

۵۷/۷/۲۱

* * *

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۰۱

باید به مبارزات مثبت و منفی ادامه داد و این یاغی را هر چه زودتر از مملکت خارج نمود. پیش کشیدن شعار عمل به قانون اساسی که اخیراً ایادی شاه در مجلسین عنوان کرده‌اند، خیانت به اسلام و کشور است. نغمه بقای رژیم و رفتن شاه، کشتن افعی و پروراندن بیچه اوست. (۱۷۱)

۵۷/۸/۴

* * *

عزیزان من صبور باشید که خدا با صابران است. و سوسه شیاطین در شما مؤثر نشود که قیامهای مکرر شما نشان داده است که هرگز نمی‌شود. آنان که آیه یأس برای شما می‌خوانند، عمال اجانب و شاه هستند که با و سوسه شیطانی می‌خواهند شاه و منافع غارتگران را حفظ کنند؛ اینان را به صراط مستقیم الهی بخوانید و اگر تسلیم نیستند، از خود برانید و آنان را مأیوس کنید.

قیام شما برای خدا و رهایی امت اسلامی می‌باشد، و تحمل و رنج در راه آن از بزرگترین عبادات است و به فضل الهی، برای شما ثواب مجاهدین صدر اسلام را دارد. طولانی بودن راه خدا شما را استوارتر گرداند؛ چنانچه رنجهای بیست و چند ساله، رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - را استوار و استوارتر می‌کرد. (۱۷۲)

۵۷/۸/۴

* * *

یک ملتی که بیشتر از پنجاه سال زیر دست و پای اینها خرد شده است، حالا که چشمهایش را باز کرده و می‌بیند که باید این مجرمها را با زور و با فشار و با هیاهو و با - عرض می‌کنم - تظاهرات و

استمرار مبارزات
مثبت و منفی

قیامهای مکرر و
طولانی در راه خدا
موجب استوار
شدن انسان

غفلت موجب
شکست نهضت
و سرکوبی ملت

اعتصابات و اینها باید این را شکست داد، همین ملت می‌داند این معنا را که اگر چنانچه یک غفلت کوچکی حالا بکند، یک غفلت بسیار کوچک الآن اگر بکند، باز مطلب برمی‌گردد به پنجاه سال پیش از این، و دیگر نمی‌تواند این ملت حتی بعد از پنجاه سال دیگر هم یک همچو نهضتی را ایجاد کند و یک همچو قیامی بکند. خوب، ملت این را می‌داند. می‌داند که اگر امروز این تا آن آخر نقطه نرود و تا سرنگونی این آدم این نهضت را ادامه ندهد، برمی‌گردد به حال رضاشاه و بدتر از او. و این دفعه اگر چنانچه این قدرت پیدا بکند، دیگر نه بر بچه مهلت می‌دهد نه بر بزرگ. همه مخالفین خودش را، که همه ملت است، سرکوب می‌کند و هیچ هم مضایقه ندارد ایشان. (۱۷۳)

۵۷/۸/۱۸

* * *

این نهضت را نگذارید بخوابد، نگذارند آنهایی که رؤسای امور هستند، احزاب هستند، علما هستند، طلاب هستند، بازاری هست، دانشگاهی هست - عرض می‌کنم - دادگستری هست، وکلای دادگستری هست، آن قشرهایی که در مملکت هستند نگذارند که بخوابد این اعتصابات، و نگذارند بخوابد این نهضت زنده‌ای که الآن در ایران هست. اگر خدای نخواست این نهضت بخوابد تا آخرالابد زیر بار ظلم هستیم. و این دفعه اگر این شمشیر این مردکشیده بشود، تمام نسله‌ایتان را قطع خواهد کرد. (۱۷۴)

۵۷/۸/۲۹

* * *

زنده نگهداشتن
نهضت

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۰۳

ملت شریف باید تا نتیجه نهایی، دست از مبارزات پرشور خود برندارند، که نمی‌دارند. باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و در صورتی که چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند، می‌توانند دفاع از خود کنند اگر چه منتهی به قتل آنان شود. (۱۷۵)
۵۷/۱۰/۲۲

ادامه اعتصابات و
تظاهرات

* * *

شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت‌های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد، و به مقصد - هر چه دشوار باشد - رسید. (۱۷۶)

غلبه بر مشکلات با
فداکاری و
استقامت

۵۷/۱۰/۲۷

* * *

بر ملت ایران است، بر ملت ایران در این زمان که حساس است لازم است که پافشاری کنند و دست از نهضتشان برندارند که پیروزی آنها ان شاء الله نزدیک است. (۱۷۷)

پافشاری ملت

۵۷/۱۱/۸

* * *

شما جوانان تاکنون در این نهضت شرکت داشتید؛ من به شما درود می‌فرستم! لکن نیمه راه است؛ راه باز باقی مانده است. شما جوانها، شما نیروهای جوان باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام، با ایمان، از این نهضت تا اینجا که آمده‌اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه‌های استبداد و ریشه‌ای استعمار را از این مملکت بکنید؛

ادامه نهضت تا
اصلاح آشفتنگی در
مملکت

باید این مملکت را پاکسازی کنید. این مملکت عقب مانده است، این مملکت اقتصادش ورشکسته است، این مملکت الآن آشفته است [و] به نیروی شما جوانها باید این مملکت اصلاح بشود. ما همه مسئول هستیم؛ ما همه باید دنبال این کار را بگیریم تا به آخر برسانیم. (۱۷۸)

۵۸/۱/۹

* * *

اگر خدای نخواسته این روحیه را از دست بدهیم، خودمان را حالا پیروز بدانیم و هر کدام برویم سراغ کار خودمان - انسان تا توی راه دارد می رود قدرت دارد؛ این کاروانها تا توی راه دارند می روند قدرت دارند و وقتی به منزل رسیدند قدرتشان تمام می شود؛ روحیه انسان هم اینطوری است: شما سوار اتومبیل شدید و از شهری به شهری رفتید، اگر انسان مقصدش ده فرسخ است، در سر نه فرسخی رو به خستگی می رود؛ وقتی می رسد آنجا، دیگر افتاده است - ما اگر اعتقادمان این باشد که پیروز شدیم دیگر رو به سستی می رویم و ما [هنوز] پیروز نشدیم. ما مانعها را حالا یک مقداری رفع کردیم، ریشه هاشان هم هنوز باقی است. (۱۷۹)

۵۸/۱/۱۷

* * *

قیام برای خدا، و استقامت دنبال آن قیام. در وصیت خدا به وسیله پیغمبر برای امت؛ این است که قیام کنید برای خدا، یکی یکی قیام کنید، جمع جمع قیام کنید؛ لکن قیام برای خدا. در این آیه است که استقامت کنید.

عدم سستی تا قطع

ریشه ها

استقامت عامل

پیروزی و حفظ

قیام

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۰۵

شما ملت قیام کردید، و بحمدالله قیام شما برای خدا بود، همه فریاد می‌زدید که ما «جمهوری اسلامی» می‌خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید. امر اول را که فرموده‌اند قیام کنید برای خدا اطاعت کردید؛ باقی مانده است امر دوم: **فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُمْ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ**^(۱)؛ استقامت کنید، این قیام را حفظ کنید. این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید. استقامت کنید، نگه دارید این تحول انسانی که بالاتر از تحولاتی فعال خارجی است. این تحولی که شما را برای رسیدن به آمال مشتاق کرد که خون بدهید، این تحول انسانی که شما برای برادرانتان حاضرید جان بدهید و حاضرید مال بدهید و حاضرید وقت صرف کنید، این تحول مهم بود؛ این تحول بالاتر از اصل مبارزه بود. ... اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد. اگر استقامت کنید این عددی که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد. (۱۸۰)

۵۸/۳/۴

* * *

شما با زحمت‌های خودتان، با رنج‌های خودتان، چه آقایان و چه خانمها، این پیروزی را تحصیل کردید؛ و باید با زحمت‌های خودتان، با رنج‌های خودتان، با فداکاری‌های خودتان، ادامه بدهید. الآن موقعی است که احتیاج به ادامه نهضت است. نهضت نارس است؛ بین راه است؛ و شیاطین توطئه می‌کنند. (۱۸۱)

۵۸/۳/۹

* * *

نهضت نارس و
توطئه‌های شیاطین

الآن ما در نصفه راه واقع هستیم. ما راه را به آخر نرسانده ایم. رأی دادیم به «جمهوری اسلامی»، الآن هم ایران رسماً جمهوری اسلامی است، ... [و] همه ممالک هم شناخته‌اند ایران را به جمهوریت اسلامی؛ لکن ما محتوای جمهوری اسلامی را می‌خواهیم. زحمت ما، آنکه ملت ما داد، زحمت‌هایی، چیزهایی که تحمل کرد، برای این بود که اسلام تحقق پیدا بکند. جمهوری اسلامی لفظی ما نمی‌خواهیم که؛ یک جمهوری اسلامی که فقط به آن رأی بدهیم و خودش را کار نداشته باشیم! ما باید اسلام را به همان طوری که در صدر اسلام بود، آرزوی ما این است که اسلام را آنطور که در صدر اسلام بود، پیاده کنیم. آنطوری که در زمان خود رسول‌الله بود پیاده بکنیم. و این محتاج به جدیت تام است در همه اقشار. (۱۸۲)

۵۸/۳/۲۳

* * *

کوشش کنید که در این مرحله دوم، که ما الآن هستیم، و بعد هم مرحله‌های دیگر هست، پاسدار باشید. شماها که الآن پاسداری کردید تا حالا و خداوند همه‌تان را تأیید کند - کوشش کنید که در این مرحله دوم، که مرحله حکومت عدل است، رژیم عادلانه است، رژیم اسلام است، جمهوری اسلامی است، در این مرحله به وظایف پاسداری در این مرحله قیام کنید. پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. (۱۸۳)

۵۸/۴/۶

* * *

این قشرهایی که نمی‌خواهند بگذارند جمهوری اسلامی تحقق

جدیت و تحمل
زحمات در جهت
تحقق اسلام

تداوم قیام تا
آخرین مرحله

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۰۷

پیدا بکند، کوشش می‌کنند که جمهوری اسلامی نباشد، شما باید کوشش بکنید در مقابل همه کوششهای آنها، و همان طوری که با کوشش شما همه قدرتها درهم پیچیده شد و نتوانستند این قدرت شیطانی را نگاه دارند، با قدرت و قوه و قدرت اسلامی شما، قوه ایمانی شما ان شاء الله از این به بعد هم این راه را ما برویم. (۱۸۴)

۵۸/۴/۱۲

* * *

در هر صورت، شما مطمئن باشید. با دل محکم، با مشت گره کرده و محکم، به جلو بروید. و شما پیروزید. اما شرط این است که آن نهضت به همان وضعی که آمد، به همان قدرتی که آمد، حفظش کنید. (۱۸۵)

۵۸/۸/۳

* * *

الآن وظیفه ملت ما، هر که در هر جا هست، این است که همان نهضتی که از اول بود، که متوجه به این نبود که من حالا چی دارم یا چی ندارم، همان را ادامه بدهد تا وقتی مستقر بشود حکومت. الآن بین راهی هستیم و متزلزل. ما که نرسیدیم به نقطه اعلیٰ. ما الآن رسیدیم به جایی که بعضی از ابزار حکومتی درست شده. قانون اساسی اش رأی داده شده است. اصل جمهوری اسلامی رأی داده شده. اما، ما، نه رئیس جمهوری داریم، نه مجلسی داریم. مجلس باید همه کارها را انجام بدهد. استقرار ندارد الآن مملکتمان. باید ما کاری بکنیم که با همان نهضتی که تا حالا آمدیم، این را نگهش داریم تا بتوانیم ما این مراحل بعد را با سلامت طی بکنیم. (۱۸۶)

۵۸/۱۰/۲۰

* * *

ادامه راه با قوه

ایمانی

حفظ نهضت شرط

پیروزی

ادامه مراحل با

حفظ نهضت

تحول تدریجی در
انقلاب

البته انقلابی به این بزرگی نمی‌شود که یک‌دفعه متحول بشود به
یک جوّ سالم، باید به تدریج این جوّ سالم پیش بیاید. (۱۸۷)

۵۹/۳/۲۵

* * *

و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که آنان^(۱) را در
صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیشامدها و مشکلات
اجتناب‌ناپذیر دنباله انقلاب، استقامت عطا فرماید. و ملت عزیز
بدانند که «استقامت» آنچنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام
-صلی الله علیه و آله و سلم- منقول است که فرموده: سوره هود
مرا پیر کرد [آنجا] که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن. ما
و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم باید در
حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم
و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. خداوند
یاور و پناه شما عزیزان باشد؛ و به شما صبر انقلابی مرحمت
فرماید که در مشکلات ناتوان نشوید؛ و دید انقلابی دهد که تحت
تأثیر جوسازان خدانشناس و متکبران بی‌اعتنا به اسلام و انقلاب
اسلامی واقع نشوید، و از شایعه‌سازان مخالف مصالح عمومی
انقلاب پیروی ننموده و به مقابله با آنان برخیزید. (۱۸۸)

اهمیت ویژه در
استقامت و صبر
انقلابی

۶۰/۱۱/۲۲

* * *

فصل چهارم

اهداف

الف) استقلال، آزادی و رهایی از اختناق

عزیزان من! همت کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مهره‌های خیانتکار را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کنید، و دست مهره‌دارهای سودجو را از کشورهای اسلامی قطع کنید. سعادت و آزادی و استقلال، پشت سد مهره‌های داخلی و مهره‌دارها است، سدها را ویران کنید و صفها را درهم شکنید و کشور را نجات دهید. (۱۸۹)

نجات کشور

۵۷/۷/۲۰

* * *

حرف مردم ایران این است که ما یک همچو رژیمی که از اولش به ما آنقدر ظلم کرده و همه چیز ما را به یغما داده و نفت ما را به مجان - کاش مجان بود - نفت ما را می دهد پایگاه برای [امریکا] درست می کند؛ یعنی عوض اینکه به ما یک چیزی بدهند، اسلحه می دهند که پایگاه درست کنند در ایران. هم نفت را می خورند، هم پایگاه درست می کنند برای خودشان! این مردم ایران صدایشان از بچه تا بزرگ بلند است که آقا، مرگ بر این جور

آزادی و استقلال در اداره مملکت

حکومتی که پدر ما را درآورد. اینها فریاد دارند می‌زنند که ما آقا آزادی می‌خواهیم. پنجاه سال هیچ چیز ما آزاد نبود: نه مطبوعاتمان آزاد بود، نه خطبای ما آزاد بودند، نه علمای ما آزاد بودند، نه دانشگاه ما دانشگاه بود، هیچ چیز نبود. ما آزادی می‌خواهیم؛ استقلال ما می‌خواهیم. ما همه چیزمان نباید بند دیگران و انگل باشد. ما باید مستقل، خودمان اداره کنیم مملکت خودمان را. اینها دادشان برای این است که آزادی به دست بیاورند. (۱۹۰)

۵۷/۷/۳۰

* * *

درد ملت که الآن فریادش بلند است، [و] همه فریاد این است که ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم که این، مخازن ما را به باد فنا بدهد؛ بعد از بیست سال دیگر نه نفت داریم، زراعتمان را هم که از بین بردند، هیچ چیز نداریم. وقتی هیچ چیز ندارد این ملت، آن وقت چطور زندگی کند؟ این نسل آینده چطور زندگی باید بکند؟ ما مسئولیم نسبت به نسل آینده. (۱۹۱)

۵۷/۸/۲

* * *

ما می‌خواهیم یک ملت را آزاد کنیم، ما می‌خواهیم یک امت را آزاد کنیم، ما می‌خواهیم یک امت را مستقل کنیم، ما می‌خواهیم از زیر بار امریکا و انگلستان و روسیه بیرون برویم، البته فداکاری می‌خواهد، جوان دادن می‌خواهد، حبس می‌خواهد، ده سال حبس می‌خواهد. لازم است این امور. همه چیز لازم دارد، و ما

فریاد ملت، آزادی
و استقلال

آزادی و استقلال
امت

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۱۱

اصلاً در این معنی ناراحت نیستیم که داریم حبس می‌رویم، جوانهای ما دارند از بین می‌روند؛ برای اینکه در مقابل [نا]حق است، برای خداست. (۱۹۲)

۵۷/۸/۳

* * *

باید ملت ما از روحانی و سیاسی تا دانشگاهی و بازاری و دهقان و کارگر و کارمند از موضع قاطعی که تا کنون داشته‌اند، که آن برجیده شدن رژیم منحط پهلوی و به دست آوردن استقلال و آزادی در سایه حکومت عدل اسلامی است، یک قدم عقب‌نشینی نکنند که عقب‌نشینی، کشتار سفاکانه شاه را افزایش می‌دهد، و سستی در این راه، خون پاک جوانان عزیز ما را پایمال می‌گرداند و مسئولیت آن به عهده همه ماست. (۱۹۳)

۵۷/۸/۴

* * *

ما می‌خواهیم آزاد باشیم؛ ما در مملکتمان استقلال می‌خواهیم، آزادی می‌خواهیم. بچه‌های ما هم دارند داد می‌زنند این معنی را؛ پیرمردهایمان دارند همین معنا را ...
... اینها می‌خواهند آزاد باشند. گرفتار بودند؛ پنجاه سال اختناق؛ اینها می‌خواهند که مستقل باشند. سالهای طولانی، بیش از پنجاه سال تحت اسارت [بودند]؛ می‌خواهند بیرون بیایند از این اسارت. (۱۹۴)

۵۷/۸/۸

* * *

استقلال و آزادی
در سایه حکومت
عدل اسلامی

بیرون آمدن از
اسارت

مردم از اختناق و خیانت‌های پنجاه ساله به جان آمده و برای مطالبه حقوق اولیه خود، قیام نموده‌اند. ما آنان را در این امر حیاتی مشروع، چه زمانی که در ایران بودیم و چه در خارج ایران، تشویق می‌کنیم...

هدف و برنامه

هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است و تصفیه وزارتخانه‌ها و حذف ماده‌هایی که رضاشاه و شاه فعلی^(۱) با سرنیزه در قانون گنجانده‌اند و حذف مواد مربوط به سلطنت مشروطه. (۱۹۵)

نهضت

۵۷/۸/۱۱

* * *

ما حقمان را می‌خواهیم، ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، این ارتجاع است؟ مال ما را بردن ارتجاع نیست، تمدن است؟! مالمان را می‌خواهیم ندهیم، مرتجع هستیم؟! ما را در قید و بند می‌خواهید نگه دارید و اسیر - تا آخر نگه دارید شما مرتجع نیستید، اما ما که می‌گوییم آزاد می‌خواهیم باشیم ما مرتجع هستیم؟! اگر ما دست برداریم از آن تز خودمان، از آن مقصد خودمان، تا آخر زیر بار این ظلم و این ستم - تا آخر باید باشیم. (۱۹۶)

تز آزادی و استقلال

۵۷/۸/۱۱

* * *

شما به مردم بگویید که مردم ایران یک مردمی هستند که می‌خواهند از دست این ظالم نجات پیدا بکنند، می‌خواهند آزاد بشوند، می‌خواهند مستقل بشوند، می‌خواهند زندگی انسانی

نجات از ظلم برای
زندگی انسانی

۱. منظور، محمدرضا شاه است.

بکنند؛ و این مرد نمی‌گذارد این کار را بکنند. (۱۹۷)

۵۷/۸/۲۰

* * *

اینها آزادی می‌خواهند که همه بشر می‌خواهد، استقلال می‌خواهند که همه کس می‌خواهد و می‌خواهند که دست اجانب از مملکتشان کوتاه باشد، می‌خواهند که اقتصاد مملکتشان در دست خودشان اداره بشود، می‌خواهند فرهنگ مملکتشان را خودشان مستقلاً اداره بکنند، می‌خواهند ارتش را دیگران اداره نکنند، مستشارهای امریکایی نیابند و ارتش را قبضه نکنند، می‌خواهند پایگاههای امریکا از مملکتشان برداشته بشود؛ یک مملکت آزاد و مستقل باشد. (۱۹۸)

مملکت آزاد و
مستقل

۵۷/۸/۲۷

* * *

و مردم که قیام کرده‌اند، آزادی می‌خواهند. فریادشان این است که ما آزادی می‌خواهیم و استقلال می‌خواهیم. این مردمی که آزادی و استقلال می‌خواهند، اینها وحشی نیستند. اینها متمدنند که آزادی و استقلال می‌خواهند. وحشیها آنها هستند که استقلال و آزادی را از اینها گرفته‌اند نه اینهایی که آزادی و استقلال را می‌خواهند. استقلال و آزادی دو تا چیزی است که همه بشر، از حقوق اولیه بشر است و همه بشر این را مُطالب هستند. آنکه سلب می‌کند این را از مردم، آن وحشی است. آن کسی که این حق را می‌خواهد، آن متمدن است. (۱۹۹)

استقلال و آزادی از
حقوق اولیه بشر

۵۷/۸/۲۸

* * *

گناه آنها، گناه این اشخاصی که به قول شما مجرم سیاسی هستند، این است که در مقابل ظلم تو، در مقابل اختناق همه جانبه تو گفتند که آقا چرا، چرا مردم را اینطور اسیر می‌کنی؟ در مقابل خیانت‌های تو می‌گویند چرا به امریکا تو همه چیز ما را دادی؟ کسی که این «چرا» را دارد می‌گوید، می‌گوید آزادی به ما بدهید، می‌گوید استقلال ما می‌خواهیم، مملکت می‌خواهیم مال خودمان باشد، نمی‌خواهیم مملکت مال دیگران باشد، می‌خواهیم آزاد باشیم، می‌خواهیم مطبوعاتمان آزاد باشد، می‌خواهیم رادیو و آلات تبلیغی مان آزاد باشد؛ این جرم است....

آزادی مطبوعات و
تبلیغات

ملت ایران داد دارد می‌زند که آزادی من می‌خواهم، داد دارد می‌زند که من استقلال می‌خواهم، او داد می‌زند آزادی می‌خواهم. (۲۰۰)

۵۷/۹/۲

* * *

مردم می‌خواهند که یک انسان باشند، مردم ایران می‌خواهند آدم باشند، انسان باشند؛ نه اینکه تحت نظارت یک اشخاصی [باشند] که هیچ چیز ندارند. آن وقت یک مردمی که قیام کرده‌اند و بچه‌هایشان را، جوانهایشان را دارند فدا می‌کنند برای آزادی، برای استقلال، برای اسلام، برای حکومت عدل،...

ارزش آزادی و
استقلال

مردم ایران حرفشان واضح است: دارند داد می‌زنند، از بچه دبستانی تا دبیرستانی تا -عرض می‌کنم که - همه جا تا برسد به پیرمردها، تمام مدارس ایران، جوانهای ایران در مدرسه، در دانشگاه، در هر جا فریادشان این است که ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، ما یک حکومتی که استقلال را از ما سلب

کرده است این را نمی‌خواهیم...

... این ملتی که الآن پانزده سال است - بیشتر - قیام کرده و یک سال است که دائماً دارد خون می‌دهد، دائماً دارد جوانهایش را فدا می‌کند، اینها چه می‌خواهند؟ اینها چه ارزشی قائلند برای این آزادی و استقلال که جوانشان را می‌دهند و مع‌ذک باک ندارند؟ باید کمک کنید به اینها. باید به مردم بگویید، به مردم این حدود بگویید که ایران یک همچو چیزی می‌خواهد. (۲۰۱)

۵۷/۹/۴

* * *

و ملت ایران الآن در مقابل همه اینها ایستاده است و می‌گوید که نه! ما منافعمان برای خودمان می‌خواهیم باشد. و ما می‌خواهیم آزاد باشیم، می‌خواهیم مستقل باشیم، ما یک حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم نه یک حکومت جائری که همه چیز ما را به باد بدهد؛ ما یک حکومت امینی می‌خواهیم که امین باشد برای مردم و ما داریم در ایران؛ [و] در خارج ایران مردم امینی [را] که می‌توانند جانشین بشوند از برای این آدم و این دستگاه. (۲۰۲)

۵۷/۹/۵

* * *

بیش از پنجاه سال است که شاه و پدرش، با اسلام کینه‌توزی و دشمنی کرده‌اند. در هدم اسلام که تنها دین ضامن استقلال و آزادی کشور است کوشیده‌اند و تمام حقوق ملت مسلمان، تمام آزادیها و حتی حقوق اقلیتهای مذهبی را نیز از میان برده‌اند. استقلال کشور بکلی از میان رفته است و کشور را به سود خود و

حکومت امین

رهایی از قید و بند
بیگانگان، ضامن
استقلال و آزادی
کشور

اربابانش واژگون نموده‌اند. ما می‌خواهیم و نیز مردم می‌خواهند، ریشه و عامل این فساد و تباهی را قطع کنند. بزرگترین عامل داخلی، شخص شاه و خانواده‌ اوست. رها شدن از قید و بند بیگانگان، ضامن استقلال و آزادی کشور است. قیام مردم برای این جهت است. (۲۰۳)

۵۷/۹/۱۶

* * *

آنها که قیام کرده‌اند بر ضد این، نه اینکه یک مردمی هستند که می‌خواهند شلوغکاری بکنند این کارها را می‌کنند، این مردمی هستند که حق می‌گویند؛ حق خودشان را طلب می‌کنند. آزادی حق مردم است؛ استقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب استقلال بکنند در مملکت...

بگویید به مردم اینجا که مردم ایران که قیام کرده‌اند برای یک مطلب واضحی است که همه بشر قبولش دارد که آزاد باید باشد؛ نباید هی در حبسش کنند، نباید جلوی بگیری که حرف نزن! بیخ گلویش را فشار بدهند که نباید یک کلمه حرف بزنی! قلمش را بشکنند که نباید بنویسی! قلمها را اینها شکستند؛ قدمها را شکستند در این پنجاه سال. حبسها پر بود از اشخاصی که آزادی می‌خواستند در این پنجاه سال. حالا قیام کرده‌اند و حقوق واضح ملی خودشان را، آنکه از حقوق بشر است و از اولین حقوق بشر است: آزادی، استقلال، حکومت عدل، این را می‌خواهند مردم. (۲۰۴)

قیام ملت برای
آزادی، استقلال و
حکومت عدل

۵۷/۹/۱۸

* * *

سؤال: [اهداف و برنامه‌های آینده فعالیت‌های شما چیست؟]
جواب: نقایصی که در حکومت شاه بوده است، تا آنجا که مقدور است، ترمیم خواهیم کرد. استقلال و آزادی را به وطن باز خواهیم گرداند. روابط ناسالمی را که به ضرر ملت است اصلاح خواهیم کرد. ادارات را هم، آنطور که مصلحت ملت و مملکت است، تصفیه می‌نماییم. دست دیگران را از ایران کوتاه خواهیم نمود. (۲۰۵)

بازگرداندن استقلال
و آزادی به وطن

۵۷/۹/۲۱

* * *

ملت ایران تصمیم گرفته است که خود را از چنگال استعمار و استبداد نجات دهد و مستقل و آزاد باشد؛ و سیاست‌های خود را بر این دو پایه نیز طرح ریزی می‌کند و برای او مهم نیست که چه کسی این سیاستها را می‌پسندد و یا نمی‌پسندد. (۲۰۶)

طرح ریزی
سیاستها بر پایه
استقلال و آزادی

۵۷/۱۰/۱۸

* * *

این نهضتی که ایران بپا کرده است به آخر برسانیم. دست اجانب را از این خزاین ملی کوتاه کنیم، و دست اجانب را از مسائل دینی مان کوتاه کنیم، و این اختناقی که از همه اطراف بر ما سلطه داشت و [شدید] بود، این اختناق را از بین ببریم و مملکت برای خودمان باشد، خودمان اداره‌اش بکنیم. خودمان [بسازیم]، نمی‌توانید اداره [بکنید؟!]. مگر دزدی باید کرد؟ حتماً باید یک دزدی باشد تا بتواند اداره کند؟! اینهمه مردم امین که ما داریم در خارج کشور، در کشور که اینها همه تحصیل کرده، همه جهات را می‌دانند، در

از بین بردن اختناق

خارج تحصیل کردند، مطلع هستند، امین هم هستند، یک «دزد»ی را برمی داریم یک «امین»ی را جایش می گذاریم، مملکت به هم می خورد؟! «خیر، باید مسئله انتقال قانونی باشد!» این، اینقدر ادراک نمی کند که مسئله، مسئله انقلاب است نه مسئله یک رژیم با رژیم دیگر! مسئله انقلاب است. (۲۰۷)

۵۷/۱۱/۱۳

* * *

این ملت الآن ایستاده است و می گوید که ما می خواهیم آزاد باشیم. این یکی از حقوق بشر است - که همه عالم این معنا را قائلند - و می گویند ما می خواهیم مستقل باشیم. این هم یکی از حقوقی است که هر کسی سرنوشت خودش باید دست خودش باشد. (۲۰۸)

استقلال و آزادی
خواسته همه عالم

۵۷/۱۱/۱۸

* * *

ما می خواهیم که سرنوشت ما را خودمان تعیین کنیم نه سفارت امریکا و سفارت شوروی. ما می خواهیم که مملکت خودمان را خودمان تعمیر کنیم نه یهودیها و اسرائیل. ما می خواهیم مملکتمان را آزاد کنیم؛ اختناق در مملکت ما نباشد. ما می خواهیم ارتش ما آزاد باشد؛ اسرائیل در آن تصرف نکند، امریکا در آن تصرف نکند. (۲۰۹)

عدم اختناق و حق
تعیین سرنوشت

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

ب) استحاله ارزشها و ایدئولوژی

بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایه امید مسلمین هستید - لازم می‌باشد که ملتها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمانسوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. (۲۱۰)

پیشبرد آرمانهای
بزرگ اسلام

۵۱/۵/۱۷

* * *

مشروبات الکلی و الکلیسم و سایر مخدرات که مضرّ به حال جامعه می‌باشند، جلوگیری خواهد شد. (۲۱۱)

ممانعت از
مخدرات جامعه

۵۷/۸/۱۰

* * *

سؤال: [اولین اقدامات یک دولت اسلامی چه خواهد بود؟]
جواب: اولین اقدام، این است که همه عوامل فساد و مهمتر اینکه همه انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سایر زمینه‌ها با کمال جدیت باید ریشه کن شود. (۲۱۲)

ریشه‌کنی
انگیزه‌های فساد

۵۷/۸/۱۶

* * *

این قیامی که ملت ایران کرد قیام برای خدا بود. برای اینکه شکوفا شد در آنها یک حالات نفسانی [دیده نمی‌شد] یک انسانیت در

شکوفایی حالات
نفسانی و انسانیت

بین مردم شکوفایی پیدا کرد. و این نیست جز اینکه یک نحو ایمان بود، یک نحو خداپرستی بود، «خدا نمونه‌ای» بود. (۲۱۳)

۵۷/۱۱/۲۸

* * *

ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، با یک همچو وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد ان شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم؛ فحشا را قطع می‌کنیم... ما با ملت ایران، با همراهی ملت ایران، با پشتیبانی ملت ایران، تمام آثار غرب را - تمام آثار فاسده، نه آثاری که تمدن است - تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نغمات باطله غربی را خواهیم زدایید. (۲۱۴)

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

شما فکری بکنید که این معنای اسلامی، این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، تو دانشگاه وقتی برویم اسلام باشد، تو دادگستری وقتی برویم اسلام باشد، تو وزارت خارجه برویم اسلام باشد، تو ادارات برویم اسلام باشد، تو بازار برویم اسلام باشد، صحرا برویم اسلام باشد، شهر برویم اسلام باشد، کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد، شما تا آخر پیروز هستید. (۲۱۵)

۵۸/۳/۱۱

* * *

زدودن تمام اخلاق
فاسده غربی

تحقق اسلام در
محتوا

مردم ایران چرا در خیابانها ریختند و فریاد کردند و همه «الله اکبر» گفتند و فریاد کردند؟ قضیه این چه بود؟ آیا مردم ایران هم مثل شورشیهای شوروی فریاد می کردند و علف می خواستند؟ فریاد می کردند و دنیا می خواستند؟ خونشان را جوانهای ما برای اینکه یک زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند خون می دادند؟ این می شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگی اش خوب باشد؟ یا خیر، این یک نهضت الهی بود. نهضت مثل نهضتهای آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آنهایی که نهضتهایشان نهضتهای جهت مادی بوده است، نبوده است. نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان اسلام، به عنوان احکام اسلام، در خیابانها ریختند و همه گفتند ما این رژیم را نمی خواهیم؛ و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می خواهیم. آن چیزی که انگیزه این ملت بود، انگیزه همه قشرها، إلا بعضیها...

پیدایش روح
انسانیت در نهضت
الهی

ما می خواهیم یک جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می شویم در یک دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد؛ الهی باشد. پیروزی نه برای این است که ما برسیم به یک مثلاً آزادی؛ برسیم به یک استقلالی و منافع برای خودمان باشد، همین؛ همین دیگر تمام؟ حالا که دیگر منافع مال خودمان شد، دیگر کاری دیگر نداریم؟

اینها مقدمه است. همه اش مقدمه این است که یک ملت انسان پیدا بشود؛ یک ملتی که روح انسانیت در آن باشد پیدا بشود؛ تحول پیدا بشود در خود اشخاص. آن چیزی که مطرح است پیش انبیا انسان است. آن چیز، چیز دیگر نیست؛ انسان مطرح است

پیش انبیا؛ چیز دیگر پیش انبیا مطرح نیست. همه چیز به صورت انسان باید درآید. می‌خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد، همه چیز درست می‌شود. (۲۱۶)

۵۸/۳/۱۶

* * *

الآن مملکت ما رژیمش رژیم جمهوری اسلامی است؛ لکن با رأی به جمهوری اسلامی آرمانهای اسلام تحقق پیدا نمی‌کند - دنبال این رأی، عمل باید باشد - باید یکی یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا بکنند. باید دادگستری، دادگستری اسلامی باشد. باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد؛ باید بازار، بازار اسلامی باشد؛ مدارس، مدارس اسلامی باشند؛ باید همه قشرها اسلامی بشوند، و همه قوانین اسلام ان شاء الله تحقق پیدا بکنند. اگر چنانچه به این آرمانی که همه داریم ان شاء الله برسیم، یک مملکت نمونه خواهید پیدا کرد. (۲۱۷)

۵۸/۳/۲۱

* * *

ما حالا باید باورمان بیاید که آن بساط طاغوت باید برچیده بشود. همان رأس و رده بالا برود و باقیش باقی بماند، این باز به مقصد نرسیدیم. همه جا، در همه وزارتخانه‌ها، در همه ادارات، در بازار، در همه جا، باید جووری بشود که وقتی یک کسی وارد شد ببینید که وارد شده در یک مملکت اسلامی؛ همه چیزش اسلامی است؛ نه کم‌فروشی در اینجا هست؛ نه گرانفروشی و اجحاف هست در آن؛ نه دروغ هست؛ نه تقلب هست؛ نه این کاغذ بازیهای اداری هست؛

اسلامی شدن همه

چیز در عمل

برچیده شدن بساط

طاغوت و مظاهر

فساد

نه آن مجلات با آن عکسها و با آن تبلیغات، که جوانهای ما را به تباهی کشیدند؛ و نه آن بساطی که در رادیو و تلویزیون بود و شماها دیدید. (۲۱۸)

۵۸/۶/۱۷

* * *

باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم غربی بود؛ همه چیز غربی بود. حالا باید، بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم، این طور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش بکنیم، و دنباله‌رو غرب یا دنباله‌رو شرق باشیم. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم، و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد.

اگر ما این وابستگیهای معنوی را، این وابستگیهایی که جوانهای ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، اینها را اگر برگردانیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم، و خودمان سرپای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم، و اما اگر چنانچه از این معنا غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا باشد، امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست.

بر همه ماست که از این غربزدگی بیرون بیاییم؛ افکارمان را عوض بکنیم، اعمالمان را عوض بکنیم، وضعیت فرهنگمان

بیرون آمدن از
غربزدگی

عوض بشود؛ وضعیت دادگستریمان عوض بشود. همه اینها سوغات غرب است. آن دادگستری ما به این ترتیبی که بود در زمان طاغوت این یک سوغاتی بود از غرب آمده بود، باید آن تغییر بکند و یک وضع دیگری پیدا بکند. و همین طور فرهنگمان هم همان طور بود. تمام چیزهایی هم که وسیله قرار داده بودند برای اینکه جوانهای ما را تباه کنند، همه اینها سوغاتهای غرب بود. یعنی بنابراین بود که وسایلی تهیه بکنند که هم زنها و هم مردها را تباه بکنند، نگذارند یک رشد انسانی پیدا بکنند. همه وسایل را تهیه کرده بودند برای همین مقصد. در سینما می رفتند، وضع سینما را جوری قرار داده بودند که تباه می کرد. در هر جا که می رفتند همین مسائل بود. ما باید خودمان را تغییر بدهیم تا اینکه بتوانیم سریای خودمان بایستیم و بفهمیم که ما شرقی هستیم و ما در اسلام هستیم و برنامه ما اسلام است. (۲۱۹)

۵۸/۶/۲۲

* * *

خدای تبارک و تعالی تغییر نمی دهد، مگر اینکه ما خودمان تغییر بدهیم خودمان را.^(۱) اگر خودمان را تغییر دادیم در جانب پذیرش ظلم، یک ظالم به ما مسلط می شود؛ این طبیعی است. چنانچه خودمان را تغییر دادیم برای دفاع از کشور خودمان، دفاع [در مقابل] چپاولگری، دفاع [در مقابل] ظلم و ستمگری، خداوند اسبابش را فراهم می کند، چنانچه دیدید؛ یعنی هم آن طرفش را ما دیدیم؛ هم این طرفش را. آن طرفش را دیدیم که سالهای طولانی همه قشرهای ملت در زحمت بودند و تحت فشار ظلم بودند. و آن

تغییر براساس
فطرت الهی

۱. اشاره به آیه ۱۱ سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۲۵

این بود که از آن فطرت اصلی - که فطرت الله بود - بیرون آمده بودند، و یک فطرت [و] خوی دیگری به خودشان راه داده بودند و یک تربیت دیگری پیدا کرده بود. (۲۲۰)

۵۸/۷/۴

* * *

اعتلا به این نیست که شکم ما سیر باشد. اعتلا به این است که ما مسلکمان را و مکتبمان را به پیش ببریم. و ما بحمدالله داریم مکتب را به پیش می‌بریم و مکتبمان را گسترش خواهیم داد به همه ممالک اسلامی. بلکه در همه جا که مستضعفین هستند. و ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا می‌خواهیم ببریم. چطور گفته می‌شود که ما رو به انحطاط هستیم؟ آنها خیال می‌کنند که انحطاط و اعتلا به سیر شدن شکم است. انسان حیوان نیست، انسان هست. انسان که همه مسائل انسانی را باید مراعات بکند. مملکت ما مسائل انسانی را دارد طرح می‌کند. دارد رو به اعتلا می‌رود، نه دارد رو به انحطاط می‌رود. (۲۲۱)

۵۸/۹/۵

* * *

باید رادیو - تلویزیون مربی جوانهای ما، مربی مردم کشور باشد، نه اینکه مطالبی در او گفته شود که مخالف با وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است، و جوانهای ما را جوری بار می‌آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند. جوانها را یک قسمشان را اینطوری بار می‌آورند که به مراکز فساد می‌کشیدند، می‌کشاندنشان. درست کرده بود همه جای ایران

اعتلای بشر در
مکتب اسلام

رادیو و تلویزیون
در جهت مصالح
کشور

مراکز فساد را، که جوانها را می‌کشیدند به آنجا و فاسدشان می‌کردند، از راه شهوات. یک دسته‌شان را می‌کشیدند دنبال مواد مخدره، از آن راه فاسدشان می‌کردند. و تمام نقشه این بود که این قوهٔ فعاله‌ای که همه کار از آن باید بیاید، و مملکت خودش را اداره کند، این، یا لاقید بشود، و یا اینکه مخالف بشود با کشور خودش «مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ»... این باید متحول بشود؛ باید رادیو - تلویزیون همچو باشد که جوانها را بار بیاورد، به طوری که مستقل و دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند این مسائل شهوانی یا آن مسائل دیگری که مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادیو - تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترز کنند از آنها، بترسانند آنها را از اینطور مسائل.

و همین طور باید فیلمهایی که در رادیو هست، در تلویزیون هست، فیلمهایی آموزنده باشد، فیلمهایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد، یا فیلمهایی که از خارج می‌آید درست تفتیش بشود که هیچی نباشد. آنها با شیطنت ممکن است به اینجا فیلمهایی را بفرستند که بخواهند فاسد کنند جوانهای ما را. اینها باید همه‌شان اداره بشود، درست بشود، اسلامی بشود، روی مقصد کشور باشد، روی مصالح کشور باشد. در خدمت خود کشور باشد، نه در خدمت دیگران. (۲۲۲)

۵۹/۲/۳۱

* * *

این تحولی که الآن در کشور ما هست، همه‌اش روی این مقصد است که از اول فریادشان بلند بود که ما اسلام را می‌خواهیم. طاغوت را نمی‌خواهیم. این، عنایت خدا را به اینها جلب کرد.

اسلامخواهی و
طاغوت زدایی

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۲۷

خدای تبارک و تعالی که مشاهده می‌فرماید که یک ملتی از کوچک و بزرگشان می‌گویند ما اسلام را می‌خواهیم، عنایتش را به اینها متوجه کرد. این عنایت الهی است که جوان کذایی که باید در - به حسب طبع خودش - باید در کجا باشد، این را کشاند به جنگهای بین اسلام و غیر اسلام، و با چه روی گشاده. (۲۲۳)

۵۹/۸/۶

* * *

روحیه قوی این جوانان بیست ساله از اموری است که انسان را به تعجب وامی‌دارد. مقصد امروز ما این است که این کشور آفت زده، غریزه و سلطنت زده را به اسلام برگردانیم و غرضی غیر از این نداریم. (۲۲۴)

۶۰/۱۰/۲۶

* * *

ملت بزرگ ایران به پیروی از اولیای عظیم‌الشأن اسلام، این دفاع مقدس را آغاز نموده و در انجام آن و رسیدن به هدفهای اعلای قرآنی جان و مال را داوطلبانه فدا کرده و آنچه وظیفه الهی بوده به طور شایسته انجام داده است و بحمدالله تعالی قدمهای بزرگی در راه شناساندن اسلام الهی و محمدی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - برداشته است. گرچه وجودهای عزیز و ارزشمندی را از دست داده است، لکن ارزشهای بالاتر و والاتری به دست آورده و آن رضای خداوند متعال است و چه چیز می‌تواند از آن بالاتر باشد. ملتی که برای رضای حق تعالی انقلاب کرد و برای ارزشهای معنوی و انسانی بپاخاسته است، چه باک دارد از شهادت عزیزان و

روحیه قوی
جوانان و بازگشت
به اسلام

انقلاب در جهت
رضای حق تعالی و
ارزشهای معنوی

آسیب دیدن نور چشمانش و تحمل سختیها و مکاره،^(۱) که جنت لقاءالله که فوق تصور عارفان است، مَحْفُوف^(۲) به مکاره است. چه می‌گوییم! این جنت اولیا، مکاره را در کام ملت ما شیرینتر از عسل کرده. مگر ما و شما هر روز شاهد این کاروانهای کربلا نیستیم که با شور و شوق و عشق و عطش به پیشباز شهادت می‌روند. مگر شما هر روز شاهد میدانهای با عظمت قتال با متجاوزین نیستید که به مرگ لبخند می‌زنند و معجزه می‌آفرینند. راستی این چه تحولی است که بر سراسر این کشور صاحب‌الزمان - روحی فداه - نور افشانی می‌کند و چه آتشفشانی است که منحرفان و کج‌اندیشان و بدخواهان را در خود فرو برده و ذوب می‌کند؟ (۲۲۵)

۶۴/۱۲/۳

* * *

قیام ملت شریف و در رأس آن روحانیت معظم برای چیزی جز دفع مفسد دوران شاهنشاهی ستم‌پیشه و اجرای احکام اسلام و رواج فرهنگ غنی اسلامی در جمیع نهادها نبوده و نخواهد بود. (۲۲۶)

دفاع مفسد و رواج
فرهنگ غنی
اسلامی

۶۶/۳/۱۸

* * *

ملیگراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و

به اهتزاز درآوردن
پرچم «لا اله الا الله»

۱. رنجها، سختیها.

۲. گرداگرد، فراگرفته.

مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. (۲۲۷)

۶۷/۴/۲۹

* * *

ج) تحقق حکومت عدالت گستر اسلامی

باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملت‌های مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومت‌های استعمارزده که اساس آن بر ظلم و چپاولی است، برقرار شود. اگر قشرهای جوان از هر طبقه که هستند ماهیت حکومت اسلام را که با کمال تأسف جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و در حکومت بسیار کوتاه امیرالمؤمنین - علیه السلام - جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومت‌های ظالمانه استعماری و مکتب‌های منحرف کمونیستی و غیره، خود به خود برچیده می‌شود. این کاخ‌های مجلل آسمان‌خراش و آن کامجویی‌های رویایی سلاطین جور و حکومت‌های باطل که با دسترنج ملت‌ها فراهم شده است، مردم را به سوی حزب‌های منحرف می‌کشاند. اگر حکومت اسلام که رئیسش با رعیت یکسان و دارالحکومه اش مسجد روی خاک‌های گرم و سلطانش با کفش و جامه کهنه حکومت می‌کند و ملت در پناه آن با آرامش و در سایه عدل زندگانی می‌کند، روی کار آید، اساس انحرافات چپ و راستی بر باد می‌رود. (۲۲۸)

فراهم نمودن زمینه
برای حکومت
عدل

۵۰/۲/۲۸

* * *

ما که با این منطقتها^(۱) روبه‌رو هستیم به خواست خداوند تعالی تا برچیده شدن بساط ارتجاعی شاهنشاهی و برپا کردن حکومت عدالت‌گستر اسلامی دست از مبارزه برنمی‌داریم تا حکومت دموکراسی به معنی واقعی جایگزین دیکتاتوریه‌ها و خونریزی‌ها شود. اکنون برای نیل به این مقصد عالی انسانی و اسلامی بر همه طبقات است که یکدل و یک‌جهت به پا خیزند و با درک شرایط زمانی و مکانی شعار دهند، و از خواستهایی که در نهایت اثبات نظام شاهنشاهی و زیر پا گذاشتن خونهای به ناحق ریخته شده مردم این مرز و بوم است احتراز کنند، و نقطه اصلی همه جنایات را که شخص شاه است نشان دهند، و گرفتاریهای ملت را در این حکومت ارتجاعی گوشزد جهانیان کنند. (۲۲۹)

مبارزه تا برپایی
حکومت عدالت‌گر
اسلامی

۵۷/۲/۹

* * *

- امیدوارم کار به جهاد مسلحانه نرسد و همین‌طور که ملت عمل می‌کند مسائل حل شود و مقصد ملت، که رفتن رژیم و برقراری حکومت اسلامی است، تحقق پیدا کند. لکن اگر مسائل خیلی طول کشیده و پیچیده شود، ممکن است در آن تجدید نظر نماییم. (۲۳۰)

برقراری حکومت
اسلامی

۵۷/۸/۱۰

* * *

ابتدای سرکار آمدنش قانونی نبوده و از هیچ نوع مشروعیتی برخوردار نیست، و اکنون هم به دلیل زیرپا گذاشتن همه حقوق ملت و اعمال و ظلمهای بی‌حسابش، به طرز بی سابقه‌ای، ملت او و

مسلمانان جز به
حکومت اسلامی
راضی نمی‌شوند

۱. منظور، منطق محمدرضا شاه پهلوی است.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۳۱

خاندانش را تحمل نمی‌کنند، و به دلیل اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران مسلمان‌اند، لذا بدیهی است با سقوط این رژیم به چیزی جز یک نوع حکومت اسلامی راضی نمی‌شوند. (۲۳۱)

۵۷/۸/۱۱

* * *

سؤال: [مقام و موضع مرحله جدید مبارزات خلق ایران را نسبت به مبارزات زمان حکومت دکتر مصدق چگونه می‌بینید؟]
جواب: مبارزات کنونی ایران یک حرکت کاملاً اسلامی و در جهت تغییر کامل نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است. (۲۳۲)

تغییر کامل نظام

۵۷/۸/۱۵

* * *

درود و تحیات وافره بر ملت شجاع ایران! ملت با وفایی که با جان‌نثاری برای احیای اسلام و استقلال کشور کاخهای غارتگران را به لرزه درآورد؛ ملتی که پیشنهاد سیاست آشتی ملی را، که جز خدعه‌ای نبود، به چیزی نشمرد؛ ملتی که جوان و جان می‌دهد تا از زیر بار ستمکاران غارتگر بیرون بیاید و رژیم سلطنتی را سرنگون و حکومت جمهوری اسلامی متکی به آرای ملت را مستقر کند. (۲۳۳)

سرنگونی رژیم
سلطنتی و استقرار
جمهوری اسلامی

۵۷/۸/۱۶

* * *

نظر ما، که ملت هم با آن موافق است، این است که پس از، از بین رفتن حکومت قلداری و خلاف اسلامی شاه، یک دولت اسلامی و

اجرای احکام
اسلام

یک جمهوری اسلامی متکی به قوانین اسلام و آرای مردم که اکثریت قریب به اتفاق مسلم هستند، در ایران مستقر بشود و احکام اسلام آنطور که هست اجرا گردد، و همه مطالب ایران و نظام آن بر طبق خواسته‌های اسلامی جریان پیدا کند. (۲۳۴)

۵۷/۸/۲۱

* * *

ما عرض کردیم که ملت ایران - که ما هم دنبال ملت ایران هستیم - آنها سه تا اصل را تقاضا دارند، و در تظاهراتی که سرتاسر ایران کردند و حالا هم می‌کنند این سه تا اصل را ذکر می‌کنند و مقصودشان تحقق این سه تا اصل است. البته آنکه مقصود اصلی و هدف اصلی است، آن اصل سوم است که حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی. آنکه هدف نهایی و اصلی است آن است لکن دو اصل دیگر هم در آن منضم است؛ یعنی اگر همان اصل فقط هم می‌گفتند، این دو تا اصل هم لازمه آن هست. آنها که می‌گویند ما حکومت اسلامی می‌خواهیم یا جمهوری اسلامی می‌خواهیم، تحقق جمهوری اسلامی نفی رژیم سلطنتی است، و نفی رژیم سلطنتی نفی شاه است، در صورتی که شاه هم قانونی بوده باشد حکومتش و الا از اول دیگر بی‌اساس است.

این دو تا اصل اگر چه هدف اصلی نیست لکن دو تا اصل مهم است که به یک وجهی اینها هم هدف هستند. البته هدف نهایی عبارت از همان تأسیس یک حکومت عدل اسلامی است لکن خود همین معنا که باید این شخص و این سلسله بروند سراغ کارشان، این هم خودش یک هدفی است. هدفی شده است حالا از برای ایرانی‌ها، برای اینکه بعد از آنکه ایرانی‌ها تمام جنایاتی که

تأسیس حکومت
عدل اسلامی هدف
نهایی

تا حالا بر آنها شده است در این پنجاه سال، و تمام بدبختیهایی که اینها داشته‌اند، چه از اینکه نگذاشته‌اند رشد فکری بکنند جوانها، و از آن طرف به واسطهٔ زیادیِ مراکز فساد که مراکز فحشا و فساد و اشاعهٔ این مراکز، چه از ناحیهٔ اینکه مثلاً مشروب فروشی چقدر هست، این کازینوها و این بساط چقدر هست، مجلاتی که اسباب فساد می‌شود و جوانها را فاسد می‌کند چقدر در این پنجاه سال بوده است و ترویج از آنها کرده‌اند، و رادیوها چه حالی داشتند، سینماها چه حالی داشتند، تلویزیونها چه حالی داشتند، همهٔ اینها به واسطهٔ این است که این رژیم و این حکومت حکومتی است که می‌خواهد که این جوانهای ما را فاسد کند؛ و این [که] مراکز زیاد فحشا و همهٔ اطراف و همهٔ جوانب فحشا را رواج دادند برای این است که جوانها را از دانشگاهها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد. پس این جنبه که عبارت از فاسد کردن جوانهای ماست، این هم زیر سر همین حکومت فاسد است، که اگر حکومت حکومت صالح بود و مصالح مسلمین را - مصالح ملت را - در نظر می‌گرفت، نمی‌گذاشت که این قوهٔ بزرگ و این نیروی عظیم ملی فاسد بشود و کار از آن نیاید. این را مردم از چشم همین هیأت حاکمه‌ای که شاه اینجا درست کرده است، همین رژیم فاسد می‌دانند.

و از آن طرف هم اینکه راجع به فرهنگمان، راجع به اقتصادمان، هر چه بدبختی در ایران تحقق پیدا کرده، ملت ایران از دست اینها می‌دانند. و واقع هم همین است که حکومت فاسد موجب همهٔ فسادهایی است که از همهٔ اطراف به ما احاطه کرده. بنابراین خود این الآن یک هدفی شده است برای مردم که این آدم نباید باشد و این رژیم نباید باشد. این خودش یک هدف - کأنه - اصیلی الآن از برای مردم است ولو اینکه وقتی که ما آن هدف

اصلی را ملاحظه کنیم، این مقدمه اوست و لازمه اوست. نبودن این رژیم لازمه بودن رژیم صحیح اسلامی است. (۲۳۵)

۵۷/۸/۲۴

* * *

در این مسائلی که ما و شما وارد هستیم، در آنکه اصولش سه تا مسئله است: یکی نبودن محمدرضاخان و این سلسله، سلسله پهلوی؛ و یکی نبودن اصل رژیم سلطنتی؛ و یکی هم استقرار حکومت عدل اسلامی، جمهوری اسلامی... مقصد اعلی عبارت از این است که یک حکومت عدلی، یک حکومت اسلامی عدلی مبتنی بر قواعد اسلامی حاصل بشود. آن مقصد اعلای ماست. و الا اینها همه اش جزو مقاصد شده حالا دیگر؛ ولو این هم مقدمه آن است ولیکن خود اینها الآن جزء مقاصد هستند، و ما همان طوری که حکومت اسلامی را می خواهیم حکومت این را هم نمی خواهیم. البته توی حکومت اسلامی همه اینها هست. ما اگر می گفتیم حکومت اسلامی می خواهیم معنایش این بود که این سلسله نباید باشد و این رژیم نباید باشد، و آنها هم دستشان کوتاه باید باشد؛ چون اسلام حکومتش این جوری است که نباید کسی در مملکت اسلامی تصرفی داشته باشد؛ کفار، هیچ کس، نباید تصرف داشته باشند. (۲۳۶)

۵۷/۸/۲۷

* * *

امروز که ملت ایران قیام کرده اند، و به طور آشنایی بر مسائل و بیداری قیام کرده اند، و از شهرستانها گرفته تا دهات تا کوره دهات

حکومت اسلامی
مقصد اعلی

حکومت اسلامی
خواستۀ ملت ایران

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۳۵

یک مسئله را عنوان می‌کنند و آن اینکه این حکومت جبار را نمی‌خواهند و حکومت اسلامی می‌خواهند، می‌خواهند که آزاد باشند، می‌خواهند که مستقل باشند، می‌خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد. (۲۳۷)

۵۷/۸/۲۸

* * *

همه مردم دارند داد می‌کنند ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، ما حکومت عدل می‌خواهیم، حکومت اسلامی می‌خواهیم. حکومت اسلامی حکومت عدل است؛ دیگر این دزدیها تویش نیست. اگر یک حکومت عادل صحیح پیدا بشود، همه چیز ما اداره می‌شود. (۲۳۸)

اداره صحیح
جامعه با حکومت
عادل

۵۷/۹/۴

* * *

یک تحول فکری برای جامعه ایران به وجود آمد، به طوری که همه با هم یکصدا به دنبال یک راه و مقصد در حرکتند، و آن نابودی این دودمان و برجیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی است و این هدف در سراسر ایران حکمفرماست. (۲۳۹)

برقراری حکومت
اسلامی یک هدف
سراسری

۵۷/۹/۱۶

* * *

هیچ دولتی را با بودن رژیم سلطنتی قبول نخواهم کرد. هدف، تشکیل جمهوری اسلامی است و برای من از روز روشن تر است

تشکیل جمهوری
اسلامی

که با وضع فعلی در آینده‌ای نزدیک به آن خواهیم رسید. (۲۴۰)

۵۷/۱۰/۱۶

* * *

من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می‌روم ایران و اول قدمی که برمی‌دارم تأسیس می‌کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام، مبتنی بر رأی مردم. پیشنهاد می‌کنیم به مردم و رأی از آنها می‌گیریم و یک حکومت اسلامی تأسیس می‌کنیم. (۲۴۱)

۵۷/۱۱/۸

* * *

باید همه مردم آگاهانه بریزند توی خیابانها و این بنیان فاسد را از بین بردارند. چیزی دیگر از آن نمانده است جز يك حشاشه‌ای - چیز مختصری؛ این هم باید با همت شما مردم مسلمان، با همت ملت ایران، باید این هم از میان برداشته بشود تا ما برسیم به یک حکومت اسلامی، به یک حکومت عدل، به یک حکومتی که نه منافع شما را تواند بخورد، نه تواند به غیر بدهد. ما یک همچو حکومتی می‌خواهیم. یک حکومت ملی اسلامی. یک جمهوری که متکی بر رأی خود مردم باشد. مردم آزادانه رأی بدهند. (۲۴۲)

۵۷/۱۱/۱۴

* * *

ما امیدواریم که با هم [با] پیوستگی به هم بتوانیم این طاغوتها را تا آخر از بین ببریم و به جای او یک حکومت عدل اسلامی؛ که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیز ما به دست خودمان

تأسیس دولت
اسلامی اولین قدم

جمهوری متکی به
رأی مردم

از بین بردن
طاغوتها

باشد. (۲۴۳)

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

مسئله اساسی ما این نبود که رژیم سلطنتی برود و قطع ایادی دیگران بشود، اینها همه مقدمه بود برای مسئله اساسی ما؛ و آن اسلام است...

... ملت ایران و ما مقصدمان این نیست و نبود که فقط محمدرضا برود؛ رژیم سلطنتی از بین برود؛ دست اجانب کوتاه بشود؛ اینها همه مقدمه بود؛ مقصد اسلام است. ما می خواهیم که اسلام حکومت کند در این مملکت؛ احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند. اگر ما فرض کنیم که حکومت رژیم سلطنتی از بین برود و یک رژیم دیگری بیاید که آن رژیم دیگر ایادی دیگران، هم از آن، از مملکت ما قطع بشود یک رژیمی بیاید اما رژیم اسلامی نباشد، برخلاف اسلام باشد، این مقصد ما حاصل نشده. اگر مقصد این بود که محمدرضا برود و دست اجانب قطع بشود، بله، اما اگر مقصد اصلی ما این است که اسلام تحقق پیدا بکند، اگر مقصد اصلی ملت ایران این است که جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند، حکومت عدل الهی تحقق پیدا بکند، رفتن آنها همه مقدمه برای این مطلب است. (۲۴۴)

۵۸/۳/۱۱

* * *

اصل حرکت روحانیت و حرکت همه قشرهای ملت برای جانشین کردن اسلام در محل طاغوت بود. البته برای مقدمه این جانشینی، اول باید طاغوت برود، و رفت. حالا وقت این است که ما به جای

تحقق اسلام،
مقصد اصلی

تغییر اصل رژیم
مقدمه تحقق اسلام
در همه ابعاد

آن طاغوت، یک حکومت عدل اسلامی، یک حکومت انسانی، یک حکومت قرآنی جایگزین کنیم. و این حالا اول کار است. البته اصل تغییر رژیم و برقرار شدن جمهوری اسلامی الآن هست؛ یعنی اصل رژیم تغییر کرد و الآن رسماً ایران جمهوری اسلامی است و همه هم شناختند ایران را به این معنا؛ لکن ما فقط این معنا را نمی‌خواهیم که جمهوری اسلامی رأیی باشد، لفظی باشد. مهم همه ما و همه شما و همه ملت و همه علمای اعلام این است که اسلام به همه ابعاد تحقق پیدا بکند؛ به طوری که هرکس وارد این مملکت می‌شود، از سرحد که وارد شد، آثار اسلام ببیند تا مرکز که آمد آثار اسلام؛ دانشگاه رفت اسلامی؛ وزارتخانه‌ها رفت اسلامی؛ ادارات دولتی رفت اسلامی؛ بازار آمد اسلامی؛ [نزد] کشاورزها و پیش‌کارگرها رفت اسلامی. آنکه مقصد ما هست این معنا هست؛ نه فقط رفتن چپاولگرها. و ما راجع به این معنا در اول قدم هستیم. (۲۴۵)

۵۸/۳/۳۰

* * *

مقصد این است که یک حکومت عدل [ایجاد شود]، یک حکومت که وابسته به هیچ جناحی نباشد، یک کشوری که هیچ یک از جناحها نتوانند در آن دخالت بکنند، یک کشور اسلامی که مبنی بر احکام اسلام باشد، که احکام اسلام همه‌اش عدالت است، یک همچو آرزویی هست. (۲۴۶)

عدالت در احکام
اسلام

۵۸/۴/۸

* * *

فصل پنجم

عوامل تأثیرگذار (کارگزاران تغییر)

الف) نخبگان مذهبی - سیاسی

شما آقایان^(۱) زنده کردید اسلام را، ایستادید در مقابل ظلم؛ ایستادید، اگر نایستاده بودید خدا می داند که حالا رفته بودند تا آن آخر. ایستادگی شما اسباب این شد که حاشا کردند مطالبشان را. (۲۴۷)

ایستادگی
روحانیت

۴۲/۲/۱۲

* * *

همیشه علما و زعمای اسلام ملت را نصیحت به حفظ آرامش می کردند. خیلی از زمان «میرزای بزرگ»، مرحوم «حاج میرزا محمدحسن شیرازی»^(۲) نگذشته است؛ ایشان با اینکه یک عقل بزرگ متفکر بود و در سامره اقامت داشت، در عین حالی که نظرشان آرامش و اصلاح بود، لکن وقتی ملاحظه کردند برای کیان اسلام خطر پیش آمده است و شاه جائز آن روز می خواهد [به] وسیله کمپانی خارجی، اسلام را از بین ببرد، این پیرمرد که در یک

ممالک اسلامی
مرهون علما و
زعمای اسلام

۱. اشاره به روحانیت است.

۲. آیت الله میرزا محمدحسن شیرازی از مراجع بزرگ شیعه که فتوای معروف تحریم تنباکو را صادر کرد (۱۳۱۲-۱۲۳۰ ه. ق.).

شهر کوچک نشسته و سیصد نفر طلبه بیشتر دورش نبود، ناچار شد سلطان مستبد را نصیحت کند. مکتوبات او هم محفوظ است. آن سلطان گوش نمی داد و با تعبیرات سوء و بی ادبی به مقام شامخ عالم بزرگ رو به رو شد تا آنجایی که آن عالم بزرگ مجبور شد یک کلمه بگوید که استقلال برگردد.

مرحوم «میرزا محمدتقی شیرازی»^(۱) بعد از اینکه دیدند عراق در معرض خطر است - که اگر ایشان نبود از بین رفته بود - یک کلمه فرمودند، عرب پشتیبانی کردند؛ مطلب را برگردانید.

تمام ممالک اسلامی مرهون این طایفه هستند. اینها ایند که تا به حال استقلال ممالک اسلامی را حفظ کرده اند. این ذخایر هستند که همیشه با نصایح خود، مردم سرکش را خاموش کرده اند. در عین حال روزی که ببینند اسلام در معرض خطر است، تا حد امکان کوشش می کنند؛ اگر با نشر مطالب شد، با گفتگو شد، با فرستادن اشخاص شد فبها؛ و اگر نشد، ناچار هستند قیام و اقدام کنند. (۲۴۸)

۴۱/۹/۱۱

* * *

روحانیون تمام این پیشامدها را که اکنون می بینید و بعد خواهید دید پیش بینی کرده بودند، و با صراحت در اعلامیه های دو - سه ماه قبل ذکر نموده اند؛ و حالا نیز خطرهای بالاتر و بیشتری را اعلام می کنند، و از عواقب امر این جهشهای خلاف شرع و قانون اساسی بر این مملکت و استقلال و اقتصاد و تمام حیثیات آن می ترسند؛ و وظیفه خطیر خود را در این شرایط، که همه ملت

نقش علما در لغو
تصویبنامه های
غیرقانونی

۱. آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی پس از مرحوم سید محمد کاظم یزدی ریاست شیعه را عهده دار شد و مبارزات شیعیان در عراق را علیه سلطه انگلیس رهبری کرد. وی در سال ۱۳۳۸ ه. ق وفات یافت.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۴۱

می‌دانند و می‌بینند، ادا می‌کنند و با صراحت می‌گویند تصویب‌نامهٔ اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی‌اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است. و با اختناق مطبوعات و فشارهای قوای انتظامی و جلوگیری از طبع و نشر امثال این نصایح و حقایق، اقدام به نشر آن به مقدار مقدور می‌کنند تا دولت‌ها نگویند ما تصویب‌نامه صادر کردیم و علما مخالفت نکردند. و به خواست خداوند متعال در موقع خود اقدام برای جلوگیری می‌کنند.

ملت ایران نیز با این نحو تصویب‌نامه‌ها مخالف است؛ به دلیل آنکه در دو - سه ماه قبل که فشار و ارعاب قدری کمتر بود، تبعیت خودشان را از علمای اسلام به وسیلهٔ تلگرافات و مکاتیب و طومارها از اطراف و اکناف ایران اعلام نموده، و لغو تصویب‌نامهٔ غیرقانونی دولت را راجع به انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی خواستار شدند. (۲۴۹)

اسفند ۴۱

* * *

امروز هم، روحانیت قیام کرده است، نهضت کرده است؛ ملت به تبع روحانیت نهضت کرده است؛ ملت‌های اسلام بیدار شده‌اند، نهضت کرده‌اند؛ خواسته‌های روحانیت عمل به قوانین اسلام است؛ این ارتجاع است؟! (۲۵۰)

۴۳/۱/۲۶

* * *

مراجع بزرگ از بلاد جمع شدند در مرکز؛ از مشهد تشریف آوردند؛ از اهواز تشریف آوردند؛ از قم اعظم ما تشریف بردند؛

عمل به قوانین
اسلام، خواسته
روحانیت

مراجع ما تشریف بردند؛ نجف همراهی کرد؛ قم، آن کسی هم که اینجا بود همراهی می‌کرد. همه، همه با هم دست دادند به هم؛ فهمانندند به اینکه ما ملت زنده هستیم؛ ما برای آزادی این ملت به همه جور حاضریم؛ یکی مان حبس می‌رود؛ یکی مان زجر می‌کشد؛ یکی مان اهانت می‌شود؛ یکی مان فحش می‌خورد؛ ما به همه چیزش حاضریم. حالا هم همین مراجع عظام تشریف دارند - کثرت الله امثالهم؛ همان مراجع نجف تشریف دارند - کثرت الله امثالهم؛ همان مراجع تهران و مشهد تشریف دارند - کثرت الله امثالهم. اسلام این نیست که یک فرد داشته باشد، دو فرد داشته باشد، همه سرباز اسلامند؛ همه سربازان اسلامند؛ همه علمای جان‌نثار اسلامند؛ نمی‌شود نباشند؛ همه هستند الحمدلله. همه دست به هم داده‌اند، چه آنکه صلاح دیده است که به ملایمت کار را انجام بدهد، چه آنکه صلاح دیده است با حدت کار را انجام بدهد. (۲۵۱)

نقش مراجع در
آزادی ملت

۴۳/۶/۲۱

* * *

علمای اعلام و سایر طبقات بدانند که تشکیل این حزب،^(۱) مقدمه بدبختیهای بسیاری است که اثراتش بتدریج ظاهر می‌شود. بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم کنند و نگذارند حقوق ملت مسلمان ایران پایمال شود. (۲۵۲)

تحریم حزب
رستاخیز مانع
پایمال شدن حقوق
ملت

۵۳/۱۲/۲۱

* * *

نهضت‌هایی که واقع شده است، برخلاف چیزهایی که مخالف مصالح اسلام بوده، در این صد و چند سال، یکیش قضیه تنباکو بود که همه مطلع هستید. میرزا - رضوان‌الله علیه - میرزای شیرازی بزرگ - رضوان‌الله علیه - امر فرمود و علمای ایران، علمای بلاد ایران - رضوان‌الله علیهم - که در رأسشان میرزای آشتیانی بود، در تهران اجرا کردند این مطلب را و دولت ساقط شده ایران را زنده کردند؛ ساقط کرده بودند اینها، برای یک مقدار کمی که می‌خواستند بروند تعیش کنند و دوره‌گردی کنند، اینها فروخته بودند ایران را به خارجیها. و میرزای شیرازی - رضوان‌الله علیه - امر فرمود و سایر علمای ایران جانفشانی کردند و زجر کشیدند، زحمت کشیدند، قیام کردند، مردم را به قیام وا داشتند تا اینکه لغو شد. این نهضت در مقابل استبداد و مشروطیت؛ این نهضت از نجف شروع شد به دست علما...

قضیه عراق را میرزای شیرازی دوم، این شخص عظیم‌الشان، این شخص بزرگ، این شخص عالی‌المقام در علم و در عمل، این نجات داد عراق را. او حکم جهاد داد و فرستاد اینها را به [جنگ] و - عرض می‌کنم - آن وقت هم تبعیت می‌کردند عشایر از علما؛ مثل حالا نبود، تبعیت می‌کردند. عشایر آمدند خدمت ایشان و ایشان حکم داد، حکم جهاد داد. جهاد کردند، کشته دادند، کشته شدند، چه کردند و چه کردند تا مستقل کردند عراق را. اگر نبود حالا ما اسیر بودیم، حالا ما هم جزو مستعمره انگلستان بودیم. آن هم با جدیت علما واقع شد... این نهضت آخری هم که منتهی شد به ۱۵ خرداد و اینهمه کشته دادند مردم، این هم در صف اولش اهل علم بودند، علما بودند؛ تا حالا هم دنباله‌اش کشیده شده است. تا حالا هم آنکه بیشتر هیاهو می‌کند باز اهل علم است. البته دانشگاهی هم حالا

نقش علما در
نهضت‌های اخیر

داخل است، آنها هم داخلند؛ سایر مردم هم به تبعیت علما می‌رفتند نه به تبعیت دیگران. علمای تهران را - تقریباً اکثرشان را - گرفتند حبس کردند. از خطبا، از علما، گرفتند حبس کردند. چندین روز حبس بودند. زجر دیدند اینها. (۲۵۳)

۵۶/۸/۱۰

* * *

نهضت مقدس اخیر ایران که ابتدای شکوفایی اش از ۱۵ خرداد ۴۲ بود صد درصد اسلامی است، و تنها به دست توانای روحانیون با پشتیبانی ملت مسلمان و بزرگ ایران پی‌ریزی شد، و به رهبری روحانیت، بی‌اتکا به جبهه‌ای یا شخصی یا جمعیتی اداره شده و می‌شود. و نهضت پانزده ساله ما چون اسلامی است، بی‌دخالته دیگران در امر رهبری - که از آن روحانیت است - ادامه دارد و خواهد داشت. (۲۵۴)

۵۷/۵/۵

* * *

ما در زمان خودمان، در این مدتی که خودمان مشاهده کردیم، قیامهایی از همین طبقه ما دیده‌ایم در مقابل رضا شاه. آن وقت که آمد و کودتا کرد و عرض می‌کنم، آن بساط را درآورد و آن ظلمها و آن تعدیات را کرد به همه طبقات مردم، هیچ قدرتی در مقابلش نایستاد الا قدرت روحانی که قیامهای متعدد شد که ما همه‌اش را یادمان است. قیامهایی که از علمای اصفهان شد؛ در قم جمع شدند همه با هم، از علمای بلاد هم آمدند در قم. قیامی که از خراسان شد که همه علمای خراسان را که قیام کرده بودند گرفتند

رهبری روحانیت
در نهضت اسلامی

قیام علما در مقابل
ظلم

و بردند در زندان؛ مثل مرحوم آسید یونس و مرحوم آقازاده و دیگران. قیامی که از آذربایجان شد، علمای بزرگ آذربایجان را مثل مرحوم امیرزا صادق آقا و مرحوم انگجی و دیگران را گرفتند و از آنجا بردند تبعید کردند. قیامهای متعدد [شد]؛ قیامی که مرحوم آقای قمی کرد که آمد به تهران، و مردم با او همراهی درست نکردند و ایشان را هم گرفتند و تبعید کردند. قیامهای زیادی کرده‌اند که تاریخ نشان می‌دهد که اینها این جور نبود که مردم را دعوت به آرامش کنند که مردم در مقابل ظلم حرف نزنند، در مقابل ظلمه حرف نزنند. (۲۵۵)

۵۷/۸/۸

* * *

آن روزی که رضا شاه آمد و آن همه کارها را کرد، باز یک آخوند بود که توی مجلس، به اسم مدرس^(۱) - رَحِمَهُ اللهُ - مقابلش می‌ایستاد و می‌گفت که «نه». هیچ کس نبود؛ مدرس بود، و چند نفر هم که اطراف او بودند. دیگر در تمام مملکت هیچ قدرتی در مقابل او نمی‌ایستاد. مدرس یک آقای عمامه‌ای، ملا، متقی و با یک پیراهن کذا و عبای کذا و تنبان کرباسی، که شعر آن وقت برایش گفتند که تنبان کرباسی - قدردانی از او کردند و شعر برایش گفتند - انتقاد از او کردند، این ایستاد در مقابل رضا شاه و «نه» گفت.

آن وقتی که التیماتوم کرد روسیه به ایران - که در یک قضیه‌ای بود که من حالا یادم نیست - التیماتوم کردند و لشکرشان هم حرکت کرده بود، آمده بود تا فلان جا، آوردند به مجلس که،

ایستادگی مدرس
در مقابل رضاشاه و
اولتیماتوم روسیه

۱. آیت‌الله سیدحسین مدرس در سال ۱۲۸۷ ه. ش چشم به جهان گشود و در دوران مشروطیت و مبارزه با رضاخان نقش اساسی داشت و عاقبت در سال ۱۳۱۶ ه. ش به دست ایادی رضاخان در کاشمر به شهادت رسید.

التیماتوم را آوردند به مجلس که وکلا [تأیید] بکنند؛ خوب، لشکر روس است و بناست بیاید و التیماتوم کرده و اگر فلان کار را انجام ندهید چه خواهیم کرد! تنها کسی که، این را خود آنها نوشتند که وکلا همه نشستند بودند و هیچ حرفی نمی زدند و قدرت اینکه کاری بکنند [نداشتند]، خوب چه بکنند؛ نوشته اند یک سید، یک معمم، یک ملایی، با دستهای لرزان آمد پشت آنجا، و گفت حالا که بناست ما از بین برویم، چرا به دست خودمان از بین برویم! نه، ما رد می کنیم این را. رد کردند و هیچ غلطی هم آنها نکردند. قدرت پیدا کردند به قول ایشان، وکلای دیگر هم قدرت پیدا کردند و رأی برخلاف دادند و قبول نکردند حرف آنها را؛ آنها هم هیچ کاری نکردند. اینها ما را می خواهند بترسانند. (۲۵۶)

۵۷/۸/۸

* * *

جنبش اسلامی اخیر، بیش از پانزده سال است که به رهبری علمای ایران با مخالفت با طرحهای شاه شروع شده است، طرحهایی که مخالف اسلام و ایران بود و دنباله خیانتهای گذشته او نیز بود. مردم از علما طرفداری کردند. اختلافات زیاد واقع شد که این مطلبی است طولانی. (۲۵۷)

۵۷/۸/۲۱

* * *

شروع مبارزات پانزده ساله اخیر بدین صورت بود که شاه برخلاف مصلحت ملت کارهایی انجام داد. ابتدا علمای اسلام مخالفت کردند و این مخالفت به گرفتاری شبانه من انجامید. در

مخالفت علما با
طرحهای شاه

مخالفت با
کاپیتولاسیون

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۴۷

۱۵ خرداد ۴۲ از قراری که می‌گویند، پانزده هزار نفر کشته شدند. قریب یک سال در زندان و حصر بودم. پس از آزادی به مبارزاتم ادامه دادم و مفسد و جنایات شاه را افشا نمودم، تا اینکه یکی از خیانت‌های بزرگ شاه یعنی قضیه کاپیتولاسیون پیش آمد و شاه، مستشاران امریکایی را مصونیت داد. از این جهت که این قضیه مخالف مصالح اسلام و کشور بود، من با آن شدیداً مخالفت نمودم و به دنبال آن شبانه دستگیر شدم و مستقیماً به ترکیه تبعید شدم. یک سال در ترکیه بودیم. پس از آن ما را تحویل عراق دادند و قریب چهارده سال در عراق بودیم. در طول این مدت من در مواقع مختلف، جنایات شاه را چه در اعلامیه و چه در خطابه اعلام می‌کردم و هر فاجعه‌ای را گوشزد می‌نمودم و هرگز ساکت ننشستم و بعد هم که به اینجا آمدم. (۲۵۸)

۵۷/۹/۱۶

* * *

من از آقایان علما و افاضل باید تشکر کنم. پیروزی ملت مرهون اقدامات علما - اولاً - و سایر طبقات - ثانیاً - بوده است. شما علما همان طوری که وظیفه شرعی تان هست که امام امت باشید، پیشقدم باشید در مسائل امت، دفع کنید مفسد را از ملتها، بحمدالله قیام به امر فرمودید. و من از قِبَل ملت شریف ایران از شما تشکر می‌کنم. خداوند ان شاءالله روحانیت را که ذخیره ملت است، پشتوانه ملت است، حفظ کند و قوت به او بدهد. (۲۵۹)

۵۷/۱۱/۱۴

* * *

وظیفه شرعی علما
در امامت امت

در این جنبشهایی که - در این طول زمانی که ما بودیم در آن یا نزدیک به ما بوده - در این جنبشها کسی که قیام کرده باز از این طبقه بودند. طبقات دیگر هم همراهی کردند لکن اینها ابتدا شروع کردند. در قضیه تنباکو^(۱) اینها بودند که به هم زدند اوضاع را؛ در قضیه مشروطه^(۲) اینها بودند که جلو افتادند و مردم هم همراهی کردند با آنها؛ در این قضایای دیگر هم روحانیت با شما هم رفیق بوده است؛ بوده است با همه. این هم یکی از چیزهایی بود که اینها درست می کردند که اینها را جدا کنند از هم، و همه را با هم دشمن کنند. آنها [مردم] بجنگند با هم، آنها [نفتخواران] نفتهای ما را ببرند. (۲۶۰)

نقش روحانیت در
جنبشهای تنباکو و
مشروطه

۵۷/۱۲/۷

* * *

شما^(۳) در این راه جدیت کردید و روشنگری کردید و ملت را به قیام وادار کردید. شما هدایت کردید مردم را. روحانیت ایران هدایت کرد مردم را. و بحمدالله روشنگریهای شما اثر خودش را کرد و مردم ایران یکپارچه با هوشیاری قیام کردند. (۲۶۱)

روشنگری علما و
روحانیت

۵۷/۱۲/۷

* * *

این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه‌ها می‌کشد. قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می‌آید. اینها را نشکنید.

۱. منظور، صدور فتوای معروف تحریم تنباکو توسط آیت‌الله میرزا حسن شیرازی از مراجع بزرگ شیعه (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ه. ق.).

۲. آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری نماینده تهران و از رهبران مشروطه بود که ندای مشروطه مشروعه سر می‌داد و آیت‌الله مدرس نیز از دیگر رهبران دوران مشروطیت بود.

۳. علما.

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۴۹

خدایا، تو می‌دانی که من برای اینکه معمم هستم از روحانیت طرفداری نمی‌کنم. برای اینکه می‌دانم این قشرند، این قشرند که می‌توانند ملت را نجات بدهند؛ این قشرند که مردم آنها را می‌خواهند. (۲۶۲)

نجات ملت با
قدرت روحانیت

۵۸/۳/۱۵

* * *

انقلاب مردمی ... با ... سایر انقلابات ... فرقه‌های زیادی دارند. انقلابی که خود مردم کرده‌اند، کسی یک عده‌ای را بر نداشته ببرد انقلاب کند، یک قدرتمندی نیامده است کودتا کند. خود این مردم بعد از اینکه اینهمه فشار را در سالهای طولانی دیدند، کم‌کم احساس کردند که باید این عمل را انجام بدهند و بحمدالله روحانیون و همین طور خطبا برای بیدار کردن مردم حظّ وافری داشتند. (۲۶۳)

نقش روحانیون و
خطبا در بیداری
مردم

۶۰/۱۱/۱۴

* * *

ب) گروهها و اقشار طبقه متوسط جامعه

لازم است تمام جناحها که در پیشرفت مکتب رهایی بخش اسلام در تکاپو هستند به هم پیوندند، و با شعار واحد که شعار اسلام و قرآن است هم صدا شوند، از درون مدارس روحانی تا درون دانشگاهها و از عمق بازارها و کارگاهها تا دشت پهناور دهقانان زحتمکش صحرانورد و از کمینگاه محراب مساجد تا صحنه احزاب سیاسی و گروه دانشمندان، دکترها و مهندسیین و جناحهای

همدستی و همزیانی
همه جناحها و
اقشار

محترم لشکری و کشوری همه و همه همدست و همزبان کوشش
مردانه کنند در راه نجات این کشتی که با چنگال و دندان اهریمنان
خارج و داخل با خطر غرق مواجه است. (۲۶۴)

۵۷/۱/۴

* * *

ایران تمام جناحهایش با هم پیوند کرده‌اند: جناحهای سیاسی،
جناحهای عرض کنم؛ روحانی، بازاری، بچه‌های دبستانی تا
جوانهای دانشگاهی و دبیرستانی؛ همه با هم راه افتاده‌اند و قیام
کرده‌اند، و همه هم یک مطلب را می‌خواهند. یک همچو قیامی
سابقه ندارد در تاریخ که تمام قشرها رو به یک جهت باشند، همه
یک مطلب را خواهش داشته باشند؛ فریادشان همه بلند
باشد. (۲۶۵)

حرکت تمام
جناحها و اقشار در
جهت واحد

۵۷/۷/۲۸

* * *

باید ملت شریف مظلوم و جناحهای علاقه‌مند به اسلام و کشور،
قدرت تفکر را از دشمن سلب کرده و به حکومت غاصبانۀ آن
هرچه زودتر خاتمه دهند؛ چرا که این نقشۀ شیطنی سیاستهای
خارجی است که با کشتارهای پیاپی و آتش زدن مغازه‌های مؤمنین
مبارز، می‌خواهند ملت غیور ایران را خسته کنند تا دست از
نهضت اسلامی خود بردارند. (۲۶۶)

سلب قدرت تفکر
از دشمن

۵۷/۸/۴

* * *

باید ملت ما از روحانی و سیاسی تا دانشگاهی و بازاری و دهقان و کارگر و کارمند از موضع قاطعی که تا کنون داشته‌اند، که آن برچیده شدن رژیم منحط پهلوی و به دست آوردن استقلال و آزادی در سایه حکومت عدل اسلامی است، یک قدم عقب‌نشینی نکنند که عقب‌نشینی، کشتار سفاکانه شاه را افزایش می‌دهد، و سستی در این راه، خون پاک جوانان عزیز ما را پایمال می‌گرداند و مسئولیت آن به عهده همه ماست. (۲۶۷)

۵۷/۸/۴

* * *

بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی امکان تحول فکری و روحی نیست. و باید با کوشش همه جانبه از طرف دولت و رؤسای دانشگاهها و فرهنگیان و جوانان دانشجو به مقصود نزدیک شویم؛ و - ان شاء الله تعالی - از پیوستگی و وابستگی نجات پیدا کنیم، و کشور عزیزمان را نجات دهیم. (۲۶۸)

۵۸/۶/۳۱

* * *

درود بی‌پایان بر بانوان ایران! سلام بر شما بانوان محترم! رحمت خدا بر شما شیردلانی که به همت والای شما اسلام از قید اسارت بیگانه بیرون آمد! سلام خدای تبارک و تعالی بر ملت ایران، بانوان آنها و مردان آنها! شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید. من از تمام زنهای ایران، تمام بانوان ایران و از بانوان قم تشکر می‌کنم. خداوند از شما راضی باشد. امام عصر از شما دلخوش باشد. شما با بچه‌های کوچک خودتان در خیابانها

عدم عقب‌نشینی
افشار از موضع
قاطع خود

کوشش همه جانبه
دولت و مردم

نقش بانوان شجاع
در پیروزی

آمدید و از اسلام پشتیبانی کردید. من اخبار قم و سایر بلاد را می شنیدم؛ من اخبار «چهارمردان» را می شنیدم. من در خودم غرور احساس می کنم برای این شجاعتها. بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد، در این پیروزی پیشقدم هستند. آنها مردان را تشجیع کردند. مردان ما مرهون شجاعتهای شما زنهای شیردل هستند. من مرهون هم مرد[ان محترم] و هم بانوان محترمت هستم. (۲۶۹)
۵۷/۱۲/۱۳

* * *

این آزادی را کی به ما داد؟ و این استقلالی که الان ما داریم و کسی نمی تواند دخالت کند در کشور ما، این را کی به ما داد؟ جز این بود که این پابرهنه ها و این زاغه نشین ها و این دانشگاهیهای محروم و این مردم کوچه و بازار با هم جمع شدند و برای خدا قیام کردند و نهضت کردند و ما را به این آزادی رساندند و آن سدهای بزرگی که در تصور کسی نمی آمد که شکسته بشود، شکستند و ما را به آنجا رساندند که وزیر بشویم و رئیس جمهور بشویم و وکیل بشویم و همه اینها را داشته باشیم؟ و همه از این ملت است. (۲۷۰)

آزادی و استقلال ما
مرهون محرومین

۵۹/۶/۲۰

* * *

انقلاب اسلام، این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوششهای این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ نشینان بالاتر می دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما

مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می آمد و می گفت که ما با بچه هایمان صبح که می شود می رویم برای تظاهرات، [مباهات می کردم]. یک موی شما بر همه آن کاخ نشینها و آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می توانستند می کردند و الآن هم هر مقدار که بتوانند می کنند، یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد.

شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ نشینها آنها را استضعاف می کنند و اینها ثابت کردند که کاخ نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد. (۲۷۱)

نقش طبقه محروم
و مستضعف در به
ثمر رساندن انقلاب

۶۰/۱/۱۶

* * *

امروز که به برکت اسلام جوانان و کودکان و پیران و خردسالان از هر طبقه بیدار و متحول شدند و همه قید و بندهای استعماری و استثماري را بریدند و با مشت گره کرده امریکا و اذنا ب او را از کشور راندند ایران را مرده و وابسته می دانند! و شما ملت

جوانان حزب اللهی

عظیم الشان هستید که باید چون کوه سر به فلک کشیده در مقابل همه مشکلات بایستید و خداوند تعالی با شماست. اینک به تمام متصدیان امور و دست‌اندرکاران کشور هشدار می‌دهم که قدر این جوانان حزب‌اللهی را بدانید، و از آنان قدردانی کنید و آنان را تشویق نمایید و در آغوش محبت خود حفظ کنید. اینان بودند که ایران را نجات دادند؛ و از این پس همینها هستند که انقلاب را پاسداری می‌کنند، و همینها هستند که با صرف هزینه‌ای کم در ظرف مدت کوتاهی با روشن‌بینی خاص خویش کارهای تعجب‌آوری نمودند که گمان نمی‌شد در ایران بتوان انجام داد. این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند. (۲۷۲)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

این یک واقعیت است و تعارف نیست؛ واقع این است که آنها^(۱) این نظام را درست کرده‌اند و این نهضت را به وجود آوردند؛ همین جمعیت هستند که پیروزیها را به دست آوردند؛ از قشر بالا کسی در این مسئله حقی ندارد. (۲۷۳)

۶۴/۵/۲۷

* * *

بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین

نقش پابره‌نه‌ها در
پیروزی نهضت

فقرای متدین
گردانندگان واقعی
انقلاب

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۵۵

بی‌بضاعت گردانندگان و بریادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. (۲۷۴)

۶۷/۴/۲۹

* * *

ج) اراده ملی

و اگر چنانچه یک ملتی ایستاد و حق خودش را خواست، سرنیزه نمی‌تواند جلویش را بگیرد؛ سرنیزه اصلاً قدرت ندارد با گوشت طرف بشود. این خیال است که گوشت نمی‌تواند با سرنیزه. تمام قدرتهای عالم جمع بشوند، وقتی یک ملتی گفت من این کار را نمی‌خواهم، نمی‌توانند تحمیلش کنند. الآن نمی‌توانند تحمیل ایران بکنند که شاه را قبول کن؛ نمی‌توانند. الآن به زور ایستاده آنجا اما مردم قبولش ندارند. مردم داد می‌زنند نمی‌خواهیم. قبول کردن را مردم هیچ تن ندادند به این مطلب. (۲۷۵)

۵۷/۷/۲۱

* * *

فشار اراده آهنین ملت به طوری اعصاب شاه را خرد کرده است که دیوانه‌وار دست به جنایات ننگ‌آوری زده است که روی تاریخ را سیاه نموده. (۲۷۶)

۵۷/۸/۱۱

* * *

عدم توانایی
سرنیزه در برابر
خواستۀ ملت

فشار اراده آهنین
ملت

یک ملت وقتی یک چیزی را نخواهند نمی شود؛ و حالا ملت نمی خواهد. یک ملت است. قضیه یک حزب و یک - نمی دانم - جبهه و یک - عرض بکنم - جمعیت نیست؛ یک ملت است که الآن می گوید نه. در مقابل «نه» ملت، نه سرنیزه کارگر است، نه تانک کارگر است، نه توپ کارگر است، نه تشرهای توخالی کارتر و نمی دانم کرمیلین! این حرفها نیست تو کار. هرچه می خواهند تو [ی] روزنامه هایشان بنویسند یا می خواهند صدایشان را بلند کنند. (۲۷۷)

در مقابل «نه» ملت
هیچ چیز کارگر
نیست

۵۷/۸/۱۶

* * *

حکومت اسلامی و خواست ملت ما، برای همین است که نفوذ غرب و همه کشورهای را در ایران از بین ببرد. وقتی یک ملت با تمام اقشار آن برای یک هدف قیام کردند، هیچ نفوذی نمی تواند خلاف آن را تحمیل کند. (۲۷۸)

هدف مشترک ملت
در برابر تحمیل
نفوذیها

۵۷/۸/۱۸

* * *

سؤال: [چرا تغییر جهت شاه، شما را قانع نمی کند؟ آیا مردم ایران از «پاکسازی» نظامیان راضی نخواهند شد؟ چگونه در مقابل ارتش مقاومت می کنید؟]

جواب: شاه زیر فشار ملت تن به این تغییر جهت داده است و این برای رهایی از بن بست است که گرفتار آن شده است تا آتش خشم مردم را خاموش کند و سپس با تجدید قوا مجدداً دست به خیانت بزند. و در برابر ملت، نه ارتش و نه هیچ قدرتی نمی تواند بایستد.

تغییر جهت با
فشار ملت

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۵۷

مگر تاکنون شاه با اتکای به ارتش حکومت خود را تحمیل نکرده است؟ و می‌بینیم شکست خورده است. (۲۷۹)

۵۷/۸/۱۸

* * *

بارها گفته‌ام که ملت ایران خواهان برچیده شدن رژیم شاهنشاهی و سقوط دودمان منحوس و خائن پهلوی و برقراری حکومت اسلامی است. هرکس اینجا آمده است، من این موضوع را با او مطرح کردم، این دو آقا هم آمدند و من مطرح کردم آنان پذیرفتند و رفتند. هرکس برخلاف خواست ملت مسأله‌ای را عنوان کند، خائن به ملت و مملکت است. (۲۸۰)

۵۷/۸/۲۵

* * *

همه ملت ایران در تمام شهرستانها قیام کرده‌اند و با این قیام ملت تا شاه نرود، آرامش پیدا نخواهد شد و کسی نمی‌تواند شاه را نجات دهد. او چاره ندارد جز اینکه برود، و ابرقدرتها چاره ندارند جز اینکه با ملت ما مخالفت نکنند، که اگر مخالفت کنند برای آنها بدتر خواهد شد. (۲۸۱)

۵۷/۸/۲۴

* * *

در هر صورت، الآن مردم دیگر گوش به این حرفها نمی‌دهند. حکومت را نظامی کنی، همین است که هست. دولت هم نظامی کنی، خوب همین است که هست. نظامی هست الآن دیگر؛ حالا

حرکت در جهت
خلاف خواست
ملت خیانت است

عدم مخالفت با
ملت تنها چاره شاه
و ابرقدرتها

مردم دست بردار
نیستند

تو تغییرش بده اسمش را دولت بگذار. الآن مدتهاست که ایران با حکومت نظامی دارد می‌گذراند. چندتا شهرش رسماً نظامی است، بقیه‌اش هم من غیر رسم نظامی است. خوب، غیر نظامی در کار نیست. مگر تو می‌توانی بدون سرنیزه زندگی کنی؟ تو یک روز سرنیزه را بردارند به باد فنا خواهی رفت، نمی‌توانی زندگی کنی.

حالا فرض کنید که امریکا نقشه‌اش هم این باشد که بعد از این یک دولت دیگری در کار بیاورد و شاه را ببرد و یک کودتای نظامی بکند، همین نظامی است و همین بساط و همین کشتار و همین کردار. مردم هم همانند که هستند. دست بر نمی‌دارند مردم. خوب مردم می‌خواهند از زیر این بار بیرون بیایند. باید فکر بکنند... باید رها کنند ایران را، باید بروند سراغ کارشان، رها کنند ایران را. (۲۸۲)

۵۷/۸/۲۶

* * *

یک ملت سی و پنج میلیونی که ایستاده است و می‌گوید، جانش را دارد می‌دهد، جوانش را دارد می‌دهد و می‌خواهد مملکتش را نجات بدهد از دست شما، آنها اراذل و پستند و شما آقا و با شرف؟! یک کسی که از یک طرف می‌گوید حقوق بشر، از یک طرف حقوق میلیونها بشر را به زمین می‌زند - که ایرانش را ما شاهد هستیم جاهای دیگرش را هم دیگران شاهد هستند - از آن طرف قضیه حقوق بشر را ذکر می‌کند و [از] آن طرف بشر را اینطور می‌کند، این خیلی شریف است اما ملت ایران که می‌خواهد از زیر یوغ اینها بیرون برود اراذل و پست است در نظر شما؟! نظرت صحیح نیست. برگردان این نظر را. تو بعدها می‌خواهی با این ملت زندگی کنی؛ نمی‌گذارند زندگی کنی. ملتی که ببیند اینطور تو داری

ملت نمی‌گذارد

با آنها صحبت می‌کنی، نمی‌گذارد دیگر شما حیات پیدا کنید، نمی‌گذارد که امریکایی در ایران باقی بماند. (۲۸۳)

۵۷/۹/۳

* * *

سؤال: [شاه، همان طور که مطلع هستید، دولت نظامی^(۱) را برقرار ساخته است. آیا به نظر حضرتعالی، مبارزه با نظامیها مشکلتر نیست؟ و چگونه شما می‌خواهید، دولت نظامی را از بین ببرید؟]
جواب: البته مشکل است، لکن وقتی ملت یک امری را بخواهند، نظامی هم نمی‌تواند مقابلش بایستد. (۲۸۴)

۵۷/۹/۲۱

* * *

پایه پوشالی قدرت شاه را که توسط خودش بنا گردیده بود و بر آن تکیه داشت، ملت مبارز فرو ریخت، و به همین دلیل قدرت او نمی‌تواند ادامه پیدا کند. همین شاه بود که چند سال گذشته هنگامی که حزب مبتدل^(۲) خود را اعلام کرد گفت هر که به ما رأی ندهد یا جایش در زندان است و یا از کشور اجازه می‌دهیم که خارج شود. امروز می‌بینید که ملت ایران او را مجبور می‌کند که رسوایی شکست حزب رستاخیز فرمایشی خود را قبول کند. و همین شاه بود که در مورد زندانیان سیاسی عقیده داشت که باید در زندان پوسیده و بمیرند، و دیدیم که فشار ملت او را مجبور می‌کند که بعضی از آنان را آزاد کند و دهها شکست دیگر که ملت

ناتوانی دولت
نظامی در برابر
اراده ملت

فرو ریختن پایه
پوشالی شاه با فشار
ملت مبارز

۱. دولت غلامرضا ازهاری.

۲. منظور، حزب رستاخیز است.

بر او وارد آورده و به یاری خدای تعالی او را برای همیشه از قدرت برکنار خواهد کرد. و در این راه از هر شیوه ممکن استفاده می‌کند. اگر به همین روش مسالمت‌آمیز شاه کنار نرود آن وقت است که او و حامیانش غرامت سختی خواهند پرداخت. (۲۸۵)

۵۷/۹/۲۳

* * *

شاه با آن عظمت فرعون‌ی به تعظیم و اظهار عجز و توبه در مقابل ملت برخاست و به تبدیل مهره‌های نرم با خشن پرداخت و ملت با غرور اسلامی و ملی خود نه آن توبه را قبول نمود و نه از آن نرمی فریب خورد و نه به آن خشونت اعتنا کرد؛ و در تاسوعا و عاشورای ۹۹ با رفراندم بی‌نظیر و آرام خود - که به تصدیق ناظران داخل و خارج در تاریخ بی‌نظیر بود - قدرت مهار شده خود را ثابت و سقوط و عزل محمدرضا پهلوی را برای چندمین بار اعلام نمود. (۲۸۶)

۵۷/۱۰/۶

* * *

سؤال: [شما از حمایت‌های خارجی برخوردارید؟]
جواب: هیچ حمایتی از ما نشده است. گاهی لفظاً اظهار حمایت شده است لکن حمایت عملی به هیچ وجه وجود ندارد؛ و ما محتاج هیچ حمایتی نیستیم. ملت ایران اراده کرده است تا پیروز شود و حتماً پیروز خواهد شد. (۲۸۷)

۵۷/۱۱/۷

* * *

اظهار عجز در
مقابل ملت

پیروزی با اراده
ملت

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۶۱

امروز ملت ایران خواستار برچیده شدن رژیم سلطنتی هستند و
فراندم روزهای تاسوعا و عاشورا به طرز بی سابقه‌ای این حقیقت
را به همهٔ جهانیان ثابت کرد و نیز همگی اعلام کردند که خواستار
استقرار جمهوری اسلامی هستند که متکی به آرای ملت باشد و با
معیارها و قواعد اسلامی تکوین یابد و عمل کند؛ و این چنین
حکومتی جز با دادن بیشترین آزادیهای سازنده و خلاق امکانپذیر
نیست. (۲۸۸)

خواستهٔ ملت ایران

۵۷/۱۰/۱۸

* * *

شاه برای ابقای خود دست به تبلیغات در شرق و غرب زده است
ولی دیگر سودی ندارد. ملت غیور و شجاع ایران، او و
دار و دسته‌اش را شکست خواهند داد. مردم شاه را نمی‌خواهند و
او را یک جنایتکار و یک خائن می‌دانند؛ و هیچ کس نمی‌تواند با
این خواست مخالفت کند. تاریخ در آیندهٔ نزدیک نشان می‌دهد که
خواست ملت و خدا بر تمام خواسته‌ها حاکم است. (۲۸۹)

حاکمیتِ خواست
ملت

۵۷/۱۰/۲۵

* * *

شما مردم، ملت شریف ایران، ثابت کردید که با یک قدم راسخ و با
یک نظم و یک ارادهٔ مصمم کارها را دارید پیش می‌برید، و یکی
پس از دیگر این قوای شیطانی را منهدم می‌کنید. (۲۹۰)

پیشبرد کارها با
ارادهٔ مصمم ملت

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

شما اگر بخواهید به مشکلات خودتان پیروز بشوید، اگر بخواهید قدس را نجات بدهید، اگر بخواهید فلسطین را نجات بدهید، اگر بخواهید مصر را نجات بدهید و سایر ممالک عربی را نجات بدهید از دست این عمال، از دست اجانب، ملتها باید قیام بکنند؛ باید ملتها این کار را انجام بدهند؛ نشینند که دولتها بر این مسائل وارد بشوند. (۲۹۱)

قیام ملتها موجب نجات

۵۸/۱/۱۷

* * *

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که - بحمدالله - مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت - بحمدالله - مراحلی را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم، موانع مرتفع شد، خائنین رفتند، و اگر تهمه‌ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابیهای زیاد هست؛ و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی؛ برای اینکه ترمیم کنیم این خرابیها که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است. و - بحمدالله - ملت ما راجع به سازندگی، این مهیا بودن خودشان را اعلام کرده‌اند. (۲۹۲)

همت ملت در رفع مشکلات

۵۸/۳/۲۶

* * *

همه در صدد این بودند که محمدرضا را نگه دارند. نه ابرقدرتها تنها؛ تمام قدرتهایی که بود. همه این مملکتهای اسلامی هم، همه

پشتیبانی می‌کردند. یعنی من نیافتم یک کسی را. لفظاً بعضی از اینها به ما پیام می‌دادند که ما همراهیم؛ لکن ما نمی‌توانستیم باور کنیم. همه‌شان با هم متحد بودند برای اینکه این جانور را حفظش کنند اینجا، و نتوانستند. چرا نتوانستند؟ برای اینکه همه‌تان با هم یک صحبت [داشتید].

عملی نبودنِ خلاف
خواسته ملت

یک ملت وقتی همه‌اش یک [صحبت] داشت - نمی‌شود - یک چیزی خواست، نمی‌شود خلافتش کرد. خلاف خواست یک ملت نمی‌شود عمل کرد؛ عملی نیست در دنیا. (۲۹۳)

۵۸/۴/۶

* * *

مأیوس نباشند از اینکه ما نمی‌توانیم، این قدر خودشان را نیازند. پیش هم هی می‌گفتند نمی‌شود با این قدرتها، نمی‌شود با این قدرتها درافتاد، بیایید بسازیم، بیایید بسازیم. لکن شما دیدید وقتی ملت خواست، شد. وقتی یک ملتی یک چیزی را می‌خواهد، می‌شود، خدا همراهش است. همان طوری که آنوقت می‌گفتند نمی‌شود این قدرت را به هم زد، و شما عمل کردید و شد. (۲۹۴)

خواستن ملت،
توانستن است

۵۸/۸/۱۱

* * *

این یک عده اقلیتی که ایستاده‌اند در مقابل سی و پنج میلیون جمعیت و آرائشان را دیدید که در فرماندم اول همه قوا را روی هم گذاشتند، باز صدی هشتاد با ما بود. حالا با اینکه یک مقداری را بازی دادند و قهر کردند، حالا هم صدی نود باز رأی مثبت دادند.

اراده ملی عامل
عدم موفقیت ضد
انقلاب

دنیا نظر می‌کند که این آدمها چه می‌گویند در مقابل یک ملت. این مردم چه می‌گویند در مقابل ملتی که همه ایستاده‌اند، و هر روز فریاد دارند می‌زنند که - بعد از تصویب هم دارند فریاد می‌زنند - که ما همین قانون اساسی را می‌خواهیم؟ این چند نفر آدم چه چیزی می‌گویند در مقابل این ملت؟ چه حرف حسابی دارند؟ چرا باید اینها یک همچو فکر معوجی داشته باشند که یک عده معدود اقلیتی که یاغی هستند قیام بر ضد حکومت اسلامی کردند، یاغیگری کرده‌اند، یک همچو عده معدودی می‌خواهند بر همه ملت ما حکومت کنند. مگر حکومت محمدرضا غیر از این معنا بود که یک عده معدود می‌خواست دیگران را تحت سلطه قرار بدهد؟ حالا هم همینها نظیر او هستند. و از ریشه‌های او هستند. چه می‌گویند اینها در مقابل یک ملت که زن و مردش خون دادند، و بچه دادند، و جوان دادند، و یک حکومت اسلامی می‌خواهند درست کنند. (۲۹۵)

۵۸/۹/۲۸

* * *

عوامل تأثیر پذیر (تغییر کننده‌ها)

الف) تحول روحی - فکری در افراد

از طرف دیگر با یک تحول عظیم روحی ملت از حیث شناخت، و تحول عملی عظیمتر از حیث عمل مواجه هستید. توده‌های مردم که قبل از نهضت عظیم اسلامی، نظام شاهنشاهی را مظهر ملیت و مدار عظمت کشور می‌دانست و فرمان شاه را مطاع و متبع، و از جزاف‌گویهای شاهان و گویندگان درباری و مدیحه‌سرایی آنان، کشور را در سایه رهبری شاه مترقی و پیشرفته تا دروازه تمدن بزرگ می‌پنداشت و استقلال مملکت را در زیر پرچم شاهنشاهی، بیمه شده به حساب می‌آورد، با یک جهش و شناخت همگانی، تمام پایه‌ها و کنگره‌های این قصر خیالی ناگهان فرو ریخت و محتوای این لغات و الفاظ فریبنده و بزک شده ظاهر شد، و تهی بودن این طبله‌های پر سر و صدا از محتوا معلوم گردید، و ورشکستگی اقتصادی و به غارت رفتن بیت‌المال و تباهی کشاورزی و وابستگی فرهنگی و ارتشی برملا گردید.

و نیز توده‌هایی که قبل از نهضت به امر یک پاسبان به جشن برمی‌خاست و بر بالای مغازه‌ها بیرق شادمانی می‌زد، و فرمان شاه

تحول عظیم روحی
از حیث شناخت و
عمل

را به دنبال جزافه‌های^(۱) شعرای درباری، فرمان ایزد می‌دانست، با یک جهش اسلامی به عصیان برخاست و با مشتهای گره کرده و فریادهای «مرگ بر این سلطنت پهلوی»، مرد و زن و کوچک و بزرگ به خیابانها ریخته و در مقابل مسلسل و توپ و تانک، قهرمانانه مقاومت نموده و با فداکاری و خون جوانان برومند خود، قدرت شاهانه متکی بر ابر قدرتها را شکسته و او را مجبور به تسلیم نموده؛ ولی تسلیم او را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. (۲۹۶)

۵۷/۸/۱۱

* * *

حالا غیر آن وقت است، این ملت غیر آن ملت است. این تحول که حاصل شده از برای این ملت، مردم را عوض کرده؛ یک چیز دیگرند اینها. یک موجودات دیگری شده‌اند اینها. اینها دیگر خوف اینکه حکومت نظامی بشود یا مثلاً یک رژیم نظامی روی کار بیاید، اینها خوف این را دیگر ندارند برای اینکه نظامی همین است که اینها دیده‌اند و همراهش مبارزه و معارضه کرده‌اند و ازش کتک هم خورده‌اند و آدم هم ازشان کشته‌اند - آنها کشتند - همه اینها را مردم دیده‌اند. وقتی بنا شد که آدم را بخواهند بکشند، چه رژیم نظامی باشد، چه حکومت نظامی باشد، چه عادی باشد. خوب، مردم تن داده‌اند به کشته شدن. بنابراین اینها راه‌حل نیست که کسی بخواهد حل کند یک قضیه‌ای را، یعنی درد مردم را دوا بکند. (۲۹۷)

مردم عوض شده‌اند

۵۷/۸/۱۵

* * *

این نهضت مقدس اسلامی باعث این شد که بچه‌های کوچک هم فریاد بزنند توی خیابانها که «مرگ بر این سلطنت پهلوی!» این یک تحولی حاصل شد بین مردم که الآن پاسبان را مردم هیچ چیزی بارش نمی‌کنند. صاحب‌منصبش هم نمی‌کنند؛ حکومت نظامی‌اش هم نمی‌کنند. آن وقتها که حکومت نظامی می‌شد، به مجرد اینکه می‌گفتند حکومت نظامی است، دیگر مردم می‌رفتند سراغ کارشان؛ اصلاً دیگر دنبال اینکه معارضه‌ای، مبارزه‌ای بشود توی ذهنشان نمی‌آمد! امروز حکومت نظامی است، قانون حکومت نظامی خودشان می‌گویند که - مثلاً اعلامشان این است به اینکه - بیشتر از دو نفر نباید با هم باشند، هفتاد هزار نفر، صد هزار نفر، پانصد هزار نفر مردم می‌آیند بیرون! و فریاد می‌زنند و همه فریادهایشان هم بر ضد شاه است! این یک تحولی است در یک ملت حاصل شده است؛ این یک چیز کمی نیست. (۲۹۸)

۵۷/۸/۲۷

* * *

همین جور تحولی که ملت ما در ظرف مدت کمی پیدا کرد؛ یک نحو تحول معجزه‌آسا که یک روز از پاسبان حساب می‌برد، بازارهای بزرگ ما از پاسبان حساب می‌بردند، یک روز هم از شخص اول مملکت حساب نبردند! یک روز جرأت نمی‌کردند که توی خانه‌شان اسم شاه را به ناگواری ببرند، یک روز هم در خیابانها ریختند و گفتند مرگ بر این [شاه]! همچو متحول شد. کی این کار را کرد؟ اسلام، قوت ایمان. و الا انسان که نمی‌تواند این کار را بکند. کار من و تو و اینها نیست که! کار اسلام است. (۲۹۹)

۵۷/۱۲/۱۵

نهضت مقدس
اسلامی باعث
تحول در بین مردم

اسلام عامل تحول
معجزه‌آسا

من خدا را شکر می‌کنم که در ظرف این یک سال - یک سال و نیم، یک تحول اساسی در ملت ما پیدا شد. جوانهای ما توجه به مسائل روز پیدا کردند؛ منصرف شدند از آن - اکثر از آن چیزهایی که قبلاً بود متحول شدند، منصرف شدند. تحولهایی معنوی پیدا شد که این تحولات را نمی‌توانیم اسمی روی آن بگذاریم الا اینکه دست خدا بود توی آن. بشر نمی‌تواند تحول روحی در همه طبقات [ایجاد کند]. این را کراراً گفتم که یک پاسبان می‌آمد یک بازار سرتاسر هر امری را که می‌کرد اطاعت می‌کردند، و برای خودشان حق چون و چرا قایل نبودند؛ نه اینکه حق قایل بودند و نمی‌کردند، اصلاً وضع روحی‌اشان را اینطور کرده بودند که کورکورانه باید اطاعت کرد! همان طوری که ارتش ما آنطور بود. مردم را اینطور کرده بودند که مثل گوسفند اطاعت کند! سر تا پا اطاعت باشد: چه فرمان سلطان چه فرمان خدا، «چه فرمان ایزد چه فرمان شاه!!» این کلمه را در اذهان بچه‌های ما از بچگی رشد دادند، آن هم این شاه! یک تحولی پیدا شد در ظرف یکی - دو سال که همین جمعیتی که از پاسبان آنطور وحشت داشتند به تانکها حمله کردند و به شاه هرچه خواستند گفتند و او را بیرونش کردند. همین جمعیت که دیروز از یک «ستاره‌دار» آنطور خوف و وحشت می‌کرد، مشتش را گره کرد مقابل همه ایستاد و همه را بیرون کرد. (۳۰۰)

۵۷/۱۲/۱۶

* * *

در این نهضت و آن وقتی که مردم مشغول بودند به مخالفت، خوب دیدید که یک وضع انسانی پیدا شده بود، یک تحول پیدا شده بود. که سرباز وقتی که می‌آمد توی کوچه‌ها، مردم گل به او می‌ریختند؛

تحول روحی -
معنوی

تحول روحی در
نهضت

او گریه می‌کرد و به آنها اظهار محبت می‌کرد.
این تحول روحی است که خدای تبارک و تعالی این تحول را
مرحمت فرموده بود. این تحول روحی را حفظش بکنید؛ این
محبت را بین خودتان و اقشار ملت حفظ بکنید. (۳۰۱)

۵۸/۱/۹

* * *

این تحول که در ایران پیدا شد، تحول همه جانبه، تحول فکری،
تحول روحی، تحولات دیگر، اینها اعجاز بود که خدای تبارک و
تعالی نصیب شما ملت کرد. (۳۰۲)

تحول همه جانبه

۵۸/۴/۱۲

* * *

یکی از برکات این نهضت قضیه «تحول روحی» در جامعه ما هست
که من مکرر این را گفته‌ام که این تحول روحی که در ایران پیدا شده
است و این نهضت توانست این تحول روحی را ایجاد کند به
خواست خدای تبارک و تعالی از این پیروزی که نصیب ما شده است
و دست اجانب را کوتاه کردیم و دست خیانتکارها را، اهمیتش بیشتر
است. این تحولات روحی به این زودی برای یک شخص هم حاصل
نمی‌شود تا برسد به گروهها؛ تا برسد به سرتاسر یک کشور. شما هم
ملاحظه می‌کنید که چند جور تحول، تحولات روحی پیدا شد در این
جمعیتها؛ یکی که من کراراً گفتم و باز هم تکرار می‌کنم این تحولی
[است] که از خوف و ترس به شجاعت متحول شدند. (۳۰۳)

تحول از خوف به

شجاعت

۵۸/۴/۱۳

* * *

من کراراً این مطلب را گفته‌ام که این نهضت یک تحولاتی آورده است که آن تحولات، تحولات روحی و انسانی است که در نظر من بسیار اهمیتش بیشتر از این پیروزی در مقابل شاه سابق و قدرتهای بزرگ است. در ظرف یک مدت کوتاهی، ملت ما متحول شد، به حسب نوع، از یک حالی به یک حالِ مقابل او.

یک طور تحول این بود که همه مُشاهدش بودید؛ می‌دیدید که در یک وقتی ملت ما طوری بود که اگر یک پاسبان می‌آمد در بازار، مثل بازار تهران که بزرگتر بازار ایران است و می‌گفت که «۴ آبان» است و باید بیرق بزیند، علاوه بر اینکه خوب عمل می‌کردند، برای خودشان اصلاً حق این معنا را قائل نبودند که بگویند نه! اصلاً یک همچو چیزی مطرح نبود؛ بی‌چون و چرا عمل می‌کردند؛ همین ملتی که از حرف یک پاسبان تخلف را برای خودش مطرح نمی‌دید، در ظرف مدت کوتاهی همین ملت ریخت در خیابان و گفت ما اصل سلطنت را نمی‌خواهیم! این تحول، یک چیز بزرگی است، کوچک نیست. (۳۰۴)

۵۸/۶/۱۳

* * *

من به همین جهت دلخوشم که ملت ما خودش راه را پیدا کرده، و دارد راه را می‌رود. این تحول روحی که در ملت پیدا شده است و در شما جوانها، مردها، زنها، پیدا شده است، این موجب امیدواری است. و من امیدوارم که این راه را ما با آسانی، مشکلاتمان کم باشد، با آسانی این راه را طی بکنیم. وقتی یک جامعه متحول شد از آن صورتی که در زمان طاغوت بود به یک صورت اسلامی، به یک صورت انسانی، این کارهایی

اهمیت تحولات
روحی و انسانی

امیدواری نسبت به
تحول روحی
جامعه از طاغوت
به اسلام

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۷۱

که شما انجام می‌دهید انسانی است؛ اسلامی است. و از روی رضا و رغبت عمل می‌کنید؛ با اشتیاق عمل کنید این یک تحول روحی است، یک تحقق روحانی است، که باید ما امیدوار به او باشیم، و امیدوار هستیم. و امید است که آتیۀ بسیار روشنی را در ایران ببینیم؛ و شما ان شاء الله بهترش را ببینید. (۳۰۵)

۵۸/۶/۲۶

* * *

بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی امکان تحول فکری و روحی نیست. و باید با کوشش همه جانبه از طرف دولت و رؤسای دانشگاهها و فرهنگیان و جوانان دانشجو به مقصود نزدیک شویم. (۳۰۶)

۵۸/۶/۳۱

* * *

این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد. ما یک قومی بودیم، ملت ما یک قومی بودند که به واسطۀ تبلیغات سوئی که در طول تاریخ شده بود و به واسطۀ سلطۀ همه جانبه اجانب و دست نشانندگان اجانب به یک صورتی درآمد بود که این صورت پذیرش این رژیم سابق را می‌کرد. یعنی یک تغییر حالاتی به واسطۀ آن تبلیغات و به واسطۀ آن تربیتهای فاسدی که شده بود، در ملت ما حاصل شده بود که به واسطۀ این تغییر و تحول پذیرش ظلم و رژیم ستمگر و طاغوت و بستگان به طاغوت و اربابهای طاغوت را فراهم می‌کرد. تغییری بود که از فطرت سالم انسانی متحول شده بود به یک انسان غیر سالم، ...

تغییرات بنیادی
لازمه تحول فکری
و روحی

پیشرفت ملت
مرهون تحول در
نفوس

... یک ملت تحت فشار که در طول تاریخ با این فشار خو گرفته بود و پذیرفته بود این ظلم را و پذیرفته بود این چپاولگری را، در یک مدت کوتاهی متحول شد به یک ملتی که پذیرش هیچیک از این ظلمها را دیگر نداشت؛ یعنی همچو طغیانی کرد این ملت برخلاف دستگاه ظلم که از آن بچه‌های کوچکش تا آن خواهرهای محترمه و برادرها، جوان و پیر، دارای هر شغل که بودند، از همه چیز دست برداشتند و ریختند در خیابانها و در کوچه‌ها و فریاد زدند ما نمی‌خواهیم این رژیم را و فریاد «الله اکبر» و اینکه این رژیم را نمی‌خواهیم. پس، قوم ما یک تحولی پیدا کرد، تغییر پیدا کرد؛ تا این تغییر حاصل نشده بود، تغییر نفسانی حاصل نشده بود، این قوم مورد تغییر واقعی - که رفتن یک رژیم طاغوتی و آمدن یک رژیم که ان شاء الله اسلامی باشد، این معنا حاصل نمی‌شود. (۳۰۷)

۵۸/۷/۴

* * *

این تحولی که در جوانهای ما، در خواهرها و برادرهای ما، حاصل شده است که این طور حس تعاون، حس خدمت به ملت، خدمت به اسلام، پیدا شده است، این خیلی امیدوار می‌کند انسان را به اینکه با این قدرت ایمانی که الآن در ملت ما هست، و ان شاء الله باقی می‌ماند، همه کارها انجام بگیرد. (۳۰۸)

۵۸/۷/۱۸

* * *

این سران کشورهایی که با ملت‌هایشان آن طور رفتار می‌کنند، با مستضعفین جهان آن طور رفتار می‌کنند، اینها باید افکارشان را

حس تعاون و
خدمت

عوض بکنند. این افکار دیگر در دنیا خریدار ندارد. این مال یک زمانی بود که آن وقت باز مردم بیدار نشده بودند. مردم در همه جا الآن چشم و گوششان را باز کرده‌اند. ما می‌بینیم که در ظرف این چند سال، و خصوصاً این دو سال آخر، کشور ما تحول در آن پیدا شده، یعنی افراد یک افراد دیگر شدند. افراد همان هستند، لکن افکارشان یک افکار دیگر شده، عوض شده است این افکار. همانطوری که ملتها تغییر و تحول پیدا کردند و این ملتها، آن ملتهای خواب نیستند که، شما حکومت کنید برشان، و آنها تسلیم محض باشند. شما هم [در رفتارتان تجدید نظر کنید] این سران کشورها، اعم از امریکا و غیر امریکا، باید خودشان را عوض بکنند. (۳۰۹)

بیداری و تحول
فکری

۵۸/۸/۲۹

* * *

این نعمتی که خدا به شما داد و شما را متحول کرد به یک ملت دیگری. شمایی که از پاسبان می‌ترسیدید، از رژیم شاهنشاهی نترسیدید. شمایی که از یک باتون می‌ترسیدید از مسلسلها نترسیدید. این نیروی خداست. این نیروی خدایی را حفظش کنید! حفظ به این است که باز توجهتان به آنجا باشد. این قدر دنبال این نباشید که ما خانه‌مان چه جور است. و زندگی‌مان چه جور است و چه. دنبال آن شرافت انسانی باشید. دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز کرد. پیروزی بر دشمن؛ آن هم یک همچو دشمنی که همه چیز ما را می‌خواهد از بین ببرد، بالاترین چیزی است که برای یک ملتی حاصل می‌شود. ما اگر می‌توانستیم هدایت می‌کردیم آنها را. پیغمبرها آمده‌اند که همه را هدایت کنند. کفار را هدایت کنند. ما

پشت کردن بر آمال
و روی آوردن به
خدا

اگر قدرت داشتیم همه اینها را هدایت می‌کردیم. لکن بعد از آنکه آنها به ما حمله بکنند ما با همان قدرت الهی که آن سد را شکستیم این سد را هم می‌شکنیم. ما که در این مبارزه؛ در این مبارزه‌ای که همه با هم متحد بودند به واسطه پشت کردن بر آمال خودمان. و رو کردن به خدای تبارک و تعالی پیروز شدیم. حالا هم همین معنا را ان شاء الله حفظ می‌کنیم. و با همین اسلحه پیش می‌رویم. (۳۱۰)
۵۸/۱۰/۱

* * *

انقلابی که واقع شد، روح ملت ما و خصوصاً جوانها و پاسداران و سربازان، انقلاب پیدا کرد؛ انقلاب معجزه‌آسا. آنکه، آن روحی که با سالها مجاهدت نمی‌شد متحولش کرد به یک روح انسانی، فداکار برای انسان و اسلام، کأنه در یک شب واقع شد. جوانان ما را که در طول تاریخ و خصوصاً در این اواخر کشانده بودند به مراکز فساد، و نقشه این بود که جوانها به مراکز فساد کشیده بشوند تا میدان خالی بشود برای چپاولگران، در این انقلاب به طور معجزه‌آسا از مراکز فساد کشیده شدند به میدان مبارزه. آنهایی که فکر نمی‌کردند الا برای عیاشی و امثال ذلک، یکدفعه متحول شدند به یک انسانهایی که پشت کردند به آن رژیم، و به آن پیوندهایی که رژیم در این عالم در ایران درست کرده بود، به آنها پشت کردند و روی به قرآن کریم آوردند، و به اسلام. مبارک باد بر شما این روز و مبارک باد بر شما این تحول. لکن از حالا به بعد هم ما احتیاج داریم که این تحول روحی محفوظ بماند؛ احتیاج داریم همه ما احتیاج دارد اسلام. احتیاج دارد تعالیم عالیة اسلام، به اینکه این تحول روحی که در اول انقلاب حاصل شد و معجزه‌آسا

انقلاب روحی -
معنوی در جوانان

بود، این را حفظ کنید. در فکر پیشرفت باشید. (۳۱۱)

۵۹/۳/۷

* * *

حل مشکل را خود ملت کردند. ملت ما متحوّل شد از خوف به شجاعت و از یأس به اطمینان و از توجه خود به توجه به خدا و از تفرقه به اجتماع. این تحول، تحول معجزه‌آسا اسباب این شد که این مشکل بسیار بزرگ را، مشکلی را که شاید همه جا و همه دنیا محال می‌دانستند، حلّش کند.

شما گمان نکنید که ایران دارای سلاح بود. ایران سلاحش سنگ بود، چوب، مشت [...]. لکن سلاح معنوی داشت. سلاح معنوی اش ایمان به مکتب، ایمان به خدای تبارک و تعالی و توکل به مبدأ قدرت و وحدت کلمه [بود]. حالا که می‌بینید دست ملت ما - یعنی، غیر نظامیها - تفنگ است، این تفنگی است که به غنیمت از بستگان شاه به دستشان افتاده، و الاّ تفنگی در کار نبود، ایمان بود. ملت از مرکز گرفته تا سرحدات، هر جا بروید، یک کلمه می‌گفتند. آن روز این گروههای فاسد مفسد زیر خاک بودند؛ مثل حیواناتی که در سوراخها بودند و میدان مال ملت بود. از مرکز تا سرحدات، هر جا می‌رفتید، حتی بچه‌های کوچک، صدایشان بلند بود که ما اسلام را می‌خواهیم، جمهوری اسلامی را می‌خواهیم. مریضهایی که در بستر و در بیمارستان بودند هم همین منطق را داشتند. جوانها هم همین منطق را. دانشگاه و مدرسه هم همین منطق و زنها و مردها هم منطقشان همین بود. از آن خواب گرانی که ما را ابرقدرتها خوابانده بودند و از همه مسائلی که باید به آن توجه داشت، غفلت کرده بودیم. ناگاه بارقه‌ای از جانب خدای

تحول معجزه‌آسای
ملت

تبارک و تعالی پیدا شد و ما را بیدار کرد و این مشکل به نظر همه محال را، حل کرد.

مشکل، شاه مخلوع و دار و دسته او بود و حل مشکل به دست خود ملت بود. (۳۱۲)

۵۹/۵/۱۸

* * *

اگر مطبوعات متحوّل بشود - و ان شاء الله، می شود و شده است - متحول بشود به یک مراکزی که بخواهند تقوا را در جامعه منتشر کنند، وقتی جوانها و بچه های تازه رس ما وارد می شوند در میدان فعالیت اجتماعی، بروند دنبال روزنامه، روزنامه مرّبی باشد، گوش کنند به رادیو، رادیو مرّبی باشد، نگاه کنند به تلویزیون، تلویزیون مرّبی باشد، نگاه کنند به مجلات، مجلات، مجلاتی باشد که تربیت بکند، این جوان وقتی که به هر جا توجه کرد، دید که گوش و چشمش پر شده از تربیت، اینطور بار می آید. اگر رها بشود، هرزه بار می آید. اگر بکشندش در طرف فساد، می رود آن طرف و اگر بکشندش در طرف صلاح، می آید این طرف.

و ما در سالهای طولانی، همه جهاتی که در ایران بود و اسباب را فراهم کرده بودند، همه جهات برای این بود که جوانهای ما را بکشند طرف فساد. و نظر اصلی آنها این بود که یک جمعیتی در اینجا وجود داشته باشد که هر چه سرش می آورند توجه نداشته باشد؛ مملکتش به باد می رود، او عیش و عشرتش باشد، اشکالی ندارد؛ مذهبش عقب می رود، چون عیش و عشرتش به کار است، مانعی ندارد؛ اختناق در مملکت هست، اختناق در فحشا نیست، این اشکال ندارد؛ هر بساطی سرش در آورند، بی تفاوت باشد.

تحول دفعی
مغزهای فاسد به
مغزهای نورانی
انسانی اسلامی با
فضل خداوند

یک همچو مملکتی که آنها می‌خواستند این بود که یک طایفه زیادی از این جوانهای ما را به هروئین بکشند، یک طایفه دیگر را به مُسکرات بکشند، یک طایفه دیگری را به فحشا و مراکز فساد بکشند، گوش را به هرچه بدهد، یا تعلیم فاسد است یا غنا و امثال اینها که مغز را فاسد می‌کند، هر اجتماعی که باشد، اجتماعی است که گوینده‌اش گوینده‌ای است که جوانها را می‌کشد طرف فساد و مغزهای اینها را فاسد می‌کند.

این یک مطلب اتفاقی نبود که به طور اتفاق حاصل شده باشد، یک مطلبی بود که با تمام توجه و نقشه، این امور شده بود و دیدید چطور بود. چه شد که یکدفعه خدای تبارک و تعالی، به این ملت تفضّل فرمود و یکدفعه متحول شد؟ این جوانی که بنایش بر این بود که برود در مراکز فحشا، آمد در خیابان و مشغول جنگ شد. آن جوانهایی که به حسب نقشه آنها، باید آن مفسده‌ها را داشته باشند و آن مغزها را داشته باشند. یکدفعه متحول شد به یک مغزهای نورانی انسانی اسلامی. اگر نشده بود، نمی‌توانست این ملت این قدرت بزرگ را، این قدرتهای شیطانی را در هم بشکند. اول این تحول در خود جمعیت پیدا شد، و به تدریج، این تحول که در جمعیت پیدا شد، رشد پیدا کرد. (۳۱۳)

۵۹/۶/۵

* * *

اینها^(۱) متحول شدند. انسان عشرتکده‌ای، متحول شد به انسان مجاهد اسلامی. انسان شهوتران متحول شد به انسان عاشق موت. و این عشق به موت است که تمام مسائل اسلام را دارد حل می‌کند.

آگاهی و تحول
مردم تنها راه علاج

۱. منظور، ملت ایران است.

اگر نبود این جوانها و این رزمنده‌هایی که همه عشق به موت دارند، از همه قشرهایی که هستند، از ارتش و سپاه و بسیج و سایرین و عشایر و سایر مردم که همه با هم هستند، اگر این تحول نبود، ما باز در زندانهای شاهنشاهی باید باشیم. مردم را متحول کنید. علاج این است که مردم را آگاه کنید و متحول کنید، دعوت کنید به تقوا، دعوت کنید به ارزشهای انسانی. (۳۱۴)

۶۱/۱۰/۱۲

* * *

جوانان ایران و زنان و مردان که در زمان طاغوت با تربیت طاغوتی بار آمده بودند هرگز نتوانستند با قدرت طاغوتی مقابله کنند. ولی آنگاه که به دست توانای حق - جل و علا - به انسان انقلابی دور از علایق شیطانی متحول شدند آن قدرت عظیم را سرکوب کردند. دستهای جنایتکاری که جوانان عزیز را در رژیم سابق به مراکز فساد کشاند و از انسانهای آزاد، عروسکهای مصرفی تراشید انگیزه و نقشه شان این بود که هر خیانتی که در کشور واقع می شود و هر چه به سر ملت و ذخایر ارزنده آن می آید و هر چه زنجیرهای استعمار به دست و پای مردم محکمتر می شود، در مقابل بی تفاوت باشند یا به حمایت همان رویه برخیزند. امروز هم قشر فعال در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها همان طبقات محروم ساده زیست هستند. و در بین آنان از آن وابستگان و دلبستگان به علایق دنیا اثری نمی بینید. (۳۱۵)

۶۳/۳/۷

* * *

تحول انسان
طاغوتی به انسان
انقلابی

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۷۹

این کشوری که الآن در دست شما آقایان^(۱) است، کشوری است که با تحول روحی یک همچو مسئله را پیش آورد، لکن حفظ این تحول اهمیتش بیشتر از اصل تحول است. باید همه کوشش کنند در حفظ این تحول. این جوانهای شما که آنها می‌خواستند بکشندشان به مراکز فساد و آنها را از خود بیخود کنند تا حکومت کنند، این جوانها را خدای تبارک و تعالی توفیق داد از آن جا درآمدند به سنگرها رفتند، از آن مفسد خودشان را خلاص کردند و به معابد رفتند، یعنی، همان سنگرهایی که معابد الهی است. (۳۱۶)

۶۳/۴/۱۰

* * *

مردم یک تحول الهی پیدا کرده‌اند، و این تحول الهی اسباب این شد که با هم شدند و قدرت بزرگی را - مثل قدرت شیطانی رژیم سابق - در هم شکستند، و مقابل همه قدرت‌ها هم ایستاده‌اند؛ مردانه ایستاده‌اند، مشتشان را هم محکم نگه داشته‌اند، می‌گویند ما نه شرق را می‌خواهیم، نه غرب را می‌خواهیم. اگر شرق با ما بسازد و نخواهد به ما آن طمطراق شرقیت خودش را نشان بدهد، ما اهل جنگ نیستیم، اگر غرب هم همین طور باشد ما نیستیم. هر یک از اینها بخواهند تعدی بکنند ما تا آخر نفرمان می‌ایستیم مقابلش. (۳۱۷)

۶۴/۱/۱

* * *

تحول جوانان از
مفسد به معابد

تحول الهی در
مردم موجب
شکست قدرتهای
شیطانی

۱. منظور، مسئولین نظام است.

اسلام این طور مردم را متحول کرده است که ترس را از دلها برده است و جانها را الهی کرده است و روحها را روحانی کرده است که بچه های کوچکشان را می آورند کفن می پوشانند و می گویند برای شهادت آمدیم. این در تاریخ دنیا هیچ سابقه ندارد؛ تمام تاریخ دنیا را شما بگردید این را پیدا نمی کنید که با این وضع، با این کیفیت، با این ارباب و ترساندنیهای مردم و با این بمباران کردن مناطق - حتی تهران - این طور مردم بریزند بیرون که نتواند دیگر کسی بگوید که مردم جنگ نمی خواهند! مردم جنگ نمی خواهند، اما دفاع دارند. این «جنگ جنگ تا پیروزی» که مردم می گویند. این جنگ دفاعی است. و الاً ابتدائاً که اگر این مسائل نبود، ایران به هیچ جا نظر نداشت، الآن هم ندارد. (۳۱۸)

تحول در روح و
جان

۶۴/۳/۳۰

* * *

من خدا را شکر می کنم که در یک ملتی واقع هستم، یک فرد از یک ملتی، یک خدمتگزار یک ملتی هستم که تحول معنوی حاصل شده و این تحول به دست خداست. امکان نداشت که کسی بتواند یک نفر را این طور متحول کند؛ از مرکز فحشا به مرکز عبادت و عرفان بیاورد، به مرکز جنگ با کفار بیاورد. اگر همه ماها جمع می شدیم که ده نفر را یک همچو قدرتی به آن بدهیم، هرگز ممکن نبود برای ما. این یک مسئله معنوی است که دست خداست، چنانچه همه چیز دست اوست. این تحول یک تحولی است که نمونه است در دنیا. هر حکومتی را شما ملاحظه کنید در طول تاریخ، هر ملتی را ملاحظه کنید در طول تاریخ، وضع این طور نبوده است. (۳۱۹)

تحول معنوی ملت
ایران الگوی تحول
در دنیا

۶۴/۱۱/۲۲

* * *

ب) دگرگونی در نظام حکومتی

چون در گذشته برای تشکیل حکومت و بر انداختن تسلط حکام خائن و فاسد به طور دسته‌جمعی و بالاتفاق قیام نکردیم، و بعضی سستی به خرج دادند، و حتی از بحث و تبلیغ نظریات و نظامات اسلامی مضایقه نمودند، بلکه بعکس، به دعاگویی حکام ستمکار پرداختند! این اوضاع به وجود آمد؛ نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شد؛ ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی گشت؛ احکام اسلام بی‌اجرا ماند، و در آن تغییر و تبدیل واقع شد؛ استعمارگران برای اغراض شوم خود به دست عمال سیاسی خود قوانین خارجی و فرهنگ اجنبی را در بین مسلمانان رواج دادند و مردم را غریزه کردند. اینها همه برای این بود که ما قیّم و رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم. ما تشکیلات حکومتی صالح می‌خواهیم. این مطلب از واضحات است. (۳۲۰)

جایگزینی
تشکیلات
حکومتی صالح به
جای حکام خائن
و فاسد

* * *

من چاره در این می‌بینم که این دولت مستبد به جرم تخلف از احکام اسلام و تجاوز به قانون اساسی کنار برود؛ و دولتی که پایبند به احکام اسلام و غمخوار ملت ایران باشد بیاید. (۳۲۱)

جایگزینی دولت
اسلامی به جای
دولت مستبد

۴۱/۱۲/۲۲

* * *

ما می‌گوییم که این وضع را باید به هم زد. و تا محمدرضا و دودمان پهلوی هست، ما نمی‌توانیم یک روی آزادی و یک روی استقلال

برای مملکتمان ببینیم. این یک نوکری هست که گذاشته‌اند او را اینجا و «مأمور» برای وطنش هست! خودش هم می‌گوید «مأموریت برای وطنم!» راست می‌گوید اما مأموریت از امریکا! مأمور است از جانب امریکا برای وطنش که این وطن را، وطن بیچاره را، نه بگذارد رشد معنوی بکند و نه مالشان را خودشان بخورند. مالشان باید نصیب امریکا بشود.

حکومت عدالت

ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت، ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند بیت‌المال مسلمین را بردارد، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته بشود، برای هرکس گفته بشود، از ما می‌پذیرند. ملت ما امروز قیام کرده است برای این مطلب که این آدم به ما خیانت کرده، اموال ما را خورده است و برده است (۳۲۲)

۵۷/۷/۱۹

* * *

خداوند در این روز به ما رحمت نازل بفرماید و ما را توفیق بدهد در این مبارزه‌ای که داریم؛ و مسلمین را پیروز کند در این مبارزه‌ای که دارند؛ و اسلام را تقویت کند و حکومت اسلامی را برقرار کند تا دنیا ببیند وضع حکومت چه هست، معنای حکومت چه هست، حاکم چه جور رفتار می‌کند، حاکم با رعیت چه جور رفتار می‌کند، با... سایر مردم چه جور رفتار می‌کند. معلوم بشود چه جوری است. یا کارمندان دولت چه جور اشخاصی باید باشند، قضات چه جور اشخاصی باید باشند، فرهنگ‌ها چه جور اشخاصی باید باشند؛ اینها همه تعیین شده است. و ان شاءالله اگر حکومت اسلامی بپا بشود،

معنای واقعی حکومت در اسلام

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۸۳

همه امور بر طبق دلخواه ملت ان شاء الله حاصل می شود. (۳۲۳)

۵۷/۸/۲۸

* * *

سؤال: [چه تغییراتی در نظر دارید که در ایران آینده بدهید؟]
جواب: خرابیهایی که شاه کرده ترمیم می کنیم و نقایصی که اصولاً از نظام شاهنشاهی به وجود آمده است، اصلاح می کنیم. و تمام چارچوبهای پوسیده و بی محتوایی را که در طول این پنجاه سال، مردم را به غریزدگی کشانده است خراب می کنیم و حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به همه اقشار وطن می سازیم. و از مردم می خواهیم تا بر پایه های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غریزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله که شده است نجات می دهیم. (۳۲۴)

۵۷/۹/۶

* * *

این شاه و دولت غیرقانونی اوست که چون هیچ گونه پیوندی با ملت ندارد و از طرف ملت محکوم به سقوط است. (۳۲۵)

۵۷/۹/۲۳

* * *

ما می گوئیم کسی که می خواهد یک مملکتی را اداره بکند، کسی که ما می خواهیم مقدراتمان را دستش بدهیم باید آدمی باشد که مردم انتخاب کنند و با انتخاب مردم پیش بیاید. قهراً وقتی با

برپایی حکومت
مبتنی بر عدل و
انصاف

محکوم به سقوط
بودن دولت
غیرقانونی

حکومت مردمی

انتخاب مردم پیش آمد صالح است...

... ما می‌خواهیم یک همچو مملکتی پیش بیاید که به دست خود مردم مقدرات باشد؛ نتواند یک رئیس جمهوری، اگر هم یکوقتی فرض کنید اول صالح بود و قرار دادند بعد وقتی که رسید به [قدرت] چه بشود، نتواند. برای اینکه همین رئیس جمهور دست مردم است اختیارش؛ هر روزی مردم گفتند نه، نه می‌شود. (۳۲۶)

۵۷/۱۰/۱۰

* * *

مسئله مسئله حکومت عدل است، مسئله مسئله حکومت اسلامی است. و ما امیدواریم که بعد اختیار به دست خود شما بیفتد و مجلس را خود شما تعیین کنید. ما پنجاه سال است که مجلسمان مجلس شاهنشاهی بوده، نه مجلس ملی بوده، و حالا ما می‌خواهیم مجلس ملی درست کنیم؛ اختیار دست خود مردم، وکلا را خود مردم تعیین بکنند؛ سرنوشت خودشان به دست خودشان باشد. (۳۲۷)

تغییر مجلس از
شاهنشاهی به
اسلامی

۵۷/۱۱/۱۶

* * *

باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچکترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند.

تغییر اساسی در
وزارتخانه‌ها و

البته مردم شریف می‌دانند که وزارتخانه‌ها و ادارات در جمهوری اسلامی باید از بن تغییر کند تا از فرم غربی و سلطنتی

ادارات

درآمده و به صورتی انسانی و اسلامی درآید. (۳۲۸)

۵۷/۱۲/۹

* * *

از ملت می‌خواهم که این نهضت را نگه دارند تا تأسیس حکومت عدل اسلامی. از آن وقت تا حالا می‌گفتید تا مرگ این کذا نهضت ادامه دارد، حالا باید بگویید تا اقامه حکومت اسلامی نهضت ادامه دارد. آنکه ملت ما می‌خواهد جمهوری اسلامی است نه جمهوری فقط، نه جمهوری دمکراتیک، نه جمهوری دمکراتیک اسلامی؛ «جمهوری اسلامی».

جمهوری اسلامی

آنچه که من از شما ملت ایران می‌خواهم، این است که بیدار باشید؛ خون عزیزان خودتان را هدر ندهید. کلمه «دمکراتیک» را از آن نترسید؛ یا حذفش را نترسید. این فرم غربی است؛ ما فرمهای غربی را نمی‌پذیریم. ما تمدن غرب را قبول داریم لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم. (۳۲۹)

۵۷/۱۲/۱۰

* * *

همین طور بازار ما باید یک بازار اسلامی باشد. از قراری که مکرر به من گفته‌اند، الآن یک دسته‌ای سودجو در بازار هستند که اینها قیمت‌های بسیار گران روی اجناس گذاشته‌اند. این یک مطلب غیرانسانی است. (۳۳۰)

اسلامی بودن بازار

۵۷/۱۲/۲۹

* * *

در جمهوری اسلامی باید دانشگاهها متحول بشود؛ دانشگاههای پیوسته، به دانشگاههای مستقل متبدل بشود. فرهنگ ما باید متبدل بشود؛ فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. دادگستری ما باید متحول بشود؛ دادگستری غربی به دادگستری اسلامی متبدل بشود. اقتصاد ما باید متحول بشود؛ اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل متبدل بشود. تمام چیزهایی که در حکومت طاغوت بود و به تبع اجانب در این مملکت ضعیف، در این مملکت زبردست، پیاده شده بود با استقرار حکومت اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی تمام اینها باید زیرورو بشود. (۳۳۱)

۵۸/۱/۱۲

* * *

اگر این مسائل حل نشود، فرهنگ ما همان فرهنگ باشد، وزارتخانه‌های ما همان وزارتخانه‌ها باشد، افراد وزارتخانه‌ها باز همان باشد، ادارات ما باز همان ادارات باشد، و مردم ما باز همان افکار را داشته باشند که در زمان طاغوت داشتند، من خوف این را دارم که شکستی به ما وارد بشود که دیگر جبران نتوانیم بکنیم. (۳۳۲)

۵۸/۱/۲۳

* * *

در هر صورت، تحولات لازم است؛ هم در اشخاص برای پاک بودن، برای مهذب بودن، برای خدمتگزار و ملی بودن تحول می‌خواهد، که با ارشادات اقشار مختلف، بزرگترها، باید اینها عملی بشود؛ و هم در کیفیت خود این ادارات و فرم ادارات، باید اینها عوض بشوند. و ان شاء الله امیدوارم که این امور تحقق پیدا

استقرار حکومت
اسلامی عامل
تحول در فرهنگ

لزوم تحول در
فرهنگ، دولت و
مردم

تحقق عملی
تحولات در نظام
اسلامی

بکند و یک مملکت اسلامی بشود. (۳۳۳)

۵۸/۲/۲۳

* * *

الآن الفاظ است، باز پا را از الفاظ بیرون نگذاشته ایم [به] جمهوری اسلامی رأی هم دادیم اما آن معنا و آن محتوایی که باید تحقق پیدا بکند باز نشده است. الآن آشفته‌گیها همه جور هست. تحول لازم دارد از همه چیز آن، که بخواهد بشود همه آن آثار طاغوتی، که در همه جا الآن هست، الآن هم آثار در همه جا هست، همه اینها باید متحول بشود؛ تا اینکه اسلام به اینطوری که، به آن چهره زیبایی که دارد تحقق پیدا بکند؛ یک مملکت الهی بشود در مقابل یک مملکت طاغوتی. طاغوت را که از بین بردید، باید به جای آن یک مملکت اسلامی و یک مملکت الهی درست بشود. (۳۳۴)

۵۸/۳/۸

* * *

اگر ما بخواهیم اسلام را حفظ کنیم و اینطوری که بخواهیم یک نمونه در عالم نشان بدهیم، ایران را بگوییم یک نمونه است، یک الگو هست، با رفتن شاه درست نمی‌شود؛ با رفتن ظالمها درست نمی‌شود. اگر بنا شد که ظالمها رفتند و ما یک دسته دیگر جایشان نشستیم، همان کارها را به اندازه‌ای که قدرت داریم بکنیم، ما هم همان هستیم؛ ما هم همان رژیم هستیم؛ ما هم همان ظالم هستیم. این یک مطلبی است که باید همه بدانند و همه ملت باید بدانند. و در رأس آنها این است که روحانیون و کسانی که مرجع امورند در همه جاها، دولت اسلامی - عرض بکنم که - ارتش اسلامی، همه قوای

ضرورت تحقق
محتوای اسلام

لزوم تغییر
محتوایی رژیم

انتظامیه‌ای که حالا همه می‌گویند ما اسلامی هستیم و از طاغوت بیرون آمدیم و به اسلام گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد؛ باید محتوا داشته باشد. باید شهربانی حالا وضعش با آن وقت تغییر نکند؛ نه لفظش تغییر نکند و وضعش همان باشد. باید شهرداریها همین طور باشند. ارتشیها همین طور باشند، وزارتخانه‌ها همین طور باشند ادارات همین طور باشند، بازار همین طور باشد. (۳۳۵)

۵۸/۳/۸

* * *

الآن ما باز محتوای اسلام را، واقعیت اسلام را در ایران پیاده نکردیم. ما، همه ما رأی دادیم به جمهوری اسلامی؛ صحیح. با رأی تنها اسلام نمی‌آید. به حسب رسمیت، رسمیت مملکت ایران الآن جمهوری اسلامی است، به حسب رأی همه مردم؛ اما محتوای اسلام باید در این جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند. (۳۳۶)

۵۸/۳/۸

* * *

جمهوری اسلامی همه چیزش باید اسلامی باشد؛ اداراتش باید اسلامی باشد؛ تحول لازم دارد؛ حالا باز نیست. دادگستری باید اسلامی باشد، قضات باید قضاتی که اسلام تعیین کرده است باشند؛ تا حالا نشده است این. فرهنگ باید یک فرهنگ اسلامی باشد؛ و از این فرهنگ وابسته و استعماری بیرون بیاید؛ و حالا نشده است باز. (۳۳۷)

۵۸/۳/۲۳

* * *

تلاش جهت تحقق
اسلام در جمهوری
اسلامی

لزوم تحول در تمام
دستگاههای
جمهوری اسلامی

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۸۹

جمهوری اسلامی این است که ادارهٔ مالیه‌اش هم اسلامی باشد؛ ادارهٔ عدلیه‌اش هم اسلامی باشد. تحول باید پیدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند؛ همین افراد نظام را مُعْوج می‌کنند؛ برخلاف می‌کنند. (۳۳۸)

لزوم تحول توأمان
در نظام و افراد

۵۸/۴/۱۷

* * *

مردانه در میدان باقی باشید و جلو ببرید این نهضت را تا اینکه ان‌شاءالله اسلام به آن محتوای مترقیش پیاده بشود و مملکت ما یک مملکت اسلامی به تمام معنا بشود؛ یعنی تمام قشرهایش اسلامی بشود؛ یعنی هم دولت، یک دولت اسلامی باشد؛ هم وزارتخانه‌ها، یک وزارتخانه‌های اسلامی باشند؛ هم ادارات ادارات اسلامی باشند؛ هم استانداریها استانداریهای اسلامی باشند؛ و هم بازار و دانشگاه، و امثال ذلک. باید ما کوشش کنیم برای این مقصد بزرگ؛ این مقصدی که انبیا دنبال این مقصد بودند، و تا آخر هم دنبال این مقصد بودند، و به پیش رفتند. ماها باید به تبعیت از انبیای خدا، به تبعیت از اولیای خدا، این مکتب را به پیش ببریم؛ و ان‌شاءالله این مملکت را الگویی قرار بدهیم از برای سایر کشورهای اسلامی؛ و بلکه سایر کشورهایی که مستضعفین گرفتار مستکبرین هستند. و امیدوارم که موفق بشوید. (۳۳۹)

مملکت اسلامی به
تمام معنا

۵۸/۸/۱۱

* * *

حالا باید همه شماها، همه خواهرها، همه برادرها، همه قوا باید مجتمع بشوند برای اینکه ما این دو مرحله را هم بگذرانیم. مرحله تعیین رئیس جمهور و بعد هم ان شاء الله مجلس شورای ملی که یک حکومت مستقری، اسکلت حکومت تحقق پیدا بکند، و بعد برویم سراغ اینکه محتوای این باید چی باشد. محتوا الآن یک محتوای غربی تقریباً باید گفت هست. نه غربی غربزدگی! یک غربی وارداتی، یک غربی که این اجناس که خودشان نمی خواهند صادر می کنند، فرهنگی که خودشان نمی پذیرند برای ما صادر می کنند. یک همچو چیزهایی است الآن در کار. لکن ما باید حکومتمان را اساسش را درست کنیم. بعد برویم سراغ محتوا در درجه دوم. نه اینکه حالا نباید اصلاً در این کارها دخالت بکنیم نه اینکه نباید فعالیت بکنیم، باید بکنیم. لکن نباید از آن اصل، آن اساس غافل باشیم. گاهی وقتهاست که برای خاطر توجه به فروع، آدم از اصل باقی می ماند، عقب می ماند. باید کاری بکنیم که از آن اصل عقب نمانیم. اصل قضیه که عبارت از استقرار یک حکومت مستقر تامی است، اسلامی و صحیح این تحقق پیدا بکند. آن وقت بعد از اینکه اصل تحقق پیدا کرد برویم سراغ فروعش. همان طوری که در اسلام هم از اول که اسلام را آوردند یا انبیای دیگر، ادیان خودشان را آوردند، اول دنبال این بودند که مشرکها را متوجه بکنند به اصول. اصول را اول پیشنهاد می کردند، بعد که اصول را پا برجا می کردند می رفتند سراغ فروعش می رفتند، سراغ آن چیزهایی که شاخه های او هست. (۳۴۰)

تحول تدریجی از
اصل به فرع

تحول در نظام اجتماعی □ ۱۹۱

و من امیدوارم که این مجلس به برکت این روز مبارک، مجلس عدالت و پیرو اسلام و به نفع مسلمین و کشور اسلامی باشد. سپاس خداوند بزرگ را که در مدتی کوتاه ملت شریف ایران موفق شد که اساس جمهوری اسلامی را با آزادی و آرامش بنیان گذارد. (۳۴۱)

۵۹/۳/۷

* * *

بزرگتر سنگر، برای اسلام این مراکزی است که شما در آنها زندگی می‌کنید و تحصیل می‌کنید. این مراکز، مراکزی است که با اصلاح آنها، کشور اصلاح می‌شود و با تباهی آنها، کشور به تباهی کشیده می‌شود. (۳۴۲)

۵۹/۱۱/۲

* * *

و یک جهت دیگر هم این تحولی است که پیدا شده در همه جا. شما ملاحظه بکنید، شاید بعضی آقایان یادشان باید باشد، همین در زمان قاجار هم که دیگر این آخری با ضعف زندگی می‌کردند، مع ذلک، حکومت‌هایشان در هر جا حکم یک سلطان داشت، حکم یک پادشاه داشت، هر کاری می‌خواست می‌کرد و بسیاری از جاها را هم اجاره می‌دادند. این - فرض کنید که - استانداری که می‌خواست یک جایی برود، آن والی که می‌خواست برود - فرض کنید - والی خراسان بشود، خراسان تیول او بود و آن وزیر بالا و آن - فرض کنید که - امیر والا، آن یک وجهی می‌داد خراسان را می‌خرید. بنا هم بر این بود که تو برو هر کاری می‌خواهی بکن، ما

بنیانگذاری
جمهوری اسلامی
با آزادی و آرامش

اصلاح کشور در
گرو اصلاح مراکز
تحصیل

تحول حکومت از
استبداد به مردمی

گوش نمی‌دهیم به حرف مردم. او می‌رفت آنجا هر کاری دلش می‌خواست می‌کرد، مردم را هر طور می‌خواست عذاب می‌داد و البته آن پولی که داده است باید درآورد با اضافاتش، پولها هم درمی‌آمد.

الآن شما در سرتاسر کشور ملاحظه بکنید از نخست وزیر و رئیس‌جمهورش بگیرید تا آن پایینها هر جا هست، می‌بینید که یک مردمی هستند که از خود مردم هستند. رئیس‌جمهور یک طلبه‌ای بوده است سابق و بعد هم یک آقای شده است و بعد شده است رئیس‌جمهور، نه دستگاهی آنها را دارند و نه افکاری آنها را دارد و همین طور همه وزرا. این وزرا، گاهی وقتها جمعیتی می‌آیند اینجا و مخلوط به هم هستند، آدم تمیز نمی‌دهد که این پاسدار هست یا وزیر. من حکومتهای کوچک را دیده‌ام که وضعیتشان چطور بود و با چه وضعی بیرون می‌آمدند؛ وقتی بیرون می‌آمدند، مردم همه صف می‌کشیدند برایشان تعظیم باید بکنند، با بساط می‌آمدند بیرون، یک حکومت - فرض کنید که - جای کوچکی؛ اما حالا نخست وزیرش می‌آید، مردم با او مثل سایرین. این هم یک مسئله‌ای است که الآن در ایران تحقق پیدا کرده است. جاهای دیگر نیست این مسائل که همه مردمی هست و همه هم با هم هستند و لهذا، هم مردم پشتیبان دولت‌اند، هم مردم پشتیبان ارتش‌اند، هم ارتش و دولت با مردم هستند. (۳۴۳)

۶۰/۱۰/۳۰

* * *

اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می‌آید در رأس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس و

کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه آنها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است، افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند، یا قدرت برای حفظ خودشان و حیثیت خودشان در دست داشته‌اند، [می‌باشند]. مادامی که مجلس و ارگانهای دولتی و همه آنها و مردم از این طبقه متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را. همیشه این قدرتهای بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می‌کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می‌کرد. او را می‌دیدند و ملت را می‌چاپیدند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند. (۳۴۴)

حاکمیت مردم
اساس ادامه
انقلاب

بخش دوم

انقلاب اسلامی ایران

- فصل اول: ویژگی و ماهیت انقلاب
- فصل دوم: عوامل پیروزی
- فصل سوم: آثار و نتایج انقلاب
- فصل چهارم: آفتهای انقلاب

فصل اول

ویژگی و ماهیت انقلاب

شما اگر تاریخ را ملاحظه کنید، بوده است انقلاباتی؛ بوده است چیزهایی؛ لکن به این صورت که از آن طرف جنودِ ابلسی به جان مردم بیفتند، و از آن طرف ملت کشته بدهد، جوان بدهد و مقاومت کند [نبوده است]. الآن وضع ایران اینطور است که هر جایش را که ملاحظه بکنید انقلاب است. باید گفت که انقلاب ایران. هر جا که بروید، در آنجا - آنطوری که برای ما دارند نقل می‌کنند - از بچه‌های تازه به زبان آمده تا بزرگها و جوانها و پیرها و اینها، از دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها تا زنها و خانمهای بزرگ و مردهای بزرگ و آدمهای دیگر؛ اینها همه الآن کأنه یک برنامه الهی در کار بوده است. دست بشر همچو قدرتی ندارد که اینطور مردم را بیدار کند که همه طبقات و همه بچه‌ها و بزرگها، اینها با هم به یک راه بروند. (۳۴۵)

۵۷/۷/۱۷

* * *

نهضت جوشیده از متن از متن ملت جوشیده و بیرون آمده، نمی‌تواند کسی بگوید که مال من است. هیچ کس حق ندارد؛ غلط

فراگیر بودن انقلاب

یک برنامه الهی

است کسی بگوید که مال این [شخص یا گروه] است، ... هیچ دستی نمی‌تواند این جور ملتی را تغییر بدهد. خداست این کار را کرده. این دست خداست؛ هیچ قدرتی نمی‌تواند در ظرف - الآن می‌شود گفت - یک سال و چند ماه، یک سال و چقدر [این تحول را پدید آورد] برای اینکه قبلش یک قدری همین طور تدریجی بود کار، و باز خروجی نکرده بود، در ظرف یک سال و چند ماه آن تحول و تغییری که در مملکت ما و در ملت ما حاصل شده است، که راه صدها ساله رفته، یعنی ۲۵۰۰ سال را زیر پا گذاشته و مالیده، این نمی‌شود که با دست زید و عمرو باشد. هیچ نمی‌شود گفت روحانیون این کار را کرده‌اند؛ نمی‌شود گفت مردم بازار این کار را [کرده‌اند]؛ خیر، دست خداست و از متن ملت جوشیده است این [انقلاب] به امر خدا. و لهذا امیدبخش است. این الهی است؛ امیدبخش است. (۳۴۶)

۵۷/۸/۱۰

* * *

برادران محترم! در این نهضت مقدس که تشکیل حکومت اسلامی سرلوحه اهداف آن است و ضمانت از آزادی و استقلال از ثمرات آن، صبور باشید. (۳۴۷)

۵۷/۸/۱۴

* * *

سؤال: [آیا حرکت ایران دارای تشکیلات سیاسی است؟]
جواب: این حرکت از متن جامعه و فطرت انسانها برخاسته است و متکی به شخص یا اشخاصی نیست، و از روحیه قوی و تشکیلات

نهضت الهی و
جوشیده از متن
ملت

هدف و ثمره
نهضت مقدس

حرکت ایران،
حرکتی از متن
جامعه

سیاسی آشنا با فهم مردم جامعه ایران، برخوردار است. و این عامل، خود تضمین کننده جایگزینی یک تشکیلات سیاسی نیرومند، به جای رژیم شاه است. (۳۴۸)

۵۷/۸/۲۰

* * *

یکی دیگر از خصایص این نهضت این است که خواستار تغییراتی اساسی در همه ابعاد جامعه ایرانی است که عبارت است از سقوط شاه، برچیده شدن نظام شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی. (۳۴۹)

تغییرات اساسی در
همه ابعاد جامعه

۵۷/۹/۱۴

* * *

اما سازمان دادن نهضت اسلامی همگانی ملت ایران، این نهضت جنبشی است که همه مردم را شامل می شود و از آنها و مردم سرچشمه می گیرد، و اعتقادش به این است که این نهضت را تا به ثمر رسیدن باید ادامه داد. البته ما روحانیون، مردم را هدایت کردیم و تمام جرایم رژیم را افشا کردیم و روشنگری روحانیون، بحمدالله مفید واقع شد و مردم روشن شدند، و یک تحول فکری برای جامعه ایران به وجود آمد، به طوری که همه با هم یکصدا به دنبال یک راه و مقصد در حرکتند، و آن نابودی این دودمان و برچیده شدن نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی است و این هدف در سراسر ایران حکمفرماست. در مرکز، همین مطلب را می خواهند، در شمال و جنوب و شرق و غرب هم همین موضوع را طالبند. همه فریاد استقلال، آزادی، حکومت اسلامی

ایجاد تحول فکری
و جنبش همگانی

را سر داده‌اند و می‌خواهند. چرا نخواهند. (۳۵۰)

۵۷/۹/۱۶

* * *

باید ملت ایران بداند که این انقلاب ایران با سایر انقلاباتی که در دنیا واقع شده است فرق دارد. این انقلاب از باب اینکه انقلاب اسلامی و انسانی بود ضایعات کمی به بار آورد. در انقلاباتی که در دنیا واقع شده است ضایعات بسیار زیاد بوده است؛ و ما بحمدالله با کمی ضایعات به پیروزی بزرگ نایل شدیم. یک شاهنشاهی ظالم دو هزار و پانصد ساله را شما ملت ایران با مشقت و با همتی بزرگ و با ایمانی راسخ سرنگون کردید و توجه به پشتیبانی‌هایی که از او می‌شد نکردید. (۳۵۱)

اسلامی و انسانی
بودن انقلاب

۵۷/۱۱/۲۳

* * *

درود بر ملتی که در انقلابش چنان حفظ نظم کرد که چشمهای دنیا را خیره کرد. انقلاباتی که در دنیا واقع شده است به قدری شدید است و به قدری خونریزی در آن شده است که نمی‌توان نادیده گرفت. در این انقلاب مذهبی شما، در این انقلاب اسلامی - انسانی شما بحمدالله ضایعات بسیار کم بود؛ برای اینکه حفظ ایمان شما را وادار کرده بود با ظلم مخالفت کنید. شیطان از این عمل شما دور بود. نظر خدای تبارک و تعالی با شما بود، نظر امام زمان - سلام الله علیه - با شما بود. (۳۵۲)

حفظ نظم در
انقلاب اسلامی
انسانی

۵۷/۱۱/۲۶

* * *

اسلام داشت منسی می شد؛ اسلام را داشتند منهدم می کردند، قرآن را داشتند زیر چکمه ها از بین می بردند. قیام شما جوانهای ایران، قیام شما ملت ایران که قیام الهی بود، نهضت الهی بود، قرآن را زنده کرد، اسلام را زنده کرد؛ حیات تازه به اسلام بخشید. (۳۵۳)
۵۷/۱۲/۱۴

احیای اسلام در
نهضت الهی ایران

* * *

بحمدالله در ایران، در این سنوات اخیر، یک نهضتی، یک نهضت الهی پیدا شد که من نمی توانم اسمی رویش بگذارم الا اینکه این نهضت الهی بود. نهضتی که بچه های صغیرش با پیرمردهای کبیر با هم بودند؛ نهضتی که بچه ها پستانک را در دهان می گذاشتند، وقتی بیرون می آوردند می گفتند «مرگ بر شاه» باز پستانک را به دهان می گذاشتند! از بچه هایی که اول صحبت و حرف زدند نشان است تا پیرمردهایی که آخر عهدشان است به حیات، همه با هم بودند و همه با هم طرد کردند این طاغوت را. رمز پیروزی ایران همین بود؛ اتکال به خدا، برای خدا و وحدت کلمه، وحدت کلمه و وحدت غرض [و] مقصد. از هرکس می پرسیدند، مقصد این بود که حکومت اسلام باشد. مقدمه این بود که حکومت طاغوت نباشد؛ مقصد این بود که استقلال و آزادی در پناه حکومت اسلامی باشد. (۳۵۴)

وحدت در مقصد

۵۷/۱۲/۱۶

* * *

این شعار باید محفوظ باشد که این قیام «قیام ملی» نیست، این قیام «قیام قرآنی» است، این قیام «قیام اسلامی» است. یک ملت

ضعیفی که هیچ نداشت، در مقابل ابرقدرتها و در مقابل این قدرت شیطانی، که همه چیز داشتند و تا دندان مسلح بودند [غالب شدند]، به قوه ملیت نمی‌تواند غلبه کند؛ ... این قدرت ملیت نیست؛ این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است. خلط نکنند، اشتباه نکنند. این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرتها؛ این اسلام است که فرزندان آن به شهادت راغب هستند؛ این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد. (۳۵۵)

قوه ایمان عامل
بسیج سراسری

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

این نهضت چون یک نهضت الهی بود، نه یک نهضت مادیگرایی، نهضت ملی، یک نهضت الهی یک نهضت اسلامی بود، از این جهت پیروز شد. (۳۵۶)

الهی بودن نهضت
عامل پیروزی

۵۸/۳/۱۱

* * *

این یک نهضت الهی بود. نهضت مثل نهضتهای آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آنهایی که نهضتهایشان نهضتهای جهت مادی بوده است، نبوده است. نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان اسلام، به عنوان احکام اسلام، در خیابانها ریختند و همه گفتند ما این رژیم را نمی‌خواهیم؛ و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می‌خواهیم. آن چیزی که انگیزه این ملت بود، انگیزه همه قشرها، الا بعضیها. زنها در خیابانها ریختند؛ مردها در خیابانها ریختند؛ بچه‌ها آمدند. [اسلام بود] همین دیشب کسی

اسلام، انگیزه قیام
ملت

می‌گفت که من شاهد قضیه بودم که یک بچه ده دوازده ساله سوار موتورسیکلت شده بود و حمله کرد طرف یک تانک! از آن طرف هم بچه را تکه‌تکه کردند. اما او یک بیرق دستش بود و حمله کرد. این چه بود؟ قضیه، قضیه چه بود که یک همچو تحول در یک ملت پیدا شد؟

این تحول عظیمی که در این ملت پیدا شد یک تحولی بود که فقط برای این معنا که مثلاً رژیم نباشد؟ یا دنباله داشت؟ رژیم نباشد؛ حکومت اسلامی باشد. اساس آن بود؛ اساس آن بود که می‌خواستند قرآن حکومت کند در این کشور. موانع را برداشتند که حکومت، حکومت اسلامی باشد. (۳۵۷)

۵۸/۳/۱۶

* * *

اگر این یک نهضت ملی بود، نه شما اینقدر فعالیت می‌کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام را می‌خواهد، ملت کشور خودش را هم که می‌خواهد برای اسلام است. از بچه‌های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می‌زدند. و این نهضت برای همین صبغه اسلامی‌اش، و برای همین که مقصد اسلام بود و قیام بر ضد طاغوت، قیام بر ضد کسانی که اسلام را می‌خواستند بشکنند و کارهایی کردند که اسلام را می‌خواستند به فراموشی بسپارند، یک قیامی بود که خدای تبارک و تعالی مدد فرمود که شما جمعیتی که همه متفرق بودید، همه از هم جدا بودید، همه با هم مجتمع شدید؛ ارتشها که بر ضد ما بودند متصل شدند؛ آنهایی که اصلش کاری به این مسائل نداشتند وارد شدند؛ آنهایی که اگر کار داشتند کم کار بودند پر کار شدند؛ و همه با هم یک مقصد. همه با هم یک

قیام اسلامی با
عنایت خداوند

مقصد. یعنی از مرکز تا شعاع آن طرف، تا آخر مملکت، از آن طرف هم تا آخر از این طرف، و از آن طرف هم تا آخر، همه با هم یک چیز می‌گفتند. یعنی در بیابانها هم اگر شما می‌رفتید از یک چوپان می‌پرسیدید که تو چه می‌خواهی؟ می‌گفت که جمهوری اسلامی. این یک مسئله الهی بود؛ خدایی بود. یعنی خدا تأیید کرد شما را.

و این را خیلی برای خودتان و برای خودمان افتخار می‌دانیم که در یک مرحله‌ای که مملکتی رو به نابودی داشت می‌رفت، اسلام رو به فراموشی می‌خواست برود، در یک همچو مرحله‌ای خداوند عنایت کرد و دست رحمتش را دراز کرد به طرف ملت؛ و ملت همه با هم، هرکس از هر جا، می‌آید داد می‌زند که اسلام؛ طاغوت نه، رژیم نه. این یک مطلبی نبود که یک کسی بتواند خودش درست کند؛ این را خدا درست کرد. (۳۵۸)

۵۸/۳/۲۰

* * *

در این نهضت، یکی از برکات این نهضت این بود که این قشرها را به [هم] نزدیک کرد. قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه جوان روحانی، اینها با هم نزدیک شدند، همکار شدند، و همه با سایر طبقات مردم نزدیک شدند، همکار شدند. و همه اینها در این کلمه که رژیم طاغوتی نباید باشد و باید یک جمهوری عدل اسلامی باشد، همه با هم مشترک شدند. غرض همه بود و مقصود همه این معنا بود. این نزدیک شدن این قشرها به هم، متحد شدن این قشرهایی که از هم جدا بودند، با تأیید خدای تبارک و تعالی و با اینکه همه مقصدشان یک مقصد الهی بود، این سد عظیمی که

نزدیکی همه اقشار
و الهی بودن مقصد

انقلاب اسلامی ایران □ ۲۰۵

همه امکان نمی‌دانستند، ممکن نمی‌دانستند که این سد شکسته بشود، این سد را شکست. (۳۵۹)

۵۸/۴/۶

* * *

تمام گروهها ادغام شد در یک گروه و تمام قولها و تمام فریادها ادغام شد در یک فریاد، و آن فریاد مرگ بر این رژیم و - عرض بکنم که - اسلام، جمهوری اسلامی می‌خواهیم. آن ادغام گروهها در هم و توجه به اسلام بود که این سد بزرگ شیطنی را شکست، و همه حساب مادیین را باطل کرد.

جنبه الوهیت
نهضت

آنها حساب عالم طبیعت و ماده را می‌کردند. حساب جنبه الهیتش [را] نمی‌کردند. ایمانش را حساب نمی‌کردند که ایمان چه قدرتی دارد. آن را نمی‌توانند حساب کنند، و ایمان نمی‌دانند چه است. (۳۶۰)

۵۸/۴/۷

* * *

و - بحمدالله - این انقلابی که در ایران پیدا شد که من این انقلاب را خیلی به آن خوشبین هستم. نه از این باب که محمدرضا را شکست داد؛ این هم زیاد بود؛ خیلی عظیم بود؛ و نه از این باب که غرب و شرق را شکست داد؛ از این باب که یک انقلاب انسانی پیدا شد؛ خودشان را شناختند. (۳۶۱)

انقلاب انسانی

۵۸/۶/۱۲

* * *

مقصد همه مقصد الهی بود. انگیزه اسلام بود. می‌دیدیم که در شعارهایشان، در فریادهایشان، شعارهای اسلامی بود؛ فریادهای «الله اکبر». مقصد این بود که آنها را مخالف اسلام می‌دانستند برونند کنار. و بعد از آن ان شاء الله آن مقصد حقیقی، که آن مقدمه این است، تحقق پیدا بکند. (۳۶۲)

الهی بودن مقصد

۵۸/۶/۲۸

* * *

از همه انقلاب‌هایی که در عالم پیدا شده است این انقلاب اسلامی ایران، برای خاطر اینکه اسلامی بوده، از همه بهتر است و یک انقلاب صحیح است؛ یک انقلاب اسلامی است. و لهذا بعد از انقلاب، یک آزادی مطلق به همه داده شد.

شما خیال می‌کنید در انقلابات دیگر آزادی می‌دهند؟ آزادی به مردم نمی‌دادند. بعد از انقلاب تمام مطبوعات را جلویش می‌گرفتند؛ تمام مجالس را جلویش می‌گرفتند؛ تمام دستجات را جلویش می‌گرفتند؛ همه را به طور اختناق جلویش می‌گرفتند؛ به اسم اینکه انقلاب است، در انقلاب باید این چیزها بشود لکن این انقلاب اسلامی جلوی هیچ طایفه‌ای را نگرفت و جلوی هیچ قلمی را نگرفت. (۳۶۳)

آزادی مطلق در
انقلاب صحیح و
اسلامی

۵۸/۸/۳

* * *

من باید به شما عرض بکنم که نهضت ما با پیروزی آمده است و با پیروزی جلو می‌رود و هیچ نگران این معنا نباشید. برای اینکه یک ملتی وقتی که یک مطلبی را خواست، آن هم مطلبی که حق است،

نهضت تمام قشرها
برای مطالبه حق

حق ملت‌هاست. این ملتی که تمام قشرهایش نهضت کرد و بپاخاست، و این قیام هم قیامی بود که حق خودش را مطالبه می‌کرد، آزادی را مطالبه می‌کرد، استقلال را مطالبه می‌کرد، و چون مسلم است جمهوری اسلامی را، یک همچو ملت، بپاخاسته برای مطالبه حق خودش، همین اسباب این شد که نتوانستند. این ابرقدرتها سالیان دراز این حق را از این ملت سلب کرده بودند و آزادی به هیچ وجه نبود. استقلال نبود. رژیم، رژیم غیر قانونی سلطنتی بود. نتوانستند که حفظ کنند آن رژیم را، و نتوانستند آن اختناقی که سابق بود و سابقه داشت در این مملکت، باز نگهش دارند، و نتوانستند وابستگی ما را به غیر حفظ کنند. (۳۶۴)

۵۸/۸/۱۳

* * *

ما مدعی هستیم که انقلاب ما در عالم نظیر نداشته است برای اینکه اسلامی بوده است. و چون اسلامی بود و تمام افراد ملت شرکت در این امر داشتند، یک انقلابی نبود که یک حکومتی بیاید و حکومتی را ببرد، یا یک نظامی بیاید و یک حکومتی را ساقط کند. آنطور نبود. یک ملتی قیام کرد و ملتی که اسلامی بود، ملتی که خودش را پایبند اخلاق و پایبند اسلام می‌دانست و می‌داند، اینها قیام کردند و حریف خودشان را بیرون کردند و غلبه کردند. (۳۶۵)

۵۸/۹/۸

* * *

بی نظیر بودن
انقلاب اسلامی در
عالم

انقلاب ما انقلاب بزرگی بوده است و در حد خودش بالاترین انقلاب بوده است. با وضعی که حاضر است و ما شاهد بودیم و پشت سر آن آشفتگیهای ناچیز است. آنطوری که انقلابهای دیگر بودند که بعد از پنجاه سال، شصت سال، بعد از چند سال باز گرفتار هستند، ما آن گرفتاریها را نداریم. و مهم هم این است که انقلاب ما اسلامی است و ملی. ملت مسلم قیام کرده است برای اسلام و هر قیامی که اینطور باشد پشت سرش آنطور خونریزیها، آنطور وحشیگریها پیدا نمی شود. شما مطلع هستید که در این انقلابات یک میلیون و یک میلیون و نیم مقتول داشتند... کشور ما بعد از اینکه انقلابش پیروز شد، یک نفر هم حتی بیگناه کشته نشد. آن اشخاصی که در محکمه بردند و ثابت شده است به اینکه اینها مفسد بوده اند و فساد ایجاد کرده اند و قتل عامها کرده اند، امر به قتل عامها کرده اند، آنها یک عده معدودی بودند که بعد از اینکه محاکمه شدند به جزای خودشان رسیدند. بعد از انقلاب ما، یک آزادی داده شد. تمام مرزها باز و تمام فرودگاهها باز و تمام احزاب و تمام نویسندگان آزاد. در صورتی که بعد از انقلاب، شما می دانید که تمام اینها به روی دنیا بسته می شود. انقلاب ما، غیر از انقلاب جاهای دیگر است. انقلاب وقتی متکی بر اسلام شد و ملت متعهد به اسلام بودند این انقلاب نمی تواند آنطور خسارت را داشته باشد. ما هر چه خسارت دیدیم در حالی بوده است که با شاه، شاه مخلوع و دارودسته او برخورد داشتیم و حالا هم هر چه مقتول هست آنهایی هستند که آنها دارند جنایت می کنند و باز هم ناچیز هست، چیزی نیست در نظر ما. (۳۶۶)

انقلاب بزرگ ایران
متمایز از دیگر
انقلابها

پیروزی‌ای که شما جوانها با اتحاد با سایر قشرهای ملت به دست آوردید در طول تاریخ اینطور پیروزی با این کیفیت پیدا نشده بود. پیروزی یک ملت مسلم بدون اتکا به غیر خدا، بدون تجهیزات نظامی، بدون تعلیمات نظامی، بر یک قدرتهای مجهز، دارای تجهیزات نظامی، دارای تعلیمات نظامی، علاوه بر آن ... یک قدرتی که همه قدرتها هم دنبال آن بودند. اینطور غلبه، غلبه اسلام بود بر کفر. غلبه متن اسلام بر متن کفر. (۳۶۷)

غلبه اسلام بر کفر

۵۸/۹/۳۰

* * *

شما می‌دانید که ما نه قدرت نظامی داشتیم و نه ملت ما تعلیمات نظامی. شما جوانان عزیز مشغول تحصیل دانش بودید، و سایر قشرها هم مشغول کارهای مخصوص به خودشان بود. روحانیون هم مشغول تحصیل علوم خودشان بودند. ما نداشتیم یک جمعیتی که تعلیمات نظامی دیده باشند، و نه یک تجهیزاتی داشتیم. لکن یک چیز داشتیم و دنبال آن یک چیز دیگر؛ عقیده به اسلام، ایمان به خدا، قیام برای خدا که دنبال آن جمع شدن همه قشرها در زیر بیرق اسلام بود. این دو نیروی عظیم را ما داشتیم که یکی اصیل و یکی دنبال آن نیروی اصیل؛ نیروی ایمان، توجه به خدا، اتکال به ذات مقدس حق. از همه زبانها ذکر خدا بیرون می‌آمد. با «الله اکبر» جلو می‌رفتید و دنبال این مطلب اصیل همه قشرها با هم مجتمع شدند و همه اغراض کنار رفت. یک صدا و آن اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم. این یک صدا که [از] اسلام آمد از حلقوم شما فرزندان اسلام درآمد و این صدای اسلام بود. صدای ملکوت بود، صدای عالم غیب بود. و این صدا همچو این

انسجام ملت با
صدای ملکوتی

ملت را منسجم کرد و همچو قدرت به ملت داد که با دست خالی بر قدرتهای بزرگ غلبه کردند. از این به بعد هم ما، احتیاج به این صدای ملکوتی الهی داریم و احتیاج به این انسجام. (۳۶۸)

۵۸/۱۰/۱

* * *

شما شاید در طول تاریخ کم پیدا کنید یا پیدا نکنید، یک انقلابی که از متن خود مردم جوشیده باشد و هیچ اتکا به قوه نظامی، به قدرت خارجی نداشته باشد، و هیچ ساز و برگ نظامی هم نداشته باشد، اسلحه نداشته باشد، تعلیمات نظامی در کار نباشد، همین توده مردم، دانشگاهی که شغلش تحصیل بوده، طلبه که شغلش تحصیل بوده، بازاری که شغلش کسب بوده، کشاورز که شغلش معلوم بوده است و آنهایی که در کارخانه‌ها کار می‌کردند که همه یک شغل‌های خاصی داشتند و اصلاً نظامی در کار نبوده، نه تعلیمات نظامی دیده بودند و نه ساز و برگ نظامی داشتند، با یک قدرت معنوی یک تبدیل از انسان مادی به انسان معنوی پیشبرد شد. (۳۶۹)

۵۸/۱۰/۱۱

* * *

انقلاب اسلامی است. انقلابات دیگر دنیا اسلامی نبوده. دنبالش هزار جور فسادها بوده است. اما انقلاب ما انقلاب اسلامی است. همه شما به جمهوری اسلامی رأی دادید. یک عده معدودی نه، رأی ندادند. اما ملت رأی داد به جمهوری اسلامی. رأی داد به جمهوری اسلامی. یعنی پذیرفت که نظام، نظام اسلامی باشد. این

انقلاب جوشیده از
متن مردم با قدرت
معنوی

انقلاب ما انقلاب
اسلامی

را ملت ما پذیرفته است، و رأی به آن داده. (۳۷۰)

۵۸/۱۰/۱۱

* * *

این نهضت برای اینکه اسلامی بود و برای خدا بود، خدای تبارک و تعالی کمک کرد در همه مراحلش، کمک کرد در مراحل ابتدایی. راجع به شکست دشمنان، این تأیید خدا بود، و الا ماها که اسلحه نداشتیم و اسلحه را بلد هم نبودیم چطور باید مثلاً [استفاده] کرد. لکن یک تفنگ هم داشتیم، نمی توانستیم که تفنگ بیندازیم. ما تعلیمات نظامی نداشتیم، آنهایی که تعلیمات نظامی داشتند، خوب، ابتدائاً با آنها بودند. ملت ما بی تعلیمات نظامی و بی ساز و برگ، با قدرت ایمان به میدان رفت و در مرحله اولی آنها را شکست داد، و این نبود جز تأیید خدای تبارک و تعالی و قدرت اسلام. یعنی آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت. از حال ضعف برگشت به حال قدرت. این تحول، تحول الهی بود. (۳۷۱)

تحول الهی در ملت

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

پس این نهضتی که در ایران شده است، به واسطه این دو نکته که یکی نهضت از متن ملت و یکی هم عقاید اسلامی و برای اسلام، این اسباب این شد که این نهضت وقتی جلو رفت دیگر شروع نکرد به سرکوبی. (۳۷۲)

عدم سرکوبی در
نهضت اسلامی

۵۸/۱۰/۱۴

* * *

انقلاب ما با کودتا فرق دارد، ایران مثل افغانستان نیست. مردم ایران باید بدانند که حتی فکر کودتا در مغز احدی امکان ندارد وارد شود. زیرا به محض اینکه این خیال در سرش بیاید اول خودش نابود می‌شود. مگر ملت ما خواب است؟ کودتا مقدماتی می‌خواهد که یکی از آنها خواب بودن ملت است، و دیگر اینکه ارتشی می‌خواهد که آلت دست باشد، نه ارتش ایران که اکثریت قریب به اتفاقش همراه و همدل ملت است. (۳۷۳)

۵۹/۲/۲۸

* * *

شما نهضت برای شکم نکردید، شما نهضت برای اتاق و حیاط نکردید، شما نهضت نکردید برای اینکه یک مقامی پیدا بکنید. شما آرزوی شهادت نمی‌کنید به اینکه برسید به یک مثلاً فرشی و یک نوایی. این حال را که حالی است الهی حفظ کنید، و مادامی که این حفظ بشود شما پیروز هستید. و من وعده پیروزی به شما می‌دهم. و خدای تبارک و تعالی، وعده پیروزی داده است به شما: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**. اقدامتان را ثابت نگه دارید و مشتهای گره کرده را که مشتهای الهی است حفظ کنید، و از هیچ ابرقدرتی نترسید، و از هیچ تبلیغاتی، داخلی و خارجی، هیچ خوفی نداشته باشید. ما راه خودمان را می‌رویم و آن راه خداست. (۳۷۴)

۵۹/۳/۱۴

* * *

حفظ کنید این موهبت الهی را. این یک موهبت الهی است که خدا

متفاوت بودن
انقلاب اسلامی با
کودتا

وعده پیروزی در
نهضت الهی

به ما داد که ارتش و ملت و ژاندارمری و ملت و پاسدار، همه با هم دوست باشند و با هم در مکروهات و در خوشیها شریک باشند. ارتش هماهنگی داشته باشد با ژاندارمری و پاسدار. پاسدار هماهنگی داشته باشد با ارتش و ژاندارمری. ژاندارمری هم همین طور. همه قوای انتظامی اینطور باشند که هماهنگ باشند؛ ... اینها همه ملحق شدند به هم و همه یک راه رفتند و همه هم ایمان داشتند. هیچ در آن وقت مطرح نبود که من می‌خواهم یک منصبی پیدا کنم، همه روی ایمان به خدای تبارک و تعالی، و فریاد «الله اکبر» و اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم. (۳۷۵)

۵۹/۳/۱۵

* * *

انقلابهایی که در دنیا واقع شده یا پس از این واقع می‌شود، یا از طریق ملتها بوده است و یا از طریق حکومتها که به نحو کودتا یک انقلابی انجام می‌دادند. اکثراً انقلابات کودتایی بوده، آن انقلابها هم که از قِبَل ملت بوده است شاید کم انقلابی پیدا بشود که به هدایت احزاب و دستجات معین واقع نشده باشد. شما اگر بگردید در تمام انقلاباتی که واقع شده است، نخواهید پیدا کرد انقلابی که این دو خاصیت را داشته باشد: یکی اینکه از ملت واقع شده باشد بدون دخالت احزاب و گروهها و دستجات سیاسی و امثال اینها، و یکی دیگر اینکه مکتبی باشد و آن هم یک مکتب الهی. در همه انقلاباتی که در دنیا واقع شده است، مثل انقلاب ایران پیدا نخواهید کرد. انقلاب ایران یک جهت اسلامی داشت و حالا هم دارد و آن اینکه، سرتاسر ایران که مسلمان هستند - مگر نادری - اینها به همان ایده اسلامی قیام کردند... این انقلاب تبع

هماهنگی در
نهضت یک
موهبت الهی

انقلاب مردمی و
مکتبی

ایده اسلامی بود. اسلام همه چیز دارد، لکن اینطور نبود که ملت ما بریزند بیرون و بگویند که ما مثلاً فلان رژیم کذایی را می‌خواهیم؛ همه می‌گفتند ما اسلام را می‌خواهیم، همه اجتماع داشتند در کلمه اسلام و جمهوری اسلامی. و هیچ یک از گروه‌های دیگر چه سیاسی و چه غیر سیاسی هیچ دخالتی در این نهضت نداشت و اینکه به طور معجزه‌آسا پیشرفت کرد همین قضیه اسلامی بودن بود. وقتی یک ملت همه‌شان قیام کردند و همه هم نظرشان خدا بود، این ملت پیش می‌برد؛ برای اینکه خوف از مرگ ندارد، الهی است. (۳۷۶)

۵۹/۳/۲۷

* * *

خاصیت یک نهضت اسلامی که از خود توده‌ها و خود ملت برخاسته همین‌هایی است که در ایران واقع شد؛ یک دفعه سرتاسر ایران بعد از اینکه انقلاب به پیروزی تا حدودی رسید، سرتاسر کشور بدون اینکه یک نظمی در کار باشد، و یک اشخاصی بخواهند مردم را آگاه کنند، خودشان برخاستند و سازمان‌هایی درست کردند و گروه‌هایی درست کردند؛ سرتاسر ایران خود ملت دادگاه درست کرد و در هر شهری و در هر ناحیه‌ای یک ملایی قاضی شد و چند نفری هم دادستان و امثال ذلک، بدون اینکه از مرکز یک تعیینی شده باشد و سرتاسر کشور نهادهای مختلف پیدا شد، جوشید. (۳۷۷)

۵۹/۳/۲۷

* * *

خودجوش بودن
نهضت

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیشتر از چیزهای دیگر است، این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا اینجا هم اسلامی هست و ان شاء الله تا آخر هم اسلامی باشد. و همه ما، همه شما، همه ملت، کسانی که در سپاه هستند، کسانی که در ارتش هستند، کسانی که در ژاندارمری هستند و در شهربانی هستند، ادارات هستند، دولت، همه باید همشان این باشد که این نهضت را اسلامی پیش ببرند. به طوری که اگر کسی از خارج بیاید توی سپاه پاسداران، در هر جا که وارد بشود، ببیند که مثل اینکه در یک مسجدی وارد شده است، مقیدند اینها به همه جهات اسلامی؛ اگر این محفوظ بماند آسیب دیگر نمی بینند. (۳۷۸)

اسلامی بودن
نهضت مانع از
آسیب پذیری

۵۹/۴/۱

* * *

اینها^(۱) نمی توانند ببینند این انقلاب اسلامی شما را. وقتی تحلیل می کنند که خوب، چه شد، آدم اینجا با آدم جاهای دیگر که هر دو آدمند، همه جا هم یکی دعوی رهبری می کند و می گوید من رهبر، همه جا هم یک حزبی پیدا می شود و می گوید من حزب، لکن ایران چه چیز بود که به این سرعت، به این سرعت معجزه آسا پیشبرد کرد؟ وقتی تحلیل می کنند، همه چیزها را می بینند که مکتب بود که این کار را کرد. این مکتب اسلام است که این کار را [کرد]. مردم برای خدا این کار را کردند. (۳۷۹)

مکتب اسلام عامل
پیشبرد انقلاب

۵۹/۴/۴

* * *

۱. منظور، گروهکها و دشمنان اسلام است.

ویژگی مهم این انقلاب این است که مردم خودشان انقلاب کردند. یک کسی نیامده انقلاب را بکند، یک کسی لشکر کشی نکرده برای انقلاب. خود مردم همین کوچه و بازار و همین مردم عادی و خصوصاً، طبقه مستضعف باصطلاح آنها و طبقه اعلا به نظر ما، خود اینها بودند که انقلاب کردند و کار را انجام دادند، نه من می‌توانم یک همچو کاری بکنم، نه افراد دیگر می‌توانند یک همچو کاری بکنند. خداست که دل اینها را قوی کرد و آنها را دلشان را ضعیف کرد. آنها ترسیدند از شما با همه ساز و برگ که داشتند و شما نترسیدید از آنها با مشت خالی، انقلاب واقع شد. (۳۸۰)

مردمی بودن ویژگی
مهم انقلاب

۶۰/۵/۱۹

* * *

ملتی [را] که برای خدا و اسلام قیام کرده است، [سست کنند]. این ملت تا اسلام هست، به جای خودش ایستاده است و خدمت می‌کند. این ملت برای دنیا قیام نکرده است که اگر جوانش گرفته شد، رو برگرداند. این ملت قیامش نظیر قیام انبیا و قیام ائمه هدی است، نظیر قیام حضرت ابی‌عبدالله سیدالشهداست. ملتی که انگیزه قیامش اسلام و ایمان است، به اینطور امور سرد و سست نمی‌شود. همه قدرتهای عالم هم که بر ضدش قیام بکنند و قیام کرده‌اند، اینها را از مقصد خودشان و انگیزه خودشان بر نخواهد گرداند. (۳۸۱)

اسلام و ایمان
انگیزه قیام مردم

۶۰/۷/۲۶

* * *

انقلاب اسلام از باب اینکه از اول اسلامی بوده، اینطور نبوده است که یک نفر - فرض کنید که - غربزده یا شرقزده آمده باشد و انقلاب کرده باشد و مردم را دعوت به انقلاب کرده باشد، کودتا کرده باشد، مسئله کودتا نبوده است، مسئله قیام یک ملت برای اینکه از دست ظلم داخل و خارج به تنگ آمده است. قیام یک ملت است در مقابل همه قدرتها، مهیا هم باید باشد برای اینکه همه قدرتها به او تهاجم کنند و هیچ توقع ما نداریم که امریکا با ما سر مصالحه داشته باشد یا شوروی. همه آنها می بینند که اگر این انقلاب در ایران ان شاء الله، به ثمر برسد و آن طوری که خواست اسلام است تحقق پیدا بکند، ناچار این انقلاب به خارج صادر می شود. هیچ احتیاجی به این نیست که کسی هم برود این کار را بکند، البته تکلیف است که دعوت بشود همه جا. (۳۸۲)

۶۰/۱۰/۳۰

* * *

آنها نمی دانستند که انقلاب یک وقت انقلاب مردمی است آنها با ایده اسلامی و یک وقت هم سایر انقلابات است که گروهی، اشخاصی انقلاب می کنند و این دو تا با هم فرقهای زیادی دارند. انقلابی که خود مردم کرده اند، کسی یک عده ای را بر نداشته ببرد انقلاب کند، یک قدرتمندی نیامده است کودتا کند. خود این مردم بعد از اینکه اینهمه فشار را در سالهای طولانی دیدند، کم کم احساس کردند که باید این عمل را انجام بدهند و بحمدالله روحانیون و همین طور خطبا برای بیدار کردن مردم حظ وافری داشتند. وقتی یک انقلاب از خود مردم شد این را نمی شود با یک دسته ای، بلکه با یک لشگرهایی این را بر هم زد. می شود که

قیام ملت در مقابل
همه قدرتها

شکست ناپذیری
در انقلاب مردمی با
ایده اسلامی

-فرض کنید - یک قدرت بزرگ مثل امریکا حمله کند به ایران و ایران را بگیرد، لکن نمی‌تواند انقلاب را به هم بزند، نمی‌تواند که این مردم را رام کند. ما دیدیم که قدرت به آن بزرگی شوروی به افغانستان حمله کرد، منتهی با یک صورتی که غیر حکومت افغانستان خواسته این را، لکن وقتی وارد شد قدرت و قوای او به افغانستان، فشل شد و الآن به نظر می‌رسد که پشیمانند، لکن رویشان نمی‌آید بگویند. اگر امریکا - فرض کنید - بیاید ایران را بگیرد، ابتدا بتواند یک همچه کاری بکند، نمی‌تواند در اینجا ادامه پیدا کند؛ می‌تواند که طیاره‌هایش را، جنگنده‌هایش را بفرستد و شهرها را بمباران کنند و اینها، ولی وقتی آمدند روی زمین، مردم آنها را با چنگ و دندان از بین می‌برند. اینهایی که خیال می‌کردند که با یک عده‌ای می‌توانند که ایران را برگردانند از این حال، اینها از باب اینکه نه اسلام را شناخته بودند و نه مردم ایران را. (۳۸۳)

۶۰/۱۱/۱۴

* * *

این کوردلان که از نصرت خداوند غافل بودند و وعده‌های الهی را نمی‌توانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات بلکه ناچیزتر می‌دانند و با دید مادی و محاسبات غلط به این پدیده الهی می‌نگرند و از ارزشهای انسانی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به خواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده خبری ندارند و ارزشها را با دیدهای مادی خود، خلاصه در سلطه‌جویی و استضعاف ملت‌های زیر ستم می‌کنند...

... این انقلاب چون مردمی و اسلامی است، از همه انقلابهای جهان پر ثمرتر و کم ضایعه‌تر است. و مردم انقلابی ما باید بدانند

ارزشهای انسانی و
معنوی در انقلاب
اسلامی

که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگهبانی از ثمرات آن و پاس خون شهیدان لازم است از خود صبر و بردباری انقلابی نشان دهند... هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشان است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش، تاگسترش عدل الهی و اسلام عزیز. (۳۸۴)
۶۰/۱۱/۲۲

* * *

ما برای خاطر خدای تبارک و تعالی این نهضت را و این ادامه نهضت را دنبال کردیم، و ملت ما بحمدالله با رشد ایمان و با قدرت الهی این انقلاب را به پیش می برد... امیدواریم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود، و مقدمه برای ظهور حضرت بقیةالله - ارواحنا له الفداء - باشد. (۳۸۵)

۶۱/۱/۱

* * *

اگر نهضت شما و قیام شما و اینها مثل قیامهای دیگر بود که برای رسیدن به یک چیزهای دنیوی بود؛ قیام کرده بودید که فراوانی باشد، قیام کرده بودید که ارزانی باشد، قیام کرده بودید که رفاه باشد، قیام کرده بودید که مجالس لهو و لعب باشد، اگر برای اینها قیام کردید، خوب حق دارند که آنهايي که می خواهند شکوه کنند، شکوه کنند. البته توده مردم شکوه ندارند، آنی که دارد، آنهايي است که از آن مجالس لهو و لعب بازمانده اند، لکن توده ای که قیام کرده است [برای خدا بوده] و از اول هم غیر از اینکه ما برای اسلام و جمهوری اسلامی قیام کرده ایم، دیگر آمال و آرزویی نداشتیم. این ملت خسته نمی شود. این ملت اینطور نیست که

انقلاب اسلامی
مقدمه ظهور

موج انقلاب در
عالم

بگویند حالا که نرسیدیم به آن، پس برویم سراغ کارمان. این ملت می‌بیند رسیده به آن. الآن موج این نهضت شما و انقلاب شما، در عالم این موج رفته است، در همه جای دنیا این موج پیروزی شما سایه افکن است. (۳۸۶)

۶۱/۷/۲۵

* * *

شما اگر به بررسی انقلاب و حالاتی که لازمه انقلاب یک ملت است بپردازید و با تعمق و بیطرفی و بی‌نظری به آن نظر اندازید، خواهید دید که چه هرج و مرج و گسیختگی‌هایی در سراسر کشور انقلابی به وجود می‌آید، که رسیدن به حداقل نظم و مهار نمودن آن سالهای طولانی به درازا می‌کشد و لااقل در مدتی طولانی با قحطیها و مرضهای پیگیر و درگیرها در سطح کشور و چپاولها و قتل و غارتها و دزدیها و فسادهای اخلاقی و گرفتاریهای بسیار دیگر دست به گریبان است و این در حالی است که انقلاب متکی به یک یا چند قدرت بزرگ باشد. ولی کشور ایران با بافتی که انقلاب اسلامی داشت که اسلام برنامه همگانی بود و انقلاب مردمی و مستقل بود، قبل از آنکه به پیروزی نهایی برسد با آنکه دولت رژیم سابق برقرار بود، با عده‌ای قلیل از افراد متعهد، شورای انقلاب را تشکیل داد و همچنین دولت موقت انتقالی را و در مدت بسیار کوتاه چندین فرماندم و انتخابات انجام گرفت و نظام جمهوری برقرار شد و از قحطی هیچ خبری نبود. مراکز فساد اخلاق و میخانه‌ها و عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و امور غیرمشروع به سرعت برق برچیده شده و آنچه که گروهکها، خصوصاً منافقین با چهره‌ای موافق، خود را وارد انقلاب نمودند و به جمع‌آوری و

مهار هرج و مرج و
بی‌نظمی در
کوتاهترین مدت

دزدی اسلحه و مهمات و اموال بیحساب مردم به صورتی ریاکارانه دست زدند و با همان سلاحها خود را مقابل مردم قرار دادند، به وجود آوردند، در مدتی نه چندان زیاد در هم شکسته شد و کارهای باقیمانده آنان همان چیزی است که کشورهای بزرگ و کوچک در حال آرامش دنیا با این نوع درگیریها و انفجارها دست و پنجه نرم می‌کنند و روزی نیست که در کشوری از کشورهای به اصطلاح متمدن اروپا و امریکا و سایر قاره‌ها انفجاری صورت نگیرد و کشور ایران هم در این امور مشابه آنهاست، البته با حجمی بسیار کمتر. این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه‌آسا ایجاد فرمود. (۳۸۷)

۶۱/۱۱/۲۱

* * *

چنانچه این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد، از این جهت، ویژگیهای خاص خود را داشته و دارد. و با پیمودن صراط مستقیم «لا شرقیه و لا غربیه» در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچیک از قدرتهای افسانه‌ای نهراسیده است که همین موجب پیروزیهای معجزه‌آسایش گردید؛ گرچه موجب توطئه‌ها و آتش افروزیهای فراوان علیه خودش هم شد لکن در هیچ مرحله‌ای عقبگرد نکرد. (۳۸۸)

۶۳/۳/۷

* * *

ایستادگی در مقابل
شرق و غرب

مهم این است که انقلاب اسلامی ما انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده‌اند و مردم باید آن را به آخر برسانند. مردم قیام کرده‌اند، شاه را بیرون کرده و رژیم او را سرنگون نموده و نظام اسلامی را که به نفع مستضعفین است جایگزین آن کرده‌اند؛ پس، مردم باید پای کاری که کرده‌اند بایستند. هر چه عمل بزرگ باشد، دشمنش بیشتر و بزرگتر است. امروز که تمام بوق‌های تبلیغاتی بر ضد اسلام و ایران است، بدین خاطر است که ایران را به سازش و تسلیم بکشند. انقلاب ما عظیم است و متکی به هیچ قدرتی نیست، نه قدرت شرق و نه قدرت غرب. انقلاب‌هایی که در دنیا می‌شود، به یکی از این دو ابرقدرت متکی است، ولی انقلاب مردم ما انقلابی است متکی به خود مردم، پس مردم باید از پیامدهای انقلابشان گله نداشته باشند. امروز کشور ایران روی پای خودش ایستاده است، لذا زحمت‌ها و توطئه‌ها را هم باید تحمل کند. (۳۸۹)

۶۳/۶/۱۸

* * *

در انقلاباتی که در عالم واقع می‌شود یا در شورش‌ها یا در کودتاها، یکی اصل این شورش و انقلاب و کودتا، یکی انگیزه‌اش، یکی محتوایش اینها سه امری است که باید در آن توجه کرد... انقلاب فرهنگی هم همین جور است که یک انقلاب است که تحول است از یک حالی به حالی دیگر، نه پیشبرد همان چیزی که هست. چنانچه انقلاب جمهوری اسلامی در کل هم همین طور است، یک انقلاب شد به توسط مردم، یک انگیزه انقلاب بود و یک محتوای انقلاب. امیدوارم که انگیزه انقلاب در مردم الهی

انقلاب متکی به
خود مردم

اهمیت انگیزه و
محتوا در انقلاب
مردمی

باشد. اما در انقلابات ممکن است که ما انقلاب بکنیم، یک حکومتی را برداریم، یک حکومت دیگر برای خودمان درست کنیم، خودمان می‌خواهیم به یک نوایی برسیم، کار نداریم ببینیم چه بشود. (۳۹۰)

۶۴/۹/۱۹

* * *

این انقلاب با انقلابهای سایر کشورها و انقلابهایی که در دنیا اتفاق افتاده است، فرق دارد. انقلابهایی که در دنیا تا کنون اتفاق افتاده است، قدرت را از دست یک قدرتمند، یک جابر، به دست یک جابر دیگری که یا مثل این یا بالاتر از این است منتقل می‌کردند. شما مطالعه کنید در حال انقلابهایی که در دنیا پیدا شده است یا کودتاهایی که هر روز واقع می‌شود و شده است، ببینید که آیا وضع آنجا چطور است؟ جز این است که با اغفال مردم یک انقلاب پیدا شده است و یک قدرتی را کنار گذاشته‌اند، یک قدرت مشابه او یا بدتر از او را سرکار آورده‌اند؟ هیچ در حال ملتها فرق حاصل نشده است یا حال ملتها بدتر شده است. این انقلاب فرانسه، آن انقلاب شوروی، مطالعه کنند اشخاص، ببینند که آیا قبل از این انقلابها چه بوده است و حالا چی هست و آیا به حال ملتها یک اثری حاصل شده است؟ فکری برای ملتهاشان کرده‌اند یا همه‌اش اعمال زور است و قدرت؟ انقلابی که در ایران واقع شد، قبل از انقلاب مهم که کوبنده بود، یک انقلابی در باطن مردم حاصل شد. آن انقلاب گرایش اقشار ملت به اسلامی که تا این عصر خصوصاً، در این سده‌های آخر به طاق نسیان سپرده شده بود و از اسلام جز یک آداب خشک که هیچ به حال دیگران

انقلاب درونی

ضروری نداشت و هیچ در فکر ملتها نبودند، همین باقی مانده بود. این ملت به خواست خدای تبارک و تعالی و با عنایات خاصه او، اول منقلب شد در معنویات. جوانها از آن حال سابق برگشتند به یک حال اسلامی و فهمیدند که اسلام چه باید باشد و چه باید بکند، دنبال او آن انقلاب حاصل شد. اگر آن مسئله حاصل نشده بود، انقلاب اینجا هم مثل یکی از انقلابهای دیگری بود که حالشان را می‌بینید و دیدید. آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید او را جزء معجزات، ما حساب بکنیم، همان انقلاب درونی این ملت بود. (۳۹۱)

۶۴/۱۱/۲۲

* * *

ما این انقلابی که کردیم و ملت ما کرد، این را به حسب آن طوری که از اول ندای او بلند شد و الان هم این ندا بلند است، این انقلاب برای اسلام بوده است نه برای کشور، نه برای ملت، نه برای به دست آوردن یک حکومت؛ برای اینکه اسلام را از شرّ ابرقدرتها و جنایتکارهای خارجی و از شرّ سلیقه‌های کج داخلی و داخل اسلامی نجات بدهد. (۳۹۲)

انقلاب برای نجات
اسلام

۶۵/۱۱/۲۱

* * *

ملت ما بحمدالله با عنایت حق تعالی و عنایت اولیای خدای تبارک و تعالی که به آنها ایمان داد، به آنها قدرت داد، این ملت دست رد به سینه همه زد و ایستاد و گفت استقلال را ما می‌خواهیم، آزادی را ما می‌خواهیم. و اگر به همین وضع پیش برود، مطمئن باشید که

پرتوافکنی انقلاب
در همه عالم

پرتو اش همه عالم را خواهد گرفت. (۳۹۳)

۶۶/۱۱/۲۱

* * *

ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه‌افکنیهای بیحساب قلمداران و زبان‌مزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی به صورت ملیت، و آنهمه شعرها و بذله‌گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی‌تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی‌فرهنگش و دولت‌ها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می‌شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غریزده یا شرفزده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملیت» و «ملی‌گرایی»، گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با

جدایی از همه
انقلابها در
پیدایش، کیفیت
مبارزه و انگیزه

این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است. (۳۹۴)

۶۸/۳/۱۵

* * *

فصل دوم

عوامل پیروزی

مقاومت مردم ایران در دنیا بی نظیر است. مردم ایران برای از بین بردن استبدادِ جهنمی چنان دلاورانه مبارزه کردند که موجب حیرت غرب و شرق شد؛ مبارزات خونینی که بالاخره به استقلال و آزادی منجر خواهد شد. (۳۹۵)

مقاومت مردم

۵۷/۱۰/۲۵

* * *

رمز موفقیت ما، که قدرتهای بزرگ دنیا را عقب نشانند و یک قدرت شیطانی مثل قدرت خاندان پهلوی را فرو ریخت، این رمز موفقیت همین وحدت اقشار و وحدت کلمه بود. اگر بنا بود که قشر روحانی تنها می خواست به جنگ اینها برود خفه می کردند او را؛ نویسنده می خواست به جنگ آنها برود آنها را از بین می بردند؛ دانشگاهی می خواست این کار را بکند نمی توانست؛ بازار می خواست این کار را تنها بکند نمی شد؛ دهقان می خواست بکند نمی شد. اینکه همه چیز را ما به دست آوردیم، و ان شاء الله بعد هم به دست می آوریم، این برای همین پیوستگی است که بین اقشار ملت

وحدت و

همبستگی بین

اقشار

حاصل شد. و ما باید این همبستگی را نگه داریم. (۳۹۶)

۵۷/۱۱/۲۹

* * *

این ایمان راسخ که در این ملت شکوفا شد، این تبدیلی که پیدا شد و تحولی که در نفوس مسلمین اینجا پیدا شد، رمز پیروزی بود. (۳۹۷)

شکوفایی ایمان و تحول در نفوس

۵۷/۱۲/۱۶

* * *

ما همه برادر هستیم و همه با هم باید باشیم. رمز پیروزی ما همین وحدت کلمه و هم پیوستگی ما به هم بود. رمز پیروزی ما توجه به خدای تبارک و تعالی و پاسداری اسلام بود. این رمز را حفظ کنید، این وحدت را حفظ کنید، این همبستگی را حفظ کنید. (۳۹۸)

وحدت کلمه و هم پیوستگی

۵۸/۱/۷

* * *

مردم برای اسلام خون می دهند نه برای سیاست. برای سیاست اسلامی. ملت ما به واسطه اتکا به اسلام، این نهضت را پیش برد. ملت ما عاشق شهادت بود؛ با عشق به شهادت این نهضت پیش رفت. اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آنهمه قدرت پیروز نمی شدیم. پیروزی ما دنبال این بود که همه اسلامی بودید، همه توجه به دیانت داشتید. (۳۹۹)

اتکای به اسلام و عشق به شهادت

۵۸/۱/۱۶

* * *

رمز پیروزی امروز ما این است که اتکا به خدای تبارک و تعالی داشتیم. رمز پیروزی ما این است که جنبه فقط سیاسی نبود، فقط برای نفت و امثال اینها نبود؛ جنبه جنبه معنوی بود، اسلامی بود. جوانان ما آرزوی شهادت می‌کردند، جوانان ما شهادت را استقبال می‌کردند؛ همان طور که در صدر اسلام سربازهای اسلام، شهادت را استقبال می‌کردند. سربازان ما از شهادت باک ندارند برای اینکه مردن را... فنا شدن نمی‌دانند. سربازان ما شهادت را سعادت می‌دانند و برای این سعادت کوشش می‌کنند. رمز پیروزی اتکال به قرآن و این شیوه مقدس بود که شهادت را استقبال می‌کردند، خوف در دل آنها نبود. در عین حال که تانکها و مسلسلها به روی آنها آتش می‌گشود آنها استقبال می‌کردند؛ خوف نداشتند. مشت بر تانک غلبه کرد، مشت بر مسلسل غلبه کرد، مشت بر ابرقدرتها غلبه کرد. این رمز را حفظ کنید؛ این رمز پیروزی را تا حفظ کنید پیروز هستید. ملت ما تا با خداست پیروز است. ملت ما تا پناهگاه او اسلام است پیروز است. پرچم قرآن تا برفراز سر ملت ماست پیروز است. این رمز را حفظ کنید. توجه داشته باشید که نهضت‌های سابق نهضت‌هایی بود که یا سیاسی بود یا نیمه اسلامی.^(۱) نهضت امروز تمام اسلامی است؛ نهضت امروز برای خداست. همه فریاد می‌زنند اسلام، همه فریاد می‌زنند جمهوری اسلام. این رمز است که ما را پیروز کرد؛ و شما هم این رمز را حفظ کنید. (۴۰۰)

اتکا به خدا و
معنوی بودن
نهضت

۱. مانند نهضت مشروطه، جنبش جنگل، قیام پسیان، نهضت ملی شدن صنعت نفت و ...

رمز پیروزی ایمان بود. آن وحدت کلمه را ایمان آورد. ایمان، وحدت کلمه آورد که سرتاسر یک مملکت، همه با هم، همه با هم، فریاد زدند و یک مطلب خواستند. اجتماع کردند از مرکز تا هر جا شعاع مملکت است، رفت صدا و همه فریاد زدند جمهوری اسلامی، اسلام. شهادت را برای خودشان فوز دانستند. آنهایی که فرار می‌کردند از همه چیز، حمله کردند بر تانکها و توپها، غلبه کردند بر لشکر شیطان، بر طاغوت. این رمز را حفظ کنید، این نهضت را حفظ کنید، این وحدت کلمه را حفظ کنید. (۴۰۱)

ایمان رمز پیروزی

۵۸/۳/۲۵

* * *

اسلام بود که شما را راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرتهای شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید. این قدرتی بود که خدا به شما داد؛ و الا ما که بندگان ضعیفی هستیم که چیزی نداریم...

... این قدرت خدا بود. این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا را حفظ کنید. حفظ این عنایت خدا، که منشأ همه پیروزیها ان شاء الله خواهد شد به این است که این قدمهای دیگری هم که ما باید برداریم، همه با هم پشتیبانی کنیم. همان طوری که از اول ایمان مبدأ این شد که این نهضت پیش برود. و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود اسباب این شد که همچو قدرت شیطانی را در هم کوبیدید. این یک عنایتی بود، عنایت خاصی بود از خدای تبارک و تعالی... آن روزی که شما راه افتادید به میدان و توی خیابانها، آنها با ابزار گول پیکر و شما با مشت، هیچ به فکر این نبودید که حقوق کم است، حقوق مطرح

عنایت خدا و

قدرت معنوی

نبود، جان مطرح نبود، تا حقوق برسد. این روحیه، شما را غلبه داد. این را حفظش کنید این چیزی که شما را غلبه داد! مادامی که آن هست پیش شما، شما پیروزید. (۴۰۲)

۵۸/۳/۲۸

* * *

و آن تحولی که در حال نهضت، در آن وقتی که مشغول به انقلاب بودند و مشغول به اقدام بودند، یک تحول روحی پیدا شده بود از برای همه قشرها که آن تحول خیلی اهمیت داشت.

و به نظر من آن تحول روحی که برای ملت حاصل شد از آن تحولی که ایجاد کردند و رژیم را بیرون کردند، آن اهمیتش بیشتر است. برای اینکه آن یک تحول معنوی بود. مردم همه نسبت به هم محبت می کردند. از قراری که به من کراراً اطلاع داده اند، اینکه وقتی که آن اشخاص می آمدند توی خیابان تظاهر می کردند، از خانه ها به آنها همراهی می شد، و خود آنها، کسی می گفت که من دیدم که یک ساندویچ را وقتی که دست یک کسی می رسید تکه تکه می کرد و به رفقای می داد، به این اشخاصی که این بین بودند می داد. یک حس تعاونی در مردم پیدا شده بود که این حس تعاون مورد نظر خدا بود. و خدای تبارک و تعالی به این ملت مرحمت فرمود که یک ملتی که دست خالی بود بر یک قدرتی که همه چیز داشت غلبه کرد. این نبود الا اینکه این ملت یک روح تعاون پیدا کرده بود، یک ایمان پیدا کرده بود. این ایمان بود که شما را پیروز کرد. (۴۰۳)

تحول روحی -
معنوی

۵۸/۴/۱۰

* * *

آن قوت روح و قوت ایمان بود که شما را غلبه داد بر جنود شیطانی و بر طاغوت؛ و باید آن قوت ایمان و قوت باطنی، شما را غلبه بدهد بر جنود شیطانی که در باطن انسان، انسان را می خواهد اغوا کند. (۴۰۴)

غلبه قوت ایمان بر
جنود شیطانی

۵۸/۴/۱۲

* * *

آنکه ما را تا اینجا رساند و پیروز کرد این بود که قشرها با هم اختلاف نداشتند. همه با هم فریاد می کردند که جمهوری اسلامی می خواهیم؛ فرقی مابین شهر و ده نبود؛ مرکز و سرحدات نبود. همه دست به هم دادند و فریاد کردند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم. و این دو جهت، که یکی وحدت کلمه همه بود، اکثراً با هم بودند، و یکی هم مقصد؛ مقصد اسلامی بود، شما را پیروز کرد. (۴۰۵)

وحدت کلمه و
اسلامی بودن
مقصد

۵۸/۴/۱۵

* * *

رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان. می رفتند، خیلی هم کشته می شدند. بالاخره هم با همین فریادها و دادها و «الله اکبر»ها پیروز شدند. (۴۰۶)

نترسیدن از مرگ

۵۸/۴/۲۴

* * *

شما ملاحظه کردید که در این انقلاب شما همه قلوبتان برگشت به طرف ملت. و خدای تبارک و تعالی این قلبها را برگرداند. و الا یک ارتشی که در طرف دیگری بود، باید به حسب آن وضعی که ارتش

اراده خدا و
پیوستن همه
گروهها به ملت

دارد، باید برخلاف مسیر مقابل خودش باشد. لکن شما ملاحظه کردید که دل‌هایتان برگشت به این طرف؛ و اسباب این شد که گروه‌ها [ی] مختلف پیوستند به ملت و با ملت هم قدم شدند، هم صدا شدند؛ و این موجب پیروزی ملت شد. ملتی که هیچ نداشت؛ و آن طرف همه چیز داشت. این اراده خدا بود که ما را پیروز کرد. و ما باید طوری عمل کنیم که این عنایت الهی محفوظ بماند برای ما. (۴۰۷)

۵۸/۴/۲۸

* * *

آنچه که ملت ما، با اینکه در حال ضعف و تشتت بود دریافت، همین مطلبی بود که در صدر اسلام مسلمین دریافته بودند؛ اتکا به ایمان و اسلام و وحدت کلمه. جوانهای ما در حال انقلاب و حالا هم باز تقاضا می‌کنند که ما دعا کنیم تا آنها شهید بشوند. این تحول بزرگی که به اراده خدای تبارک و تعالی در این ملت پیدا شد موجب پیروزی آنها بر یک قدرت شیطانی بزرگ که پشتیبان او همه ابرقدرتها بودند گردید. (۴۰۸)

اتکای به اسلام و
وحدت کلمه

۵۸/۵/۲۴

* * *

بر هیچ یک از آنان که از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بود. (۴۰۹)

اسلام رمز پیروزی

۵۸/۵/۲۹

* * *

این پیروزی که نصیب ملت شد دو چیز مؤثر بود؛ یکی، که از همه چیز بالاتر است، اینکه مقصد همه مقصد الهی بود. انگیزه اسلام بود. می دیدیم که در شعارهایشان، در فریادهایشان، شعارهای اسلامی بود؛ فریادهای «الله اکبر». مقصد این بود که آنها را مخالف اسلام می دانستند برونر کنار. و بعد از آن ان شاء الله آن مقصد حقیقی، که آن مقدمه این است، تحقق پیدا بکند. پس یک جهت، جهت این بود که همه تان فریادتان این بود که ما اسلام را می خواهیم، و شاهنشاهی و اینها را نمی خواهیم. جهت دیگرش هم، که به تبع آن آمده بود؛ وحدت همه قشرها بود؛ یعنی ملت سرتاسر این کشور بپا خاستند و با هم، مقاصد خودشان را کنار گذاشتند، مطالبی که مال شخص بود کنار گذاشتند، و همه به یک مقصد متوجه شدند. پس رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف، و ایمان بود. ایمان به خدای تبارک و تعالی، با این رمز شما پیروز شدید. پیروزی که معجزه آسا بود، نه پیروزی یک پیروزی آسانی، یک پیروزی که بشود حساب کرد یعنی پیروزی بود که جز با اراده خدای تبارک و تعالی هیچ امکان تحقق نداشت. (۴۱۰)

الهی بودن مقصد،
ایمان و وحدت

۵۸/۶/۲۸

* * *

آنچه کراراً تذکر داده ام، و رمز پیروزی است؛ اتحاد گروههای دانشجویی و تشکیل یک گروه اسلامی - ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه بیفکنند، و شما جوانان عزیز را - که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست - به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم

اتحاد همه گروهها

بردارید، و به علم و ادب - که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است - اشتغال پیدا کنید. و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختیها و اسارتهاست. (۴۱۱)

۵۸/۶/۳۱

* * *

مسئلاً مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد. چنانچه در این راه قدرت بزرگی که در مقابل ما بود و پشتیبان او تمام قدرتها، اعم از ابرقدرتها و غیره بودند، لکن چون حُسن نیت بود و مردم متحول شده بودند به آن مردمی که در صدر اسلام بود... از این جهت، این پیروزی ما مرهون یک همچو تحول روحی است که در مردم پیدا شد. و الا ما که نه اسلحه داشتیم و نه نظام بود در کار و نه یک کارهایی داشتیم که مطابق اصول جنگی و اینها باشد. فقط چیزی که بود ایمان در مردم بود، و بحمدالله وحدت کلمه. و من می‌خواهم از خدای تبارک و تعالی که این وحدت کلمه محفوظ بماند، و ان شاءالله تمام مشکلات ما حل بشود. (۴۱۲)

۵۸/۷/۱۰

* * *

و از مسائلی که لازم است من تذکر بدهم این است که این انقلابی که در ایران حاصل شد، این انقلاب پیروزی در اثر دو مطلب بود: یک مطلب مهمش که از همه مطالب بالاتر بود این بود که مردم با اسلام پیش رفتند، یعنی سرتاسر این مملکت فریادشان، فریاد این بود که ما اسلام را می‌خواهیم. از آن رژیم سابق که یک رژیم فاسد

پیروزی مرهون
تحول روحی در
مردم

اسلامخواهی مردم
و اتحاد همه قشرها

بود، مردم بدی دیدند در طول عمرشان. جوانهای ما در تمام عمرشان؛ از آن وقت که چشم باز کردند، بدی دیدند. و این رژیم را فاسد می دانستند. و از آن طرف مسلمان بودند. به اسلام عقیده داشتند. از این جهت ما هر مطلبی را از ملتی بخواهیم اخذ بکنیم، باید ببینیم که زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می خواهد. خودمان بخواهیم حکم بکنیم که این ملت ما فلان [موضوع] را می خواهد، این حرف غلطی است. حرف صحیح این است که ما مطالعه کنیم در حال ملت. گوش بدهیم به صدای ملت ببینیم چه می خواهد. ملتی که همه فریاد می زنند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، «نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی» ما دیگر حق نداریم که بنشینیم بگوییم که نه، این ملتی که قیام کرده اند، برای این قیام کرده اند که دمکراسی باشد. در اسلام همه چیز هست به معنای سالمش. اما ما می بینیم که همه مردم دارند می گویند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم. ما حق نداریم که تأویل کنیم و بنشینیم خودمان هر چه دلمان می خواهد بگوییم که نخیر، مردم که این حرفها را دارند می زنند، یک چیزی دیگر را ما گردنشان بگذاریم. این خلاف واقع است.

و امر دومی که بود، این بود که همه قشرها با هم متحد شدند. در این مسئله همه متحد بودند. اگر یک اشخاصی هم بودند که انحرافی داشتند، در این شوری که مردم داشتند، آنها ساکت بودند، کارشکنی نمی کردند. همه با هم مجتمعاً عمل کردند و پیش رفتند و همه با هم اسلام را می خواستند. این دو تا مطلب اساس پیروزی این مملکت بود. (۴۱۳)

شما دیدید که یک ملتی که عددش کم و هیچ اسلحه نداشت و هیچ ابزار جنگی نداشت و هیچ نظامیگری نداشت [ولی] ابزار ایمان داشت، با ابزار ایمان غلبه کرد بر یک قدرت شیطانی که همه قدرتها دنبال او بودند. نه همان ابرقدرتها، همه قدرتها دنبال او بودند. این قدرت ایمان بود که یک مشت مردم را که هیچ نداشتند غلبه داد. این همان قدرتی بود که در صدر اسلام با یک ابزار کم و یک عدد کم غلبه کردند بر روم با آن بساط و بر امپراتوری ایران با آن همه ابزار. آنها تهی بودند از ایمان؛ و اینها دست پر بودند در ایمان، غلبه کردند. (۴۱۴)

قدرت ایمان در برابر قدرت شیطان

۵۸/۸/۱۰

* * *

این القای افکار متعدد و پشت کردن بر خود و رو کردن به خدا، حقیقت این است که ملت ما به خودش پشت کرد، به خدا رو آورد. آن چیزهایی که نفسش خواهش داشت توجه به آن نداشت. همه توجهش به این بود که جمهوری اسلامی را ایجاد کند. این توجه به خدا بود. از خود گذشته بود به خدا پیوسته بود. این رمز، رمز پیروزی است. (۴۱۵)

از خود گذشتن و به خدا پیوستن

۵۸/۱۰/۱

* * *

دیدید که دو جهت در این ملت بود که رمز پیروزی ملت ما بود: یکی اینکه از آن چیزهایی که خودشان می خواستند ابداً آن وقت مطرح نبود. همه با هم می گفتند «الله اکبر». همه با هم «جمهوری اسلامی». همه با هم رژیم سابق نه. هیچ کس در آن روز دنبال این

قیام برای خدا

نبود که من وضعم چه جوری است. اگر یک کسی پیش رفیقش هم فرض کنید شکایت می‌کرد رفیقش به او می‌خندید که حالا وقت این حرفها نیست. اینطور شده بود وضع. یک جهت هم اینکه همه اینها که با هم مجتمع شدند، برای خدا بود. شاهد اینکه [دائماً] می‌آمدند در هر جا فریاد می‌کردند که ما می‌خواهیم شهید بشویم. شهادت یک مطلبی بود که برای خداست.

پس دو جهت در این پیروزی بود: یکی اینکه برای خدا [بود] فریاد به اینکه «الله اکبر» و ما برای خدا می‌خواهیم این کار را بکنیم، جمهوری اسلامی می‌خواهیم. یکی هم اینکه با هم مجتمع بودند. یکصدا بودند. بچه کوچولو و پیرمرد هشتاد ساله، یکجور حرف می‌زدند، و دشمنهای ما این دو تا سنگ را هدف کردند. از اولی که این سد رژیم سابق شکست، دشمنها سردرآوردند و یک دسته‌شان راجع به جهت اسلامی شروع کردند کارشکنی. درست توجه کنید که این دو تا مطلب هر دوی آنها مشهود ماست که مورد حمله واقع شده. جهت اسلامیتش مورد حمله واقع شد. گفتند، اسلامی نمی‌خواهیم، همان جمهوری! این حمله به جهت اسلامیتش بود که زیربار اسلامش می‌خواستند نروند. برای اینکه آن کارشناسها فهمیده بودند که این پیروزی از اسلام است. مردم برای جمهوری نمی‌آیند به شهادت برسند. مردم برای اسلام می‌گویند ما شهید می‌خواهیم بشویم. الآن هم می‌گویند، کفن می‌پوشند برای اسلام، نه کفن برای جمهوری، برای جمهوری دمکراتیک. (۴۱۶)

باید همه متذکر این معنا باشند که این پیروزی انقلاب ما پیروزی [ای] بود که به برکت اسلام و گرایش به اسلام و با فریاد «الله اکبر» این پیروزی به دست آمد. کسی گمان نکند که اشخاصی یا گروه‌هایی پیروزی را برای ما تحصیل کردند. خیر، این خدای متعال بود که وقتی که دید مردم در راه او قیام کرده‌اند با آنها همراهی کرد. (۴۱۷)

۵۸/۱۲/۲۹

* * *

انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شد و همان انقلاب درونی آنها و شناخت آنها از اسلام و توجه آنها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که در تمام این دوره‌ای که ما در آن هستیم، از اولی که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد و بعد پیروز شد و تا الآن، روز به روز می‌بینید که حضور ملت و تعهد ملت رو به افزایش است. این نه برای انقلاب است، برای انقلاب درونی است. انقلاب همه جا بوده است، بسیاری از جاها بوده است، این انقلاب درونی است که پیدا شد در این کشور و در این مملکت و نیست الا به عنایات خدای تبارک و تعالی. ما از خود چیزی نداریم، هرچه بود عنایات او بود که این عنایات موجب شد که این انقلاب باطنی پیدا بشود و از آن حالتی که همه خود ملت ما می‌دانند در سابق بود، به این حالت که حالا می‌بینند متحول شده است. این موجب شد که انقلاب پیروز شد. پیروزی را ما باید از انقلاب درونی مردم جستجو کنیم و تا این معنا حاصل نشود انقلاب‌ها یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر است و وضع برای ملت همان‌جور که بوده، می‌باشد. (۴۱۸)

۶۴/۱۱/۲۲

* * *

همراهی خداوند با
قیام مردم

انقلاب باطنی مردم
با عنایت خداوند

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. (۴۱۹)

وحدت کلمه در
انگیزه و مقصد

۶۸/۳/۱۵

* * *

فصل سوم

آثار و نتایج انقلاب

الف) سقوط رژیم سلطنتی و استقرار نظام جمهوری اسلامی

ملت ما در سراسر کشور، از مرکز یا دورافتاده‌ترین شهرها و قرا و قصبات، با اهدای خون و فریاد «الله اکبر» جمهوری اسلامی را خواستار شدند؛ و در فرماندم بی سابقه و اعجاب‌آور، با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند و دولتهای اسلامی و غیراسلامی، رژیم و دولت ایران را به عنوان «جمهوری اسلامی» به رسمیت شناختند. (۴۲۰)

به رسمیت
شناختن جمهوری
اسلامی

۵۸/۵/۲۹

* * *

آن روز تکلیف ما روشن بود. به عبارت دیگر، تکلیف در مقابل یک جمعیتی که، یا یک رژیمی که، صاف ایستاده بود در مقابل مصالح کشور و مصالح اسلام عمل می‌کرد روشن بود. و ما هیچ باکی از این نداشتیم که ملت را سراسر بر ضد آن رژیم تجهیز کنیم و آنچه که می‌توانیم و در توان داریم در خدمت اسلام عمل کنیم و به نظر می‌آید که عمل کردیم؛ و شما ملت ایران همه با هم دست به هم دادید و با بانگ «الله اکبر» و با «لا اله الا الله» جمهوری اسلامی را

تحقق حکومت
قانونی

خواستید، و در پناه جمهوری اسلامی استقلال و آزادی را
خواستید، و بحمدالله جمهوری اسلامی با رأی قاطع ملت تصویب
شد؛ و دنبال او هم یک مرحله‌ی به طور معجزه‌آسا تحقق پیدا کرد و
یک حکومت مستقر قانونی در این کشور متحقق شد. (۴۲۱)

۶۰/۳/۲۵

* * *

ملت بزرگ ایران سالروز ۱۵ خرداد را که یوم‌الله است زنده نگه
می‌دارد، و افتخار قیام ملت را که با مشت گره کرده و خون طاهر
خویش در مقابل ستمشاهی پهلوی ایستاد و پایه‌ی استوار انقلاب
اسلامی را - که سرنگونی قدرتمندترین جنایتکار منطقه را در پی
داشت - ریخت از یاد نمی‌برد. و الآن فداکاریها و مجاهدات جوانان
برومند کشور اسلامی را که پایه‌گذاری خروج از ظلمات به سوی
نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال
را نمود بزرگ می‌شمارد. (۴۲۲)

خروج از ظلمات به

سوی نور

۶۱/۳/۱۵

* * *

شما ملت عزیز با قدرت خودتان، با ایمان خودتان، با تحولی که
درتان واقع شد، دست تبهکاران را در داخل و دست غارتگران را که
از خارج دراز شده بود قطع کردید. شما یک حکومت طاغوتی را
برداشتید و به جای او یک حکومت اسلامی گذاشتید. (۴۲۳)

حکومت اسلامی

جایگزین حکومت

طاغوتی

۶۳/۶/۲۳

* * *

از آغاز انقلاب اسلامی ایران که با دست توانای ملت عظیم و با اتکای به خداوند تبارک و تعالی، رژیم فاسد شاهنشاهی را... درهم پیچید و دست چپاولگران و تبهکاران را... کوتاه کرد و جمهوری اسلامی را... بنانهاد؛ دولت و ملت ایران به تبعیت از احکام اسلام با تمام کشورهای اسلامی... می‌خواست دست برادری دهد تا با وحدت کلمه و اتحاد بین تمام مسلمین از شرّ قدرتهای بزرگ سلطه‌گر و توطئه‌های ابرچپاولگران و جنایتکاران... خلاص شوند. (۴۲۴)

نامشخص

* * *

ب) قطع ریشه‌های فساد و جلوگیری از نفوذ اجانب

باید تمام دستهایی که در این مملکت، قدرتمندی کردند و با قدرتمندی دارند ذخایر ما را می‌برند، اینها تمام باید قطع بشود. این دستها باید قطع بشود و کنار بروند. مملکت مملکت ماست و ما خودمان می‌خواهیم اداره کنیم مملکت را؛ مستشار امریکایی ما نمی‌خواهیم. (۴۲۵)

۵۷/۸/۲

* * *

ما پیروزی مان وقتی است که دست این اجانب از مملکتمان کوتاه شود و تمام ریشه‌های رژیم سلطنتی از این مرز و بوم بیرون برود و همه رانده بشوند. و این کارها و این چیزهایی که اخیراً واقع می‌شود و دست و پا می‌زنند عمال اجانب که یا شاه را برگردانند - یعنی شاه سابق - و یا رژیم دیگری و یا رژیم سلطنتی را حفظ

فروریختن نظام
شاهنشاهی،
تشکیل جمهوری
اسلامی، نجات
مسلمین

اداره مملکت به
دست خودمان

رانده شدن تمام
ریشه‌های رژیم

کنند، این مطلب را باید بدانند که گذشته است مطلب؛ و اینطور مسائلی که شما پیش می‌آورید دست و پایی بیش نیست. و اگر تسلیم ملت نشوید، ملت شما را به جای خودش می‌نشانند. (۴۲۶)

۵۷/۱۱/۱۲

* * *

از حالا به بعد شما در خدمت ملت باشید. ملت خودتان را خدمت بکنید. این آب و خاک مال شماست. اینجا مال خودتان باید باشد. دست این اجانب باید کوتاه بشود. چقدر امریکا باید از این مملکت ببرد و بخورد یا انگلستان یا سایر جاها؟ (۴۲۷)

۵۷/۱۱/۱۷

* * *

شما بدانید که دنبال سر این مرد، که خودش هم در اینجا دیگر قدرتمند شده بود و ارتشش، پشت سر این، تمام قدرتهای دنیا واقع شده بودند: شوروی، امریکا - متنها بعضیها تصریح می‌کردند، بعضیها تلویحاً - انگلستان، چین، ممالک عربی - تمام اینها پشت سر این ایستاده بودند؛ لکن ملت مشتھایش را گره کرد و ایستاد، همه را عقب زد. و یک آدمی که اگر مهلتش داده بودند دعوی فرعونیت و الوهیت هم می‌کرد، همچو شد که آمد مقابل ملت با کمال ذلت ایستاد و استغفار کرد! و ملت قبول نکرد. (۴۲۸)

۵۷/۱۱/۱۷

* * *

سؤال: [در نظر شما مهمترین چیزی که در سال گذشته رخ داد چه

کوتاهی دست
اجانب از مملکت

تسلیم شاه در مقابل
ملت

بود و چه رویدادهایی را انتظار می‌کشید؟]

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم: مهمترین چیزی که در سال گذشته برای ملت ما حاصل شد، قطع ایادی ابرقدرتها از کشور و قطع ظلمی که بر اینها در سالهای طولانی می‌شد، آن بزرگتر چیزی بود که بر ما گذشت. و بزرگتر چیزی که ما آرزو داریم این است که در این سال ان شاء الله ممالک اسلامی به ما متصل بشوند و ملت‌های مسلمین بیدار بشوند و متوجه به این بشوند که این تبلیغاتی که ابرقدرتها کردند و خودشان را آسیب‌ناپذیر معرفی کردند، اینها حقیقت نداشته است. دیدند ملت‌ها که ملت ما بزرگتر آسیب را به بزرگتر رژیم وارد کرد و الآن هم مشغول است که آسیبها را پشت سر آسیب‌ها وارد کند و آن بت بزرگی که برای دنیا درست کرده بودند، ملت ما شکست آن را و می‌شکند. (۴۲۹)

قطع ایادی
ابرقدرتها

۵۸/۹/۲۸

* * *

آنها دیدند که این ملت، این پاسداران ملت، آنها را به عقب راند، و قدرتهای آنها را شکست، و دستهای آنها را از مخازن ایران کوتاه کرد. امروز که آنها ضربه دیدند حیل‌های آنها بیشتر به کار افتاده است. نوکرهای آنها بیشتر مشغول حیل شدند. در اطراف ایران نوکرهای اینها آشوب می‌کنند. ملت ما باید هشیار باشد و اتکال به خدا بکند و این تتمه‌ای که از آن ریشه‌های فساد مانده است از سر راه اسلام و قرآن بردارد. (۴۳۰)

برداشتن ریشه‌های
فساد از سر راه
اسلام و قرآن

۵۸/۹/۲۹

* * *

این تحولی که در جوانهای ما، در انسانها، آنهایی که متعهد هستند پیدا شده است، اهمیتش بیشتر از آن تحولی است که در مملکت پیدا شده است. تحولی که در کشور پیدا شد این بود که با همت شما جوانها، همه قشرها، زن و مرد، بزرگ و کوچک این سد باطل را، سد شیطانی را شکستید و شیطانها را از حریم اسلام بیرون کردید. (۴۳۱)
۵۸/۱۰/۱۲

بیرون راندن
شیطانها از حریم
اسلام

* * *

آنهمه مراکز شهوت و آنهمه مراکز فحشا درست کردند و عرضه کردند بر این ملت در طول این دهها سال اخیر که شدت پیدا کرد، و در زمان محمدرضا از همه وقت بیشتر شدت داشت.
و شما از جهت اخلاقی و فرهنگی ایران باید این معنا را اعتقاد [پیدا] کنید که اگر، این انقلاب به داد ایران نرسیده بود، ایران در سراسیمی محو و فنا واقع شده بود که اصلاً اسمش از تاریخ باید محو بشود. (۴۳۲)

نجات یافتن از
فساد و فحشا

۶۱/۳/۲۲

* * *

و امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملتها کسی نمی تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. (۴۳۳)

کوتاهی دست
تجاوز و انگلهای
منحرف از کشور

۶۴/۵/۲۵

ج) جنبش بیداری اسلامی

آوای انقلاب بزرگ ایران در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها طنین انداز و افتخارساز است. شما ملت شریف، به جوانان غیور ملت‌های اسلامی هشدار داده‌اید. امید است با دست توانای شما، پرچم پرافتخار حکومت اسلامی در تمام اقطار به اهتزاز در آید. این است مسئلت من از خداوند تعالی. (۴۳۴)

طنین آوای انقلاب
در دیگر کشورها

۵۷/۹/۱

* * *

در عصر ما می‌رفت که با کجرویهای سلسله پهلوی، حلقوم گشاد آنان و دارودسته و اربابان آنان اسلام و مصالح آن را ببلعد و عدالت و استقلال و آزادی را در زیر چکمه دیکتاتوری و پرده ریا و تزویر به نابودی بکشد.

نهضت ملت،
مفتاح نجات اسلام
و عدالت

نهضت ملت بزرگ ایران، که در دوازدهم محرم، ۱۵ خرداد به شکوفایی گرایید، پرده‌های تزویر و عوامفریبی شاه را پاره کرد؛ و قتل عام شاهانه و فداکاری ملت، مبدأ عظیمی در تاریخ ایران گردید؛ و مفتاح نجات اسلام و عدالت به دست آمد، و نطفه مقاومت ملی منعقد و با تربیت و روشنگری روشنگران، رو به رشد و تکامل نهاد. (۴۳۵)

۵۷/۱۰/۶

* * *

سؤال: [تصور می‌کنم که آنچه امروز در حیات یک جنبش توده‌ای در ایران اتفاق می‌افتد ریشه‌هایش در یک نوع رنسانس - تجدید

حیات - شیعه یافت می‌شود. ممکن است شرح دهید که چه فعالیتها و بحثها و مبارزاتی در سی سال اخیر فعالیت شما را تشکیل داده است؟]

جواب: یکی از خصلتهای ذاتی تشیع، از آغاز تاکنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد؛ هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطعیهای زمانی بوده است. در صد سال [اخیر] حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است: انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است. تأسیس حوزه علمی دینی در بیش از نیم قرن اخیر در شهر قم و تأثیر این حوزه در داخل و خارج کشور ایران و نیز تلاش روشنفکران مذهبی در داخل مراکز دانشگاهی و قیام سال ۴۱-۴۲ ملت ایران به رهبری علمای اسلامی که تا امروز ادامه دارد، همه عواملی هستند که اسلام شیعی را در سطح جهان مطرح می‌کند. (۴۳۶)

مطرح شدن اسلام
شیعی در سطح
جهان

۵۷/۱۰/۱۹

* * *

ما امید این را داریم که این نهضت ایران روشن کند مسائل را به همه ملتها و روشن کرده است نسبت به ملتها. ملتها الآن با ما هستند. اگر سرنیزه را از این ملتها بردارند، از عراق بردارند، از -نمی‌دانم- ترکیه بردارند، از جاهای دیگر بردارند، همه یکصدا با ما موافقتند. سرنیزه جلو را گرفته است. منتها ایران سرنیزه را شکست. ایران ایستاد. ملت ضعیف ایستاد در مقابل قدرتهای قوی و این سرنیزه‌های اینها را شکست و خودشان را هم بیرون

نقش نهضت ایران
در روشنگری و
بیداری ملتها

کرد. ملت‌های دیگر هم اگر بیدار بشوند، بتوانند که دولت‌ها را همراه کنند، دولت‌ها نصایح ما را بشنوند که با ملت‌ها یکی باشید، ملت‌ها و دولت‌ها سر جا هستند و اسلام، همه با هم می‌شوند. (۴۳۷)

۵۸/۹/۲۶

* * *

من امیدوارم که شما جوانان، خواهران و برادران همان طور که از اول نهضت با کوشش، انقلاب بزرگ را تحقق بخشیدید، از این به بعد هم با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی، این نهضت را ادامه دهید. ما در بین راه هستیم، و باید راه طولانی را طی کنیم و آن راه طولانی این است که بیرق اسلام را در همه قطب‌های زمین به اهتزاز درآوریم... ما باید اسلام را به پیش ببریم، و در همه جای دنیا ان شاء الله اسلام را صادر کنیم، و قدرت اسلام را به تمام ابرقدرتها بفهمانیم. (۴۳۸)

۵۹/۲/۲۹

* * *

ما باید کوشش کنیم که از خودمان گرفته تا برادرهای اسلامی و برادرهای دینی خودمان در همه کشورهای اسلامی، به حق توجه کنیم و حق را پیاده کنیم. مجزّد حرف نباشد که ما فقط یک شعاری بدهیم که حق آمد و باطل رفت. آمدن حق شعار نیست، آمدن حق عمل است، آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات و اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام الهی است. اگر احکام الهی در یک ملت پیاده بشود، باطل از آن ملت کوچ می‌کند و اگر در همه ملت‌های اسلامی، احکام الهی - اخلاقی که سفارش شده است،

به اهتزاز در آوردن
بیرق اسلام در همه
قطب‌های زمین

پیاده نمودن احکام
الهی در همه
ممالک

اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود، خود به خود باطل زاهق می شود. شما برادرانی که در هند هستید و حالا تشریف آوردید اینجا و سایر برادرهایی که در ممالک دیگر هستند، چه ایرانی و چه غیرایرانی، که همه برادر هستند، باید توجه داشته باشند که مفاد این آیه شریفه **جاء الحق** را متحقق کنند تا باطل خود به خود از بین برود. (۴۳۹)

۵۹/۶/۶

* * *

امید آن است که یک انقلاب عمیق عمومی در سراسر جهان در مقابل جهانخواران ضد بشریت تحقق یابد. انقلاب ایران با قدرت به پیش می رود و هر روز انسجام و استحکامش فزونی می یابد. (۴۴۰)

۶۰/۱۲/۲۹

* * *

۱۷ شهریور ۵۷ و نظایر آن که قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن بسیار بوده است و ملت مجاهد ایران بحمدالله تعالی در همه آنها پیروزمندانه و شرافتمندانه و سرافرازانه در سرکوبی ستمکاران، قیام و اقدام نمودند، جلوه الهی و قدرت پایان ناپذیر ایمان به غیب را در جهان پرتوافکن ساخت، و آفتاب فروزنده اسلام را که از گریبان مجاهدان در راه حق سر بر آورد، به عالمیان بویژه مظلومان و مستضعفان معرفی نمود، و به آنان درس پر برکت جانبازی در راه هدف الهی را آموخت. (۴۴۱)

۶۱/۶/۱۷

* * *

انقلاب عمیق
عمومی در مقابل
جهانخواران

معرفی آفتاب
فروزنده اسلام به
مظلومان و
مستضعفان

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود، و می‌رفت تا عریده شوم **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲۵۰۰ ساله فرعون گونه ستمشاهی به دست توانای زاغه‌نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراجگریها و حکمفرماییهای شیطان بزرگ و شیطانکهای وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی محدود بیش نبود. و از ۲۲ بهمن ۵۷ تا امروز که ۱۵ خرداد ۶۲ را در آغوش می‌گیریم ساعاتی محدود بیش نیست، ولی تحولی که کمتر از صدها سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدوده و ساعات محدود تحققیافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد. و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحققیابد. **«وَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ بِمُستنکرٍ»** که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد، و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم صاحب العصر - **أَرْوَاحُنَا لَهُ الْفِدَاءُ** - روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخهای سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. **وَمَا ذَکَّ عَلَی اللَّهِ**

گسترش جنبش
مستضعفان جهان
علیه مستکبران

بَعْرِيْزٍ. ^(۱) (۴۴۲)

۶۲/۳/۱۵

* * *

شما^(۲) حامل پیام ملتی هستید که با انقلاب خود کشوری را که می‌رفت با شرفزدگی و از آن بیشتر غریبزدگی در الحاد و فساد و فحشا غرق شود نجات داده، و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوتی جایگزین نموده‌اند. همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند. شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی شان، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکاریهای تروریستهای وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت الله الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید. (۴۴۳)

۶۳/۶/۴

* * *

رساندن ندای
اسلام به گوش
جهانیان

۱. ابراهیم / ۲۰.

۲. حجاج ایرانی بیت الله الحرام.

یک دسته هم واقعاً مسلمان و دنبال اینکه اسلام باید باشد، این برای همین موجی است که از اینجا بلند شده است و شما ملت اسلام این موج را راه انداختید. (۴۴۴)

راه انداختن موج
اسلام

۶۴/۶/۵

* * *

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. (۴۴۵)

نقطه شروع انقلاب
بزرگ جهان اسلام

۶۸/۱/۲

* * *

د) همبستگی در سازندگی و شکل‌گیری جامعه مدنی اسلامی

الآن مردم از آن دهات آخر تا آن شهرهای مرکز یکپارچه ایستاده‌اند، می‌گویند: ما نمی‌خواهیم این^(۱) را. فرماندم از این

۱. منظور، رژیم محمدرضا شاه است.

حاکمیت شایسته
سالاری براساس
موازن عقل و
قانون

بهبتر؟... مقدرات هر مملکت دست خود افراد است؛ خود مملکت است. ما این را نمی‌خواهیم، برود. ما خودمان یکی را تعیین می‌کنیم. این مقدرات ما روی موازین، روی موازین عقلی و عقلایی، روی قوانین، دست اشخاصی که باید باشد، باشد. (۴۴۶)

۵۷/۷/۲۹

* * *

سؤال: [نظرتان درباره تغییرات و تحولات آینده ایران چیست؟]
جواب: با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دموکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می‌شود. در این جمهوری یک مجلس ملی، مرکب از منتخبین واقعی مردم، امور مملکت را اداره خواهند کرد. حقوق مردم - خصوصاً اقلیتهای مذهبی - محترم بوده و رعایت خواهد شد. (۴۴۷)

رعایت حقوق
مردم

۵۷/۸/۱۰

* * *

بیش از نود و پنج درصد مردم ایران مسلمانند و خواستار استقرار حکومت اسلامی و اجرای قوانین مترقی اسلامند. و تمامی قشرها در سراسر کشور در این خواستها هم‌صدا و در صف واحدند. (۴۴۸)

اجرای قوانین
مترقی اسلام

۵۷/۹/۲۳

* * *

آنچه مهم است ضوابطی است که در افرادی که برای قبول مسئولیتها انتخاب می‌شوند باید رعایت شود، و نیز ضوابطی که عمل و رعایت آنها باید برای دولتها غیر قابل اجتناب شناخته

جامعه مترقی و
پیشرو با تکیه بر
اسلام

شود، که اگر این ضوابط و معیارها که در اسلام بر آنها تأکید شده است دقیقاً رعایت شود به وجود آمدن جامعه‌ای مترقی و پیشرو را می‌توان جداً امیدوار بود. و همین مسئله مهم است که امروز در دنیا مورد توجه نیست و ما با تکیه بر اسلام می‌خواهیم به یاری خدای تعالی حقیقتی خیره‌کننده را به دنیا معرفی کنیم. (۴۴۹)

۵۷/۱۰/۱۳

* * *

تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می‌توان خرابیهای عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود. (۴۵۰)

۵۷/۱۰/۲۲

* * *

باید ما دنبال بکنیم تا اینکه این نهضت را به آخر برسانیم و یک حکومت عادل در اینجا باشد. یعنی یک حکومتی باشد که نخواهد جیب خودش را پر بکند، حکومتی باشد که خودش را از ملت بداند و خدمتگزار بداند، نه خودش را آقای ملت بداند. این حکومتهایی که داشتیم [این] سلاطین همیشه اینطور بودند که اینها عقیده‌شان این بوده است که همه این ملتها عبد ما هستند. این برخلاف سنت انبیا بوده است، برخلاف سنت اولیا بوده است، برخلاف عقل انسانی است، برخلاف حقوق بشر است، برخلاف قوانین دنیاست. و اینها هیچ وقت عمل

نوسازی جامعه به
نفع مستضعفین

حکومت
خدمتگزار ملت
است نه آقای ملت

نمی‌کردند. (۴۵۱)

۵۷/۱۱/۱۷

* * *

ما در این نهضت اخیر آنچه را که می‌توانم بگویم بهترین ثمرات این نهضت است، این وحدتی [است] که حاصل شد بین قشرهای مختلف. دانشگاهی به روحانیین نزدیک شد، روحانیین به آنها نزدیک شدند، بازاری با همه آنها نزدیک شد، دهقان با همه آنها نزدیک شد. و شما الآن می‌بینید که در سرتاسر ایران تمام طبقات با هم همفکر و هم عقیده و یکصدا جمهوری اسلامی را می‌خواهند. ... اینکه همه چیز را ما به دست آوردیم، و ان شاء الله بعد هم به دست می‌آوریم، این برای همین پیوستگی است که بین اقشار ملت حاصل شد. و ما باید این همبستگی را نگه داریم. (۴۵۲)

۵۷/۱۱/۲۹

* * *

ملت عزیز! برادران و خواهران دلیر و مبارز - ایدهم الله تعالی اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهره‌مند شوند؛ دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید؛ دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم. (۴۵۳)

۵۸/۱/۲۱

* * *

همبستگی بین
اقشار بهترین ثمره
نهضت

دوران سازندگی
دوران بهره‌مندی
محرومین

باید همان طوری که الآن مطرح است، نمایندگان را تعیین بکنیم برای اینکه قانون اساسی درست بشود؛ نمایندگان را تعیین بکنیم برای اینکه مجلس درست بشود. مجلس ملی باشد. یک مجلس فرمایشی نباشد... این احساس باید در ما پیدا بشود که این مملکت عائله ما هستند و خانه ماست؛ این خانه را باید صاحبخانه‌ها درستش بکنند. صاحبخانه هم یکی نیست، دو تا نیست؛ همه‌اند. اینطور نیست که صاحبخانه‌ای داشته باشیم. همه ملت است و همه کشور. همه کشور مال همه ملت است. اینها باید خودشان بنشینند درستش بکنند. (۴۵۴)

کشور مال همه ملت

۵۸/۳/۶

* * *

مسئله اصلی، که حالا باید شمای ارتشی، من طلبه، مراجع عظام، علمای اعلام، دانشگاهی، بازاری، دهقان، اداری، کارمندا، همه به آن توجه بکنند، این است که این قانون اساسی، که اساس اسلام را ما می‌خواهیم پیاده بکنیم، این قانون اساسی درست بشود. بعد که قانون اساسی مان را ان شاء الله به رغم اینهایی که نمی‌خواهند بشود، باز شما رأی دادید و درست شد و مجلس شورا را شما رأی دادید آزادانه، برخلاف این پنجاه سال، آزاد رأی دادید و وکلایتان را فرستادید، و رئیس جمهور را خودتان تعیین کردید. (۴۵۵)

پیاده کردن اساس
اسلام با قانون
اساسی

۵۸/۳/۲۵

* * *

آگاه کنید مردم را به اینکه یک چند قدم دیگر ما داریم که برسیم به

اینکه همین طور که گفتید رئیس جمهور درست بشود، مجلس شورا درست بشود، و قانون اساسی تصویب بشود. شما و من و همه اهل منبر و محراب و همه روحانیون و طبقات دیگر و همه دانشگاهیها و دانشمندان موظفند که امروز همه با هم و همه مجتمع کوشش کنند که زود این مطلب بگذرد. (۴۵۶)

۵۸/۳/۲۷

* * *

همه ما باید با هم دست به هم بدهیم که این مرحله اصلی را، اینها را محقق کنیم؛ مراحل بعد آسان است دیگر. مهم این است که این مراحل بگذرد؛ که مملکت ما یک حکومت مستقر پیدا بکند، یک رئیس جمهوری پیدا بکند، یک مجلس شورا پیدا بکند، که اساس حکومت که اصل است تحقق پیدا بکند. (۴۵۷)

۵۸/۳/۲۶

* * *

دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. (۴۵۸)

۵۸/۳/۲۶

* * *

کوشش همه اقشار
در تأسیس
نهادهای تقنینی و
اجرایی

تحقق اساس
حکومت مرحله
اصلی همبستگی

جهاد سازندگی با
تشریک مساعی
همه اقشار

اگر ما همین معنا را درست دقت کنیم، پیروزی ما در آن وقتی است که آن مسائل اصلی ما لااقل درست تحقق پیدا بکنند. از مسائل اصلی ما یکی اش تحقق پیدا کرده و آن رفراندوم برای جمهوری اسلامی است؛ اما قانون اساسی که اساس یک مملکت است و بعد هم مجلس شورا که باید باشد در یک مملکتی، رئیس جمهور باید باشد، این مراحل باز برایمان مانده است. (۴۵۹)

۵۸/۳/۲۸

* * *

هر دولتی که متکی بر ملت نباشد، بلکه مقابل ملت بایستد، این عاقبتش، ولو یک قدری هم طولانی باشد، عاقبتش به همین عاقبتی که این پدر و پسر منتهی شدند، منتهی خواهد شد... ملتها و دولتها باید با هم تفاهم داشته باشند. یعنی دولت جوری باشد، ارتش جوری باشد، شهربانی جوری باشد، ژاندارمری جوری باشد، که مردم به آنها محبت داشته باشند؛ احساس دوستی و محبت بکنند. نه اینکه وقتی که شهربانی بیاید یا مأمور شهربانی بیاید توی بازار، مردم از او بترسند و از او تنفر داشته باشند. چنانکه در این نقاط اینطور بود. بلکه در طول سلطنت اینطور بودند...

... الآن همه ما، همه قشرهای این ملت، مکلفند که برای این مملکت کار بکنند، تا اینکه با کار اینها این مملکت اداره بشود؛ درست بشود. مملکت مال خودتان است. خودتان برای خودتان دارید کار می کنید.

و ان شاء الله من امیدوارم که همه ما به وظایفمان آشنا بشویم. (۴۶۰)

۵۸/۴/۱۰

* * *

قانون اساسی
اساس مملکت

تفاهم بین ملت و
دولت

الآن همه افکار باید متوجه به این باشد که قانون اساسی مان چه جوری است؛ نظر بدهیم. و باز تمام افکارمان متوجه به این باشد که چه اشخاصی را ما برای تنظیم قانون اساسی و تصویب قانون اساسی باید تعیین بکنیم. (۴۶۱)

لزوم توجه افکار به
تنظیم و تصویب
قانون اساسی

۵۸/۶/۲۲

* * *

همین ملتی که یک همچو نهضتی کرد و یک همچو پیروزی برایش حاصل شد، باید این مملکت را خود ملت اداره بکند. هر کس به هر اندازه‌ای که می‌تواند. (۴۶۲)

اداره مملکت با
خود ملت

۵۸/۸/۲

* * *

این برکتی که از ناحیه انقلاب پیدا شده است که خود ملت مشغول‌اند، این احساسی که در ملت ما پیدا شده است که باید تعاون کند، باید اعانت کند، این از برکات این انقلاب است. (۴۶۳)

احساس تعاون در
ملت

۵۸/۸/۱۲

* * *

همه چیزش باید سر جای خودش محکم باشد، و موازین باید موازین الهی باشد، و مملکت یک مملکت اسلامی باشد، قانون اسلام باشد. در اسلام یک چیز حکم می‌کند و آن قانون است. زمان پیغمبر هم قانون حکم می‌کرد. پیغمبر مجری بود. زمان امیرالمؤمنین هم قانون حکم می‌کرد. (۴۶۴)

حاکمیت قانون در
اسلام

۵۸/۱۰/۱۱

* * *

یکی از نهادهایی که از خود ملت جوشید و متکفل آن خود ملت بود، همین جهاد سازندگی بود. کمیته‌ها و پاسداران و همه این نهادهای تازه و جدید، بدون اینکه یک سازمانی در کار باشد، خودشان مردم درست کردند. و مادامی که این معنا باشد که مردم موظف می‌دانند خودشان را برای ساختن، آسیب نخواهند دید. (۴۶۵)
۵۹/۳/۲۷

* * *

چه شد که یک روز آنطور جنایتکاری‌ها واقع می‌شد و اختناقها و آن مسائل و مصایب برای کشور ما بود و حالا چه شده است که ما آزادانه اینجا با هم نشستیم و شما آزادانه مسائلتان را با مردم مطرح می‌کنید و مردم هم آزادانه یا انتقاد می‌کنند یا تعریف می‌کنند. (۴۶۶)
۵۹/۶/۲۰

* * *

الآن شما در سرتاسر کشور ملاحظه بکنید از نخست وزیر و رئیس جمهورش بگیرید تا آن پایینها هر جا هست، می‌بینید که یک مردمی هستند که از خود مردم هستند. رئیس‌جمهور یک طلبه‌ای بوده است سابق و بعد هم یک آقای شده است و بعد شده است رئیس‌جمهور... این هم یک مسئله‌ای است که الآن در ایران تحقق پیدا کرده است. جاهای دیگر نیست این مسائل که همه مردمی هست و همه هم با هم هستند و لهذا، هم مردم پشتیبان دولت‌اند، هم مردم پشتیبان ارتش‌اند، هم ارتش و دولت با مردم هستند. (۴۶۷)
۶۰/۱۰/۳۰

* * *

جهاد سازندگی
نهاد جوشیده از
ملت

آزادی بیان و انتقاد

تحقق دولت
مردمی

ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می‌کنیم؛ جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم، مثل امیرالمؤمنین - سلام‌الله علیهما - بر آن حکومت کرده‌اند، می‌خواهیم یک همچو حکومتی باشد. یک همچو حکومتی که کفش وصله خورده خودش را می‌گوید از این ریاستها پیش من ارزشش بیشتر است یا ریاستها ارزشش کمتر از این است. شما باید در روحیه‌تان این مطلب را حفظ کنید، و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه اینها باشند و هر یک از ما و شما و همه خواستیم که از آن راهی که اسلام داشته است - از اول راهی که داشته است و از آن طریقه‌ای که انبیا داشته‌اند - ما بخواهیم عدول کنیم، آن روز نمونه شکست پیروزی اسلام پیدا می‌شود و تا یک همچو مسئله‌ای پیدا نشده پیروزی اسلام پیدا می‌شود و تا نکنید که هست، البته برای خدا باید باشد.

حکومت رسول
اکرم و
امیرالمؤمنین
(سلام‌الله علیهما)

شما برای خدا در این مجلس حالا آمدید. وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازار، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست‌وزیرش هم اینطور است، این جور نیست که وقتی که توی مردم برود، مردم فرق بگذارند با هم و همه اینها اینطور هستند. (۴۶۸)
۶۰/۱۱/۱۹

* * *

امروز که بحمدالله ایران به دست ایران و ایرانی اداره می‌شود و همه شئون کشور در دست خود ایرانیان و خود دلبستگان به اسلام، رهبری می‌شود، امروز روزی است که همه قشرهایی که در این کشور هستند مسئول هستند. (۴۶۹)

مسئولیت همه
اقتدار در
اداره کشور

۶۱/۱۰/۲۶

* * *

فرق ما بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است، و شاهنشاهی می‌گفت نه، من این طور نیستم که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آن طور می‌کردند. (۴۷۰)

۶۲/۱۰/۱۳

* * *

امروز کشور شما دست خودتان است. نه یک کسی بالای سر شماست که بخواهد به شما حکومت کند، نه مستشاری از کشورهای دیگر دارید و نه کارشناسان.

همه چیز دست خود شماست و مسئول خود شما هستید. در رژیم سابق ملت می‌گفت خوب، من چه کنم، به دست من چیزی نیست، اگر سؤال می‌شد. امروز که همه چیز در دست شماهاست دیگر این عذر پذیرفته نیست که من چه کنم. (۴۷۱)

۶۲/۱۱/۱۱

* * *

دولت چنانچه کراراً تذکر داده‌ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود... آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کارکرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدا بی‌خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم

جمهوری اسلامی

رهین مردم

مسئولیت‌پذیری

مردم در کشور آزاد

و مستقل

دولت بدون

مشارکت ملت

محکوم به شکست

است

۲۶۴ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

سلطه پیدا کنند. (۴۷۲)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

فصل چهارم

آفت‌های انقلاب

اگر ما بنا باشد که خودمان با هم اختلاف بکنیم، او^(۱) آسوده سر جای خودش می‌نشیند [و] قوای ما صرف خودمان می‌شود. این هم یک نیرنگی است که آنها همیشه داشته‌اند که بین همین طبقات مردم اختلاف بیندازند. دو تا حزب درست کنند، آن حزب کذا، آن حزب کذا؛ بین این دو تا حزب اختلاف بیندازند و مردم را فلج بکنند. یا مثلاً، یک نفر را بیاورند جلو و یک چیزی از او درست بکنند، بعد هم مردم مشغول به او بشوند؛ مدتها سر این دعوا بکنند و قوایشان تحلیل برود و آنها استفاده بکنند. (۴۷۳)

۵۷/۷/۱۷

* * *

آنها نمی‌خواهند این مطلب واقع بشود. آنها می‌خواهند که اسلام را بد معرفی کنند، مردم از اسلام برگردند و آخوند هم که کنار برود، باقی بماند خودش و هر کس که دلشان می‌خواهد. (۴۷۴)

۵۷/۷/۲۹

اختلاف و تحلیل

رفتن قوا

بد معرفی کردن

اسلام و ایجاد

بدبینی در مردم

الآن که تمام قوای مسلمین ایران جمع شده با هم؛ در مقابل قدرتها ایستاده، در مقابل شاه و آن قدرتهایی که دنبال او هستند الآن ایستاده؛ این خیانت بر اسلام است که ما اختلافات بیندازیم بین خودمان و با هم اختلاف کنیم. این خیانت به یک ملت است که به واسطه اختلافات ما خنثی بشود این حرکتی که در ایران پیدا شده. اگر این حرکتی که در ایران پیدا شده و سابقه ندارد در تاریخ، نه در تاریخ ایران، شما در تاریخ نمی‌توانید پیدا کنید که بچه این قدری اش همزبان باشد با پیرمرد در یک مطلب، همه با هم باشند، اگر خدای نخواستہ این جنبش و نهضتی که در ایران پیدا شده است و سابقه ندارد این، اگر چنانچه بی‌نتیجه بخوابد، تا ابد زیر سلطه غیر خواهید بود. خواهید [بود] زیر چکمه غیر تا ابد؛ قطع می‌کنند، قطع می‌کنند نسلهای شما را. (۴۷۵)

خنثی شدن نهضت
به واسطه
اختلافات

۵۷/۸/۹

* * *

بیدار بشوید آقا! ای جوانهای ما، بیدار بشوید! بدانید نقشه‌ها چه است، برای چه شما را می‌خواهند دور کنند از اسلام، برای چه شما را می‌خواهند به مکتبهای دیگر نزدیک کنند. (۴۷۶)

دور شدن از اسلام

۵۷/۸/۱۴

* * *

الآن ماها مکلفیم دیگر. خوب، ما اشتباهات را تا حالا دیدیم، و من خوف این دارم که باز اقشار این ملت ما، این رجال علمی ما، رجال سیاسی ما - عرض می‌کنم که - اشخاص روشنفکر ما، یک اشتباهی بکنند که اگر این اشتباه بشود دیگر ما تا آخر گرفتار

خوف از اشتباه
رجال علمی،
سیاسی و روشنفکر

هستیم. دیگر چنین نیست که ما باز یک امیدی داشته باشیم که یک انقلابی بشود. (۴۷۷)

۵۷/۸/۱۶

* * *

اگر آخوند بخواهد بگوید که منهای دانشگاه، منهای جبهه‌های سیاسی، آن هم صحیح نیست برای اینکه آن هم کارشناس لازم دارد... شما حکومت لازم دارید؛ شما اجزای ادارات لازم دارید؛ ادارات شما، حکومت شما - عرض می‌کنم - لشکر شما، جیش شما، همه اینها با این جبهه‌ها تحصیل می‌شود؛ با این دانشگاهها و با این دانشجوهای خارجی و داخلی مملکت ما باید اداره بشود. اگر علاقه دارید شما به اسلام، علاقه دارند آن جبهه دیگر به اسلام، با علاقه به اسلام نمی‌شود که با هم بنشینید دعوا کنید امروز! امروز دعوا کردن انتحار است، خودکشی است. امروز اختلافات خودکشی است. (۴۷۸)

اختلاف بین حوزه
و دانشگاه

۵۷/۱۰/۳

* * *

امروز آنها فهمیدند که با اسلام و وحدت کلمه ملت، آنها شکست خورده‌اند؛ آنها احساس شکست در خودشان کرده‌اند. و اگر خدای نخواست در این امر سستی بشود آنها قطع می‌کنند ریشه‌های ما و ریشه اسلام را. (۴۷۹)

سستی در امر
وحدت کلمه ملت

۵۷/۱۲/۲۲

* * *

نباید ابهامی در قضایا باشد. اگر چنانچه ابهامی در قضایا باشد یا بخواهند منحرف کنند این نهضت اسلامی ما را، منتهی به شکست خواهد شد. خیانت به ملت است، خیانت به اسلام است. آنها که در صدد هستند این نهضت را منحرف کنند از جهت اسلامیت، آنها بدانند که خائن بر اسلام هستند؛ خائن بر ملت هستند. امروز باید شعار همان شعار اسلامی باشد: «جمهوری اسلامی». آنها که اصرار دارند اسلام را از کنار جمهوری کنار بگذارند، اینها خائنانی هستند که در ملت می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند...

... از ملت تقاضا دارم که نگذارند خون جوانانشان هدر برود، نگذارند اجانب رخنه پیدا کنند، نگذارند استقلالی که به دست آورده‌اند از بین برود، نگذارند آزادی که به دست آمده است مبدل به اختناق بشود. به حکومت اسلام، به جمهوری اسلامی، نه یک حرف زیاد نه یک حرف کم. کسانی هم که می‌خواهند به راههای دیگر بروند آزادند لکن توطئه قدغن، خیانت قدغن، رأی آزاد. هر چه می‌خواهند بگویند. (۴۸۰)

۵۷/۱۲/۱۸

* * *

شما باید در این موقع که به آستانه پیروزی رسیدید، گمان نکنید که کار تمام شد و ما پیروز شدیم؛ که این گمان موجب می‌شود که سستی پیدا بشود... بنابراین ملت شریف ایران موظف است که این نهضت را به همین طوری که تا اینجا آورده است، این نهضت را حفظ کند. و با حفظ وحدت کلمه و با حفظ این نهضت و غایت نهضت - که عبارت از اسلام و جمهوری اسلامی بود - با حفظ اینها جلو برود. سستی راه ندهید به خودتان، سردی راه ندهید به خودتان، گمان پیروزی، گمان

توطئه و خیانت
نسبت به اسلامیت
نهضت

گمان پیروزی
نهایی موجب
سستی و سردی

پیروزی نهایی نبرید؛ اگر این گمان برده بشود یا این اعتقاد پیدا بشود، سستی پیدا می‌شود. شما باید خودتان را نیمه پیروز بدانید. (۴۸۱)

۵۷/۱۲/۲۹

* * *

من خوف این را دارم که [با] سردی و سستی ماها یکوقت - خدای نخواسته - اوضاع برگردد و اگر - خدای نخواسته - برگردد، از آن برگشتهایی است که دیگر ما رفته‌ایم. (۴۸۲)

۵۸/۱/۸

* * *

حالا که در این نهضت لمس کردند این معنا را که وحدت ملت با اتکا به خدای تبارک و تعالی آنها را عقب [زد] و دست آنها را کوتاه کرد از منافع ما، الآن خطر بیشتر است؛ یعنی آنها در پی شیطنت بیشتر هستند و کارمندهایشان، آنهایی که جیره‌خوار آنها هستند، با لباسهای مختلف، با طرزهای مختلف، در بین ملت می‌خواهند جدایی بیندازند. و الآن ملاحظه می‌کنید که در همه اقطار مملکت یک دستجاتی که جیره‌خوار آنها هستند مشغول کار شده‌اند که این حکومت را نگذارند آرام باشد و نگذارند متحد باشد. (۴۸۳)

۵۸/۱/۱۵

* * *

اگر - خدای نخواسته - یا اینها اخلاص بکنند و ما شل بیاییم و جلویشان را نگیریم و ملت جلویشان را نگیرد، و یا خودمان خیال کنیم که پیروز هستیم و به سستی گرایش پیدا بکنیم من خوف این

خوف از سردی و سستی

ایجاد ناآرامی و تفرقه

خیال پیروزی و عدم حفظ قدرت ملت

را دارم که - خدای نخواسته - با فرم دیگر همان مسائل را پیش بیاورند. البته با فرم شاهنشاهی دیگر نمی‌گویند برای اینکه این شکست خورده است؛ این را می‌دانند که قابل عمل نیست، یک فرم دیگری رویش می‌گذارند. بلدند آنها، مطالعات دارند. اگر ما ایستادگی کنیم و قدرتی که الآن در دستمان است - که قدرت ملت است - حفظ کنیم، وحدت کلمه را حفظ کنیم، همه پیروز خواهیم شد و اگر - خدای نخواسته - این حفظ نشود خوف این مطلب هست که دوباره ما را برگردانند به آن حال. (۴۸۴)

۵۸/۱/۱۷

* * *

رژیم طاغوتی رفت و لکن خطرانی هست. دستهای اجنبی در کار می‌باشد تا دوباره ما را به وضع اولیه برگرداند؛ تفرقه بین صفوف ایرانیان بیندازند. و وظیفه ماست که از این نهضت پاسداری کنیم، وحدت کلمه را به کار ببندیم؛ و شما با وحدت کلمه توانستید با دست خالی بر قدرتهای بزرگ پیروز شوید.

قدرتهای بزرگ نتوانستند محمدرضا را نگاه دارند. قدرتهای بزرگ - مخصوصاً امریکا و انگلستان - برای نگهداری او کوشش فراوانی کردند ولی در برابر خواست ملت کاری از پیش نبردند. بهوش باشید! هنوز آنان درصدد از بین بردن شما هستند؛ ایادی آنان در همه جا تبلیغ می‌کنند، بخصوص در کارخانجات رفته و می‌گویند ما طرفدار کارگر هستیم. اگر آنان در کارخانه می‌روند و کارگران با صفا از آنها استقبال می‌کنند تا اعتصاب کنند، شما با هوشیاری باید جلوی شرارت و مفسده آنان را بگیرید. (۴۸۵)

تفرقه بین صفوف

۵۸/۱/۲۵

قبل از اینکه انقلابها پیروز بشوند، همه رو به مقصد هستند و گرمیها و نهضتها بسیار ارزنده و بسیار گرم هست. پس از پیروزی، یک سستیها پیدا می شود و یک اختلافها... امروز که مبارزه به آخر رسیده است و وقت این است که ما ایران را بسازیم، این ایران خراب را آباد کنیم، امروز دستهای مرموزی از آستین بیرون آمده است و بین اقشار ملت تفرقه می اندازد. (۴۸۶)

۵۸/۱/۲۷

* * *

آنی که الان ما را یک قدری به نگرانی می کشد این است که ملت حالا برگشته به اینکه حال خودش را دارد می بیند. بین راه از مقصد دست برداشته، متوجه شده به حال خودش؛ خانه نداریم. یک عده کثیری [به] اینکه ما خانه نداریم؛ خانه می خواهیم. یک عده کثیری به اینکه ما در اداره مان مثلاً چطور است. یک عده کثیری [به] اینکه مثلاً در دانشگاه چه جوری است. از آن حال انقلابی که این ملت داشت و حال توجه به مقصد و غفلت از حالات خودش و گرفتاری خودش بیرون آمده است ملت. سرتاسر کشور این جوری است الان که همه الان یک توجه به چیز دیگری هم پیدا کرده اند. و آن - اینکه - گرفتاریهای خودمان. (۴۸۷)

۵۸/۳/۶

* * *

امروز روزی است که همه باید خدمت بکنیم. امروز روزی نیست که هر کسی به یک طرف بکشد. همه [در] مسیر ملت، که راه افتاده است ملت؛ ببینیم چه کرد ملت، چه می خواهد ملت؛ همین که

سستی و اختلاف

پس از پیروزی

غفلت از مقصد

دست برداشتن از

مسیر ملت

ملت می خواهد همه با هم باید دنبال این برویم. همانکه این قدرت بزرگ را به هم زد و شکست، باید دنبال آن رفت تا بتوانیم نجات بدهیم ملت را. اگر این مسیر را ما دست از آن برداریم، حرفهایی - هی بنشینند یک مطلب بگویند، اختلاف ایجاد نکنند. [دائماً] یک مطلبی را بگویند، این اسباب این می شود که ما نتوانیم این نهضت را به آخر برسانیم. (۴۸۸)

۵۸/۳/۸

* * *

باید در این وقتی که از همه اوقات برای ایران حساستر است، علمای ایران - وفقهم الله - و سایر اقشار، جوانان محترم، دانشگاهها، دانشجوها، طلاب علوم دینی، بازاریها، سایر اقشار، دهقان، کارگر، توجه داشته باشند به اینکه شیاطین در کمینند. و اگر خدای نخواست غفلت بشود و این ریشه های پوسیده باز رشد کنند بین جامعه، زحمتها هدر می رود. (۴۸۹)

۵۸/۳/۸

* * *

همه اقشار ملت خصوصاً آنهایی که در رأس کار هستند، خصوصاً روحانیینی که در رأس کار هستند، اینها جدیت کنند به اینکه نبادا خدای نخواست چهره جمهوری اسلام به طور قبیح بین مردم وجود پیدا کند... وقتی که دولت طاغوتی رفت، مردم توقع دولت اسلامی دارند. مردم توقع دارند که حالا که نمی توانید همه کارها را یکدفعه اصلاح کنید، لکن اینهایی که در رأس کار هستند جوری نباشد که اسلام را هم مثل یک دولت طاغوتی ما عرضه نکنیم. اگر

غفلت از رشد
ریشه های پوسیده
شیاطین

مسامحه و تخطی
در امور

ما مسامحه کنیم در امور، یا تخطی کنیم از آن مشیی که اسلام و حکومت‌های اسلامی دارد، این اسباب این می‌شود که اسلام را ما در نظر عالم، در نظر غیر، در نظر جوانهای بی‌اطلاع از اسلام، قشرهایی که اسلام را درست اطلاع بر آن ندارند، در نظر اینها یک صورت طاغوتی به آن داده بشود. این شکست است که تا آخر اسلام را به شکست می‌رساند. (۴۹۰)

۵۸/۳/۸

* * *

من می‌بینم که رو به سستی داریم می‌رویم. و این لازمه هر پیروزی است. وقتی عقیده شد که پیروز است، سست می‌شود، لکن ما پیروز نشدیم باز؛ سست نشوید. ریشه‌های گندیده رژیم و اجانب در مملکت ما هست؛ و در هر گوشه و کنار هست؛ اگر سستی کنید، این ریشه‌ها با هم مجتمع خواهند شد. و اگر مجتمع بشوند خطر دارد. باید این نهضت حفظ بشود، این وحدت کلمه حفظ بشود، برنگردید، ملت ما برنگردند سراغ اینکه خانه ندارند؛ سراغ اینکه کاشانه ندارند؛ شما پیروز بشوید، همه چیز دارید؛ لکن پیروز نشدیم ما. (۴۹۱)

۵۸/۳/۲۵

* * *

غالباً در هر انقلابی وقتی که یک پیروزی حاصل شد، آن وقت مردم متوجه به گرفتاریهای خودشان می‌شوند. قبل از پیروزی توجه دارند به اینکه برسند به پیروزی؛ وقتی فهمیدند حالا پیروز شدند، یک سستی پیدا می‌شود؛ توجه به گرفتاریها زیاد می‌شود؛

سستی بعد از
پیروزی و خطر
ریشه‌های گندیده
رژیم و اجانب

نظیر اینکه یک قافله‌ای وقتی که از این منزل می‌خواهد به یک منزل دیگری برود، مثلاً چهار فرسخ - آن وقت قوافل سابق؛ تا توی راه بودند خستگی نبود. همچو که می‌رسیدند به منزل، آنجا خستگی حاصل می‌شد. خستگی توی منزل حاصل می‌شود. آن وقت دیگر اگر به آنها می‌گفتند که پاشوید یک نیم فرسخ دیگر بروید نمی‌توانستند، آنجا چون رسیدند به منزل، سستی می‌کنند. قضیه انقلابات هم اینطوری است که وقتی که همه داریم با هم حرکت می‌کنیم که آن سد را بشکنیم، خسته نمی‌شویم؛ سستی پیدا نمی‌شود؛ هر چه جلو می‌رویم قویتر می‌شویم. وقتی که رسیدیم به یک جایی که سد را شکستیم و اعتقادمان این شد که الحمدلله پیروز شدیم، آن وقت برمی‌گردیم سراغ اینکه زاغه‌نشینان وضعشان چه جوری است؛ اداره‌ایها وضعشان چه جوری است؛ ارتشیها وضعشان چه جوری است؛ مردم کوچه و بازار را باید چه کرد؛ مدارس را باید چه کرد. اینها برای این است که ما خودمان را پیروز فرض کردیم، حالا برمی‌گردیم به مسائل خودمان. اما اگر ما همین معنا را درست دقت کنیم، پیروزی ما در آن وقتی است که آن مسائل اصلی ما لااقل درست تحقق پیدا بکند. از مسائل اصلی ما یکی اش تحقق پیدا کرده و آن رفراندم برای جمهوری اسلامی است؛ اما قانون اساسی که اساس یک مملکت است و بعد هم مجلس شورا که باید باشد در یک مملکتی، رئیس جمهور باید باشد، این مراحل باز برایمان مانده است. اگر بنا باشد که ما حالا به خیال خودمان پیروز شده باشیم، آن وقت من که طلبه هستم بروم سراغ طلبگی خودم، و شما آقایان هم بروید هر کدام سراغ کارهای خودتان، گرفتاریهای خودتان؛ این مسائل اصلی ممکن است یکوقت خلل به آن وارد بشود و

ایجاد خلأ در
تحقق مسائل
اصلی

خطرناک است. (۴۹۲)

۵۸/۳/۲۸

* * *

لازمه هر انقلابی، که شاید قابل اجتناب نباشد، این است که بعد از پیروزی، یا بعد از اعتقاد به پیروزی، این مسائل شخصی پیش می‌آید. مادامی که در حال انقلاب هست یک ملتی - هر ملتی باشد- در حال انقلاب است، مسائل شخصی و مسائل گروهی پیششان مطرح نیست؛ همه اجتماعاً رو به مقصد می‌روند. چنانکه در انقلاب ایران ملاحظه کردید که همه قشرهای ملت مسائل شخصی و مسائل حزبی و گروهی خودشان را کنار گذاشته بودند، و رو به یک مقصد می‌رفتند. حتی آن گروههایی که موافق با نهضت هم نبودند آنها هم سکوت می‌کردند، طرح نمی‌کردند مخالفت را؛ برای اینکه می‌دیدند مقابل ملت نمی‌توانند عرض وجود بکنند. لکن بعد از اینکه این پیروزی تا همین حد حاصل شد و مردم دریافتند که حریف را از میدان بیرون کرده‌اند، آن هم یک همچو حریف قدرتمند و ریشه‌داری که رژیم ۲۵۰۰ سال بود، بعد که مردم احساس پیروزی کردند، مثل اینکه ۳۵ میلیون جمعیت را از زندان بیرون کرده باشند، اینها از اختناق و از زورها و چپاولگرها و اینها یکدفعه زدند بیرون؛ و بعد از اینکه خودشان را پیروز دیدند، این معنایی که لازمه انقلاب است، در ایران هم حاصل شد و آن اینکه بعد از انقلاب توجه می‌شود به خواسته‌های شخصی. در حال انقلاب اصلاً صحبت مسکن هیچ مطرح نبود که مسکن کی دارد، کی ندارد؛ حتی آن زاغه‌نشینها هم - آنطوری که یکوقت نشان دادند - آنها هم در مصاحبه گفت یکی‌شان که ما صبح که می‌شود

طرح خواسته‌های
شخصی و گروهی
بعد از انقلاب

همه‌مان با هم می‌رویم برای تظاهر. اصلاً مطرح نبود که کسی مسکن دارد یا ندارد؛ کسی فلان احتیاج را دارد؛ فلان کس حقوقش کم است، زیاد است؛ این حرفها اصلش در حال انقلاب مطرح نیست. و در ایران هم دیدید که نبود.

اما مع‌الأسف در ایران قبل از اینکه ما به پیروزی نهایی برسیم، این پیروزی نیمرس اسباب این معنا شد که مردم [و] گروهها متوجه به مسائل شخصیه شدند و توجه به آن نابسامانیهایی که در رژیم گذشته باقی گذاشته بود و آن گرفتاریهایی که برای همه قشرها بود و از ارث همان رژیم سابق بود، این توجه یک جهت شد که مردم از آن وحدت کلمه و از آن توجه خاصی که همه با هم داشتند بیرون آمدند. (۴۹۳)

۵۸/۴/۱۱

* * *

بیماریهای بعد از انقلاب؛ مضر است. و آن توجه کردن به اینکه حالا من چه باید داشته باشم ندارم؛ مثلاً من باید مقام چه باشد نیست. (۴۹۴)

بیماریهای بعد از
انقلاب

۵۸/۸/۳

* * *

الآن دستهایی، قلمهایی، زبانهایی در کار است که ملت ما را مأیوس کند. اشکالاتی می‌تراشند و نقل می‌کنند و می‌نویسند و می‌گویند؛ همه‌اش برای این است که روح یأس در شما، در جوانهای ما، در قشرهای ملت ما ایجاد کنند. اگر روح یأس پیدا بشود در یک جامعه‌ای، آن جامعه سست می‌شود و اگر

مأیوس شدن از
انقلاب

سست شد، نمی‌تواند به پیروزی برسد. آنها هم چون به حسب شناخت روانشناسی خودشان به اینجا رسیده‌اند که باید این ملت را مأیوس کرد، هر چه بشود، هی می‌گویند هیچ نشد. همین که تبلیغات و بوقهای تبلیغاتی شان درصدد این است که بگویند خوب، انقلاب شد و هیچ کاری نشد. این برای این است که شما را از این انقلاب مأیوس کنند. (۴۹۵)

۵۸/۸/۱۲

* * *

دستهای خائن از راه نفاق‌افکنی، خلل می‌خواهند وارد کنند بر نهضت ما. از راه اینکه یک دسته‌ای را در مقابل دسته دیگر قرار بدهد. اغفال کند یک دسته از جوانها، یک دسته از روستاییهایی که دل صاف دارند. قلوب الهی صاف دارند. از آنها استفاده کنند و بر ضد شما جوانها که پاسدار اسلام هستید و برای اسلام قیام کردید و برای اسلام این مشقتها را متحمل شدید، آنها را می‌خواهند در مقابل شما قرار بدهند و نگذارند این مسائلی که الآن ما مبتلا به آن هستیم به پیش برود. (۴۹۶)

۵۸/۹/۳۰

* * *

حریفهای ما که کارکشته و کار کرده و مطالعه کرده هستند، اینها مطالعه کردند که باید در این وقتی که یک همچو انقلابی با دست خود ملت پیش آمده است، کودتا نبوده است که اختیارش را بشود یک کسی بگیرد، و آن تحت نفوذ دیگری باشد، با دست همین ملت بوده است، و یک ملت را نمی‌شود مهار کرد، باید چه بکنند،

نفاق افکنی و اغفال
جوانان

ایجاد نفاق و
اختلاف در انقلاب
و انجام کودتا

تا اینکه این انقلاب را نگذارند به ثمر برسد. باید خود انقلاب را از باطن داخل خودش فاسد کنند.

فعالیت الآن در این جهت است که می‌خواهند که این انقلاب را در خودش ایجاد نفاق و اختلاف کنند و مدفونش کنند، و پس از اینکه خود انقلاب مدفون شد، بیایند و یک نفری که خودشان تعیین می‌کنند، یک کودتایی، یک بساطی درست کنند و همان مسائل سابق را پیش بیاورند. (۴۹۷)

۵۸/۱۰/۶

* * *

و یکی از مسائل دیگری هم که باز شیاطین دارند دنبال می‌کنند و ما باید توجه داشته باشیم این است که کارهایی که انجام می‌گیرد، چه از دولت و چه از ملت، چه از پاسدارها و چه از کمیته‌ها، چه از دادگاهها و چه از نظامیها، از هر طایفه‌ای که انجام می‌گیرد، توجه داشته باشند که روی موازین اسلام انجام بگیرد. ما انقلاب که کردیم، انقلاب از تقریباً رژیم طاغوت و کفر به رژیم اسلام و عدل است. نباید به اسم انقلاب، ما کار خلاف انقلابی بکنیم...

... نباشد آنطوری که اسم اسلام را رویش بگذاریم و در واقع طاغوت باشد. یک وقتی ما توجه به این نکنیم که ما از طاغوت سردرآوردیم با اسم اسلام، خوب، آنها طاغوت بودند و اسم اسلام هم تو کار نبود. ما می‌گوییم اسلام، لکن یک وقت سر از طاغوت درآوریم. طغیان بکنیم به مردم. پاسدار مردم را اذیت کند. پاسبان مردم را اذیت کند. دادگاهها برخلاف حکم بکنند. باید همه چیز اسلامی بشود.

اگر همه چیز اسلامی بشود، یک جامعه‌ای پیدا می‌شود

طغیان نسبت به
مردم و ایجاد هرج
و مرج در جامعه

غیرقابل فساد. آسیب دیگر نمی‌بیند آن جامعه. و اگر بنا باشد که باز یک جامعه هرج و مرجی باشد آسیب‌بردار هست. (۴۹۸)

۵۸/۱۰/۱۱

* * *

چنانچه از اسلامیتش بیرون رفت، هر کس یک راهی دارد، راهها مختلف خواهد شد، وقتی راهها معوج و مختلف شد آسیب می‌بینند. (۴۹۹)

۵۹/۴/۱

* * *

بعد از اینکه شما پیروز شدید و ملت پیروز شد، دستجات مختلفی که می‌خواستند بهره‌برداری بکنند و با شماها یک راه را نداشتند شروع کردند به اظهار وجود کردن؛ و گاهی هم پیروزی را به خودشان نسبت دادند.

اینکه گفته شده است، بعضی از اشخاص و بعضی از علمای جامعه‌شناسی گفته‌اند که اگر پیروز شدند یک ملتی؛ متحد می‌شوند، و اگر شکست خوردند؛ مختلف می‌شوند. این مخالف آن چیزهایی است که ما در عین می‌بینیم. بلکه علم اقتضای این را می‌کند که بعد از اینکه یک ملتی پیروز هم شدند، به واسطه اینکه قشرهای مختلف مقاصد مختلف دارند، بعد از پیروزی شروع به مخالفت می‌کنند. ما دیدیم این معنا را که بعد از اینکه ملت ایران پیروز شد، آن جبهه‌ها و آن گروههایی که در آن وقت مخالفتی نمی‌کردند بعد از پیروزی، برای بهره‌داری و برای اینکه این مسئله معجزه‌آمیز را هرکدام به خودشان نسبت بدهند، آنها به

انشعاب و انحراف
از اسلامیت نهضت

اختلاف در
بهره‌برداری افشار
و گروههای مختلف
از پیروزی

مخالفت برخاستند. (۵۰۰)

۵۹/۱۱/۲۴

* * *

و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم، خودنمایی کرده؛ از آن وقت باید جلوی آنها را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلوی آنها را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکنند، خود مردم باید جلوی آنها را بگیرند؛ اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند؛ یعنی، حفظ کنند از اینکه - خدای نخواست - یک وقت قدمی از آن ور برندارند. این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هر کس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مهذب کند. (۵۰۱)

قدرت طلبی و
مال طلبی

۶۰/۱۱/۱۹

* * *

مبادا پیروزیها شما را مغرور کند و از کمکهای غیبی غافل نماید که غرور و غفلت انسان را به تباهی می کشد و بی تردید از قدرت نظامی می کاهد. و پس از اتکال به خداوند، به قدرت خود که از اوست اعتماد و اتکال داشته باشید.

غرور و غفلت و
تزلزل در انسجام و
وحدت

می‌دانید که پیروزیها در اثر انسجام تمام قوای مسلح با نقشه واحد و فکر واحد نصیب شما شد. باید این انسجامها و این وحدت حفظ شود که تزلزل در این امر الهی از بزرگترین اسباب فُشل و خدای ناخواسته شکست است. (۵۰۲)

۶۱/۱/۲۹

* * *

لازم است در این زمان که کشور اسلامی ما مبتلا به جنگ تحمیلی است به قوای مسلح و رزمندگان عزیز، این مدافعان اسلام بزرگ و کشور عزیز، و سایر متصدیان امور نظامی و انتظامی و امنیتی تذکر دهم که همان‌طور که تاکنون مشاهده و لمس کرده‌اید با وحدت و انسجام شماست که پیروزی در مرزها و در داخل کشور نصیب شما و ملت بزرگ ایران شده است، کوچکترین غفلت از این امر و بالاتر از آن، خدای ناخواسته غفلت از یاد خداوند تعالی موجب سستی و تزلزل خواهد شد و زحمات چندین ساله‌تان و خون شهیدان عزیزمان به باد فنا خواهد رفت. توجه به معنویت و تکلیف الهی و یاد خداوند باعث می‌شود که این وحدت محفوظ و این برادری برقرار ماند. خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود و آن تحول روحانی عظیم که در شما پیدا شده است از دستتان برود، و شیطان نفس اماره شما را به دام کشد. (۵۰۳)

غفلت از یاد خدا و
غرور و سرکشی

۶۲/۱/۱۲

* * *

یک قصه هم قصه بعضی ائمه جمعه و بعضی از علمای بلاد است

که با دخالت‌های بی‌مورد خود در امور دولت، اسباب این می‌شوند که مردم از آنها کنار گیرند. اگر مردم از روحانیون کنار گیرند، موجب می‌شود که روحانیون شکست بخورند، و اگر روحانیون شکست بخورند، جمهوری اسلامی شکست می‌خورد. این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند. کاری نباید بکنیم که مردم بگویند اینها دستشان به جایی نمی‌رسید، حالا که رسید دیدید این طور شدند. استبداد دینی خود تهمتی است که از کنارش نباید گذشت. رادیوها مرتب از آن سخن می‌گویند و ما را به خودکامگی متهم می‌کنند. روحانیون نباید کاری کنند که شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما باید نهی از منکر و امر به معروف باشد. (۵۰۴)

۶۳/۶/۱۱

* * *

شما یک حکومت طاغوتی را برداشتید و به جای او یک حکومت اسلامی گذاشتید. شمایی که این کار را کردید باید دنبالش باشید تا نگهش دارید، نمی‌شود که انسان یک کاری بکند و نیمه‌کاره رهاش کند. امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما و همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم، خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم، خلاف مصالح اسلام بکنیم، به این امانت خیانت کردیم، و در پیشگاه مقدس حق تعالی مجرم و خائن هستیم. خیانت همه اش این نیست که منافقین می‌کنند، آنها هم یک قسمش است. خیانت آن نیست که صدام می‌کند، آن هم یک قسمش است. آنهایی که در داخل با اسم‌های مختلف ضربه می‌خواهند بزنند به اسلام و با اسم امور مختلفه‌ای به حکومت

استبداد و

خودکامگی

ترجیح مصالح
شخصی بر مصالح
اسلام!

اسلامی می‌خواهند ضربه بزنند، اینها هم خیانت کردند. گاهی خیانت اینها راه را باز می‌کند برای این که آنهایی که مثل صدام و منافقین هستند راهشان باز بشود و خیانت بالاتر را بکنند. ما که می‌گوییم که مسلمان هستیم، شیعه علی بن ابی طالب هستیم، باید ببینیم که شیوه علی بن ابیطالب چی بود. همین علی بن ابیطالب که رسول خدا او را به جای خودش نصب کرد، بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد با اشخاصی که به عقیده او غاصب مقام بودند، برای این که مصالح اسلام اقتضا می‌کرد. اگر حضرت آن وقت می‌خواست معارضة بکند، اسلام در خطر بود. مایی که می‌گوییم مسلمان هستیم، باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم، نه مصالح شخصی خودمان را. باید ببینیم که امروز ضربه زدن به مجلس شورای اسلامی، ضربه زدن به شورای نگهبان، ضربه زدن به رئیس جمهور، ضربه زدن به دولت اسلامی، این می‌سازد با شیعه بودن با علی بن ابیطالب؟ (۵۰۵)

۶۳/۶/۲۳

* * *

مسئولین صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه‌های بی‌اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری آنان هستند جایگزین کنند. البته باید از متخصصان متعهد یا لاقفل غیر معاند استفاده شود، لکن نه به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب. (۵۰۶)

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

کنار گذاشتن
صاحبان اصلی
انقلاب

بهوش باشید که موریانه‌های موزی، این ایادی استکبار جهانی در صدد رخنه کردن در صفوف شما هستند. دستهای وحدت را به هم دهید و بازو به بازوی هم یکدل و یک جهت این هدیه الهی را، که پس از قرون متمادی به شما عطا فرموده قدردانی و حفظ کنید و از نقصها و کمبودها که لازمه هر انقلابی است و در انقلاب شما به برکت اسلامی و مردمی بودن از همه کمتر است، به خود سستی راه ندهید، که با خواست خداوند منان با پیروزی شما همه چیز اصلاح می‌شود. (۵۰۷)

رنه موریانه‌های
موزی

۶۳/۱۱/۲۲

* * *

اگر بتوانند^(۱) با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خود فروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی دینها را که کشتن روحانیون و افراد بیگانه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذیها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده اندیشان موجه می‌زنند. (۵۰۸)

ساده اندیشان موجه
ابزاری برای
مقاصد شوم
نفوذیها

۶۸/۱/۲

* * *

فهارس

□ فهرست تفصیلی

□ فهرست مأخذ

□ فهرست منابع

فهرست تفصیلی

صفحه

عنوان

بخش اول: تحول در نظام اجتماعی (نظام شاهنشاهی)

۳	فصل اول: زمینه‌ها و علل تغییر و تحول
۳	الف) آسیبهای موجود در جامعه
۳	به خطر افتادن دین و دنیا
۳	تأسف از وضع خراب مملکت
۳	تفرقه و تبعیض نژادی
۴	پیامدهای سوء تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون
۵	دوری از تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن کریم
۵	بسیج استعمار در ایجاد تفرقه
۶	خطر روحانی نماها
۶	شکاف بین دولت و ملت
۷	فرهنگ استعماری
۷	عملکرد سوء شاه
۷	مفاسد رژیم شاهنشاهی
۸	وابستگی فرهنگی

- ۸..... انحراف مردم از اسلام توسط مکتبهای ساختگی
- ۸..... احزاب و اختلافات
- ۹..... نقشه عقب‌نگه‌داشتن ملت و جدایی از دین
- ۱۰..... رواج فساد و فحشا
- ۱۰..... مفاسد هیأت حاکمه
- ۱۰..... آشفته‌گی مملکت
- ۱۱..... محرومیت از آزادی و استقلال
- ۱۱..... خیانت و جنایت در رژیم پهلوی
- ۱۱..... فقدان پایگاه ملی، عامل سقوط رژیم شاه
- ۱۲..... خستگی مردم از وابستگی
- ۱۲..... عدم تفاهم بین ملت و رژیم
- ۱۳..... عدم رشد و ترقی نیروی انسانی در مراکز تحصیل
- ۱۳..... ضررهای بیشمار روشنفکران غربزده و شرقزده
- ۱۳..... به جان آمدن ملت از فساد
- ۱۴..... فرار از اسارت و رهایی از بردگی
- ۱۴..... **ب) ظلم و اختناق**
- ۱۴..... اختناق موجب عصبانیت ملت
- ۱۴..... قطع ریشه‌های فساد و ظلم
- ۱۵..... رابطه بی‌عدالتی و رشد قوه مقاومت در ملت
- ۱۵..... قیام همگانی در قبال ظلم و بیدادگری
- ۱۶..... شورش و قهر و فشار مقدمه انفجار عظیم
- ۱۶..... به تنگ آمدن مردم از خیانت
- ۱۷..... به جان آمدن مردم از اختناق و قیام برای مطالبه حقوق اولیه
- ۱۷..... نارضایتی مردم از اختناق
- ۱۷..... اختناق و فشار بیش از حد شاه

- ۱۸.....اختناق موجب انفجار.....
- ۱۸.....رهایی از ظلم و اختناق با وحدت.....
- ۱۸.....زیادی ظلم و اختناق موجب انفجار و پیروزی.....
- ۱۹.....آزادی مردم از اختناق.....
- ۱۹.....قیام مستضعفان در مقابل ظالمان.....
- ۱۹.....یاری مظلوم، دشمنی با ظالم.....
- ۲۰.....ج) نارضایتی گروه‌های اجتماعی و افکار عمومی.....
- ۲۰.....نارضایتی از اداره مملکت.....
- ۲۱.....رفتار خلاف مسیر ملت موجب نارضایتی.....
- ۲۲.....منجر شدن نارضایتیها و عقده‌ها به انفجار.....
- ۲۳.....هیچ انگاشتن ملت موجب شکست رژیم.....
- ۲۳.....د) بیداری و حضور آگاهانه مردم.....
- ۲۳.....نقش حج در بیداری ملل اسلامی.....
- ۲۴.....مخالفت هوشیارانه ملت طلیعه آزادی.....
- ۲۴.....امید بخش بودن آگاهی و بیداری.....
- ۲۴.....نوید پیروزی با بیداری و هوشیاری ملت.....
- ۲۵.....ناتوانی قدرتها در برابر بیداری ملت.....
- ۲۵.....عدم توانایی چماقهای شاهانه در برابر بیداری ملت.....
- ۲۶.....توجه ممالک اسلامی به حقیقت تلخ!.....
- ۲۶.....گرفتن حق با بیداری و ایستادگی.....
- ۲۶.....آگاهی و بیداری مقدمه مبارزه و قیام.....
- ۲۷.....حضور ملت موجب تداوم نهضت.....
- ۲۷.....آگاهی و هوشیاری موجب خنثی شدن توطئه‌ها.....
- ۲۷.....تحولات روحی و فکری مایه امیدواری نهضت.....
- ۲۸.....بیداری مستضعفین موجب پیروزی.....

۲۸ بیداری و اراده مقدمه قیام
۳۰ حضور در صحنه، رمز پیروزی
۳۱ نقش تعلیمات اجتماعی اسلام در بیداری و ایجاد تحول
۳۱ (ه) ایمان، قدرت معنوی و مشیت الهی
۳۱ نقش قدرت ایمان در گسترش اسلام
۳۲ غلبه قدرت ایمان بر دیگر قدرتها
۳۲ قدرت معنوی ملت عامل پیروزی
۳۳ نقش قدرت ایمان در شکست دو امپراتوری بزرگ
۳۴ اراده مقلّب القلوب در ایجاد تحول روحی
۳۴ غلبه معنویت بر مادیت
۳۵ عنایات غیبی حق تعالی عامل قدرتمندی و تحول
۳۶ عنایت خاص خداوند به جوانان
۳۶ تحول در ملت ایران به عنایت خداوند
۳۶ (و) عمل به تکلیف در پرتو مکتب و ایدئولوژی
۳۶ سکوت مرگبار مسلمین
۳۷ عمل به تکلیف در مسلمانان مانع تعدی دولتها
۳۸ نهضت اصیل ملت ایران یک وظیفه شرعی و الهی
۳۸ تکلیف استنکار در قیام و نهضت
۳۹ سعادت انسان در گرو اطاعت از قوانین الهی
۴۰ عمل به تکلیف شرعی در برابر تحریف
۴۲ مکتب اسلام، محور پیروزی
۴۳ تکلیف انسانی در مبارزه با ستمگران و برپایی حکومت مستضعفان
۴۵ فصل دوم: راهها و روشهای تغییر
۴۵ الف) افشاگری و بیداری توده‌ها با تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر

- ۴۵..... اظهار مخالفت با بدعت، ظلم و گناه.....
- ۴۶..... نقش تبلیغات و تعلیمات در ایجاد جریان اجتماعی.....
- ۴۷..... جدّیت در معرفی اسلام.....
- ۴۷..... مبارزه با مفسد با منطق قوی اسلامی.....
- ۴۸..... ارشاد یک وظیفه است و سکوت استقبال از مرگ سیاه.....
- ۴۸..... اهمیت دادن به مراسم و شعائر مذهبی.....
- ۴۹..... معرفی قوانین مترقی اسلام.....
- ۵۰..... «تبلیغ» سیره انبیا و ائمه در مقابله و مبارزه.....
- ۵۰..... برملا نمودن نقشه‌های شوم استعمارگران.....
- ۵۱..... شکستن سد [محمد رضا شاه] با قلم و بیان.....
- ۵۱..... تکلیف گویندگان و نویسندگان در همراهی با قیام.....
- ۵۲..... ارزش و تأثیر تبلیغات در طرح خواسته‌ها و رسیدن به آن.....
- ۵۵..... خطابه، راه بیداری ملت‌ها.....
- ۵۵..... دعوت به همراهی در نهضت.....
- ۵۶..... امر به معروف و نهی از منکر در مقابل سلطان جائر.....
- ۵۶..... افشاگری رسالت نویسندگان.....
- ۵۷..... نقش تبلیغات برون مرزی در ایجاد موج.....
- ۵۸..... مصاحبه مطبوعاتی جهت افشای حقایق.....
- ۵۹..... روشنگری و مقابله تبلیغاتی.....
- ۵۹..... ایجاد موج و تکرار در مطالبه حق.....
- ۶۰..... افشاگری موجب تحول فکری و اشتراک در هدف.....
- ۶۰..... افشای خیانت‌های رژیم.....
- ۶۲..... نصیحت‌پذیری عامل آرامش.....
- ۶۳..... تدریجی بودن دعوت و قیام بر ضد طاغوت.....
- ۶۳..... اصلاح همه چیز با دو اصل امر به معروف و نهی از منکر.....

- اصلاح جامعه ۶۴
- لزوم بیداری و احساس تکلیف ۶۴
- بسیج ملتهای مظلوم ۶۴
- مراحل مختلف مبارزه با ظلم ۶۵
- ایجاد زمینه گرایش به خیر و گریز از شر ۶۶
- لزوم قیام همه جانبه ۶۸
- ضرورت بیداری ملتها در برابر اقلیت ظالم ۶۸
- ب: کنشهای تاریخی و رفتار جمعی** ۶۹
- ۱. تظاهرات** ۶۹
- حل مسائل با تظاهرات ۶۹
- سرنگونی رژیم بدون جنش مسلحانه ۶۹
- تظاهرات یک فرماندوم علیه شاه ۷۰
- نظم و آرامش در تظاهرات همراه با شعارهای اسلامی ۷۰
- ۲. اعتصابات** ۷۱
- اعتصاب در برابر صحنه سازیهای مبتذل و اغفال کننده ۷۱
- لزوم پشتکاری در اعتصاب برای رسیدن به حقوق حقه ۷۱
- اعتصاب سراسری ۷۲
- نهضت به شیوه اعتصاب ۷۲
- مقصد و انگیزه اعتصاب ۷۳
- ثمربخش بودن اعتصابات ۷۳
- نقش اعتصابات در پیشبرد هدف ۷۴
- ۳. مخالفت و اعتراض دسته جمعی** ۷۴
- تکلیف در اعتراض ۷۴
- ایستادگی و مقابله انبیا و علما در برابر جنایتکاران ۷۵
- اعتراض همگانی ۷۶

۷۶	سازش ناپذیری ملت و تجلیل از نغمه ضد شاهی
۷۷	۴. تولی و تبری
۷۷	تولی و تبری دو اصل اساسی اسلام
۷۸	اظهار انزجار نسبت به حکومت سلطنتی
۷۸	لزوم اجتناب مردم از اعانت به دولت غیرقانونی
۷۹	اعانت به دولت غاصب موجب غضب الهی
۷۹	برائت ملل اسلامی از متجاوزین به حقوق مظلومان
۸۰	ج) قیام مسلحانه (جهاد فی سبیل الله)
۸۰	نهضت ۱۵ خرداد به پیروی از نهضت مقدس حسینی
۸۰	امکان مبارزه به شیوه مسلحانه
۸۱	نجات ملت با خون و قیام
۸۲	امکان قیام مسلحانه ملی
۸۲	جواز قیام مسلحانه
۸۳	مشارکت اقشار در قیام مسلحانه
۸۳	امکان جنگ مسلحانه در صورت ادامه جنایات
۸۴	عدم مسامحه نسبت به کفار

فصل سوم: شروط لازم در روند انقلاب و تحولات

۸۵	الف) تهذیب نفس و کوشش برای خدا
۸۵	پرهیز از هواهای نفسانی شرط پیروزی
۸۵	دست برداشتن از خودپرستی و خودخواهی
۸۶	قیام برای خدا نه شهوات نفسانیه
۸۶	شکوفایی انسانیت در قیام برای خدا
۸۶	تقیه در فروع است نه در اصول
۸۷	مطرح نبودن مادیات

- ۸۷..... علائم غیبی و تأییدات الهی دلیل لله بودن نهضت
- ۸۸..... الهی بودن انگیزه
- ۸۸..... ب) وحدت کلمه و نظم و انسجام در بسیج نیروها، منابع و امکانات
- ۸۸..... حبل الله محور نجات بشر
- ۸۹..... اختلال انتحار مسلمین
- ۸۹..... انسجام در هدف
- ۸۹..... وحدت کلمه
- ۹۰..... حفظ نظم
- ۹۰..... تفرقه موجب شکست
- ۹۲..... صف واحد و بنیان مرصوص
- ۹۲..... تداوم مبارزه با وحدت کلمه
- ۹۲..... حفظ نظم و نهضت و آبادانی کشور
- ۹۳..... کنار گذاشتن افکار متشتت
- ۹۳..... همکاری متقابل دولت و ملت
- ۹۴..... پیروزی با وحدت کلمه
- ۹۴..... همبستگی ملت
- ۹۵..... همت اقشار و اجتماع قوا
- ۹۵..... بسیج عمومی
- ۹۶..... معنای صحیح جامعه توحیدی
- ۹۷..... تعهد به اسلام و وحدت کلمه
- ۹۷..... مودت و اخوت
- ۹۸..... ج) استقامت و تداوم مبارزه
- ۹۸..... فداکاری و تحمل مصایب و ناملایمات
- ۹۹..... نتیجه بخش بودن مقاومت و ایستادگی
- ۱۰۰..... اراده آهنین ملت

۱۰۰	شکست‌ناپذیری ملت
۱۰۰	ادامهٔ نهضت تا روی کارآمدن هیأت حاکمهٔ صحیح
۱۰۱	استمرار مبارزات مثبت و منفی
۱۰۱	قیامهای مکرر و طولانی در راه خدا موجب استوار شدن انسان
۱۰۱	غفلت موجب شکست نهضت و سرکوبی ملت
۱۰۲	زنده نگهداشتن نهضت
۱۰۳	ادامهٔ اعتصابات و تظاهرات
۱۰۳	غلبه بر مشکلات با فداکاری و استقامت
۱۰۳	پافشاری ملت
۱۰۳	ادامهٔ نهضت تا اصلاح آشفته‌گی در مملکت
۱۰۴	عدم سستی تا قطع ریشه‌ها
۱۰۴	استقامت عامل پیروزی و حفظ قیام
۱۰۵	نهضت نارس و توطئه‌های شیاطین
۱۰۶	جدّیت و تحمل زحمات در جهت تحقق اسلام
۱۰۶	تداوم قیام تا آخرین مرحله
۱۰۷	ادامه راه با قوهٔ ایمانی
۱۰۷	حفظ نهضت شرط پیروزی
۱۰۷	ادامهٔ مراحل با حفظ نهضت
۱۰۸	تحول تدریجی در انقلاب
۱۰۸	اهمیت ویژه در استقامت و صبر انقلابی

فصل چهارم: اهداف

۱۰۹	الف) استقلال، آزادی و رهایی از اختناق نجات کشور
۱۰۹	آزادی و استقلال در ادارهٔ مملکت
۱۱۰	فریاد ملت، آزادی و استقلال

- ۱۱۰..... آزادی و استقلال امت
- ۱۱۱..... استقلال و آزادی در سایه حکومت عدل اسلامی
- ۱۱۱..... بیرون آمدن از اسارت
- ۱۱۲..... هدف و برنامه نهضت
- ۱۱۲..... تز آزادی و استقلال
- ۱۱۲..... نجات از ظلم برای زندگی انسانی
- ۱۱۳..... مملکت آزاد و مستقل
- ۱۱۳..... استقلال و آزادی از حقوق اولیه بشر
- ۱۱۴..... آزادی مطبوعات و تبلیغات
- ۱۱۴..... ارزش آزادی و استقلال
- ۱۱۵..... حکومت امین
- ۱۱۵..... رهایی از قید بند بیگانگان ضامن استقلال و آزادی کشور
- ۱۱۶..... قیام ملت برای آزادی، استقلال و حکومت عدل
- ۱۱۷..... بازگرداندن استقلال و آزادی به وطن
- ۱۱۷..... طرح ریزی سیاستها بر پایه استقلال و آزادی
- ۱۱۷..... از بین بردن اختناق
- ۱۱۸..... استقلال و آزادی خواسته همه عالم
- ۱۱۸..... عدم اختناق و حق تعیین سرنوشت
- ۱۱۹..... **ب) استحالة ارزشها و ایدئولوژی**
- ۱۱۹..... پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام
- ۱۱۹..... ممانعت از مخدرات جامعه
- ۱۱۹..... ریشه کنی انگیزه‌های فساد
- ۱۱۹..... شکوفایی حالات نفسانی و انسانیت
- ۱۲۰..... زدودن تمام اخلاق فاسده غربی
- ۱۲۰..... تحقق اسلام در محتوا

- ۱۲۱..... پیدایش روح انسانیت در نهضت الهی
- ۱۲۲..... اسلامی شدن همه چیز در عمل
- ۱۲۲..... برجیده شدن بساط طاغوت و مظاهر فساد
- ۱۲۳..... بیرون آمدن از غربزدگی
- ۱۲۴..... تغییر براساس فطرت الهی
- ۱۲۵..... اعتلای بشر در مکتب اسلام
- ۱۲۵..... رادیو و تلویزیون در جهت مصالح کشور
- ۱۲۶..... اسلامخواهی و طاغوت زدایی
- ۱۲۷..... روحیه قوی جوانان و بازگشت به اسلام
- ۱۲۷..... انقلاب در جهت رضای حق تعالی و ارزشهای معنوی
- ۱۲۸..... دفاع مفسد و رواج فرهنگ غنی اسلامی
- ۱۲۸..... به اهتزاز درآوردن پرچم «لا اله الا الله»
- ۱۲۹..... ج) تحقق حکومت عدالت گستر اسلامی
- ۱۲۹..... فراهم نمودن زمینه برای حکومت عدل
- ۱۳۰..... مبارزه تا برپایی حکومت عدالت‌گر اسلامی
- ۱۳۰..... برقراری حکومت اسلامی
- ۱۳۰..... مسلمانان جز به حکومت اسلامی راضی نمی‌شوند
- ۱۳۱..... تغییر کامل نظام
- ۱۳۱..... سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی
- ۱۳۱..... اجرای احکام اسلام
- ۱۳۲..... تأسیس حکومت عدل اسلامی هدف نهایی
- ۱۳۴..... حکومت اسلامی مقصد اعلا
- ۱۳۴..... حکومت اسلامی خواسته ملت ایران
- ۱۳۵..... اداره صحیح جامعه با حکومت عادل
- ۱۳۵..... برقراری حکومت اسلامی یک هدف سراسری

۱۳۵	تشکیل جمهوری اسلامی
۱۳۶	تأسیس دولت اسلامی اولین قدم
۱۳۶	جمهوری متکی به رأی مردم
۱۳۶	از بین بردن طاغوتها
۱۳۷	تحقق اسلام، مقصد اصلی
۱۳۷	تغییر اصل رژیم مقدمه تحقق اسلام در همه ابعاد
۱۳۸	عدالت در احکام اسلام

فصل پنجم: عوامل تأثیرگذار (کارگزاران تغییر) ۱۳۹

۱۳۹	الف) نخبگان مذهبی - سیاسی
۱۳۹	ایستادگی روحانیت
۱۳۹	ممالک اسلامی مرهون علما و زعمای اسلام
۱۴۰	نقش علما در لغو تصویبنامه‌های غیرقانونی
۱۴۱	عمل به قوانین اسلام، خواسته روحانیت
۱۴۲	نقش مراجع در آزادی ملت
۱۴۲	تحریم حزب رستاخیز مانع پایمال شدن حقوق ملت
۱۴۳	نقش علما در نهضت‌های اخیر
۱۴۴	رهبری روحانیت در نهضت اسلامی
۱۴۴	قیام علما در مقابل ظلم
۱۴۵	ایستادگی مدرس در مقابل رضاشاه و اولتیماتوم روسیه
۱۴۶	مخالفت علما با طرح‌های شاه
۱۴۶	مخالفت با کاپیتولاسیون
۱۴۷	وظیفه شرعی علما در امامت امت
۱۴۸	نقش روحانیت در جنبش‌های تنباکو و مشروطه
۱۴۸	روشنگری علما و روحانیت

- ۱۴۹..... نجات ملت با قدرت روحانیت
- ۱۴۹..... نقش روحانیون و خطبا در بیداری مردم
- ۱۴۹..... (ب) گروهها و اقشار طبقه متوسط جامعه
- ۱۴۹..... همدستی و همزبانی همه جناحها و اقشار
- ۱۵۰..... حرکت تمام جناحها و اقشار در جهت واحد
- ۱۵۰..... سلب قدرت تفکر از دشمن
- ۱۵۱..... عدم عقب‌نشینی اقشار از موضع قاطع خود
- ۱۵۱..... کوشش همه جانبه دولت و مردم
- ۱۵۱..... نقش بانوان شجاع در پیروزی
- ۱۵۲..... آزادی و استقلال ما مرهون محرومین
- ۱۵۳..... نقش طبقه محروم و مستضعف در به ثمر رساندن انقلاب
- ۱۵۳..... جوانان حزب‌اللهی
- ۱۵۴..... نقش پابره‌نه‌ها در پیروزی نهضت
- ۱۵۴..... فقرای متدین‌گردانندگان واقعی انقلاب
- ۱۵۵..... (ج) اراده ملی
- ۱۵۵..... عدم توانایی سرنیزه در برابر خواسته ملت
- ۱۵۵..... فشار اراده آهنین ملت
- ۱۵۶..... در مقابل «نه» ملت هیچ چیز کارگر نیست
- ۱۵۶..... هدف مشترک ملت در برابر تحمیل نفوذیها
- ۱۵۶..... تغییر جهت با فشار ملت
- ۱۵۷..... حرکت در جهت خلاف خواست ملت خیانت است
- ۱۵۷..... عدم مخالفت با ملت تنها چاره شاه و ابرقدرتها
- ۱۵۷..... مردم دست بردار نیستند
- ۱۵۸..... ملت نمی‌گذارد
- ۱۵۹..... ناتوانی دولت نظامی در برابر اراده ملت

- ۱۵۹..... فروریختن پایه پوشالی شاه با فشار ملت مبارز.....
- ۱۶۰..... اظهار عجز در مقابل ملت.....
- ۱۶۰..... پیروزی با اراده ملت.....
- ۱۶۱..... خواسته ملت ایران.....
- ۱۶۱..... حاکمیتِ خواست ملت.....
- ۱۶۱..... پیشبرد کارها با اراده مصمم ملت.....
- ۱۶۲..... قیام ملتها موجب نجات.....
- ۱۶۲..... همت ملت در رفع مشکلات.....
- ۱۶۳..... عملی نبودنِ خلاف خواسته ملت.....
- ۱۶۳..... خواستن ملت، توانستن است.....
- ۱۶۳..... اراده ملی عامل عدم موفقیت ضد انقلاب.....

فصل ششم: عوامل تأثیرپذیر (تغییرکننده‌ها)..... ۱۶۵

- الف) تحول روحی - فکری در افراد..... ۱۶۵
- تحول عظیم روحی از حیث شناخت و عمل..... ۱۶۵
- مردم عوض شده‌اند..... ۱۶۶
- نهضت مقدس اسلامی باعث تحول در بین مردم..... ۱۶۷
- اسلام عامل تحول معجزه‌آسا..... ۱۶۷
- تحول روحی - معنوی..... ۱۶۸
- تحول روحی در نهضت..... ۱۶۸
- تحول همه جانبه..... ۱۶۹
- تحول از خوف به شجاعت..... ۱۶۹
- اهمیت تحولات روحی و انسانی..... ۱۷۰
- امیدواری نسبت به تحول روحی جامعه از طاغوت به اسلام..... ۱۷۰
- تغییرات بنیادی لازمه تحول فکری و روحی..... ۱۷۱

۱۷۱	پیشرفت ملت مرهون تحول در نفوس
۱۷۲	حس تعاون و خدمت
۱۷۳	بیداری و تحول فکری
۱۷۳	پشت کردن بر آمال و روی آوردن به خدا
۱۷۴	انقلاب روحی - معنوی در جوانان
۱۷۵	تحول معجزه‌آسای ملت
۱۷۶	تحول دفعی مغزهای فاسد به مغزهای نورانی انسانی اسلامی با فضل خداوند
۱۷۷	آگاهی و تحول مردم تنها راه علاج
۱۷۸	تحول انسان طاغوتی به انسان انقلابی
۱۷۹	تحول جوانان از مفاسد به معابد
۱۷۹	تحول الهی در مردم موجب شکست قدرتهای شیطانی
۱۸۰	تحول در روح و جان
۱۸۰	تحول معنوی ملت ایران الگوی تحول در دنیا
۱۸۱	ب) دگرگونی در نظام حکومتی
۱۸۱	جایگزینی تشکیلات حکومتی صالح به جای حکام خائن و فاسد
۱۸۱	جایگزینی دولت اسلامی به جای دولت مستبد
۱۸۲	حکومت عدالت
۱۸۲	معنای واقعی حکومت در اسلام
۱۸۳	برپایی حکومت مبتنی بر عدل و انصاف
۱۸۳	سقوط دولت غیرقانونی
۱۸۳	حکومت مردمی
۱۸۴	تغییر مجلس از شاهنشاهی به اسلامی
۱۸۴	تغییر اساسی در وزارتخانه‌ها و ادارات
۱۸۵	جمهوری اسلامی
۱۸۵	اسلامی بودن بازار

۱۸۶	استقرار حکومت اسلامی عامل تحول در فرهنگ
۱۸۶	لزوم تحول در فرهنگ، دولت و مردم
۱۸۶	تحقق عملی تحولات در نظام اسلامی
۱۸۷	ضرورت تحقق محتوای اسلام
۱۸۷	لزوم تغییر محتوایی رژیم
۱۸۸	تلاش جهت تحقق اسلام در جمهوری اسلامی
۱۸۸	لزوم تحول در تمام دستگاههای جمهوری اسلامی
۱۸۹	لزوم تحول توأمان در نظام و افراد
۱۸۹	مملکت اسلامی به تمام معنا
۱۹۰	تحول تدریجی از اصل به فرع
۱۹۱	بنیانگذاری جمهوری اسلامی با آزادی و آرامش
۱۹۱	اصلاح کشور در گرو اصلاح مراکز تحصیل
۱۹۱	تحول حکومت از استبداد به مردمی
۱۹۳	حاکمیت مردم اساس ادامه انقلاب

بخش دوم: انقلاب اسلامی ایران

۱۹۷	فصل اول: ویژگی و ماهیت انقلاب
۱۹۷	فراگیر بودن انقلاب یک برنامه الهی
۱۹۸	نهضت الهی و جوشیده از متن ملت
۱۹۸	هدف و ثمره نهضت مقدس
۱۹۸	حرکت ایران، حرکتی از متن جامعه
۱۹۹	تغییرات اساسی در همه ابعاد جامعه
۱۹۹	ایجاد تحول فکری و جنبش همگانی
۲۰۰	اسلامی و انسانی بودن انقلاب

فهرست تفصیلی □ ۳۰۳

۲۰۰	حفظ نظم در انقلاب اسلامی انسانی
۲۰۱	احیای اسلام در نهضت الهی ایران
۲۰۱	وحدت در مقصد
۲۰۲	قوه ایمان عامل بسیج سراسری
۲۰۲	الهی بودن نهضت عامل پیروزی
۲۰۲	اسلام، انگیزه قیام ملت
۲۰۳	قیام اسلامی با عنایت خداوند
۲۰۴	نزدیکی همه اقشار و الهی بودن مقصد
۲۰۵	جنبه الوهیت نهضت
۲۰۵	انقلاب انسانی
۲۰۶	الهی بودن مقصد
۲۰۶	آزادی مطلق در انقلاب صحیح و اسلامی
۲۰۶	نهضت تمام قشرها برای مطالبه حق
۲۰۷	بی نظیر بودن انقلاب اسلامی در عالم
۲۰۸	انقلاب بزرگ ایران متمایز از دیگر انقلابها
۲۰۹	غلبه اسلام بر کفر
۲۰۹	انسجام ملت با صدای ملکوتی
۲۱۰	انقلاب جوشیده از متن مردم با قدرت معنوی
۲۱۰	انقلاب ما انقلاب اسلامی
۲۱۱	تحول الهی در ملت
۲۱۱	عدم سرکوبی در نهضت اسلامی
۲۱۲	متفاوت بودن انقلاب اسلامی با کودتا
۲۱۲	وعدۀ پیروزی در نهضت اسلامی
۲۱۳	هماهنگی در نهضت یک موهبت الهی
۲۱۳	انقلاب مردمی و مکتبی

۲۱۴	خودجوش بودن نهضت
۲۱۵	اسلامی بودن نهضت مانع از آسیب پذیری
۲۱۵	مکتب اسلام عامل پیشبرد انقلاب
۲۱۶	مردمی بودن ویژگی مهم انقلاب
۲۱۶	اسلام و ایمان انگیزه قیام مردم
۲۱۷	قیام ملت در مقابل همه قدرتها
۲۱۷	شکست ناپذیری در انقلاب مردمی با ایده اسلامی
۲۱۸	ارزشهای انسانی و معنوی در انقلاب اسلامی
۲۱۹	انقلاب اسلامی مقدمه ظهور
۲۱۹	موج انقلاب در عالم
۲۲۰	مهارج و مرج و بی نظمی در کوتاهترین مدت
۲۲۱	ایستادگی در مقابل شرق و غرب
۲۲۲	انقلاب متکی به خود مردم
۲۲۲	اهمیت انگیزه و محتوا در انقلاب مردمی
۲۲۳	انقلاب درونی
۲۲۴	انقلاب برای نجات اسلام
۲۲۴	پرتوافکنی انقلاب در همه عالم
۲۲۵	جدایی از همه انقلابها در پیدایش، کیفیت مبارزه و انگیزه

فصل دوم: عوامل پیروزی

۲۲۷	مقاومت مردم
۲۲۷	وحدت و همبستگی بین اقشار
۲۲۸	شکوفایی ایمان و تحول در نفوس
۲۲۸	وحدت کلمه و هم پیوستگی
۲۲۸	اتکای به اسلام و عشق به شهادت

۲۲۹	اتکا به خدا و معنوی بودن نهضت
۲۳۰	ایمان رمز پیروزی
۲۳۰	عنایت خدا و قدرت معنوی
۲۳۱	تحول روحی - معنوی
۲۳۲	غلبه قوت ایمان بر جنود شیطانی
۲۳۲	وحدت کلمه و اسلامی بودن مقصد
۲۳۲	نترسیدن از مرگ
۲۳۲	اراده خدا و پیوستن همه گروهها به ملت
۲۳۳	اتکای به اسلام و وحدت کلمه
۲۳۳	اسلام رمز پیروزی
۲۳۴	الهی بودن مقصد، ایمان و وحدت
۲۳۴	اتحاد همه گروهها
۲۳۵	پیروزی مرهون تحول روحی در مردم
۲۳۵	اسلامخواهی مردم و اتحاد همه قشرها
۲۳۷	قدرت ایمان در برابر قدرت شیطان
۲۳۷	از خود گذشتن و به خدا پیوستن
۲۳۷	قیام برای خدا
۲۳۹	همراهی خداوند با قیام مردم
۲۳۹	انقلاب باطنی مردم با عنایت خداوند
۲۴۰	وحدت کلمه در انگیزه و مقصد
۲۴۱	فصل سوم: آثار و نتایج انقلاب
۲۴۱	الف) سقوط رژیم سلطنتی و استقرار نظام جمهوری اسلامی
۲۴۱	به رسمیت شناختن جمهوری اسلامی
۲۴۱	تحقق حکومت قانونی

- ۲۴۲..... خروج از ظلمات به سوی نور.....
- ۲۴۲..... حکومت اسلامی جایگزین حکومت طاغوتی.....
- ۲۴۳..... فروریختن نظام شاهنشاهی، تشکیل جمهوری اسلامی، نجات مسلمین.....
- ۲۴۳..... (ب) قطع ریشه‌های فساد و جلوگیری از نفوذ اجانب.....
- ۲۴۳..... اداره مملکت به دست خودمان.....
- ۲۴۳..... رانده شدن تمام ریشه‌های رژیم.....
- ۲۴۴..... کوتاهی دست اجانب از مملکت.....
- ۲۴۴..... تسلیم شاه در مقابل ملت.....
- ۲۴۵..... قطع ایادی ابرقدرتها.....
- ۲۴۵..... برداشتن ریشه‌های فساد از سر راه اسلام و قرآن.....
- ۲۴۶..... بیرون راندن شیطانها از حریم اسلامی.....
- ۲۴۶..... نجات یافتن از فساد و فحشا.....
- ۲۴۶..... کوتاهی دست تجاوز و انگلهای منحرف از کشور.....
- ۲۴۷..... (ج) جنبش بیداری اسلامی.....
- ۲۴۷..... طنین آوای انقلاب در دیگر کشورها.....
- ۲۴۷..... نهضت ملت، مفتاح نجات اسلام و عدالت.....
- ۲۴۸..... مطرح شدن اسلام شیعی در سطح جهان.....
- ۲۴۸..... نقش نهضت ایران در روشنگری و بیداری ملتها.....
- ۲۴۹..... به اهتزاز در آوردن بیرق اسلام در همه قطبهای زمین.....
- ۲۴۹..... پیاده نمودن احکام الهی در همه ممالک.....
- ۲۵۰..... انقلاب عمیق عمومی در مقابل جهانخواران.....
- ۲۵۰..... معرفی آفتاب فروزنده اسلام به مظلومان و مستضعفان.....
- ۲۵۱..... گسترش جنبش مستضعفان جهان علیه مستکبران.....
- ۲۵۲..... رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان.....
- ۲۵۳..... راه انداختن موج اسلام.....

۲۵۳	نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام
۲۵۳	د) همبستگی در سازندگی و شکل‌گیری جامعه مدنی اسلامی
۲۵۴	حاکمیت شایسته سالاری براساس موازین عقل و قانون
۲۵۴	رعایت حقوق مردم
۲۵۴	اجرای قوانین مترقی اسلام
۲۵۴	جامعه مترقی و پیشرو با تکیه بر اسلام
۲۵۵	نوسازی جامعه به نفع مستضعفین
۲۵۵	حکومت خدمتگزار ملت است نه آقای ملت
۲۵۶	همبستگی بین اقشار بهترین ثمره نهضت
۲۵۶	دوران سازندگی دوران بهره‌مندی محرومین
۲۵۷	کشور مال همه ملت
۲۵۷	پیاده کردن اساس اسلام با قانون اساسی
۲۵۸	کوشش همه اقشار در تأسیس نهادهای تقنینی و اجرایی
۲۵۸	تحقق اساس حکومت مرحله اصلی همبستگی
۲۵۸	جهاد سازندگی با تشریک مساعی همه اقشار
۲۵۹	قانون اساسی اساس مملکت
۲۵۹	تفاهم بین ملت و دولت
۲۶۰	لزوم توجه افکار به تنظیم و تصویب قانون اساسی
۲۶۰	اداره مملکت با خود ملت
۲۶۰	احساس تعاون در ملت
۲۶۰	حاکمیت قانون در اسلام
۲۶۱	جهاد سازندگی نهاد جوشیده از ملت
۲۶۱	آزادی بیان و انتقاد
۲۶۱	تحقق دولت مردمی
۲۶۲	حکومت رسول اکرم و امیرالمؤمنین (سلام الله علیهما)

- ۲۶۲.....مسئولیت همه اقشار در اداره کشور.....
- ۲۶۳.....جمهوری اسلامی رهین مردم.....
- ۲۶۳.....مسئولیت پذیری مردم در کشور آزاد و مستقل.....
- ۲۶۳.....دولت بدون مشارکت ملت محکوم به شکست است.....

فصل چهارم: آفتهای انقلاب..... ۲۶۵

- ۲۶۵.....اختلاف و تحلیل رفتن قوا.....
- ۲۶۵.....بد معرفی کردن اسلام و ایجاد بدبینی در مردم.....
- ۲۶۶.....خنثی شدن نهضت به واسطه اختلافات.....
- ۲۶۶.....دور شدن از اسلام.....
- ۲۶۶.....خوف از اشتباه رجال علمی، سیاسی و روشنفکر.....
- ۲۶۷.....اختلاف بین حوزه و دانشگاه.....
- ۲۶۷.....سستی در امر وحدت کلمه ملت.....
- ۲۶۸.....توطئه و خیانت نسبت به اسلامیت نهضت.....
- ۲۶۸.....گمان پیروزی نهایی موجب سستی و سردی.....
- ۲۶۹.....خوف از سردی و سستی.....
- ۲۶۹.....ایجاد ناآرامی و تفرقه.....
- ۲۶۹.....خیال پیروزی و عدم حفظ قدرت ملت.....
- ۲۷۰.....تفرقه بین صفوف.....
- ۲۷۱.....سستی و اختلاف پس از پیروزی.....
- ۲۷۱.....غفلت از مقصد.....
- ۲۷۱.....دست برداشتن از مسیر ملت.....
- ۲۷۲.....غفلت از رشد ریشه‌های پوسیده شیاطین.....
- ۲۷۲.....مسامحه و تخطی در امور.....
- ۲۷۳.....سستی بعد از پیروزی و خطر ریشه‌های گندیده رژیم و اجانب.....

۲۷۴	ایجاد خلأ در تحقق مسائل اصلی
۲۷۵	طرح خواسته‌های شخصی و گروهی بعد از انقلاب
۲۷۶	بیماریهای بعد از انقلاب
۲۷۶	مأیوس شدن از انقلاب
۲۷۷	نفاق افکنی و اغفال جوانان
۲۷۷	ایجاد نفاق و اختلاف در انقلاب و انجام کودتا
۲۷۸	طغیان نسبت به مردم و ایجاد هرج و مرج در جامعه
۲۷۹	انشعاب و انحراف از اسلامیت نهضت
۲۷۹	اختلاف در بهره‌برداری اقشار و گروههای مختلف از پیروزی
۲۸۰	قدرت‌طلبی و مال‌طلبی
۲۸۰	غرور و غفلت و تزلزل در انسجام و وحدت
۲۸۱	غفلت از یاد خدا و غرور و سرکشی
۲۸۲	استبداد و خودکامگی
۲۸۲	ترجیح مصالح شخصی بر مصالح اسلام!
۲۸۳	کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب
۲۸۴	رخنه موریانه‌های مودی
۲۸۴	ساده‌اندیشان موجه ابزاری برای مقاصد شوم نفوذیها

فهرست ماخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	عنوان کتاب	جلد	صفحه
۱	۴۲/۱/۱۳	پیام به علمای تهران	صحیفه امام	۱	۱۷۹
۲	۴۲/۳/۱۳	سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم	صحیفه امام	۱	۲۴۸
۳	۴۳/۶/۱۸	سخنرانی در جمع مردم قم	صحیفه امام	۱	۳۷۸-۳۷۷
۴	۴۳/۸/۴	سخنرانی در جمع مردم	صحیفه امام	۱	۴۱۶-۴۱۵
۵	۵۱/۵/۱۷	پیام به دانشجویان مسلمان مقیم خارج	صحیفه امام	۲	۴۳۹-۴۳۸
۶	۵۱/۷/۱۹	پیام به عموم مسلمین و دولتهای اسلامی و عربی	صحیفه امام	۲	۴۶۱-۴۶۰
۷	۵۱/۱۲/۲۴	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم خارج	صحیفه امام	۲	۴۸۹
۸	۵۶/۷/۶	هشدار به روحانیون حوزه نجف نسبت به برداشتهای غلط از احکام اسلام	صحیفه امام	۳	۲۲۹
۹	۵۶	اواخر دی سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره جنایات رژیم پهلوی	صحیفه امام	۳	۳۰۶
۱۰	۵۷/۲/۲۳	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره اوضاع ایران و رهنمود به انقلابیون	صحیفه امام	۳	۳۹۳-۳۹۲

۳۱۲ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع دانشجویان و منشأ مفاسد	۵۷/۷/۱۷	۱۱
۴۹۰	۳	صحیفه امام	دانستن رژیم		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره	۵۷/۷/۲۳	۱۲
۲۲	۴	صحیفه امام	توطئه بر علیه اسلام و روحانیت		
۹۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۳۰	۱۳
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۹	۱۴
۲۳۵	۴	صحیفه امام	حفظ وحدت و اجتناب از اختلاف		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۱۷	۱۵
۳۹۲	۴	صحیفه امام	جنايات پنجاه ساله پهلوی		
۵۱۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۴	۱۶
۵۰۳	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگار رادیو - تلویزیون سوئیس	۵۷/۸/۲۴	۱۷
۱۷۹-۱۷۸	۶	صحیفه امام	گفتگو با یاسر عرفات	۵۷/۱۱/۲۸	۱۸
			سخنرانی در جمع هیأتی از اتحاد جماهیر	۵۷/۱۲/۵	۱۹
۲۱۹	۶	صحیفه امام	شوروی		
۲۶۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۲۰
۵۱۱	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی کاشان	۵۸/۳/۶	۲۱
۳۴۲-۳۴۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مهندسان وزارت کشاورزی	۵۸/۴/۸	۲۲
			سخنرانی در جمع افسران و درجه‌داران	۵۸/۴/۲۸	۲۳
۱۴۵	۹	صحیفه امام	هوانیروز		
			سخنرانی در جمع نمایندگان دانش‌آموزان و	۵۸/۸/۶	۲۴
۳۸۰	۱۰	صحیفه امام	جهادسازندگی		
			پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال	۶۱/۷/۱	۲۵
۳	۱۷	صحیفه امام	تحصیلی		
			سخنرانی در جمع سفرا و کارداران کشورهای	۶۲/۱۱/۱۸	۲۶
۳۲۰	۱۸	صحیفه امام	خارجی		

فهرست مأخذ □ ۳۱۳

۸۲	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه	۶۷/۴/۲۹	۲۷
۲۹۷	۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۸
۴۵۲	۲	صحیفه امام	پیام به ملت، علما و روحانیون ایران	۵۱/۶/۲۰	۲۹
			پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان	۵۴/۶/۳۰	۳۰
۱۱۱-۱۱۰	۳	صحیفه امام	اروپا		
			پیام به ملت ایران به مناسبت اربعین شهدای	۵۷/۱/۴	۳۱
۳۶۰-۳۵۹	۳	صحیفه امام	تبریز		
			مصاحبه با لوسین ژرژ درباره مسائل سیاسی و	۵۷/۲/۴	۳۲
۳۷۲-۳۷۱	۳	صحیفه امام	اجتماعی ایران		
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۵۷/۲/۲۳	۳۳
۳۹۱	۳	صحیفه امام	اوضاع ایران و رهنمود به انقلابیون		
۲۶۳	۴	صحیفه امام	مصاحبه با رادیو و تلویزیون لوکزامبورگ	۵۷/۸/۱۱	۳۴
			مصاحبه با رادیو و تلویزیون هلند درباره ماهیت	۵۷/۸/۱۴	۳۵
۳۱۴	۴	صحیفه امام	تمدن اسلامی		
۵۲۳	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرگزاری رویتر	۵۷/۸/۲۵	۳۶
			سخنرانی در جمع وزرای امور خارجه ایران و	۵۸/۳/۲۱	۳۷
۸۷	۸	صحیفه امام	ترکیه		
۲۸۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران	۵۸/۴/۴	۳۸
۴۴۴-۴۴۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از عشایر بویراحمد	۵۸/۴/۱۳	۳۹
۵۸-۵۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جانبازان و پرستاران آنها	۵۸/۱۰/۱۶	۴۰
۱۷۷	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت عراق	۶۳/۱۲/۱۸	۴۱
۳۷		ولایت فقیه			۴۲
۴۶۵-۴۵۹	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۱	۴۳
۵۱۲-۵۰۸	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرستل شهربانی کاشان	۵۸/۳/۶	۴۴
۴۴۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از عشایر بویراحمد	۵۸/۴/۱۳	۴۵

۳۱۴ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			بیانات خطاب به حامدالگار متفکر مسلمان	۵۸/۱۰/۷	۴۶
۴۵۸-۴۵۷	۱۱	صحیفه امام	امریکایی		
۳۲۳	۲	صحیفه امام	پیام به زائران بیت الله الحرام	۴۹	۴۷
۱۰۱	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران و اظهار تأسف از سرکوب مردم	۵۴/۴/۲۰	۴۸
			پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان	۵۴/۷/۲	۴۹
۱۱۴	۳	صحیفه امام	امریکا و کانادا		
			پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی مردم	۵۶/۱۱/۲	۵۰
۳۱۶	۳	صحیفه امام	قم و نوید پیروزی		
			پیام به ملت ایران درباره کشتار وحشیانه ۱۷	۵۷/۶/۱۸	۵۱
۴۶۰	۳	صحیفه امام	شهریور		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۱۷	۵۲
۳۹۴	۴	صحیفه امام	جنایات پنجاه ساله پهلوی		
			مصاحبه با تلویزیون «بی. بی. سی» درباره آینده	۵۷/۱۰/۱۹	۵۳
۴۰۵	۵	صحیفه امام	ایران و نحوه بازگشت به ایران		
۷۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی دریایی	۵۷/۱۱/۱۷	۵۴
۲۰۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع معلمان	۵۷/۱۱/۳۰	۵۵
۲۷۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۵۶
۳۶۳-۳۶۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۵۷
۴۴۳	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مردم گرگان	۵۸/۶/۱۶	۵۸
			سخنرانی در جمع شرکت کنندگان در کنفرانس	۵۹/۳/۱۴	۵۹
۳۸۲	۱۲	صحیفه امام	بررسی مداخلات امریکا در ایران		
۵۳۶-۵۳۱	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۰/۲۹	۶۰
۱۲۰-۱۱۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان همدان و ...	۶۱/۹/۱۱	۶۱
			سخنرانی در جمع شرکت کنندگان کنگره جهانی	۶۳/۲/۲۳	۶۲
۴۲۷-۴۲۵	۱۸	صحیفه امام	ائمه جمعه		

فهرست مأخذ □ ۳۱۵

			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۸	۶۳
۳۷-۳۶	۵	صحیفه امام	الهی بودن قیام ملت ایران		
۳۴۷-۳۴۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پزشکان و پرستاران قم	۵۷/۱۲/۱۶	۶۴
۳۶۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۶۵
			سخنرانی در جمع روحانیون و پاسداران	۵۸/۳/۲۵	۶۶
۱۶۷-۱۶۶	۸	صحیفه امام	خراسان		
۱۸۸-۱۸۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جامعه و عاظم تهران	۵۸/۳/۲۷	۶۷
			سخنرانی در جمع کارکنان بهداشتی و بهزیستی	۵۸/۴/۱۳	۶۸
۴۲۷-۴۲۶	۸	صحیفه امام	آذربایجان شرقی		
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم و	۶۰/۹/۳	۶۹
۳۸۲	۱۵	صحیفه امام	مسئولان		
۲۲۶	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام	۶۴/۱/۲۹	۷۰
			سخنرانی در جمع فرماندهان و پرسنل سپاه در	۶۴/۲/۴	۷۱
۲۳۶	۱۹	صحیفه امام	روز پاسدار		
۱۱۰	۱	صحیفه امام	نامه در پاسخ به استفتاء اصناف قم	۱۳۴۱	۷۲
			هشدار به روحانیون حوزه نجف نسبت به	۵۶/۷/۶	۷۳
۲۲۹	۳	صحیفه امام	برداشتهای غلط از احکام اسلام		
			پیام به ملت ایران درباره کشتار مردم و ادامه	۵۷/۹/۱۱	۷۴
۱۵۳-۱۵۲	۵	صحیفه امام	اعتصابها		
۱۶۳-۱۶۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۱۱	۷۵
			مصاحبه با روزنامه «تایمز» درباره تبیین مواضع	۵۷/۱۰/۱۸	۷۶
۳۸۸	۵	صحیفه امام	اسلام و سیاستهای آینده ایران		
۱۱-۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	۵۸/۳/۸	۷۷
			سخنرانی در جمع فرمانده سپاه و جمعی از	۵۹/۴/۲۸	۷۸
۳۹	۱۳	صحیفه امام	پاسداران		

۳۱۶ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			پیام به ملت ایران و عراق در مورد شهادت شش	۶۲/۳/۲۸	۷۹
۵۰۱	۱۷	صحیفه امام	تن از بیت آقای حکیم در عراق		
۱۱۴-۱۱۳		ولایت فقیه			۸۰
۱۲۸-۱۲۷		ولایت فقیه			۸۱
۱۳۹-۱۳۸		ولایت فقیه			۸۲
۲۰۰	۱	صحیفه امام	پیام به بازرگانان و اصناف همدان	۴۲/۲/۱۲	۸۳
			اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد	۴۳/۳/۱۵	۸۴
۳۳۷	۱	صحیفه امام	قیام ۱۵ خرداد		
۴۰۳	۱	صحیفه امام	پیام به اهالی استان کرمان	۴۳/۷/۲۱	۸۵
۳۶	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۴۴/۸/۲۳	۸۶
۳۷۱	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۸۷
۴۳۹	۲	صحیفه امام	پیام به دانشجویان مسلمان مقیم خارج	۵۱/۵/۱۷	۸۸
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۷/۲۹	۸۹
۹۵	۴	صحیفه امام	مأموریت شاه از سوی امریکا		
			سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع	۵۷/۷/۲۱	۹۰
۵۲۳	۳	صحیفه امام	ایران و اصلاحات امریکایی شاه		
۱۰۷-۱۰۵	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۳۰	۹۱
۱۳۳-۱۳۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲	۹۲
۱۴۴	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲	۹۳
۱۵۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۹۴
۱۵۶	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۹۵
۱۹۳-۱۹۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۶	۹۶
۲۷۹-۲۷۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۱	۹۷
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۹/۴	۹۸
۱۱۹-۱۱۸	۵	صحیفه امام	ابعاد جنایات و خیانت‌های شاه		

فهرست مأخذ □ ۳۱۷

			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۵	۹۹
۱۳۱	۵	صحیفه امام	اوضاع ایران بعد از سرنگونی شاه		
			مصاحبه با روزنامه لوس آنجلس تایمز دربارهٔ	۵۷/۹/۱۶	۱۰۰
۱۸۴	۵	صحیفه امام	دولت اسلامی		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۱۸	۱۰۱
۲۰۲-۲۰۱	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
۶۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خبرنگاران	۵۷/۱۱/۱۶	۱۰۲
۲۴۰	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۲/۲۰	۱۰۳
۱۱۲	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران	۵۸/۷/۲	۱۰۴
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان	۵۸/۷/۲۰	۱۰۵
۲۶۸	۱۰	صحیفه امام	اصفهان		
۸۵	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای کنگره آزادی قدس	۵۹/۵/۱۸	۱۰۶
			پیام به ملت ایران و عراق در مورد شهادت شش	۶۲/۳/۲۸	۱۰۷
۵۰۱	۱۷	صحیفه امام	تن از بیت آقای حکیم در عراق		
			سخنرانی در جمع مسئولین نظام جمهوری	۶۳/۴/۱۰	۱۰۸
۵۰۰	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و	۶۳/۱۱/۱۴	۱۰۹
۱۴۰-۱۳۶	۱۹	صحیفه امام	ائمه جمعه کل کشور		
۳۴۴-۳۴۳	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۱۱۰
			سخنرانی در جمع مسئولان کشور و میهمانان	۶۴/۱۱/۲۲	۱۱۱
۴۸۱	۱۹	صحیفه امام	خارجی دهه فجر		
			مصاحبه با رادیو و تلویزیون هلند دربارهٔ ماهیت	۵۷/۸/۱۴	۱۱۲
۳۱۴	۴	صحیفه امام	تمدن اسلامی		
			مصاحبه با مجله المستقبل دربارهٔ اوضاع ایران و	۵۷/۸/۱۵	۱۱۳
۳۳۶	۴	صحیفه امام	رژیم شاه		

۳۱۸ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۶۵	۴	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه هلندی «دی ولت کرانت»	۵۷/۸/۱۶	۱۱۴
			مصاحبه با تلویزیون «سی. بی. اس» درباره	۵۷/۹/۲۰	۱۱۵
۲۰۶	۵	صحیفه امام	تظاهرات تاسوعا و عاشورا		
			پیام به ملت ایران و اعلام عزای عمومی و ادامه	۵۷/۶/۲۳	۱۱۶
۴۶۴	۳	صحیفه امام	اعتصاب		
			پیام به ملت ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی	۵۷/۷/۱۶	۱۱۷
۴۸۸-۴۸۷	۳	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع	۵۷/۷/۲۱	۱۱۸
۵۲۲	۳	صحیفه امام	ایران و اصلاحات امریکایی شاه		
			پیام به ملت ایران به مناسبت روی کار آمدن	۵۷/۸/۱۶	۱۱۹
۳۵۰-۳۴۹	۴	صحیفه امام	دولت نظامی ازهارى		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۹	۱۲۰
۵۰-۴۹	۵	صحیفه امام	تبیین انگیزه‌ها و اهداف قیام		
			سخنرانی در جمع نمایندگان شورای هماهنگی	۵۷/۱۱/۲۰	۱۲۱
۱۱۵-۱۱۴	۶	صحیفه امام	اعتصابات		
			حکم به آقای داریوش فروهر جهت رسیدگی به	۵۷/۱۲/۲۶	۱۲۲
۳۸۰	۶	صحیفه امام	وضع کارگران		
۳۶۵	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۱۲۳
۳۷۲-۳۷۰	۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع علمای نجف	۵۰/۴/۱	۱۲۴
			هشدار به روحانیون حوزه نجف نسبت به	۵۶/۷/۶	۱۲۵
۲۳۰	۳	صحیفه امام	برداشت‌های غلط از احکام اسلام		
۲۶۴	۴	صحیفه امام	مصاحبه با رادیو - تلویزیون لوکزامبورگ	۵۷/۸/۱۱	۱۲۶
۳۲۲	۳	صحیفه امام	پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا	۵۶/۱۱/۲۴	۱۲۷
۲۴۲	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۹/۲۵	۱۲۸
۲۵۹	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱	۱۲۹

فهرست مآخذ □ ۳۱۹

			پیام به ملت ایران در اعلام روز نهم صفر به	۵۷/۱۰/۱۶	۱۳۰
۳۵۱	۵	صحیفه امام	عنوان عزای عمومی		
۳۳۶	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۱۳۱
			پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی مردم	۵۶/۱۱/۲	۱۳۲
۳۱۵-۳۱۴	۳	صحیفه امام	قم و نوید پیروزی		
			مصاحبه با روزنامه فیگارو و تشریح اوضاع آینده	۵۷/۷/۲۲	۱۳۳
۳-۲	۴	صحیفه امام	ایران		
۱۵۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۱۳۴
۲۶۳	۴	صحیفه امام	مصاحبه با رادیو - تلویزیون لوکزامبورگ	۵۷/۸/۱۱	۱۳۵
۳۵۴	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاران اروپایی	۵۷/۸/۱۶	۱۳۶
			مصاحبه با هفته‌نامه انگلیسی «ساندی تلگراف»	۵۷/۸/۱۷	۱۳۷
۳۷۸	۴	صحیفه امام	درباره قیام مسلحانه		
۲۹۵	۵	صحیفه امام	مصاحبه با کوککروف دربارۀ اسلام	۵۷/۱۰/۷	۱۳۸
			سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان و	۶۳/۱۱/۱۴	۱۳۹
۱۴۰-۱۳۸	۱۹	صحیفه امام	ائمه جمعه کل کشور		
			سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۵۷/۲/۲۳	۱۴۰
۳۹۶	۳	صحیفه امام	اوضاع ایران و رهنمود به انقلابیون		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۱۰/۳	۱۴۱
۲۸۲	۵	صحیفه امام	ضرورت حفظ وحدت		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۱۱/۱	۱۴۲
۵۱۰	۵	صحیفه امام	رمز پیروزی انقلاب		
			سخنرانی در جمع گروه پژوهشهای ملی و	۵۷/۱۱/۲۸	۱۴۳
۱۷۵	۶	صحیفه امام	اجتماعی		
۱۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	۵۸/۳/۸	۱۴۴
۸۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران	۵۸/۳/۲۰	۱۴۵

۳۲۰ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۱۳۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم باختران	۵۹/۵/۲۸	۱۴۶
			سخنرانی در جمع اعضای شورای انقلاب	۶۴/۹/۱۹	۱۴۷
۴۴۶-۴۴۵	۱۹	صحیفه امام	فرهنگی		
۳۱۹-۳۱۸	۳	صحیفه امام	پیام به دانشجویان ایرانی مقیم هند	۵۶/۱۱/۱۵	۱۴۸
۱۷۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۴	۱۴۹
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۹	۱۵۰
۲۳۷	۴	صحیفه امام	حفظ وحدت و اجتناب از اختلاف		
			مصاحبه با خانم الیزابت تارگود درباره وضع	۵۷/۸/۱۰	۱۵۱
۲۴۶	۴	صحیفه امام	سلطنت		
۴۸۷-۴۸۶	۵	صحیفه امام	پیام تبریک به ملت ایران	۵۷/۱۰/۲۷	۱۵۲
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۱۱/۱	۱۵۳
۵۱۶-۵۱۵	۵	صحیفه امام	رمز پیروزی انقلاب		
۲۴۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۱۵۴
۱۳۰	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۱/۲۳	۱۵۵
۱۴۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اصناف و پیشه‌وران اعتصابی	۵۷/۱۱/۲۶	۱۵۶
۱۹۰-۱۸۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نویسندگان	۵۷/۱۱/۲۹	۱۵۷
۴۱۷-۴۱۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از اهالی تبریز	۵۸/۱/۷	۱۵۸
			سخنرانی در جمع اسقف میلارین کاپوچی و	۵۸/۱/۱۳	۱۵۹
۴۶۹-۴۶۸	۶	صحیفه امام	همراهان		
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم و اهمیت	۵۸/۱/۱۶	۱۶۰
۴۸۱	۶	صحیفه امام	انتخابات مجلس		
۵۴۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران ورزش باستانی	۵۸/۳/۸	۱۶۱
۴۴۷-۴۴۶	۱۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۱۰/۷	۱۶۲
۴۷۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل شهربانی یزد	۵۸/۱۰/۷	۱۶۳
۴۵۱	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۱۰/۷	۱۶۴

فهرست مأخذ □ ۳۲۱

۳۱۰-۳۰۹	چهل حدیث		۱۶۵
۱۶۶	۱ صحیفه امام	بیانات در جمع روحانیون قم ۴۲/۱/۲	۱۶۶
		سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره	۱۶۷
۲۹۷	۳ صحیفه امام	۵۶ جنایات رژیم پهلوی	
		پیام به ملت ایران به مناسبت اربعین شهدای	۱۶۸
۳۵۹	۳ صحیفه امام	تبریز	
		سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره	۱۶۹
۵۰۴	۳ صحیفه امام	جنایات شاه و اهداف انقلاب	
		سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع	۱۷۰
۵۲۴	۳ صحیفه امام	ایران و اصلاحات امریکایی شاه	
۱۵۵	۴ صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۸/۴	۱۷۱
۱۵۸	۴ صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۸/۴	۱۷۲
۴۲۳-۴۲۲	۴ صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۸/۱۸	۱۷۳
		سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۱۷۴
۵۸	۵ صحیفه امام	تبیین انگیزه‌ها و اهداف قیام	
۴۲۸	۵ صحیفه امام	پیام به ملت ایران ۵۷/۱۰/۲۲	۱۷۵
۴۸۶	۵ صحیفه امام	پیام تبریک به ملت ایران ۵۷/۱۰/۲۷	۱۷۶
۵۵۰	۵ صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۵۷/۱۱/۸	۱۷۷
۴۴۹	۶ صحیفه امام	سخنرانی در جمع افسران نیروی زمینی ۵۸/۱/۹	۱۷۸
		سخنرانی در جمع مردم قم و تأکید بر الهی بودن	۱۷۹
۴۹۳	۶ صحیفه امام	تحول در ملت	
		سخنرانی در جمع معلمان و دانشجویان تبریز و	۱۸۰
۴۹۴-۴۹۳	۷ صحیفه امام	کاشان	
۲۷	۸ صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون سبزوار و بانوان قم ۵۸/۳/۹	۱۸۱
۱۲۵-۱۲۴	۸ صحیفه امام	سخنرانی در جمع درجه‌داران پادگانهای تبریز ۵۸/۳/۲۳	۱۸۲

۳۲۲ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی	۵۸/۴/۶	۱۸۳
۳۱۹	۸	صحیفه امام	تهران		
			سخنرانی در جمع جامعه ورزشکاران باستانی	۵۸/۴/۱۲	۱۸۴
۳۷۵	۸	صحیفه امام	مشهد		
۳۵۱	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران بابل	۵۸/۸/۳	۱۸۵
۱۰۱	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان پیرو خط امام	۵۸/۱۰/۲۰	۱۸۶
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۵۹/۳/۲۵	۱۸۷
۴۴۰	۱۲	صحیفه امام	صدای جمهوری اسلامی		
۴۹	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد	۶۰/۱۱/۲۲	۱۸۸
			پیام به ملت ایران به مناسبت چهلم شهدای ۱۷ شهریور	۵۷/۷/۲۰	۱۸۹
۵۱۱	۳	صحیفه امام	شهریور		
۱۰۴	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۳۰	۱۹۰
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲	۱۹۱
۱۳۷	۴	صحیفه امام	ریشه‌های اختلاف مردم با شاه		
۱۵۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۳	۱۹۲
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۱۹۳
۲۲۷ و ۲۲۳	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۱۹۴
۲۶۳	۴	صحیفه امام	مصاحبه با رادیو - تلویزیون لوکزامبورگ	۵۷/۸/۱۱	۱۹۵
۲۷۸	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۱	۱۹۶
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۰	۱۹۷
۴۵۳	۴	صحیفه امام	ابعاد سیاسی و عبادی اسلام		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۷	۱۹۸
۱۶	۵	صحیفه امام	زیانهای مادی و معنوی شاه		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۸	۱۹۹
۴۳	۵	صحیفه امام	الهی بودن قیام ملت ایران		

فهرست مأخذ □ ۳۲۳

			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۲	۲۰۰
۹۱ و ۸۹	۵	صحیفه امام	فریکاری شاه در اظهار توبه		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۴	۲۰۱
۱۱۱-۱۰۸	۵	صحیفه امام	مقابله با تبلیغات و تهدید امریکا		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۵	۲۰۲
۱۳۱-۱۳۰	۵	صحیفه امام	اوضاع ایران بعد از سرنگونی شاه		
			مصاحبه با نشریه لبنانی «امل» درباره روابط لبنان	۵۷/۹/۱۶	۲۰۳
۱۸۵	۵	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ	۵۷/۹/۱۸	۲۰۴
۲۰۲-۲۰۱	۵	صحیفه امام	تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائر		
			مصاحبه با روزنامهٔ «صدای لوکزامبورگ» دربارهٔ	۵۷/۹/۲۱	۲۰۵
۲۲۴	۵	صحیفه امام	نفی همکاری با مارکسیستها		
			مصاحبه با روزنامهٔ «بالتیمورسان» دربارهٔ دلایل	۵۷/۱۰/۱۸	۲۰۶
۳۹۶	۵	صحیفه امام	مخالفت با رژیم شاه		
۳۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در مدرسهٔ علوی	۵۷/۱۱/۱۳	۲۰۷
۹۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۱/۱۸	۲۰۸
۱۰۲-۱۰۱	۶	صحیفه امام		۵۷/۱۱/۱۹	۲۰۹
۴۳۹	۲	صحیفه امام	پیام به دانشجویان مسلمان مقیم خارج	۵۱/۵/۱۷	۲۱۰
			مصاحبه با خانم الیزابت تارگود دربارهٔ وضع	۵۷/۸/۱۰	۲۱۱
۲۴۷	۴	صحیفه امام	سلطنت		
۳۶۲	۴	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامهٔ هلندی «دی ولت کرانت»	۵۷/۸/۱۶	۲۱۲
			سخنرانی در جمع گروه پژوهشهای ملی و	۵۷/۱۱/۲۸	۲۱۳
۱۷۵	۶	صحیفه امام	اجتماعی		
۲۷۵-۲۷۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۲۱۴
۴۴	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	۵۸/۳/۱۱	۲۱۵

۳۲۴ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۶۵-۶۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و دانشجویان	۵۸/۳/۱۶	۲۱۶
			سخنرانی در جمع بانوان کارمند شرکت	۵۸/۳/۲۱	۲۱۷
۱۰۸-۱۰۷	۸	صحیفه امام	مخابرات		
۴۵۲-۴۵۱	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان پخش رادیو	۵۸/۶/۱۷	۲۱۸
۵۰۲-۵۰۱	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان فرهنگی	۵۸/۶/۲۲	۲۱۹
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۵۸/۷/۴	۲۲۰
۱۲۹	۱۰	صحیفه امام	خبرگزاری پارس		
۱۳۰-۱۲۹	۱۱	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگار ژاپنی	۵۸/۹/۵	۲۲۱
			بیانات خطاب به مدیر واحد اطلاعات صدا و	۵۹/۲/۳۱	۲۲۲
۳۲۶-۳۲۵	۱۲	صحیفه امام	سیما		
			سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت و	۵۹/۸/۶	۲۲۳
۲۹۲	۱۳	صحیفه امام	نمایندگان مجلس		
			سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه در جنوب	۶۰/۱۰/۲۶	۲۲۴
۴۹۶	۱۵	صحیفه امام	کشور		
۴۹۷-۴۹۶	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۴/۱۲/۳	۲۲۵
۲۸۲	۲۰	صحیفه امام	نامه به آقای گلپایگانی	۶۶/۳/۱۸	۲۲۶
۸۸	۲۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه	۶۷/۴/۲۹	۲۲۷
۳۴۶	۲	صحیفه امام	نامه به آقای صادق طباطبایی	۵۰/۲/۲۸	۲۲۸
۳۷۹	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره ادامه مبارزه	۵۷/۲/۹	۲۲۹
			مصاحبه با خانم الیزابت تارگود درباره وضع	۵۷/۸/۱۰	۲۳۰
۲۵۰	۴	صحیفه امام	سلطنت		
			مصاحبه با روزنامه ایتالیایی پائزه یسرا درباره	۵۷/۸/۱۱	۲۳۱
۲۶۵	۴	صحیفه امام	دلایل سقوط رژیم شاه		
			مصاحبه با روزنامه یونانی توویما درباره پیروزی	۵۷/۸/۱۵	۲۳۲
۳۳۳	۴	صحیفه امام	ایران، سرمشق ملت‌های ستم‌دیده		

فهرست مأخذ □ ۳۲۵

			پیام به ملت ایران به مناسبت روی کار آمدن	۵۷/۸/۱۶	۲۳۳
۳۴۹	۴	صحیفه امام	دولت نظامی ازهارى		
۴۵۵	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگار مصرى	۵۷/۸/۲۱	۲۳۴
۵۱۳-۵۱۲	۴	صحیفه امام	سخنرانى در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۴	۲۳۵
			سخنرانى در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۲۷	۲۳۶
۲۴ و ۱۸	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومتهاى ظالم		
۳۰	۵	صحیفه امام	سخنرانى در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۲۳۷
			سخنرانى در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۹/۴	۲۳۸
۱۲۰	۵	صحیفه امام	ابعاد جنایات و خیانتهاى شاه		
			مصاحبه با نشریه لبنانى «امل» درباره روابط با	۵۷/۹/۱۶	۲۳۹
۱۸۴	۵	صحیفه امام	لبنان		
۳۵۵	۵	صحیفه امام	مصاحبه با رادیو - تلویزیون آلمان	۵۷/۱۰/۱۶	۲۴۰
۵۴۸	۵	صحیفه امام	سخنرانى در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۱/۸	۲۴۱
۵۱	۶	صحیفه امام	سخنرانى در جمع کمیته استقبال	۵۷/۱۱/۱۴	۲۴۲
۱۰۱	۶	صحیفه امام	سخنرانى در جمع همافران	۵۷/۱۱/۱۹	۲۴۳
۴۲-۴۱	۸	صحیفه امام	سخنرانى در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	۵۸/۳/۱۱	۲۴۴
۲۱۸	۸	صحیفه امام	سخنرانى در جمع علما	۵۸/۳/۳۰	۲۴۵
۳۴۲	۸	صحیفه امام	سخنرانى در جمع مهندسان وزارت کشاورزى	۵۸/۴/۸	۲۴۶
۲۱۵	۱	صحیفه امام	سخنرانى در جمع روحانیون قم	۴۲/۲/۱۲	۲۴۷
۱۱۵-۱۱۴	۱	صحیفه امام	سخنرانى در جمع طلاب و اهالى قم	۴۱/۹/۱۱	۲۴۸
۱۵۰-۱۴۹	۱	صحیفه امام	اعلامیه مشترک امام خمینی و مراجع	۴۱	۲۴۹
۲۸۶	۱	صحیفه امام	سخنرانى در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۵۰
۳۰۶-۳۰۵	۱	صحیفه امام	سخنرانى در جمع اقشار مردم	۴۳/۱/۲۶	۲۵۱
			پیام به ملت مسلمان ایران درباره اعلام تأسیس	۵۳/۱۲/۲۱	۲۵۲
۷۵	۳	صحیفه امام	حزب رستاخیز		

۳۲۶ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع روحانیون درباره قدرت	۵۶/۸/۱۰	۲۵۳
۲۴۶-۲۴۱	۳	صحیفه امام	روحانیت و خدمات شیعه		
۴۳۲	۳	صحیفه امام	پیام به ملت ایران درباره لزوم ادامه مبارزه	۵۷/۵/۵	۲۵۴
۲۱۷-۲۱۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۲۵۵
۲۲۳-۲۲۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۸	۲۵۶
۴۵۵	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگار مصری	۵۷/۸/۲۱	۲۵۷
			مصاحبه با روزنامه لوس آنجلس تایمز درباره	۵۷/۹/۱۶	۲۵۸
۱۸۴-۱۸۳	۵	صحیفه امام	دولت اسلامی		
۴۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون	۵۷/۱۱/۱۴	۲۵۹
۲۳۸-۲۳۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع وکلای دادگستری	۵۷/۱۲/۷	۲۶۰
۲۴۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون غرب تهران	۵۷/۱۲/۷	۲۶۱
			سخنرانی در جمع روحانیون و اقشار مختلف	۵۸/۳/۱۵	۲۶۲
۶۰	۸	صحیفه امام	مردم		
۱۱-۱۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه خوزستان	۶۰/۱۱/۱۴	۲۶۳
			پیام به ملت ایران به مناسبت اربعین شهدای	۵۷/۱/۴	۲۶۴
۳۶۰	۳	صحیفه امام	تبریز		
۶۲-۶۱	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۷/۲۸	۲۶۵
۱۵۴	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۲۶۶
۱۵۵	۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۸/۴	۲۶۷
۸۲-۸۱	۱۰	صحیفه امام	پیام به استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان	۵۸/۶/۳۱	۲۶۸
۲۹۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان قم	۵۷/۱۲/۱۳	۲۶۹
۱۹۶	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت	۵۹/۶/۲۰	۲۷۰
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم جنوب	۶۰/۱/۱۶	۲۷۱
۲۶۲-۲۶۱	۱۴	صحیفه امام	تهران		
۱۵۱-۱۵۰	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۲۷۲

فهرست مأخذ □ ۳۲۷

			سخنرانی در جمع مدیرعامل و معاونان صدا و سیما	۶۴/۵/۲۷	۲۷۳
۳۴۶	۱۹	صحیفه امام			
			پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه	۶۷/۴/۲۹	۲۷۴
۸۷-۸۶	۲۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع دانشجویان دربارهٔ اوضاع ایران و اصلاحات امریکایی شاه	۵۷/۷/۲۱	۲۷۵
۵۲۳	۳	صحیفه امام			
۲۵۹	۴	صحیفه امام	نامه به آقای سید محمود طالقانی	۵۷/۸/۱۱	۲۷۶
۳۷۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۶	۲۷۷
			مصاحبه با خبرنگاران دربارهٔ توقیف امیرعباس هویدا و مسائل دیگر	۵۷/۸/۱۸	۲۷۸
۴۱۱	۴	صحیفه امام			
			مصاحبه با مجله هفتگی «آمستردام نیوروو هلند» دربارهٔ حکومت اسلامی	۵۷/۸/۱۸	۲۷۹
۴۱۳	۴	صحیفه امام			
۵۲۴	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاری رویتر	۵۷/۸/۲۵	۲۸۰
۵۰۴	۴	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگار رادیو-تلویزیون سوئیس	۵۷/۸/۲۴	۲۸۱
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ نظام سلطنتی و مطرود بودن آن	۵۷/۸/۲۶	۲۸۲
۱۴	۵	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج دربارهٔ قیام همگانی برای آزادی	۵۷/۹/۳	۲۸۳
۱۰۱-۱۰۰	۵	صحیفه امام			
			مصاحبه با روزنامهٔ «صدای لوکزامبورگ» دربارهٔ نفی همکاری با مارکسیستها	۵۷/۹/۲۱	۲۸۴
۲۲۴-۲۲۳	۵	صحیفه امام			
			مصاحبه با نشریهٔ «اونیتا» دربارهٔ اسلام و مدرنیزه کردن ایران	۵۷/۹/۲۳	۲۸۵
۲۳۳	۵	صحیفه امام			
۲۸۴	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۱۰/۶	۲۸۶
			مصاحبه با خبرنگار فرانسوی دربارهٔ حوادث و اوضاع آینده ایران	۵۷/۱۱/۷	۲۸۷
۵۴۰	۵	صحیفه امام			

۳۲۸ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			۵۷/۱۰/۱۸	۲۸۸	مصاحبه با روزنامه «بالتیمورسان» درباره دلایل
۳۹۶	۵	صحیفه امام	مخالفت با رژیم شاه		
۴۷۲	۵	صحیفه امام	۵۷/۱۰/۲۵	۲۸۹	مصاحبه با روزنامه «استریت تایمز»
۱۱۱	۶	صحیفه امام	۵۷/۱۱/۱۹	۲۹۰	سخنرانی در جمع طبقات مختلف مردم
۵۰۳	۶	صحیفه امام	۵۸/۱/۱۷	۲۹۱	سخنرانی در جمع مبارزین کشورهای اسلامی
			۵۸/۳/۲۶	۲۹۲	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران درباره
۱۷۹	۸	صحیفه امام	تشکیل جهاد سازندگی		
			۵۸/۴/۶	۲۹۳	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی
۳۱۴-۳۱۳	۸	صحیفه امام	دانشگاه تربیت معلم		
			۵۸/۸/۱۱	۲۹۴	سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم
۴۴۴-۴۴۳	۱۰	صحیفه امام	پهلوی		
۳۴۳-۳۴۲	۱۱	صحیفه امام	۵۸/۹/۲۸	۲۹۵	سخنرانی در جمع قهرمانان کشتی
۲۶۰	۴	صحیفه امام	۵۷/۸/۱۱	۲۹۶	نامه به آقای سید محمود طالقانی
			۵۷/۸/۱۵	۲۹۷	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره
۳۴۵	۴	صحیفه امام	فریبکاری شاه برای بقای خویش		
			۵۷/۸/۲۷	۲۹۸	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره
۲۲	۵	صحیفه امام	وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم		
۳۳۱	۶	صحیفه امام	۵۷/۱۲/۱۵	۲۹۹	سخنرانی در جمع روحانیون
۳۴۶	۶	صحیفه امام	۵۷/۱۲/۱۶	۳۰۰	سخنرانی در جمع پزشکان و پرستاران قم
۴۴۵-۴۴۴	۶	صحیفه امام	۵۸/۱/۹	۳۰۱	سخنرانی در جمع قوای نظامی
۳۸۳	۸	صحیفه امام	۵۸/۴/۱۲	۳۰۲	سخنرانی در جمع بانوان سواحل جنوب
			۵۸/۴/۱۳	۳۰۳	سخنرانی در جمع کارکنان بهداری و بهزیستی
۴۲۴	۸	صحیفه امام	آذربایجان شرقی		
۴۰۵	۹	صحیفه امام	۵۸/۶/۱۳	۳۰۴	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی
۱	۱۰	صحیفه امام	۵۸/۶/۲۶	۳۰۵	سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا

فهرست مأخذ □ ۳۲۹

۸۱	۱۰	صحیفه امام	پیام به استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان	۵۸/۶/۳۱	۳۰۶
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۵۸/۷/۴	۳۰۷
۱۲۹-۱۲۸	۱۰	صحیفه امام	خبرگزاری پارس		
۲۶۰	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای جهاد سازندگی یزد	۵۸/۷/۱۸	۳۰۸
			سخنرانی در جمع گروهی از خطبا و وعاظ در	۵۸/۸/۲۹	۳۰۹
۹۴-۹۳	۱۱	صحیفه امام	آستانه ماه محرم		
۳۷۰-۳۶۹	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان تبریز و تهران	۵۸/۱۰/۱	۳۱۰
۳۶۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران و نظامیان	۵۹/۳/۷	۳۱۱
۸۴	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای کنگره آزادی قدس	۵۹/۵/۱۸	۳۱۲
۱۵۹-۱۵۸	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان مؤسسه «اطلاعات»	۵۹/۶/۵	۳۱۳
			سخنرانی در جمع مسئولان نظام در روز میلاد	۶۱/۱۰/۱۲	۳۱۴
۲۱۲-۲۱۱	۱۷	صحیفه امام	پیامبر		
			پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت گشایش	۶۳/۳/۷	۳۱۵
۴۷۱	۱۸	صحیفه امام	دومین دوره مجلس		
			سخنرانی در جمع مسئولین نظام جمهوری	۶۳/۴/۱۰	۳۱۶
۵۰۰-۴۹۹	۱۸	صحیفه امام	اسلامی		
۲۰۹-۲۰۸	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان نظام اسلامی	۶۴/۱/۱	۳۱۷
			سخنرانی در جمع مسئولان نظام در روز عید	۶۴/۳/۳۰	۳۱۸
۲۸۷	۱۹	صحیفه امام	سعید فطر		
			سخنرانی در جمع مسئولان کشور و میهمانان	۶۴/۱۱/۲۲	۳۱۹
۴۸۱-۴۸۰	۱۹	صحیفه امام	خارجی دهه فجر		
۴۱		ولایت فقیه			۳۲۰
۱۵۴	۱	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۴۱/۱۲/۲۲	۳۲۱
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره	۵۷/۷/۱۹	۳۲۲
۵۰۹-۵۰۸	۳	صحیفه امام	جنايات شاه و اهداف انقلاب		

۳۳۰ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۳	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲۸	۳۲۳
۱۳۳	۵	صحیفه امام	مصاحبه با تلویزیون «تایمز» درباره آینده ایران	۵۷/۹/۶	۳۲۴
			مصاحبه با نشریه «اونیتا» درباره اسلام و مدرنیته	۵۷/۹/۲۳	۳۲۵
۲۳۴	۵	صحیفه امام	کردن ایران		
۳۲۵-۳۲۴	۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۱۰/۱۰	۳۲۶
۵۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کمیته استقبال	۵۷/۱۱/۱۴	۳۲۷
۷۰-۶۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و پرسنل نظامی	۵۷/۱۱/۱۶	۳۲۸
			پیام چهارده ماده‌ای به ملت ایران درباره وضعیت کشور	۵۷/۱۲/۹	۳۲۹
۲۶۶	۶	صحیفه امام			
۲۷۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۷/۱۲/۱۰	۳۳۰
۳۹۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۳۳۱
			پیام رادیو-تلویزیونی به ملت و اعلام «جمهوری اسلامی»	۵۸/۱/۱۲	۳۳۲
۴۶۱-۴۶۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارمندان بانکهای قم و کاشان	۵۸/۱/۲۳	۳۳۳
۲	۷	صحیفه امام			
۲۷۲	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع قاضیان اصفهان	۵۸/۲/۲۳	۳۳۴
۵۴۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران ورزش باستانی	۵۸/۳/۸	۳۳۵
			سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج	۵۸/۳/۸	۳۳۶
۶	۸	صحیفه امام			
۱۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت قائمیه تهران	۵۸/۳/۸	۳۳۷
۱۲۰	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران و بازاریان تهران	۵۸/۳/۲۳	۳۳۸
۱۷	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز	۵۸/۴/۱۷	۳۳۹
			سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی	۵۸/۸/۱۱	۳۴۰
۴۴۱	۱۰	صحیفه امام			
۵۲-۵۱	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان فرهنگی گیلان	۵۸/۱۰/۱۵	۳۴۱

فهرست مأخذ □ ۳۳۱

			پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح اولین	۵۹/۳/۷	۳۴۲
۳۶۱	۱۲	صحیفه امام	دوره مجلس		
۳	۱۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۹/۱۱/۲	۳۴۳
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه اصفهان و	۶۰/۱۰/۳۰	۳۴۴
۵۱۱-۵۱۰	۱۵	صحیفه امام	چهارمحل بختیاری		
			سخنرانی در جمع مسئولان و اعضای قوای	۶۰/۱۱/۱۹	۳۴۵
۱۹	۱۶	صحیفه امام	مقننه و مجریه		
			سخنرانی در جمع دانشجویان و منشأ مفاسد	۵۷/۷/۱۷	۳۴۶
۴۹۰-۴۸۹	۳	صحیفه امام	دانستن رژیم		
۲۵۷-۲۵۶	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۰	۳۴۷
۳۱۲	۴	صحیفه امام	پیام به مردم کردستان	۵۷/۸/۱۴	۳۴۸
			مصاحبه با مجله القومی العربی درباره زنان و	۵۷/۸/۲۰	۳۴۹
۴۴۰	۴	صحیفه امام	سیاست خارجی آینده ایران		
			مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ درباره ماه محرم و	۵۷/۹/۱۴	۳۵۰
۱۷۲	۵	صحیفه امام	بقای شاه		
			مصاحبه با روزنامه لوس آنجلس تایمز درباره	۵۷/۹/۱۶	۳۵۱
۱۸۴	۵	صحیفه امام	دولت اسلامی		
۱۳۰	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۱/۲۳	۳۵۲
۱۴۴	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اصناف و پیشه‌وران اعتصابی	۵۷/۱۱/۲۶	۳۵۳
۳۰۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از پاسداران	۵۷/۱۲/۱۴	۳۵۴
۳۳۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس قطر	۵۷/۱۲/۱۶	۳۵۵
۳۶۱-۳۶۰	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۳۵۶
۴۰	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان اهواز، قم و بروجرد	۵۸/۳/۱۱	۳۵۷
			سخنرانی در جمع پزشکان، اساتید و دانشجویان	۵۸/۳/۱۶	۳۵۸
۶۴-۶۳	۸	صحیفه امام	شیراز		

۳۳۲ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۷۷-۷۶	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران	۵۸/۳/۲۰	۳۵۹
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۵۸/۴/۶	۳۶۰
۳۱۲-۳۱۱	۸	صحیفه امام	دانشگاه تربیت معلم		
			سخنرانی در جمع طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان	۵۸/۴/۷	۳۶۱
۳۳۴	۸	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکتب ولی عصر	۵۸/۶/۱۲	۳۶۲
۴۰۲	۹	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع عشایر آذربایجان شرقی	۵۸/۶/۲۸	۳۶۳
۴۸	۱۰	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع پاسداران بابل	۵۸/۸/۳	۳۶۴
۳۵۰	۱۰	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع مربیان امور تربیتی تهران	۵۸/۸/۱۳	۳۶۵
۴۶۵	۱۰	صحیفه امام			
			مصاحبه با پنج نفر از خبرنگاران مطبوعات اروپا	۵۸/۹/۸	۳۶۶
۱۴۵	۱۱	صحیفه امام			
			مصاحبه با حسنین هیکل نویسنده مصری درباره دخالت‌های امریکا	۵۸/۹/۲۸	۳۶۷
۳۲۴-۳۲۳	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۹/۳۰	۳۶۸
۳۶۰	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع دانشجویان تبریز و تهران	۵۸/۱۰/۱	۳۶۹
۳۶۷-۳۶۶	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۳۷۰
۵۱۶	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۳۷۱
۵۲۱	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی	۵۸/۱۰/۱۲	۳۷۲
۵۳۳-۵۳۲	۱۱	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران	۵۸/۱۰/۱۴	۳۷۳
۱۶	۱۲	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران	۵۹/۲/۲۸	۳۷۴
۳۰۳	۱۲	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران	۵۹/۳/۱۴	۳۷۵
۳۸۱-۳۸۰	۱۲	صحیفه امام			
			سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری	۵۹/۳/۱۵	۳۷۶

فهرست مآخذ □ ۳۳۳

۴۴۷-۴۴۶	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی	۵۹/۳/۲۷	۳۷۷
۴۴۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی	۵۹/۳/۲۷	۳۷۸
			بیانات در جمع مسئولان اطلاعات و تحقیقات	۵۹/۴/۱	۳۷۹
۴۵۴	۱۲	صحیفه امام	سپاه		
			سخنرانی در جمع اعضای شورای اسلامی	۵۹/۴/۴	۳۸۰
۴۶۲	۱۲	صحیفه امام	کارگران و پرسنل ارتش		
			سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی	۶۰/۵/۱۹	۳۸۱
۱۰۱-۱۰۰	۱۵	صحیفه امام	دانشجویان ایرانی در اروپا		
۳۱۵	۱۵	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از خانواده شهدا	۶۰/۷/۲۶	۳۸۲
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه اصفهان و	۶۰/۱۰/۳۰	۳۸۳
۵۰۶	۱۵	صحیفه امام	چهارمحل بختیاری		
۱۱-۱۰	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ائمه جمعه خوزستان	۶۰/۱۱/۱۴	۳۸۴
			پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد پیروزی	۶۰/۱۱/۲۲	۳۸۵
۴۵-۴۲	۱۶	صحیفه امام	انقلاب		
			پیام رادیو-تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال	۶۱/۱/۱	۳۸۶
۱۳۱-۱۳۰	۱۶	صحیفه امام	نو		
			سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و	۶۱/۷/۲۵	۳۸۷
۶۰-۵۹	۱۷	صحیفه امام	آذربایجان		
۳۰۴-۳۰۳	۱۷	صحیفه امام	پیام به رزمندگان و ملت ایران	۶۱/۱۱/۲۱	۳۸۸
			پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت گشایش	۶۳/۳/۷	۳۸۹
۴۶۲	۱۸	صحیفه امام	دومین دوره مجلس		
			سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری هفته	۶۳/۶/۱۸	۳۹۰
۵۴	۱۹	صحیفه امام	جنگ		
			سخنرانی در جمع اعضای شورای انقلاب	۶۴/۹/۱۹	۳۹۱
۴۴۴-۴۴۳	۱۹	صحیفه امام	فرهنگی		

۳۳۴ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			سخنرانی در جمع مسئولان کشور و میهمانان	۶۴/۱۱/۲۲	۳۹۲
۴۷۹-۴۷۸	۱۹	صحیفه امام	خارجی دهه فجر		
			سخنرانی در جمع میهمانان خارجی مراسم	۶۵/۱۱/۲۱	۳۹۳
۲۰۳	۲۰	صحیفه امام	«دهه فجر»		
۴۷۱	۲۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت	۶۶/۱۱/۲۱	۳۹۴
۴۰۲-۴۰۱	۲۱	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۳۹۵
۴۷۱	۵	صحیفه امام	مصاحبه با روزنامه «استریت تایمز»	۵۷/۱۰/۲۵	۳۹۶
۱۸۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نویسندگان	۵۷/۱۱/۲۹	۳۹۷
۳۳۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس قطر	۵۷/۱۲/۱۶	۳۹۸
۴۱۶	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع گروهی از اهالی تبریز	۵۸/۱/۷	۳۹۹
۴۷۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان اجرای رفراندوم در قم	۵۸/۱/۱۶	۴۰۰
۲۴-۲۳	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی	۵۸/۱/۲۶	۴۰۱
			سخنرانی در جمع روحانیون و پاسداران	۵۸/۳/۲۵	۴۰۲
۱۶۸-۱۶۷	۸	صحیفه امام	خراسان		
			سخنرانی در جمع پاسداران مسجد نبی اکرم	۵۸/۳/۲۸	۴۰۳
۲۰۳-۲۰۱	۸	صحیفه امام	تهران		
			سخنرانی در جمع نمایندگان مخابرات	۵۸/۴/۱۰	۴۰۴
۳۴۶	۸	صحیفه امام	بین شهری تهران		
			سخنرانی در جمع جامعه ورزشکاران باستانی	۵۸/۴/۱۲	۴۰۵
۳۷۴	۸	صحیفه امام	مشهد		
			سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل کمیته و	۵۸/۴/۱۵	۴۰۶
۴۸۴	۸	صحیفه امام	سپاه		
۸۹	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و فرماندهان	۵۸/۴/۲۴	۴۰۷
			سخنرانی در جمع افسران و درجه داران	۵۸/۴/۲۸	۴۰۸
۱۴۴-۱۴۳	۹	صحیفه امام	هوانیروز		

فهرست مأخذ □ ۳۳۵

۲۷۴	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأتی از مقامات سوریه	۵۸/۵/۲۴	۴۰۹
۳۰۸	۹	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان و مردم	۵۸/۵/۲۹	۴۱۰
۴۸-۴۷	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع عشایر آذربایجان شرقی	۵۸/۶/۲۸	۴۱۱
۸۰	۱۰	صحیفه امام	پیام به استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان	۵۸/۶/۳۱	۴۱۲
۲۰۰-۱۹۹	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت	۵۸/۷/۱۰	۴۱۳
۱۹۸-۱۹۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع شورای ۵ نفره صدا و سیما	۵۸/۹/۱۸	۴۱۴
۴۱۸	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع سفیران ممالک اسلامی	۵۸/۸/۱۰	۴۱۵
۳۶۹-۳۶۸	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان تبریز و تهران	۵۸/۱۰/۱	۴۱۶
۴۳۸-۴۳۷	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان شرکت نفت	۵۸/۱۰/۶	۴۱۷
			پیام رادیو-تلویزیونی به ملت ایران در آغاز سال نو	۵۸/۱۲/۲۹	۴۱۸
۱۹۷	۱۲	صحیفه امام	نو		
			سخنرانی در جمع مسئولان کشور و میهمانان خارجی دهه فجر	۶۴/۱۱/۲۲	۴۱۹
۴۷۹	۱۹	صحیفه امام	وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۴۲۰
۴۰۴	۲۱	صحیفه امام	پیام به نمایندگان مجلس خبرگان و مردم	۵۸/۵/۲۹	۴۲۱
۳۰۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۶۰/۳/۲۵	۴۲۲
۴۴۹-۴۴۸	۱۴	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۶۱/۳/۱۵	۴۲۳
۲۹۴	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان استان خراسان	۶۳/۶/۲۳	۴۲۴
۶۶	۱۹	صحیفه امام	نامه به رئیس جمهور لیبی		۴۲۵
۲۵۹	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۲	۴۲۶
۱۳۰	۴	صحیفه امام	سخنرانی در فرودگاه مهرآباد	۵۷/۱۱/۱۲	۴۲۷
۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی دریایی	۵۷/۱۱/۱۷	۴۲۸
۷۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع طبقات مختلف مردم	۵۷/۱۱/۱۷	۴۲۹
۸۶	۶	صحیفه امام	مصاحبه با حسنین هیکل نویسنده مصری درباره دخالت‌های امریکا	۵۸/۹/۲۸	۴۳۰
۳۲۲	۱۱	صحیفه امام	دخالت‌های امریکا		

۳۳۶ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۵۶-۳۵۵	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران قم	۵۸/۹/۲۹	۴۳۱
۵۳۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی	۵۸/۱۰/۱۲	۴۳۲
۳۱۳-۳۱۲	۱۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش	۶۱/۳/۲۲	۴۳۳
۳۴۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان	۶۴/۵/۲۵	۴۳۴
			پیام به ملت مسلمان ایران درباره وظایف اقشار	۵۷/۹/۱	۴۳۵
۷۸	۵	صحیفه امام	جامعه در آستانه ماه محرم		
۲۸۳	۵	صحیفه امام	پیام به ملت مسلمان ایران	۵۷/۱۰/۶	۴۳۶
			مصاحبه با روزنامه «لوتا کونتینوا» درباره	۵۷/۱۰/۱۹	۴۳۷
۴۰۷	۵	صحیفه امام	ویژگیهای حکومت اسلامی		
۲۹۸-۲۹۷	۱۱	صحیفه امام	مصاحبه با خبرنگاران خارجی	۵۸/۹/۲۶	۴۳۸
۳۱۴-۳۱۳	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اهالی جماران و شمیرانات	۵۹/۲/۲۹	۴۳۹
			سخنرانی در جمع مردم و دانشجویان ایرانی	۵۹/۶/۶	۴۴۰
۱۶۳	۱۳	صحیفه امام	مقیم هندوستان		
			پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در	۶۰/۱۲/۲۹	۴۴۱
۱۲۶-۱۲۵	۱۶	صحیفه امام	اروپا		
۴۸۶-۴۸۵	۱۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد یوم الله ۱۷ شهریور	۶۱/۶/۱۷	۴۴۲
			پیام به ملت ایران به مناسبت سالگرد قیام	۶۲/۳/۱۵	۴۴۳
۴۸۱-۴۸۰	۱۷	صحیفه امام	۱۵ خرداد		
			پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید	۶۳/۶/۴	۴۴۴
۲۷-۲۶	۱۹	صحیفه امام	قربان		
			سخنرانی در جمع اعضای جامعه مدرسین و	۶۴/۶/۵	۴۴۵
۳۵۷	۱۹	صحیفه امام	اساتید دانشگاه		
۳۲۷	۲۱	صحیفه امام	پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی	۶۸/۱/۲	۴۴۶
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۷/۲۹	۴۴۷
۹۴-۹۳	۴	صحیفه امام	مأموریت شاه از سوی امریکا		

فهرست مآخذ □ ۳۳۷

			مصاحبه با رادیو - تلویزیون اتریش دربارهٔ علت	۵۷/۸/۱۰	۴۴۸
۲۴۴	۴	صحیفه امام	ترک عراق		
			مصاحبه با نشریهٔ «اونیتا» دربارهٔ اسلام و مدرنیته	۵۷/۹/۲۳	۴۴۹
۲۳۲-۲۳۱	۵	صحیفه امام	کردن ایران		
			مصاحبه با روزنامهٔ «اکسپرس» دربارهٔ برنامهٔ	۵۷/۱۰/۱۳	۴۵۰
۳۳۴	۵	صحیفه امام	دولت در جمهوری اسلامی		
۴۲۷	۵	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۷/۱۰/۲۲	۴۵۱
۷۹	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع صادرکنندگان خشکبار	۵۷/۱۱/۱۷	۴۵۲
۱۸۸	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع نویسندگان	۵۷/۱۱/۲۹	۴۵۳
۵۱۸	۶	صحیفه امام	پیام به ملت ایران	۵۸/۱/۲۱	۴۵۴
			سخنرانی در جمع دانشجویان و کارکنان	۵۸/۳/۶	۴۵۵
۵۲۲-۵۲۱	۷	صحیفه امام	مخابرات		
۱۷۵	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی	۵۸/۳/۲۵	۴۵۶
۱۸۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع جامعهٔ وعاظ تهران	۵۸/۳/۲۷	۴۵۷
۱۸۳	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم	۵۸/۳/۲۶	۴۵۸
			پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران دربارهٔ	۵۸/۳/۲۶	۴۵۹
۱۷۹	۸	صحیفه امام	تشکیل جهاد سازندگی		
۱۹۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای انجمن ندای اسلام قم	۵۸/۳/۲۸	۴۶۰
			سخنرانی در جمع هیأت محاسبات وزارت	۵۸/۴/۱۰	۴۶۱
۳۵۲-۳۴۸	۸	صحیفه امام	دارایی		
۴۹۸	۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان اصفهان	۵۸/۶/۲۲	۴۶۲
			سخنرانی در جمع شهردار و کارکنان شهرداری	۵۸/۸/۲	۴۶۳
۳۳۲	۱۰	صحیفه امام	قائم شهر		
۴۵۵	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران و اهالی قزوین	۵۸/۸/۱۲	۴۶۴
۵۲۲	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۴۶۵

۳۳۸ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۴۷	۱۲	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی	۵۹/۳/۲۷	۴۶۶
۱۹۶-۱۹۵	۱۳	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت	۵۹/۶/۲۰	۴۶۷
			سخنرانی در جمع ائمه جمعه اصفهان و	۶۰/۱۰/۳۰	۴۶۸
۵۱۱-۵۱۰	۱۵	صحیفه امام	چهارمحال بختیاری		
			سخنرانی در جمع مسئولان و اعضای قوای	۶۰/۱۱/۱۹	۴۶۹
۲۴-۲۳	۱۶	صحیفه امام	مقننه و مجریه		
۲۳۵	۱۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع	۶۱/۱۰/۲۶	۴۷۰
			سخنرانی در جمع فرمانداران، بخشداران و	۶۲/۱۰/۱۳	۴۷۱
۲۸۰	۱۸	صحیفه امام	اعضای شوراهای روستایی		
			سخنرانی در جمع اعضای شوراهای محلی	۶۲/۱۱/۱۱	۴۷۲
۳۰۸	۱۸	صحیفه امام	توزیع کالا در تهران		
۱۵۸	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۴۷۳
			سخنرانی در جمع دانشجویان و منشأ مفاسد	۵۷/۷/۱۷	۴۷۴
۴۹۸	۳	صحیفه امام	دانستن رژیم		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۷/۲۹	۴۷۵
۹۲	۴	صحیفه امام	مأموریت شاه از سوی امریکا		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۹	۴۷۶
۲۳۸-۲۳۷	۴	صحیفه امام	حفظ وحدت و اجتناب از اختلاف		
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۸/۱۴	۴۷۷
۳۳۰	۴	صحیفه امام	حیاتبخش بودن آیین اسلام		
۳۷۲	۴	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج	۵۷/۸/۱۶	۴۷۸
			سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره	۵۷/۱۰/۳	۴۷۹
۲۸۱-۲۸۰	۵	صحیفه امام	ضرورت حفظ وحدت		
۳۷۲	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان مخابرات	۵۷/۱۲/۲۲	۴۸۰
۳۶۳-۳۶۱	۶	صحیفه امام	سخنرانی برای اقشار مختلف مردم در قم	۵۷/۱۲/۱۸	۴۸۱

فهرست مأخذ □ ۳۳۹

۳۹۴-۳۹۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت	۵۷/۱۲/۲۹	۴۸۲
۴۲۵	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پزشکان قم	۵۸/۱/۸	۴۸۳
۴۷۴-۴۷۳	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مدیران دبیرستانهای قم	۵۸/۱/۱۵	۴۸۴
۴۹۷	۶	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مردم قم و تأکید بر الهی بودن تحول در ملت	۵۸/۱/۱۷	۴۸۵
۱۸	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و پاسداران	۵۸/۱/۲۵	۴۸۶
۳۰-۲۹	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران تهران	۵۸/۱/۲۷	۴۸۷
۵۱۶	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دانشجویان و کارکنان مخابرات	۵۸/۳/۶	۴۸۸
۵۳۸	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع بانوان شاغل در مؤسسه کیهان	۵۸/۳/۸	۴۸۹
۵۴۰	۷	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و گروهی از مردم یزد	۵۸/۳/۸	۴۹۰
۱	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون، پاسداران و اهالی کرج	۵۸/۳/۸	۴۹۱
۱۶۸	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع روحانیون و پاسداران	۵۸/۳/۲۵	۴۹۲
۱۹۸-۱۹۷	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اعضای انجمن ندای اسلام قم	۵۸/۳/۲۸	۴۹۳
۳۶۰-۳۵۹	۸	صحیفه امام	سخنرانی در جمع دختران دانشجوی دانشگاه دماوند	۵۸/۴/۱۱	۴۹۴
۳۵۱	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع پاسداران بابل	۵۸/۸/۳	۴۹۵
۴۵۲-۴۵۱	۱۰	صحیفه امام	سخنرانی در جمع ورزشکاران و اهالی قزوین	۵۸/۸/۱۲	۴۹۶
۳۶۳	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم	۵۸/۹/۳۰	۴۹۷
۴۳۴	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع کارکنان شرکت نفت	۵۸/۱۰/۶	۴۹۸
۵۲۲-۵۲۱	۱۱	صحیفه امام	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و امدادگران	۵۸/۱۰/۱۱	۴۹۹

۳۴۰ □ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)

			بیانات در جمع مسئولان اطلاعات و تحقیقات	۵۹/۴/۱	۵۰۰
۴۵۴	۱۲	صحیفه امام	سپاه		
			سخنرانی در جمع فارغ‌التحصیلان دانشکده	۵۹/۱۱/۲۴	۵۰۱
۸۹-۸۸	۱۴	صحیفه امام	افسری		
			سخنرانی در جمع مسئولان و اعضای قوای	۶۰/۱۱/۱۹	۵۰۲
۲۳	۱۶	صحیفه امام	مقننه و مجریه		
			پیام به ملت ایران و نیروهای نظامی به مناسبت	۶۱/۱/۲۹	۵۰۳
۲۰۲	۱۶	صحیفه امام	روز ارتش		
			پیام به ملت ایران به مناسبت استقرار نظام	۶۲/۱/۱۲	۵۰۴
۳۹۳	۱۷	صحیفه امام	جمهوری اسلامی		
			سخنرانی در جمع فقها و حقوقدانان شورای	۶۳/۶/۱۱	۵۰۵
۴۳	۱۹	صحیفه امام	نگهبان		
۶۷-۶۶	۱۹	صحیفه امام	سخنرانی در جمع مسئولان استان خراسان	۶۳/۶/۲۳	۵۰۶
۱۵۱	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۵۰۷
۱۶۰	۱۹	صحیفه امام	پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب	۶۳/۱۱/۲۲	۵۰۸
۳۲۶	۲۱	صحیفه امام	پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی	۶۸/۱/۲	۵۰۹

فهرست منابع

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (گردآورنده): صحیفه امام؛ ۲۲ ج، چ ۲، تهران: ۱۳۷۹.

خمینی، روح الله؛ ولایت فقیه؛ چ ۱۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران: ۱۳۸۱.

خمینی، روح الله؛ چهل حدیث؛ چ ۳۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران: ۱۳۸۴.